

فراموش شده: حقوق قربانیان پس از چندین دهه
منازعات مسلحانه در افغانستان
سپتمبر ۲۰۲۶



فهرست عناوین

۴	خلاصه گزارش
۴	معرفی
۵	صدای قربانیان
۷	دیدگاه مقامات/دوره حاکم
۷	دیدگاه سازمان های غیر-دولتی
۸	پیشنهادهای
۱۰	بخش ۱: معرفی
۱۰	الف. درباره این گزارش
۱۱	ب. وضعیت و پس منظر
۲۲	ج. روش تحقیق
۲۳	بخش ۲: جارجوب حقوقی
۲۵	تعهدات تحقیق و تعقیب
۲۵	جبران خساره
۲۵	شناسایی افراد مفقود
۲۶	حق دسترسی به حقیقت
۲۶	تضمین عدم تکرار
۲۷	حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۲۸	حقوق افراد دارای معلولیت
۲۹	بخش ۳: تأثیرات منازعه بر قربانیان
۳۱	الف. تأثیرات فیزیکی
۳۵	ب. تأثیرات عاطفی و روانی
۳۹	ج. تأثیرات مالی
۴۵	د. تأثیرات اجتماعی
۵۰	بخش ۴: تلاشهای قربانیان برای دریافت جبران خسارت یا مساعدت
۵۱	الف: موانع سد راه ثبت شکایات یا ادعاها
۵۵	ب: شکایات و ادعاهای ناموفق
۶۰	ج: انواع جبران های درخواست و دریافت شده
۶۷	بخش ۵: رسیدگی به نیازمندی های قربانیان
۶۷	الف: غرامت مالی
۷۰	ب: عدالت
۷۱	ج: تلاشها برای جلوگیری از تکرار
۷۲	د. دسترسی به خدمات

ه: اعتراف و عذرخواهی.....	۷۳
و: دسترسی به معلومات.....	۷۳
ز: سایر نیازها	۷۳
بخش ۶: ناپدید سازی اجباری.....	۷۵
الف. تأثیر بر خانواده های قربانیان.....	۷۶
ب. تلاش ها برای یافتن بستگان مفقود شده	۷۷
ج. درخواست های خانواده‌ها برای حقیقت و پاسخگویی	۷۸
بخش ۷: دیدگاه های مقامات /داره حاکم.....	۷۹
الف. پاسخ های ارائه شده توسط نهادهای /داره حاکم در سطح ولایتی.....	۷۹
ب. کمبودی ها در حمایت از قربانیان و جوامعی که از منازعات مسلحانه آسیب دیده اند	۸۰
بخش ۸: دیدگاه‌های سازمان های غیردولتی.....	۸۲
الف. تأثیر درگیری های مسلحانه	۸۲
ب. کمبودی ها در حمایت از قربانیان و جوامعی که از درگیری های مسلحانه آسیب دیده اند	۸۳
بخش ۹: نتیجه گیری	۸۵
تأثیر منازعه بر مردم ملکی	۸۵
تلاش های قربانیان برای دست یافتن به جبران خسارت.....	۸۵
رسیدگی به نیازهای قربانیان.....	۸۷
اشکال فعلی حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه.....	۸۷
بخش ۱۰: توصیه ها	۸۷
مشورت	۸۸
جستجوی حقیقت	۸۸
جبران خسارت	۸۸
تضمین عدم تکرار.....	۸۹
تعهدات برای تحقیق و تعقیب قضایی	۹۰
ناپدید سازی اجباری	۹۰
رسیدگی به نیاز های قربانیان.....	۹۰
رسیدگی به نیازهای خاص افراد دارای معلولیت متأثر از منازعات مسلحانه	۹۱
رسیدگی به نیازهای خاص زنان و دختران متأثر از منازعات مسلحانه	۹۱
ضمیمه الف: تفکیک مصاحبه شوندگان بر اساس جمعیت	۹۳
ضمیمه ب: نظریات دریافت شده از وزارت امور خارجه /داره حاکم.....	۹۶
ضمیمه پ: فهرست مصاحبه‌ها و واقعات	۱۰۴

خلاصه گزارش

این گزارش یافته‌های تحقیقی را که در سال ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ توسط بخش حقوق بشر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) برای دانستن تجارب و نیازمندی‌های قربانیان منازعات مسلحانه در افغانستان انجام شده است، ارائه می‌نماید. این گزارش عمدتاً بر دوره‌ای از زمان مداخله نظامی به رهبری ایالات متحده در ۲۰۰۱ الی زمان تسلط طالبان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ متمرکز دارد. این گزارش بر اساس مصاحبه با ۱۹۵ قربانی منازعات مسلحانه و اقارب آنها، ۲۳ سازمان غیر-دولتی که در راستای رسیدگی به نیازهای قربانیان منازعات مسلحانه فعالیت می‌کنند و ۲۳ مقام/دره حاکم تهیه شده است.

این گزارش مطابق با مأموریت یوناما، که از شورای امنیت سازمان ملل^۱ دریافت شده است، انجام شده و علاوه بر ترویج و حمایت از حقوق بشر، شامل ترویج حکومتداری مسئولانه و حاکمیت قانون، از جمله عدالت انتقالی، و ارائه حمایت برای حقوق قربانیان نیز می‌شود.

معرفی

افغان‌ها دهه‌ها منازعه که کشورشان را متاثر می‌سازد، را پرداخته‌اند. قربانیان این منازعات، عمدتاً بدون عدالت، جبران خساره یا حتی هیچ نوع رسمیت شناختن آنچه بر آنها گذشته است، رها شده‌اند تا با پیامدهای آن مواجه شوند.

از جنوری ۲۰۰۹ الی تسلط طالبان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱، یوناما تلفات ملکی بیش از ۴۰،۰۰۰ کشته شده و ۷۷،۰۰۰ زخمی را در نتیجه منازعات مسلحانه مستند نمود. قربانیان گزارش داده‌اند که کار اندکی برای تامین حقوق آنها پس از وقوع رویدادها انجام شده است.^۲ تلاش‌ها در سطوح داخلی و بین‌المللی برای پاسخگو ساختن عاملان، محدود بوده و با موانع متعددی مواجه شده‌اند.

دولت‌ها بر اساس قواعد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مکلفیت دارند تا از تحقیق و پیگرد تخطی‌ها، جبران خساره برای قربانیان و جلوگیری از تکرار تخطی‌ها اطمینان حاصل کنند.^۳

مقامات/دره حاکم منحنی متولی کنونی تعهدات بین‌المللی حقوق بشری افغانستان، همچنان مسوولیت دارند تا تحقق تدریجی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم را تامین نموده، از حقوق افراد دارای معلولیت حفاظت نموده، و برابری و عدم تبعیض برای همه را تامین کنند.

^۱ قطعنامه شماره ۲۶۲۶ (۲۰۲۲) شورای امنیت سازمان ملل، که توسط قطعنامه ۲۷۷۷ (۲۰۲۵) تمدید شده است.

^۲ یوناما از سال ۲۰۰۹ شروع به ثبت سیستماتیک تلفات ملکی ناشی از منازعات مسلحانه نمود.

^۳ یوناما و کمیشنری عالی حقوق بشر ملل متحد، افغانستان: محافظت از غیرنظامیان در منازعات مسلحانه - گزارش سالانه ۲۰۲۰ (فبروری ۲۰۲۱)، قابل دسترس در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

^۴ مطالعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، قواعد ۱۵۸، ۱۵۰

- بیشتر از نیم مصاحبه شوندهگان (۵۸ فیصد) گفتند که آنها آسیب جسمی را در نتیجه رویداد ها تجربه کرده اند.^۶ در بیشتر موارد، این آسیب جسمی برای ماه ها، سال ها یا حتی دهه ها پس از وقوع رویداد بر زندگی آنها تأثیر گذاشته است. قربانیان به زندگی کردن با درد مزمن ادامه می دهند و نیازهای مداوم صحت دارند که به گفته آنها به دلیل موانع مالی و/یا کمبود خدمات صحت در افغانستان تأمین آنها دشوار است. برخی، در نتیجه زخمی شدن، دچار معلولیت های شده اند که مانع ادامه تحصیل و کارشان شده است. در برخی موارد، اعضای خانواده مجبور شده اند کار یا تحصیل خود را رها کنند تا از بستگان آسیب دیده خود مراقب کنند.
- تقریباً همه مصاحبه شوندهگان (۹۵ فیصد) گفتند که آنها در نتیجه آنچه بر سرشان آمده، دچار آسیب های عاطفی و/یا روانی شده اند. آنها علایمی مانند از دست دادن حافظه، یادآوری های مکرر خاطرات، افسردگی و اضطراب را گزارش دادند. برخی از مصاحبه شوندهگان گفتند پس از از دست دادن اعضای خانواده های خود، به خودکشی نیز فکر کرده بودند.
- اکثریت قریب به اتفاق مصاحبه شوندهگان (۸۴ فیصد) متحمل خسارات مالی در نتیجه این رویداد ها شده اند. این خسارات شامل هزینه های بود که برای مراقبت صحت، مراسم تکفین جنازه و بازسازی خانه ها و کاروبار شان پرداخت کرده بودند. بسیاری از مصاحبه شوندهگان همچنان گزارش دادند که به دلیل جراحات خود یا به دلیل مراقب از اعضای خانواده زخمی، قادر به کار نبودند و در نتیجه، درآمد خود را از دست دادند. بعضی مصاحبه شوندهگان گفتند به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه تعمیرات، در ویرانه ای خانه های که بر اثر حملات هوایی یا گلوله باری ویران شده بود، زندگی می کنند. زنانی که شوهران شان در منازعات کشته شده بودند مشخصاً وضعیت مالی بحرانی را گزارش دادند. در چندین مورد، مردانی که در منازعه کشته شده بودند، تنها نان آور خانواده بودند و زنان باقیمانده خانواده به دلیل محدودیت های که از سوی مقامات/د/ره حاکم تحمیل شده و مانع از کارشان می شود، قادر به درآمد نیستند.^۷ شمار زیادی از مصاحبه شوندهگان گفتند که دشواری های مالی که پس از واقعات تجربه کردند، آنان را مجبور ساخت تا فرزندان خود را از مکتب بیرون آورده و برای کمک به خانواده، به کار بفرستند.
- تقریباً نیم مصاحبه شوندهگان (۴۵ فیصد) گفتند که رویدادها بر روابط اجتماعی آنها، خانواده های شان و جوامع گسترده تر تأثیر گذاشته است. افراد زیادی گفتند که از گردهمایی یا موقعیت های اجتماعی که یادآور خاطرات دردناک آنچه بر آنان گذشته است می باشد، پرهیز می کنند. مصاحبه شوندهگان درباره بدنای و شرمی که با معلولیت در جوامع شان همراه است صحبت کردند زیرا افرادی دارای معلولیت به عنوان انسان های ضعیف یا ناتوان از تأمین خانواده تلقی می شوند. زنانی که شوهران شان کشته شده بودند گفتند که آنها نیز به دلیل بیوه بودن بدنای را تجربه می کنند. آنها همچنان گفتند که نداشتن شوهر آنها را در برابر خشونت از سوی سایر اعضای خانواده در معرض خطر بیشتری قرار می دهد.

^۵ در این گزارش، قربانیان به افرادی اطلاق می گردد که بطور انفرادی یا جمعی از طریق انجام یا امتناع از اعمال که نقض فاحش قواعد بین المللی حقوق بشر، ویا نقض جدی حقوق بشردوستانه بین المللی به حساب می آیند، آسیب دیده باشند، از جمله آسیب جسمی یا روانی، رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا نقض جدی حقوق اساسی آنان. حسب لزوم، اصطلاح «قربانی» همچنان مشمول اعضای نزدیک خانواده ویا بستگان قربانی مستقیم می شود که در کمک به قربانیان در معرض خطر یا جلوگیری از قربانی شدن، آسیب دیده اند. این تعریف با تعریف «قربانی» مندرج در ماده ۸ اصول و رهنمودهای اساسی در زمینه حق دریافت جبران خسارت و غرامت برای قربانیان نقض فاحش قواعد حقوق بشر بین المللی و نقض جدی حقوق بین المللی بشردوستانه صدق می کند که در ۲۰۰۵ توسط مجمع عموم ملل متحد تصویب گردید.

^۶ تعدادی از مصاحبه با اعضای خانواده قربانیانی که کشته شده بودند ویا بطور اجباری ناپدید شده بودند صورت گرفته است. بنابراین، تأثیرات بدنی توسط مصاحبه شوندهگان تجربه نگردیده بود.

^۷ برای محدودیت های اعمال شده توسط مقامات/د/ره حاکم، مراجعه کنید به: یوناما، گزارش تازه وضعیت حقوق بشری در افغانستان: اکتبر-دسمبر ۲۰۲۴ (۲۷ جنوری ۲۰۲۵)، ضمیمه: جدول زمانی تصامیم مقامات/د/ره حاکم که بالای زنان و دختران تأثیر می گذارد. قابل دسترس در:

تلاش های قربانیان برای دریافت جبران خساره

- اکثریت افراد مصاحبه شده برای این گزارش (۵۵ فیصد) تلاشی برای درج شکایت، احقاق عدالت، دریافت غرامت و یا کمک برای آنچه که برای شان اتفاق افتاده بود نکرده بودند. این عدم انجام عمل عمدتاً در باور آنها که مشکلات آنها جدی گرفته نخواهد شد یا به صورت بی طرفانه یا شفاف رسیدگی نخواهد گردید و یا ترس از انتقام جویی، ریشه دارد. بسیاری از مصاحبه شوندهگان همچنان گفتند که اصلاً نمی دانستند کجا یا چگونه باید برای جبران خسارت اقدام کنند.
- بیش از نیمی از مصاحبه شوندهگان که به دنبال دریافت نوعی جبران یا کمک بودند (۶۴ فیصد) گفتند که تلاش هایشان بی نتیجه بوده است. کسانی که تلاش هایشان ناکام مانده بود، اظهار داشتند که هیچ پاسخی دریافت نکرده اند، درخواست شان رد شده یا با موانع اداری و کاغذ-پرانی رو به رو شده اند. بعضی نیز ادعای فساد و/یا تبعیض از سوی افرادی را داشتند که نزد آنان شکایت کرده بودند. مصاحبه شوندهگان برای دادخواهی به نهاد های مختلفی مراجعه کرده بودند، از جمله: والیان، پولیس، ریاست امور شهدا و معلولین و سایر نهاد های دولتی^۸، طالبان (قبل از تصرف افغانستان) و مقامات/دوره حاکم (بعد از تصرف افغانستان). اکثریت مصاحبه شوندهگان که تلاش کرده بودند از طریق روندهای رسمی عدلی و قضایی پاسخ گوئی را دنبال کنند، ناکام ماندند. آنان دلیل این ناکامی را بی عملی و/یا رد درخواست از سوی مقاماتی دانستند که به آنان مراجعه کرده بودند – چه حکومت پیشین و چه مقامات/دوره حاکم.
- رایج ترین پاسخ به شکایات، کمک های مالی آنی بود. میزان کمک بسیار متفاوت بود و از ۶۷ دالر امریکایی تا بیش از ۹۰،۰۰۰ دالر امریکایی که از سوی نهاد های مختلف دولتی و در برخی موارد از سوی نیروهای نظامی بین المللی پرداخت می شد. بسیاری از مصاحبه شوندهگان گفتند مبلغ دریافت شده برای جبران خسارات مالی ناشی از رویداد ها کافی نبوده است. برخی از مصاحبه شوندهگان نیز به دلیل جراحت خود یا کشته شدن یکی از بستگان شان، تقاعد دریافت می کردند.
- اکثر مصاحبه شوندهگان هیچ گونه اطلاعاتی در مورد رویداد دریافت نکرده بودند. با این حال، شمار اندکی از آنان تایید یا عذرخواهی از نهادهای متفاوت دریافت کرده بودند، از جمله: دفتر رئیس جمهور، طالبان، والیان و ولسوالان، نیروهای امنیتی از جمله نیروهای نظامی بین المللی.

رسیدگی به نیازهای قربانیان

- اولویت های قربانیان قرار ذیل بودند: غرامت مالی (۸۱ فیصد از مصاحبه شوندهگان)، دسترسی به عدالت (۴۸ فیصد) و تلاش برای جلوگیری از تکرار (۴۷ فیصد). کسانی که غرامت مالی را به عنوان بزرگترین نگرانی خود مطرح کرده بودند، گفتند که از این پول برای جبران آسیب های ناشی از رویداد ها استفاده می کردند، از جمله برای: پرداخت هزینه های درمان، بازسازی یا ترمیم املاک تخریب شده، جبران از دست دادن درآمد به دلیل مرگ یا معلولیت و پرداخت قرض های باقی مانده. مصاحبه شوندهگانی که دسترسی به عدالت را اولویت دانسته بودند نیز اغلب بی اعتمادی خود را نسبت به روندهای رسمی عدلی و قضایی ابراز می کردند.
- فقط ۱۸ فیصد از قربانیان گفتند که عذرخواهی برای آنها مهم بود. رایج ترین پاسخ این بود که عذرخواهی هیچ چیزی را تغییر نمی دهد و نمی تواند عزیزان از دست رفته شان را بازگرداند.

^۸ لیست فوق الذکر نهاد های دولتی به دولت پیشین جمهوری اسلامی افغانستان راجع می گردد.

دیدگاه مقامات/اداره حاکم

- یوناما با ۲۳ مقام/اداره حاکم از ریاست های کار و امور اجتماعی/اداره حاکم، ریاست های امور شهدا و معلولین/اداره حاکم، ریاست های صحت عامه/اداره حاکم و دفاتر والیان/اداره حاکم درباره خدماتی که توسط ادارات مربوطه آنها برای قربانیان منازعات مسلحانه فراهم می گردد، مصاحبه نمود.
- تمامی مصاحبه شوندگان ریاست های امور شهدا و معلولین گفتند که آنها نوعی تقاعد یا پرداخت، را برای قربانیان منازعات مسلحانه و اقارب آنها فراهم می نمایند. سایر مقامات/اداره حاکم همچنان درباره خدمات صحتی، یتیم خانه و فراهم سازی حمایت های هدفمند برای افراد دارای معلولیت، صحبت نمودند.
- از مقامات/اداره حاکم مصاحبه شده پرسیده شد که به نظر آنها اولویت های نیازهای قربانیان و جوامعی که از منازعه مسلحانه آسیب دیده اند چیست. رایج ترین مانع در ارایه حمایت به قربانیان، محدودیت های مالی از سوی آنان عنوان شد، به طوری که مصاحبه شوندگان اظهار داشتند منابع موجود اغلب برای برآورده کردن حق نیازهای اساسی قربانیان و خانواده های شان کافی نیست.
- مقامات/اداره حاکم همچنان شماری از اولویت های که توسط قربانیان مطرح شده بود را نیز خاطر نشان ساختند، از جمله: اهمیت رسیدگی به نیازهای خاص افراد دارای معلولیت؛ ضرورت به فرصت های مسلکی و معیشتی برای قربانیان منازعات مسلحانه؛ کمبودی های موجود در خدمات صحتی برای قربانیان منازعات مسلحانه، به طوری که بسیاری از مصاحبه شوندگان ضرورت به حمایت روانی-اجتماعی را یادآور شدند؛ نیازهای بشری قربانیان، مانند سرپناه و غذا؛ نیازهای خاص زنان بیوه و خانواده های تحت سرپرستی زنان، از جمله چالش های که آنها در حمایت از خانواده های شان مواجه اند؛ اهمیت تضمین دسترسی اطفال به آموزش؛ و ضرورت به دسترسی به عدالت، عذرخواهی یا اعتراف به آسیب به قربانیان.

دیدگاه سازمان های غیر-دولتی

- یوناما با ۲۳ سازمان غیر-دولتی که برای قربانیان منازعات مسلحانه در بخش های مختلف، از جمله کمک نقدی، آموزش و تریننگ مسلکی، صحت، ماین روی و غیره، کمک فراهم می نمایند، مصاحبه نمود.
- سازمان های غیردولتی که مصاحبه شدند انواع گوناگون حمایت به قربانیان را فراهم می نمایند، از جمله: کمک نقدی، آموزش و تریننگ مسلکی، صحت و ماین روی. آنها مجموعه ای از مشکلات، از جمله: تأثیرات جسمی و ذهنی منازعات مسلحانه بر قربانیان، شیوع معلولیت های جسمی در میان قربانیان منازعات مسلحانه، تخریب زیرساخت ها و خطرات ناشی از بقایای مواد منفجره جنگ و وسایل منفجره تعبیه شده رها شده، را خاطر نشان ساختند.
- همانند مقامات/اداره حاکم، سازمان های غیردولتی گفتند که محدودیت های مالی بزرگترین مانع در راستای فراهم کردن حمایت برای قربانیان می باشد. آنها خاطر نشان کردند که کمبود منابع توانایی آنها در برآورده کردن نیازهای جوامع را محدود می کند و خواستار بودیجه اضافی از سوی تمویل کنندگان شدند.
- چندین سازمان غیردولتی درباره دخالت مقامات/اداره حاکم که بر توانایی آنها در ارایه خدمات تأثیر می گذارد، صحبت کردند. مصاحبه شوندگان گفتند محدودیت هایی که مقامات/اداره حاکم بر زنان و دختران اعمال می کنند، اغلب مانع دسترسی زنان و دختران به حمایت یا کمکی می شود که سازمان های آنها ارایه می کند.
- بیشتر مصاحبه شوندگان درباره ضرورت به فرصت های معیشتی، اشتغال زایی و سایر حمایت های مالی برای قربانیان منازعات مسلحانه صحبت کردند. آنها گفتند که زنان بیوه و افراد دارای معلولیت که برای پیدا نمودن وظیفه دست و پنجه نرم می کنند، نیازمند حمایت خاص می باشند.

پیشنهادات

۱. مقامات/د/ره حاکم افغانستان باید با قربانیان منازعات مسلحانه درباره نیازهای آنان مشورت کنند و بر اساس این مشورت ها، برنامه های جامع برای جبران خسارت و سایر حمایت ها برای قربانیان تدوین نمایند. مشورت ها باید فراگیر، متوازن از نظر جنسیتی باشند و ایمنی، امنیت و محرمیت تمامی شرکت کنندگان را حفظ کنند.
۲. مقامات/د/ره حاکم باید بازنگری کامل از ظرفیت های سازمانی موجود برای ارایه جبران به قربانیان نقض حقوق بین الملل هنگام انجام دهند، از جمله با شناسایی کمبودها در چارچوب حقوقی و سازمانی.
۳. مقامات/د/ره حاکم افغانستان باید مکانیزمی ایجاد کنند که از طریق آن قربانیان، اقارب آنها و عموم مردم بتوانند اطلاعات دریافت نموده و درباره تخطی ها آگاهی حاصل کنند.
۴. بر اساس مشورت با قربانیان، مقامات/د/ره حاکم افغانستان باید برنامه های جامع برای جبران خسارت و حمایت از قربانیان تدوین کنند.
۵. مقامات/د/ره حاکم باید در ایجاد برنامه های جبران خسارت و حمایت از قربانیان، تلاش کنند با طرف های سابق دخیل در جنگ افغانستان که آنان نیز در قبال قربانیان مسوولیت دارند، همکاری نمایند.
۶. دولت های عضو باید کمک های مالی به افغانستان را اختصاص دهند که بر اساس نیازها و اولویت های قربانیان منازعات مسلحانه تعیین شده باشد.
۷. مقامات/د/ره حاکم باید روند بررسی را مطابق با معیار ها و موازین بین المللی به کار گیرند – تا عاملان نقض قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه را از صفوف نیروهای امنیتی برکنار سازند.
۸. مقامات/د/ره حاکم باید برای نیروهای امنیتی، از جمله کارکنان نهادهای تطبیق قانون، در زمینه قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه، آموزش فراهم نمایند.
۹. مقامات/د/ره حاکم باید اطمینان حاصل کنند که افغانستان تعهدات خود را طبق قواعد بین المللی حقوق بشر رعایت می کند؛ از طریق اتخاذ تدابیری برای احترام، حفاظت و تحقق حقوق بشر، از جمله توسط:
 - الف. لغو فرامین و احکام تبعیض آمیزی که حقوق بشری و آزادی های اساسی زنان و دختران را محدود می سازند، فراهم کردن دسترسی آنان به آموزش ثانوی و عالی و کار، احترام به گشت و گذار آنان و متوقف ساختن مداخله در سایر ابعاد زندگی روزمره شان؛
 - ب. اطمینان از این که قوانین، پالیسی ها، فرامین و سایر دستورالعمل های صادر شده توسط مقامات/د/ره حاکم با قواعد بین المللی حقوق بشر مطابقت داشته باشند؛
 - ج. اتخاذ تدابیر فوری حقوقی، پالیسی و عملی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر، مشخصاً قتل های غیرقانونی، دستگیری و بازداشت های خودسرانه و شکنجه و بدرفتاری، و اطمینان از پاسخ گویی – در مطابقت با موازین و معیارهای حقوق بین المللی بشر – هنگامی که نقض ها اتفاق می افتند.
۱۰. مقامات/د/ره حاکم و تمامی طرف های پیشین دخیل در منازعه باید اقدامات عاجل برای رفع خطر ناشی از مهمات منفجر نشده و رها شده انجام دهند، از جمله از طریق تلاش های ماین روبی و آگاهی عامه و کمپاین های آموزشی برای آگاه سازی جوامع از خطرات.
۱۱. مقامات/د/ره حاکم باید میکانیزم های را برای دریافت و تحقیق ادعاهای مربوط به نقض قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه در جریان منازعات مسلحانه در افغانستان ایجاد کنند.
۱۲. تمامی دولت های عضو که نیروهای نظامی شان در افغانستان حضور داشتند، باید اطمینان حاصل کنند که تحقیق و پیگرد قضایی مستقل در مورد ادعاهای نقض قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه که توسط کارکنان شان در افغانستان انجام شده است، مطابق با معیارهای بین المللی صورت گیرد.

۱۳. مقامات/داره حاکم باید اعلان نماید که به اجرای تعهدات مندرج در کنوانسیون بین المللی محافظت از اشخاص در برابر ناپدیدشدن اجباری متعهد می باشد.
۱۴. مقامات/داره حاکم باید میکانیزم های برای دریافت و تحقیق ادعاهای ناپدیدشدن اجباری ایجاد کنند تا خانواده ها بتوانند از سرنوشت و مکان عزیزان خود مطلع شوند، نیازهای شان برطرف گردد و به آنان جبران خساره ارایه شود.
۱۵. تمامی طرف های دخیل در منازعه مسلحانه باید هرگونه مدارک یا اطلاعات درباره مکان افراد مفقود شده (چه زنده و چه فوت شده) را قابل دسترس بسازند.
۱۶. مقامات/داره حاکم افغانستان باید از طریق وزارت امور شهدا و معلولین/داره حاکم، یک ارزیابی جامع انجام دهد تا نوع حمایت های موجود فعلی برای قربانیان منازعات مسلحانه را شناسایی کند.
۱۷. مقامات/داره حاکم افغانستان باید از طریق وزارت امور شهدا و معلولین/داره حاکم با قربانیان منازعات مسلحانه مشورت کند تا خدمات مورد نیاز آنان را شناسایی کند. این مشورت ها باید فراگیر، متوازن از نظر جنسیتی و غیرتبعیض آمیز باشد و ایمنی، امنیت و محرمیت همه شرکت کنندگان را تضمین کند.
۱۸. مقامات/داره حاکم باید منابع و معلومات درباره خدمات موجود برای قربانیان منازعات مسلحانه ترتیب دهند و این معلومات را بطور گسترده و مساویانه میان جوامع پخش نمایند.
۱۹. مقامات/داره حاکم باید کمپاین های آگاهی دهی عامه و فعالیت های که هدف آن افزایش فهم حقوق افراد دارای معلولیت و مقابله با نگرش ها و کلیشه های منفی نسبت به افراد دارای معلولیت در جامعه باشد، را طراحی کنند.
۲۰. مقامات/داره حاکم باید گام ها را برای اطمینان از شمولیت افراد دارای معلولیت در بازار کار اتخاذ نمایند، از جمله توسط: منع تبعیض بر اساس معلولیت در تمام امور مرتبط به تمامی انواع استخدام؛ استخدام افراد دارای معلولیت در سکتور عامه و اطمینان از این که افراد دارای معلولیت به برنامه های تخنیکی و تعلیمات مسلکی و برنامه های آموزشی دسترسی دارند.
۲۱. مقامات/داره حاکم باید گام های را برای اطمینان از شمولیت زنان در بازار کار بردارند، از جمله از طریق: منع تبعیض بر اساس جنسیت و جنس مرتبط به تمامی انواع استخدام و اطمینان از دسترسی زنان به دانشگاه ها، و برنامه های آموزشی، تخنیکی و آموزش مسلکی.
۲۲. مقامات/داره حاکم باید محدودیت های که توانایی زنان را برای مشارکت در بازار کار محدود می سازد، لغو نمایند، به ویژه: الف. منع آموزش برای زنان و دختران بالاتر از صنف ششم، و تحصیل زنان در موسسات طبی؛ ب. شرط داشتن محرم برای زنان در سفر به مسافت بیش از ۷۸ کیلومتر؛ ج. منع اشتغال زنان، از جمله در سازمان های غیر-دولتی و در بیشتر بخش های خدمات ملکی.

بخش ۱: معرفی

الف. درباره این گزارش

این گزارش یافته‌های تحقیقی را که در سال ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ توسط بخش حقوق بشر هیئت معاونت سازمان ملل در افغانستان (یوناما) برای دانستن تجارب و نیازمندی‌های قربانیان منازعات مسلحانه در افغانستان انجام شده است، ارائه می‌نماید. این گزارش عمدتاً بر دوره‌ای از زمان مداخله نظامی به رهبری ایالات متحده در ۲۰۰۱ الی زمان تسلط طالبان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ تمرکز دارد.^۹ این گزارش بر اساس مصاحبه با ۱۹۵ قربانی منازعات مسلحانه و اقارب آنها، ۲۳ موسسه غیر-دولتی که در راستای رسیدگی به نیازهای قربانیان منازعات مسلحانه فعالیت می‌کنند و ۲۳ مقام د/ره حاکم تهیه شده است.

این گزارش مطابق با ماموریت یوناما، که از شورای امنیت سازمان ملل^{۱۰} دریافت شده است، انجام شده و علاوه بر ترویج و حمایت از حقوق بشر، شامل ترویج حکومتمداری مسئولانه و حاکمیت قانون، از جمله عدالت انتقالی، و ارائه حمایت برای حقوق قربانیان نیز می‌شود.

مشورت‌های گسترده و فراگیر، از جمله با قربانیان و بازماندگان نقض‌های فاحش حقوق بشری و جرایم در حقوق بین الملل، یکی از عناصر اساسی برای تأمین پاسخ‌گویی موثر در آینده، از جمله در زمینه‌های حقیقت‌یابی، عدالت و جبران خساره، می‌باشد.^{۱۱} مشورت‌ها، و مشارکت به صورت کل، به شیوه‌های متفاوت در تأمین حساب‌دهی موفقانه نقش دارند. این مشورت‌ها احتمال آن را افزایش می‌دهند که اقدامات پاسخ‌گویی، دیدگاه‌های متنوع قربانیان و بازماندگان را در مورد عدالت و چگونگی جبران موثر خسارت دربرگیرد. مشورت‌ها همچنان مشروعیت اقدامات پاسخ‌گویی آینده را افزایش می‌دهند، زیرا خود روند مشوره کردن، نشانه‌ای از به رسمیت شناختن و توانمندسازی قربانیان و جوامع است و به آنان کمک می‌کند تا جایگاهی را که از آن محروم شده بودند، در عرصه عمومی به دست آورند یا دوباره احراز نمایند. انجام مشورت‌های گسترده و فراگیر، با هدف ایجاد جامعه‌ای همه‌شمول مبتنی بنیاد حاکمیت قانون و برابری، هم راستا می‌باشد.^{۱۲}

این گزارش مشورت‌های مقدماتی با قربانیان و سایر افرادی که متاثر گردیدند را برای شناسایی ضروریات و نیازهای آنها و فراهم نمودن مسیر ممکن برای حساب‌دهی، حقیقت‌گویی، عدالت و جبران خساره، ارائه می‌دارد.

بنابراین، این گزارش قصد دارد تا صدا و نیازهای قربانیان را بلند نموده و کمبودی‌ها در تحقق حقوق آنها پس از منازعات مسلحانه و ارائه نظریات برای انجام اعمالی که متولی امور باید برای تضمین نمودن این که حقوق قربانیان و آنها که توسط منازعات مسلحانه متاثر می‌شوند احترام و محافظت گردند، را برجسته نماید. بنابراین، دیدگاه‌های ارائه شده در این گزارش، دیدگاه‌هایی است که توسط خود قربانیان ابراز شده و لزوماً نمایانگر دیدگاه‌های همه قربانیان و بازماندگان زمان منازعه نیست.

^۹ در حالی که این گزارش بر تجارب قربانیان ملکی در جریان درگیری‌ها در یک دوره زمانی مشخص تمرکز دارد، ما اذعان می‌داریم که قربانیان سایر انواع نقض حقوق بشر نیز متحمل آسیب شده‌اند و مستحق جبران خساره برای آسیب‌های وارده می‌باشند.

^{۱۰} قطعنامه شماره ۲۶۲۶ (۲۰۲۲) شورای امنیت سازمان ملل، که توسط قطعنامه ۲۷۷۷ (۲۰۲۵) تمدید شده است.

^{۱۱} ملل متحد، مجموعه بروز شده اصول برای حمایت و ترویج حقوق بشر از طریق اقدامات جهت مبارزه با معافیت (E/CN.۴/۲۰۰۵/۱۰۲/Add.۱)، ۲۰۰۵.

^{۱۲} مراجعه شود به رهنمود سرمنشی ملل متحد درباره عدالت انتقالی قابل دست‌رس در:

<https://peacemaker.un.org/sites/default/files/document/files/2024/03/202307guidancenotettransitionaljusti>
ceen.pdf، اکتبر ۲۰۲۳.

ب. وضعیت و پس منظر

منازعات مسلحانه در افغانستان

امروزه، هیچ خانواده ای در افغانستان بدون تأثیرات دهه ها منازعه مسلحانه که طی سال ها و با حضور طرف های مختلف کشور را متأثر ساخته، باقی نمانده است. اکثریت قربانیانی که برای این گزارش مصاحبه شده اند از واقعاتی که بین ۲۰۰۱ و ۲۰۲۱ اتفاق افتاده اند، متأثر شده بودند.

یوناما در نظر داشت که در این دوره (۲۰۰۱ - ۲۰۲۱)، در افغانستان چندین منازعه مسلحانه غیر-بین المللی وجود داشته است؛ این منازعات میان نیروهای مسلح حامی دولت افغانستان (نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان با حمایت نیروهای نظامی بین المللی) و گروه های مختلف مسلح مخالف دولت، و میان گروه های مسلح غیر-دولتی با یکدیگر جریان داشته اند.^{۱۳}

طرف های درگیر منازعه در افغانستان شامل نیروهای طرفدار حکومت، از جمله نیروهای امنیتی دولت پیشین جمهوری اسلامی افغانستان،^{۱۴} گروه های مسلح طرفدار حکومت و نیروهای بین المللی نظامی؛ و عناصر مخالف حکومت، از جمله طالبان، دولت اسلامی عراق و شام - شاخه خراسان و سایر گروه های مسلح غیر-دولتی می شدند.

- **نیروهای امنیتی دولت پیشین** مشتمل بر: اردو ملی افغان (و زیر مجموعه های آن قوای هوایی افغان و اردو ملی افغان - نیروهای زمینی)، قوای خاص افغان، ریاست عمومی امنیت، پولیس محلی افغان، پولیس ملی افغان، قوای ملی امن نظم عامه و قوای سرحدی افغان بود.^{۱۵} موجودیت این نیروها پس از ۱۵ آگست ۲۰۲۱ زمانی که طالبان وارد کابل گردیدند، متوقف گردید.

- دولت پیشین توسط **نیروهای بین المللی نظامی** در منازعه حمایت می شد. ایالات متحده آمریکا و همکاران ائتلاف آن کمپاین نظامی را در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ در افغانستان آغاز کردند که من حیث عملیات آزادی پایدار شناخته می شد.^{۱۶} در دسامبر ۲۰۰۱، تاسیس نیروهای بین المللی کمک امنیتی (آیساف) برای کمک به اداره موقت افغانستان^{۱۷} در حفظ امنیت، توسط قطعنامه ۱۳۸۶ شورای امنیت ملل متحد مجاز اعلام شد. هنگام اوج فعالیت، آیساف بیش از ۱۳۰،۰۰۰ سرباز از ۵۱ کشور عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و کشورهای همکار را شامل می شد.^{۱۸} در ۱ جنوری ۲۰۱۵، آیساف به ماموریت حمایت قاطع انتقال یافت. ماموریت حمایت قاطع یک ماموریت غیر-محاروبی به رهبری ناتو بود که اهداف اصلی آن آموزش، کمک و مشوره دهی به نیروهای امنیتی ملی افغانستان بود. در همان تاریخ، عملیات نگهبان آزادی

^{۱۳} افغانستان: محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه - گزارش سالانه ۲۰۲۰ (یوناما و کمیشنری عال حقوق بشر ملل متحد، فبروری ۲۰۲۱). ص. ۹۷. قابل دسترس در: https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

^{۱۴} اصطلاح «دولت پیشین» از این به بعد برای دولت پیشین جمهوری اسلامی افغانستان، که در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ پس از تسلط طالبان من حیث مقامات اداره حاکم افغانستان، سقوط نمود، استفاده گردیده است.

^{۱۵} افغانستان: محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه - گزارش سالانه ۲۰۲۰ (یوناما و کمیشنری عال حقوق بشر ملل متحد، فبروری ۲۰۲۱). ص. ۱۰۱. قابل دسترس در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

^{۱۶} ماموریت ایالات متحده در امریکا، «تاریخچه ایالات متحده و افغانستان». قابل دسترس در: <https://af.usembassy.gov/history-of-the-u-s-and-afghanistan/>؛ آرشیف وزارت خارجه ایالات متحده، «جنگ جهانی علیه هراس افگنی: ۱۰۰ روز نخست». قابل دسترس در: <https://2001-2009.state.gov/s/ct/rls/wh/1947.htm>؛ سیستم تحلیل تلفات ملکی دفاعی ایالات متحده، «عملیات آزادی پایدار». قابل دسترس در: <https://dcas.dmdc.osd.mil/dcas/app/conflictCasualties/oef>

^{۱۷} اداره موقت افغانستان اداره شش ماهه بود که بر افغانستان از ۲۲ دسمبر ۲۰۰۱ - ۱۳ جون ۲۰۰۲ حکمرانی نمود. این اداره توسط توافقنامه بن، سلسله ای از توافقات تأیید شده در ۵ دسمبر ۲۰۰۱ در جریان کنفرانس بین المللی درباره افغانستان که در بن برگزار گردیده بود، تاسیس گردید. برای معلومات بیشتر، مراجعه نمایید به: <https://unterm.un.org/unterm2/en/view/78bddd5b-b167-42d2-a9de-dac28eaa9231>

^{۱۸} ناتو، «ماموریت آیساف در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۱۴)»، ۳۰ می ۲۰۲۲. قابل دسترس در:

https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_19376.htm

جایگزین عملیات آزادی پایدار گردید، که ایالات متحده آن را به عنوان پایان عملیات های محاربه خود در افغانستان اعلام کرد. نیروهای امریکایی در چارچوب عملیات نگهبان آزادی بر عملیات ضدتروریسم تمرکز داشتند که براساس موافقت نامه امنیتی دوجانبه^{۱۹} سال ۲۰۱۴ میان افغانستان و ایالات متحده انجام می شد. در ۲۹ فبروری ۲۰۲۰، در دوحه، ایالات متحده و طالبان توافق نامه ای را امضا کردند که براساس آن نیروهای بین المللی باید تا می ۲۰۲۱ از افغانستان خارج می شدند.^{۲۰} ماموریت حمایت قاطع در اوایل سپتمبر ۲۰۲۱، پس از تسلط طالبان بر افغانستان، خاتمه یافت.^{۲۱}

- **گروه های مسلح طرفدار حکومت** نیز درگیر نبرد با گروه های مخالف مسلح بودند. این گروه ها از نیروهای دولتی متمایز بوده و بر اساس قوانین افغانستان مبنای قانونی نداشتند. از جمله این گروه ها می توان به جنبش خیزش ملی (یک ابتکار دفاعی مبتنی بر جامعه)، نیروی محافظ خوست و نیروهای مستقر در پکتیکا که به نام نیروهای شاهین شناخته می شدند، اشاره کرد.
 - **طالبان اصلی ترین عنصر ضد-حکومتی بودند که در این دوره درگیر منازعه مسلحانه علیه حکومت پیشین افغانستان و شرکای سابق آن بودند.** طالبان در میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی ظهور کردند و در سال ۱۹۹۶ کنترل کشور را به دست گرفتند. آنان تا زمان مداخله نظامی به رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ در قدرت باقی ماندند و پس از آن، به عنوان یک گروه شورشی دوباره ظهور کرده و وارد منازعه با حکومت جمهوری اسلامی افغانستان (که در بالا به عنوان «نیروهای طرفدار حکومت» یاد گردید) شدند. با خروج آیساف در سال ۲۰۱۴، طالبان به تدریج کنترل جغرافیایی خود را در سراسر افغانستان افزایش دادند و هر از گاهی حملات گسترده ای را انجام می دادند. آنان ساختارهای اداری موازی (سایه) را در بیشتر ولایات ایجاد کردند. در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، پس از فروپاشی حکومت پیشین، طالبان کنترل عملی (دی فاکتو) افغانستان را به دست گرفتند.
 - **داعش** - شاخه خراسان به طور رسمی در جنوری ۲۰۱۵ تأسیس شد.^{۲۲} در دوره زمانی مورد پوشش این گزارش، داعش-شاخه خراسان عمدتاً در شرق افغانستان حضور داشت. گسترش این گروه به دلیل عملیات نیروهای امنیتی ملی افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی (از جمله حملات هوایی)، بسیج ملیشده های محلی و همچنین حملات جداگانه طالبان محدود گردید. تا ۲۰۲۰، داعش-شاخه خراسان بخش زیادی از قلمرو تحت کنترل خود را در شرق از دست داده بود و تمرکز خود را بر انجام حملات پراکنده اما پرتلفات، عمدتاً با استفاده از ماین های تعبیه شده، در شهر کابل و دیگر شهرها معطوف کرده بود.
- در حالی که اکثریت واقعات مورد بحث در این گزارش بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ رخ داده اند، چندین تن از مصاحبه شوندگان به مواردی از آسیب اشاره کردند که بین سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶، در جریان آنچه به عنوان جنگ داخلی افغانستان شناخته می شود، اتفاق افتاده بود. در آن زمان، گروه های مسلح از جناح های مختلف برای کنترل حکومت موقت افغانستان با یکدیگر می جنگیدند. این همان دوره ای نیز بود که طالبان ظهور کردند و در نهایت بین سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ کنترل کشور را به دست گرفتند.

^{۱۹} یوناما، محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه، گزارش سالانه ۲۰۱۸، ص. ۵۸، فبروری ۲۰۱۹. قابل دسترس در:

- https://unama.unmissions.org/sites/default/files/unama_annual_protection_of_civilians_report_2018_english.pdf - ۲۳ feb ۲۰۱۹؛ سیستم تحلیل تلفات ملکی دفاعی ایالات متحده، «عملیات آزادی پایدار». قابل دسترس در: <https://dcas.dmdc.osd.mil/dcas/app/conflictCasualties/ofs>.

^{۲۰} توافقنامه برای آوردن صلح به افغانستان بین امارت اسلامی افغانستان که توسط ایالات متحده منحیث یک دولت شناخته نشده و منحیث طالبان و ایالات متحده آمریکا شناخته می شود، فبروری ۲۹، ۲۰۲۰. قابل دسترس در: <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/02/Agreement-For-Bringing-Peace-to-Afghanistan-202920.pdf>.

^{۲۱} ناتو، «ماموریت حمایت قاطع در افغانستان (۲۰۲۵-۲۰۲۱)». ۳۰ می ۲۰۲۲، قابل دسترس در: https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_113794.htm.

^{۲۲} مبارزه علیه تروریسم در وست پاینت، «تهدید دولت اسلامی در افغانستان تحت تسلط طالبان: رهگیری ظهور دوباره داعش-شاخه خراسان» (جنوری ۲۰۲۲). قابل دسترس در: <https://ctc.westpoint.edu/the-islamic-state-threat-in-taliban-afghanistan-tracing-the-resurgence-of-islamic-state-khorasan/>.

تأثیرات منازعات مسلحانه بر حقوق بشر در افغانستان

بخش حقوق بشر یوناما در سال ۲۰۰۹ مستندسازی تلفات ملکی در افغانستان را آغاز کرد.^{۲۳} بین جنوری ۲۰۰۹ تا ۱۵ آگست ۲۰۲۱، یوناما بیش از ۴۰،۰۰۰ مورد کشته و بیش از ۷۷،۰۰۰ مورد زخمی شدن مردم ملکی را در نتیجه منازعات مسلحانه مستند نمود. در همین دوره، یوناما از مراکز بازداشت در سراسر افغانستان نظارت به عمل آورد و موارد گسترده‌ای از نقض قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه علیه افراد بازداشت شده مرتبط با منازعه را کشف کرد.^{۲۴} یوناما همچنان قتل‌های هدفمند مدافعان حقوق بشر، خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای،^{۲۵} و موارد جدی نقض حقوق کودکان^{۲۶} را نظارت و مستندسازی نمود. خشونت جنسی مرتبط با منازعه که هم زنان و هم مردان را تحت تأثیر قرار می‌داد، هرچند غالباً گزارش نمی‌شد، نیز توسط طرف‌های درگیر در منازعه صورت می‌گرفت.^{۲۷}

علاوه بر یوناما، شماری از نهادهای دیگر نیز به صورت علنی درباره تأثیرات منازعات مسلحانه بر وضعیت حقوق بشر در افغانستان گزارش داده‌اند.^{۲۸}

بین سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، یوناما مصاحبه‌های ژرف و پس از وقوع رویداد با قربانیان منازعات مسلحانه انجام داد.^{۲۹} افرادی که با یوناما مصاحبه کردند، از این گفتند که اقدامات کمی برای به رسمیت شناختن آسیب وارد شده، ارائه جبران کافی، سریع و مؤثر و حفاظت از حقوق آنان پس از حوادث تلفات ملکی انجام شده است. تنها در شرایط استثنایی، طرف مسئول درگیری برای به رسمیت شناختن آسیب وارده یا عذرخواهی اقدام می‌کرد. قربانیان اغلب نمی‌دانستند که آیا تحقیقاتی درباره حادثه‌ای که به آنان آسیب رسانده است در حال انجام است یا خیر، و تعداد کمی از قربانیان غرامت دریافت کردند.

^{۲۳} مستندسازی تلفات ملکی بطور فراگیر در ۲۰۰۹ توسط یوناما آغاز گردید. با این حال، انتشار گزارشات سالانه در مورد محافظت افراد ملکی از سال ۲۰۰۶ شروع گردیده بود و در لینک زیر قابل دسترس اند: <https://unama.unmissions.org/reports-protection-civilians-armed-conflict>.

^{۲۴} مراجعه نمایید به گزارش یوناما در مورد رفتار با بازداشت شدگان مرتبط به منازعه در محلات سلب آزادی در افغانستان. قابل دسترس در: <https://unama.unmissions.org/treatment-conflict-related-detainees-afghan-custody>.

^{۲۵} یوناما، گزارش ویژه: کشتار مدافعین حقوق بشر، خبرنگاران و کارمندان رسانه در افغانستان (۱۴ فبروری، ۲۰۲۱)؛ قابل دسترس در: https://unama.unmissions.org/sites/default/files/special_report_killing_of_human_rights_defenders_and_journalists_2018-2021_unama_14_february_2021_english.pdf.

^{۲۶} مراجعه نمایید به گزارشات یوناما در مورد اطفال در منازعات مسلحانه. قابل دسترس در: <https://unama.unmissions.org/children-and-armed-conflict>.

^{۲۷} مراجعه نمایید به گزارشات یوناما در مورد حقوق زنان. قابل دسترس در: <https://unama.unmissions.org/reports-womens-rights-women-peace-and-security>.

^{۲۸} بطورمثال، مراجعه نمایید به: گزارشات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، قابل دسترس در: https://www.refworld.org/search?sm_document_source_name%0B%0D=Afghanistan+Independent+Human+Right&s+Commission+%28AIHRC%29&sort=score&order=desc؛ دیدبان حقوق بشر، «آنها بسیاری را مثل این کشته اند» عملیات شبانه خشونت آمیز توسط قوای ضربتی افغان تحت حمایت سی.آی.ای (۳۱ اکتبر ۲۰۱۹)، قابل دسترس در:

<https://www.hrw.org/report/2019/10/31/theyve-shot-many/abusive-night-raids-cia-backed-afghan-strike-forces>؛ دیدبان حقوق بشر، «هیچ جای امنی نیست» حملات هراس افکنانه بر مردم ملکی در افغانستان (۸ می ۲۰۱۹)، قابل دسترس در:

<https://www.hrw.org/report/2018/05/08/no-safe-place/insurgent-attacks-civilians-afghanistan>؛ دیدبان حقوق بشر، «آموزش در خطوط نخست» استفاده نظامی از مکاتب در ولایت بغلان افغانستان (۱۷ آگست ۲۰۱۶)، قابل دسترس در:

<https://www.hrw.org/report/2016/08/17/education-front-lines/military-use-schools-afghanistans-baghlani-province>؛ پارتیشیا گوسمن و ساری کووا (شبکه تحلیلگران افغان)، «برایمان بگویند این چگونه اختتام می یابد»، جون ۲۰۱۳. قابل دسترس در:

<https://www.afghanistan-analysts.org/dari-pashto/dossiers/tell-us-how-this-ends-transitional-justice-and-prospects-for-peace-in-afghanistan>؛ عفو بین الملل، افغانستان: راه فرار نیست: جرایم جنگی و آسیب افراد ملکی هنگام سقوط افغانستان بدست طالبان (۱۵ دسمبر ۲۰۲۱)، قابل دسترس در: <https://www.amnesty.org/en/documents/asa11/5025/2021/en/>؛ یوناما و کمیشنری عالی حقوق بشر ملل متحد، افغانستان: محافظت از افراد ملکی در منازعات مسلحانه – گزارش سالانه ۲۰۲۰ (فبروری ۲۰۲۱)، قابل دسترس در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

بسیاری از قربانیان بیان کردند که جلوگیری از تکرار چنین حوادثی برای آنان اهمیت زیادی دارد و تمایل خود را به صلح ابراز کردند.

تلاش‌های پیشین برای تحقق حقوق قربانیان منازعات مسلحانه در افغانستان

در حالی که طی سال‌ها تلاش‌هایی برای تحقق حقوق قربانیان منازعات مسلحانه در افغانستان انجام شده بود، این تلاش‌ها به دلایل متفاوت تا حد زیادی ناموفق بودند. در ادامه، مروری بر تلاش‌های صورت گرفته در سطوح داخلی و بین‌المللی ارائه می‌شود که با هدف پایبندی طرف‌ها به تعهدات خود در زمینه تحقیق و تضمین حسابدهی برای نقض‌های قواعد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه انجام شده در جریان منازعات افغانستان، صورت گرفته است.

تلاش‌ها در داخل افغانستان برای رسیدگی به حقوق قربانیان

در ۲۰۰۵، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پروسه مشورت ملی را برگزار کرد تا بررسی کند که آیا مردم افغانستان خواهان پرداختن به میراث نقض‌های حقوق بشری گذشته هستند و در صورت تمایل، چگونه این امر باید انجام شود. این پروسه ای مشورتی منجر به انتشار گزارشی با عنوان «فراخوانی برای عدالت»^{۳۰} گردید، که دریافته بود: «اکثریت قاطع افرادی که با آنان صحبت کردیم، به دلیل فقدان عدالت و حفاظت از حقوقشان، اعتماد عمیقاً آسیب‌دیده‌ای به مقامات عمومی دارند و به شدت مایلند که رنج‌هایشان به رسمیت شناخته شود.»^{۳۱} این گزارش مجموعه‌ای از توصیه‌ها را به دولت وقت و جامعه بین‌المللی ارایه داد.

همزمان با مشوره‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کمیشنی عالی حقوق بشر ملل متحد گزارشی تهیه کرد که نقض‌های حقوق بشری در افغانستان بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۱ را تثبیت می‌کرد. با این حال، آن گزارش هرگز به صورت عمومی توسط ملل متحد منتشر نگردید.^{۳۲}

در دسامبر ۲۰۰۶، حامد کرزی رئیس‌جمهور وقت جمهوری اسلامی افغانستان، «برنامه عمل برای صلح، مصالحه و عدالت در افغانستان» را راه‌اندازی کرد که به‌طور مشترک توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و یوناما تدوین شده بود. این برنامه عمل بر چهار حوزه کلیدی ذیل تمرکز داشت: «(۱) به رسمیت شناختن رنج‌های مردم افغانستان؛ (۲) تضمین نهادهای دولتی قابل اعتماد و پاسخگو و پاک‌سازی ناقضان حقوق بشر و مجرمان از نهادهای دولتی؛ (۳) جستجوی حقیقت و مستندسازی؛ (۴) ترویج مصالحه و بهبود وحدت ملی»^{۳۳}. یکی از مفاد کلیدی این طرح اقدام، «ایجاد مکانیزم‌های پاسخگویی مؤثر و منطقی با هدف پایان دادن به مصونیت و اطمینان از اینکه برای جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر عفو نخواهد شد» بود. با این حال، در نهایت، این برنامه عمل هرگز به‌طور کامل اجرا نشد.^{۳۴}

در می ۲۰۰۸، شورای ملی «قانون مصالحه ملی، عفو عمومی و ثبات ملی» را تصویب کرد که تا ۲۰۱۰ به صورت همگانی منتشر نشد.^{۳۵} این قانون عفو گسترده‌ای را به تمام طرف‌های درگیر قبل از تأسیس اداره موقت در سال ۲۰۰۲ اعطا می‌کرد

^{۳۰} کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، فراخوان برای عدالت - مشورت ملی در مورد نقض‌های حقوق بشری پیشین در افغانستان (۲۵ جنوری ۲۰۰۵)، قابل دسترس در: <https://www.refworld.org/reference/confdoc/aihr/2005/en/58500>

^{۳۱} کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، فراخوان برای عدالت - مشورت ملی در مورد نقض‌های حقوق بشری پیشین در افغانستان (۲۵ جنوری ۲۰۰۵)، قابل دسترس در: <https://www.refworld.org/reference/confdoc/aihr/2005/en/58500>

^{۳۲} کیت کلارک (شبکه تحلیلگران افغان)، «جنایات جنگی در دو دهه نخست منازعه افغانستان: انتشار دوباره گزارش تثبیتی ملل متحد»، ۱۵ اگست ۲۰۲۴. قابل دسترس در: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/rights-freedom/war-crimes-in-the-first-two-decades-of-the-afghan-conflict-republishing-the-un-mapping-report/>

^{۳۳} صلح، مصالحه و عدالت در افغانستان برنامه عمل دولت جمهوری اسلامی افغانستان (۷-۶ جون ۲۰۰۵). قابل دسترس در: <https://www.legal-tools.org/doc/17033d/pdf/>

^{۳۴} پاتریشا گوسمن و ساری کووا (شبکه تحلیلگران افغان)، «برایم ما بگوئید این چگونه اختتام می‌یابد»، جون ۲۰۱۳. قابل دسترس در: <https://www.afghanistan-analysts.org/dari-pashto/dossiers/tell-us-how-this-ends-transitional-justice-and-prospects-for-peace-in-afghanistan/>

^{۳۵} ساری کووا (شبکه تحلیلگران افغان)، «پس دو سال در پی سرنوشتی حقوقی: نگاه نخست به قانون مصوب عفو» ۲۲ فبروری ۲۰۱۰. قابل دسترس در: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/rights-freedom/after-two-years-in-legal-limbo-a-first-glance-at-the-approved-amnesty-law/>

و بیان می‌داشت: «تمام احزاب یا جناح‌های سیاسی که به نحوی در درگیری‌ها قبل از تأسیس اداره موقت دخیل بوده‌اند، از نظر قانونی یا قضایی قابل پیگرد نخواهند بود.»^{۳۶} ماده ۳(۳) این قانون حق قربانیان برای ارایه دعاوی حق-العبد را حفظ کرده بود، که بر اساس اصول شریعت، به قربانیان اجازه می‌دهد تا از دولت بخواهند که دعاوی کیفری علیه مظنونان مرتکب جرم را دنبال کند، فارغ از هرگونه عفو رسمی، بر اساس «حقوق مردم». هر دو نهاد یوناما و کمیشنری عالی حقوق بشر ملل متحد خواستار لغو این قانون شدند، زیرا آن را ناسازگار با تعهدات افغانستان تحت قواعد بین المللی حقوق بشر در زمینه تحقیق و پیگرد مسئولان احتمالی نقض‌های فاحش حقوق بشر یافتند.^{۳۷}

کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان کار خود در زمینه عدالت انتقالی را با یک «پروژه مستند سازی» دیگر ادامه داد که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ انجام شد و اطلاعاتی دربارهٔ نقض‌های حقوق بشری بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۱ جمع‌آوری کرد. گزارشی که از این فعالیت حاصل شد، با رئیس‌جمهور کرزی و بعداً رئیس‌جمهور غنی به اشتراک گذاشته شد، اما هرگز منتشر نگردید.

دولت پیشین تلاش‌هایی را برای تضمین حسابدگی در قبال نقض‌های قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه انجام داد، از جمله:

- در فبروری ۲۰۱۸، کود جزای بازنگری‌شده به اجرا درآمد. این کود جنایات بین‌المللی مندرج در اساسنامه روم محکمه بین المللی جزایی را جرم‌انگاری کرد، از جمله: جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و تجاوز. پس از تصویب کود جزای جدید، در فبروری ۲۰۱۸، «اداره جنایات بین‌المللی» در دفتر لوی سارنوال دولت پیشین ایجاد شد که مأموریت آن تحقیق در مورد نقض‌های ادعا شده قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه انجام شده در جریان منازعات بود، با تمرکز بر جنایات انجام شده توسط نیروهای امنیتی دولت وقت، طالبان، داعش-شاخه خراسان و سایر گروه‌های مسلح.^{۳۸} گفته می‌شود که اداره جنایات بین‌المللی در جمع‌آوری قضایا با مشکلاتی مواجه بود و تعداد قضایای در جریان در زمان تسلط طالبان نامشخص است.
- دولت پیشین همچنان پرونده‌هایی را پیگیری کرد که منجر به صدور احکام قضایی علیه افرادی شد که به نقض‌های انجام شده در جریان منازعه متهم بودند. اگرچه هیچ پرونده جامع و کاملی در دسترس نیست، یوناما پرونده‌های اعدام تحت دولت پیشین را نیز رصد کرد که شامل اعدام افرادی بود که به نقض‌های مرتبط با منازعه محکوم شده بودند.^{۳۹} بطورمثال، در ۲۰۰۴، یک فرمانده سابق نظامی به اتهام جنایات انجام شده در جنگ داخلی اعدام شد. در واکنش به اعدام‌هایی که توسط دولت پیشین انجام شد، ملل متحد خواستار توقف موقت استفاده از مجازات اعدام گردید.^{۴۰} ملل متحد و گروه‌های حقوق بشری همچنین اغلب دربارهٔ فقدان فرایند قانونی و عدم رعایت استانداردهای محاکمه عادلانه در پرونده‌های اعدام تحت دولت پیشین ابراز نگرانی می‌کردند.^{۴۱}

^{۳۶} قانون مصالحه ملی، عفو عمومی و ثبات ملی ماده ۳(۱).

^{۳۷} یوناما، «مقام ارشد ملل متحد در افغانستان خواستار لغو قانون عفو عمومی شد، ۲۵ مارچ ۲۰۱۰». قابل دسترس در:

<https://unama.unmissions.org/top-un-human-rights-official-afghanistan-calls-repeal-amnesty-law>

^{۳۸} توافق‌نامه‌های وضعیت نیروها در آن زمان، صلاحیت رسیدگی به جرایم مربوط به نیروهای نظامی بین‌المللی را منتفی می‌ساخت.

^{۳۹} احسان قانع و جیلینا بجلیکا (شبکه تحلیلگران افغان)، «اعدام‌های اخیر افغانستان: پاسخ به درخواست‌های اعدام» (۱۱ می ۲۰۱۶). قابل دسترس در:

<https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/rights-freedom/afghanistans-latest-executions-responding-to-calls-for-capital-punishment/>

^{۴۰} یوناما، بیانیهٔ مطبوعاتی راجع به اعدام‌های انجام شده در کابل امروز (۸ می ۲۰۱۶) قابل دسترس در:

<https://unama.unmissions.org/unama-statement-executions-carried-out-kabul-today>; یوناما و دفتر حقوق بشر

ملل متحد از دولت افغانستان می‌خواهد اجرای اعدام در قضیه تجاوز را متوقف کند (۲۷ سپتمبر ۲۰۱۴)، قابل دسترس در:

<https://unama.unmissions.org/un-human-rights-office-urges-afghan-government-halt-death-sentences-rape-case>

^{۴۱} بطور مثال، مراجعه نمایید به کمیشنری عالی حقوق بشر ملل متحد، یادداشت‌های مختصر مطبوعاتی راجع به افغانستان (۲۶ سپتمبر ۲۰۱۴) قابل دسترس در: <https://www.ohchr.org/en/press-briefing-notes/2014/09/press-briefing-notes-afghanistan>; یوناما و دفتر حقوق بشر ملل متحد از دولت افغانستان می‌خواهد تا اعدام‌های مرتبط به قضیه تجاوز را متوقف نماید (۲۷ سپتمبر ۲۰۱۴). قابل دسترس در:

<https://unama.unmissions.org/un-human-rights-office-urges-afghan-government-halt-death-sentences-rape-case>

^{case} عفو بین الملل، مجازات مرگ در سراسر دنیا: انکشافات در ۲۰۰۴ (اپریل ۲۰۰۴)، صفحات ۵-۶. قابل دسترس در:

<https://www.amnesty.org/ar/wp-content/uploads/2021/07/act500012005en.pdf>

• در پاسخ به مستندسازی مداوم یوناما و گزارش‌دهی عمومی دربارهٔ شکنجه و بدرفتاری با بازداشت‌شدگان مرتبط با منازعه توسط نیروهای امنیتی و دفاعی ملی پیشین افغانستان، دولت پیشین^{۴۲} اقداماتی مرتبط انجام داد، از جمله تعهد به «طرح ملی برای محو شکنجه» در ۲۰۱۵ و تصویب قانون مبارزه علیه شکنجه در اکتبر ۲۰۱۸.^{۴۳}

در ۲۹ فبروری ۲۰۲۰، ایالات متحده و طالبان توافقنامه آوردن صلح به افغانستان را امضا نمودند.^{۴۴} در حالی که این توافق شامل مفادی برای گفت‌وگوی بین‌الافغانی و مذاکرات بود، هیچ ماده مشخصی دربارهٔ حقوق قربانیان، عدالت یا حسابدهی در آن گنجانده نشده بود.

از زمان به‌قدرت رسیدن طالبان در افغانستان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱، مقامات اداره حاکم هیچ برنامه‌ای برای تحقیق یا تضمین پاسخگویی در قبال نقض‌های قواعد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه انجام شده در جریان درگیری اعلام نکرده‌اند. آن‌ها در زمان تصرف قدرت، «عفو عمومی» برای مقامات پیشین دولت جمهوری اسلامی افغانستان و اعضای سابق نیروهای امنیتی و دفاعی ملی افغانستان صادر کردند. اگرچه هیچ توضیح مکتوبی دربارهٔ دامنه عفو صادر شده توسط مقامات/دوره حاکم ارائه نشده است، اظهارات عمومی آنان تا کنون نشان می‌دهد که «عفو عمومی» به معنای تضمین گستردهٔ حفاظت از مقامات پیشین دولت و اعضای سابق نیروهای امنیتی و دفاعی ملی افغانستان^{۴۵} است، که ممکن است با تعهدات افغانستان تحت حقوق بین‌الملل در زمینه تحقیق و پیگرد مسئولان نقض‌های فاحش حقوق بشر و جنایات بین‌المللی سازگار نباشد. علاوه بر این، یوناما به‌طور مداوم گزارش داده است که مقامات/دوره حاکم علیه افرادی که با دولت پیشین و نیروهای امنیتی آن مرتبط بودند، نقض‌های حقوق بشری انجام داده‌اند، که در تناقض با عفو صادره خود آنان و نیز (قواعد بین‌المللی حقوق بشر) محسوب می‌شود.^{۴۶}

تلاش‌ها در زمینه عملکرد نیروهای نظامی بین‌المللی در افغانستان

اقدامات کشورهایی که نیروهای امنیتی به افغانستان اعزام کرده‌اند برای تحقیق و تضمین حسابدهی در قبال نقض‌های ادعا شده قواعد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط پرسنل خود محدود بوده است.

ماموریت حمایت قاطع در افغانستان تحت «توافق وضعیت نیروها» فعالیت می‌کرد که شرایط و ضوابط اعزام نیروهای ناتو و فعالیت‌هایی که اجازه انجام آن‌ها را داشتند، تعریف می‌کرد. برعلاوه این، ایالات متحده نیز یک توافق امنیتی دوجانبه مشابه برای افغانستان داشت. هر دو سند با مذاکرات و توافق دولت پیشین تهیه شده بودند. این توافق‌ها همچنان پیگرد قانونی پرسنل نظامی بین‌المللی را در افغانستان برای جرایم مدنی یا جرمی منتفی می‌کرد و به کشورهای مربوط حق انحصاری

^{۴۲} گزارش‌های یوناما درباره رفتار با بازداشت‌شدگان نشان داد که بسیاری از بازداشت‌شدگان مرتبط با منازعه، در هنگام بازداشت و بازجویی، در تأسیسات متعدد متعلق به ریاست عمومی امنیت ملی و پولیس ملی افغانستان مورد شکنجه و بدرفتاری قرار گرفته‌اند، در حالی که پاسخ‌گویی در قبال شکنجه یا بدرفتاری بسیار محدود بوده است. برای جزئیات بیشتر، به گزارش‌های یوناما درباره رفتار با بازداشت‌شدگان مرتبط با منازعه در محلات سلب آزادی دولت افغانستان مراجعه کنید. قابل دسترس در: <https://unama.unmissions.org/treatment-conflict-related-detainees-afghan-custody->

^{۴۳} با این حال در زمان به‌قدرت رسیدن طالبان، دولت پیشین بر اساس تعهد خود تحت پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز که در اپریل ۲۰۱۸ به آن پیوسته بود، مکانیزم ملی پیشگیرانه‌ای ایجاد، تعیین یا حفظ نکرده بود.

^{۴۴} توافقنامه آوردن صلح به افغانستان بین امارت اسلامی افغانستان که منحیث یک دولت توسط ایالات متحده شناخته نشده و منحیث طالبان و ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شود، ۲۹ فبروری ۲۰۲۰. قابل دسترس در: <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/02/Agreement-For-Bringing-Peace-to-Afghanistan--2020-02-29.pdf>

^{۴۵} نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغانستان اصطلاح فراگیری است که برای ارجاع به نیروهای امنیتی دولت پیشین جمهوری اسلامی افغانستان به‌کار می‌رود و شامل موارد زیر است: نیروهای سرحدی افغانستان، پولیس محلی افغانستان، اردوی ملی افغانستان، قوای هوایی افغانستان، پولیس ملی افغانستان، نیروی نظم عامه افغانستان، نیروهای ویژه افغانستان، ارتش زمینی افغانستان (که همچنین به آن اردوی ملی افغانستان – نیروی زمینی نیز گفته می‌شود) و ریاست عمومی امنیت ملی.

^{۴۶} یوناما، مانعی فرا راه رسیدن به صلح: تخطی‌های حقوق بشری مقامات حکومت پیشین و اعضای پیشین قوای مسلح (یوناما، ۲۲ آگست ۲۰۲۳)، قابل دسترس در: <https://unama.unmissions.org/barrier-securing-peace-hr-violations-against-former-government-armed-forces>

اعمال صلاحیت قضایی بر پرسنل خود را می‌داد.^{۴۷} در نوامبر ۲۰۱۹، رئیس‌جمهور ایالات متحده سه عضو نیروهای نظامی این کشور را که توسط محکمه‌های نظامی به ارتکاب اعمال جنایت جنگی در افغانستان محکوم شده بودند، عفو کرد.^{۴۸} برخی کشورها نیز اقدام به بررسی یا در حال انجام بررسی‌هایی درباره عملکرد نیروهای خود در افغانستان کرده‌اند یا هستند:

آسترالیا

پس از پخش ادعاهایی مبنی بر کشتار غیرقانونی توسط اعضای نیروهای دفاعی استرالیا در افغانستان در یک برنامه تلویزیونی در سال ۲۰۱۶، نیروهای دفاعی استرالیا بازرس کل نیروهای دفاعی استرالیا در افغانستان (بازرسی افغانستان) را ایجاد کردند. نیروهای دفاعی استرالیا در آن زمان اعلام کردند که این بررسی به دلیل «شایعات و ادعاهایی مربوط به احتمال نقض قواعد منازعات مسلحانه توسط اعضای گروه عملیات ویژه در افغانستان طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶» راه‌اندازی شده است.^{۴۹} گزارش یافته‌های این بررسی در سال ۲۰۲۰ منتشر شد، و اطلاعات معتبر در مورد ۲۳ مورد کشتار غیرقانونی توسط یا به دستور پرسنل نیروهای دفاعی استرالیا که منجر به مرگ ۳۹ نفر شده بود را تأیید کرد. همچنین بررسی نشان داد که دو نفر «به شدت مورد بدرفتاری» قرار گرفته‌اند که پرسنل نیروهای دفاعی استرالیا در آن دخیل بوده‌اند. این گزارش همچنین توصیه‌هایی درباره پرداخت غرامت ارائه داد و بیان کرد: «در مواردی که اطلاعات معتبر نشان دهد یک شهروند افغان مشخص یا قابل شناسایی به‌طور غیرقانونی کشته شده است، استرالیا باید اکنون به خانواده آن فرد غرامت پرداخت کند.»^{۵۰}

پس از نشر گزارش، دولت استرالیا دفتر بازرس ویژه را مأمور کرد تا با همکاری پولیس فدرال استرالیا، ادعاهای مربوط به رفتار جنایی پرسنل نیروهای دفاعی استرالیا در افغانستان را بررسی کرده و مواردی که شواهد کافی دارند را به دفتر دادستانی عمومی مشترک المنافع ارجاع دهد.^{۵۱} در ۲۰۲۳، پس از تحقیقات دفتر بازرس ویژه و پولیس فدرال استرالیا، یک سریاز سابق نیروهای ویژه استرالیا دستگیر و به قتل یک شهروند افغان در زمان مأموریتش با نیروهای دفاعی استرالیا در افغانستان متهم شد.^{۵۲} در نوامبر ۲۰۲۴، رسانه‌ها گزارش دادند که اتهامات علیه وی منتفی شده است.^{۵۳} در ۷ اپریل ۲۰۲۶، یک سریاز سابق نیروی دفاعی استرالیا در میدان هوایی سیدنی دستگیر شد و به پنج جرم جنایت جنگی - قتل، پس از تحقیقات مشترک بین دفتر محقق بازرس و پولیس فدرال استرالیا، متهم شد.^{۵۴} این قضیه در حال حاضر در محکمه محلی سیدنی در حال بررسی است.^{۵۵}

^{۴۷} توافق همکاری امنیتی و دفاعی بین جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحده آمریکا؛ کابل، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴، ماده ۱۳. قابل دسترس در: <https://www.afghanistan-analysts.org/wp-content/uploads/2014/10/BSA-ENGLISH-AFG.pdf>؛ توافق بین ناتو و جمهوری اسلامی افغانستان در مورد وضعیت نیروها و پرسنل ناتو که به‌طور متقابل بر سر اجرای فعالیت‌های تحت رهبری ناتو در افغانستان توافق شده‌اند؛ کابل، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴، ماده ۱۱. قابل دسترس در:

https://www.nato.int/nato-static-files/2014/assets/pdf/pdf_topics/20141216_140913-SOFA-en.pdf

^{۴۸} صدور چندین فرمان عفو، رئیس‌جمهور ترامپ در روند رسیدگی نظامیان آمریکایی که متهم یا محکوم به ارتکاب اعمال جرایم جنگی شده‌اند مداخله می‌کند، مجله آمریکایی حقوق بین‌الملل، جلد ۱۱۴، شماره ۲، اپریل ۲۰۲۰، صفحات ۳۰۷-۳۱۲

^{۴۹} دولت استرالیا، وزارت دفاع، گزارش بررسی افغانستان (نسخه منتشر شده عمومی)، ۲۰۲۰، قابل دسترس در:

<https://www.defence.gov.au/about/reviews-inquiries/afghanistan-inquiry>

^{۵۰} دولت استرالیا، وزارت دفاع، گزارش بررسی افغانستان (نسخه منتشر شده عمومی)، ۲۰۲۰، صفحه ۱۷۳، پاراگراف ۳۲، قابل دسترس در:

<https://www.defence.gov.au/about/reviews-inquiries/afghanistan-inquiry>

^{۵۱} دولت استرالیا، وزارت دفاع، گزارش بررسی افغانستان (نسخه منتشر شده عمومی)، ۲۰۲۰، صفحه ۱۱، قابل دسترس در:

<https://www.defence.gov.au/about/reviews-inquiries/afghanistan-inquiry>

^{۵۲} بی‌بی‌سی نیوز، «سریاز پیشین نیروهای ویژه استرالیا به اتهام جنایت جنگی در افغانستان بازداشت شد»، ۲۰ مارچ ۲۰۲۳. قابل دسترس در:

<https://www.bbc.com/news/world-australia-65010345>

^{۵۳} روزنامه The Age، «کاملاً ناامید»: پرونده‌ها علیه سریازان به دلیل اتهامات مشهور جنایت جنگی مختومه شد»، ۳۰ نومبر ۲۰۲۴. قابل دسترس در:

<https://www.theage.com.au/national/absolutely-gutted-cases-dropped-against-soldiers-over-notorious-war-crimes-allegations-20241129-pokuoio.html>

^{۵۴} پولیس فدرال استرالیا، بیانیه افتتاحیه کمیشنر AFP به دنبال دستگیری سریاز سابق استرالیایی (۷ اپریل ۲۰۲۶). قابل دسترس:

<https://www.afp.gov.au/news-centre/media-statement/afp-riyast-sarunwali> بیانیه-افتتاحیه-به دنبال-دستگیری-استرالیایی-سابق.

^{۵۵} ریاست سارنوالی عامه کشورهای مشترک المنافع، لوی سارنوالی (Cth) علیه بنیامین روبرتس سمیت (تازه شده در ۲۷ اگست ۲۰۲۶). در:

<https://www.cdpp.gov.au/attorney-general-cth-v-benjamin-roberts-smith> قابل دسترس است.

در جولای ۲۰۲۴، وزارت دفاع استرالیا طرح جبران خسارت بررسی افغانستان را برای ارائه غرامت به اعضای خانواده قربانیان کشتارهای غیرقانونی در افغانستان ایجاد کرد.^{۵۶} این طرح محدود به مواردی است که بررسی افغانستان اطلاعات معتبر درباره ادعاهای مربوط به حمله غیرقانونی، تخریب اموال یا کشتار توسط اعضای نیروهای دفاعی استرالیا در عملیات‌های افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ یافته باشد، و نیازی به اثبات مسئولیت قانونی برای این اقدامات ندارد.^{۵۷}

بریتانیا

مشابه به استرالیا، دولت بریتانیا یک بررسی قانونی مستقل را برای تحقیق در مورد مسائلی که ناشی از اعزام نیروهای ویژه بریتانیا به افغانستان بین اواسط ۲۰۱۰ و اواسط ۲۰۱۳ بود، پس از پخش ادعاهایی درباره جنایات جنگی ارتکابی توسط سربازان نیروهای ویژه بریتانیا در یک برنامه تلویزیونی، ایجاد کرد.^{۵۸} این بررسی در دسامبر ۲۰۲۲ تأسیس شد و در جریان است. از اکتبر ۲۰۲۳ بدین سو، یک تعداد جلسات رسیدگی، خصوصی و عمومی، توسط بررسی مذکور برگزار شده است.

نیوزیلند

در اپریل ۲۰۱۸، دولت نیوزیلند بررسی‌ای را درباره ادعاهایی که در کتابی با عنوان *بزن و فرار کن* مطرح شده بود، اعلام کرد. این ادعاها مربوط به عملکرد پرسنل نیروهای دفاعی نیوزیلند در افغانستان بود و به «عملیات برنهام» در ولایت بغلان توسط نیروهای ویژه خدمات هوایی زیلاند جدید همراه با نیروهای امنیتی و دفاعی ملی افغانستان و پشتیبانی هوایی آمریکا در اکتبر ۲۰۱۰ مربوط می‌شد. این بررسی نتیجه گرفت که پرسنل نیروهای دفاعی زیلاند جدید در اجرای این عملیات مطابق با قواعد مربوطه‌ای درگیری و حقوق بین الملل بشردوستانه عمل کرده‌اند،^{۵۹} اما اذعان کرد که خطاهایی در محاسبات رخ داده و از محافظت بازداشت‌شدگان در برابر خطر شکنجه یا بدرفتاری کوتاهی شده است.^{۶۰}

هالند

در ۲۰۲۲، محکمه منطقه‌ای لاهه در هالند دریافت که هالند مکلفیت خود تحت قانون بین المللی بشردوستانه را در جریان یک عملیات ۲۰۰۷ که یک مجتمع مسکونی در دره چوره در ولایت ارزگان را هدف قرار داده بود، رعایت نکرده است. محکمه، هالند را موظف به پرداخت غرامت به خانواده قربانیان کرد.^{۶۱}

دولت هالند همچنان موسسه ای تاریخ نظامی هالند و موسسه مطالعات جنگ، هولوکاست و نسل‌کشی را مأمور کرده است تا مطالعه‌ای درباره مشارکت نظامی، فعالیت‌های دیپلماتیک و دخالت‌های غیر دولتی هالند در افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ انجام دهند.^{۶۲}

تلاش‌های بین‌المللی

محکمه بین‌المللی جزایی

^{۵۶} دولت آسترالیا، وزارت دفاع (طرح جبران خسارت در بررسی افغانستان) مقررات ۲۰۲۴ (۱۸ جولای ۲۰۲۴) قابل دسترس در:

<https://www.legislation.gov.au/F2024L00902/latest/text>

^{۵۷} دولت استرالیا، وزارت دفاع، طرح جبران خسارت بررسی افغانستان، قابل دسترس در:

<https://www.defence.gov.au/about/complaints-incident-reporting/afghanistan-inquiry-compensation-scheme>

^{۵۸} وبسایت بررسی مستقل مرتبط به افغانستان، قابل دسترس در: <https://www.iiaindependentinquiry.uk/>

^{۵۹} گزارش بررسی دولت راجع به عملیات بورنهام (جولای ۲۰۲۰)، فصل یک "ب" - خلاصه یافته‌ها و توصیه‌ها. قابل دسترس در:

<https://operationburnham.inquiry.govt.nz/inquiry-report/chapter-1b>

^{۶۰} گزارش بررسی دولت راجع به عملیات بورنهام (جولای ۲۰۲۰)، فصل یک "ب" - خلاصه یافته‌ها و توصیه‌ها. قابل دسترس در:

<https://operationburnham.inquiry.govt.nz/inquiry-report/chapter-1b>

^{۶۱} وزارت دفاع هالند، «تحقیق درباره تلفات ملکی احتمالی یا ادعایی». قابل دسترس در: <https://english.defensie.nl/topics/civilian-casualties/investigation-into-suspected-civilian-casualties>

^{۶۲} مؤسسه NIOD برای مطالعات جنگ، هولوکاست و نسل‌کشی، «تحقیقات»: NIMH-NIOD هالند و افغانستان ۲۰۰۱-۲۰۲۱. قابل دسترس در: <https://www.niod.nl/en/projects/nimh-niod-research-netherlands-and-afghanistan-2001-2021>

بررسی مقدماتی وضعیت در افغانستان توسط محکمه بین المللی جزایی در ۲۰۰۷ اعلام شد. در ۵ مارچ ۲۰۲۰، دیوان استیناف محکمه بین المللی جزایی به سارنوال اجازه داد تا تحقیقات درباره ادعای ارتکاب جنایات تحت صلاحیت محکمه در رابطه با وضعیت جمهوری اسلامی افغانستان را آغاز کند.^{۶۳} این تصمیم، تصمیم پیشین شعبه پیش محاکمه II را که درخواست سارنوال برای اجازه تحقیق را رد کرده و اعلام کرده بود آغاز تحقیقات به مصلحت عدالت نیست، لغو کرد.

در ۲۶ مارچ ۲۰۲۰، دولت پیشین جمهوری اسلامی افغانستان درخواست تعویق تحقیقات داد، با این استدلال که همان جنایات تحت صلاحیت محکمه بین المللی جزایی در حال تحقیق داخلی است یا تحقیق شده است.^{۶۴} پس از به قدرت رسیدن طالبان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱، در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۱، سارنوال محکمه بین المللی جزایی درخواست مجوز برای از سرگیری تحقیقات را ارائه کرد و به نبود چشم‌انداز تحقیقات داخلی واقعی و مؤثر اشاره نمود.^{۶۵} سارنوال در بیانیهای اعلام کرد که قصد دارد «بر جنایاتی که گفته می‌شود توسط طالبان و گروه داعش - شاخه خراسان انجام شده تمرکز کند» و «سایر جنبه‌های این تحقیقات را در اولویت پایین قرار دهد.»^{۶۶} در ۳۱ اکتبر ۲۰۲۲، شعبه پیش محاکمه II محکمه بین المللی جزایی اجازه داد تا تحقیقات در مورد افغانستان از سر گرفته شود و اعلام کرد که افغانستان در حال حاضر تحقیقات واقعی را به گونه‌ای انجام نمی‌دهد که توجیه‌کننده تعویق تحقیقات محکمه باشد.^{۶۷} در جنوری ۲۰۲۵، سارنوال اعلام کرد که دفتر وی درخواست صدور احکام بازداشت علیه رهبر طالبان و قاضی القضاات/دوره حاکم را به اتهام جنایت علیه بشریت تحت عنوان آزار و اذیت بر اساس جنسیت ارائه کرده است.^{۶۸} این درخواست‌ها در ۸ جولای ۲۰۲۵ پذیرفته شدند.^{۶۹} سارنوال یادآور شد که تحقیقات درباره اعضای فردی طالبان و داعش-شاخه خراسان ادامه دارد.

صلاحیت فرامرزی و صلاحیت عمومی

تعداد کمی از پرونده‌ها به نمایندگی از قربانیان جنایات بین‌المللی در افغانستان بر اساس اصل صلاحیت عمومی مطرح شده اند.^{۷۰} حوزه‌های قضایی که چنین پرونده‌هایی در آن‌ها مطرح شده شامل - اما ممکن است محدود به - آلمان،^{۷۱} بریتانیا^{۷۲} و هالند است. در ۲۰۲۲، یک محکمه در هالند مرد ۷۶ ساله‌ای افغان را به ۱۲ سال زندان محکوم کرد به‌خاطر جنایات

^{۶۳} محکمه بین المللی جزایی، «افغانستان: محکمه بین المللی جزایی - شعبه تجدیدنظر اجازه آغاز تحقیقات را صادر کرد»، ۵ مارچ ۲۰۲۰. قابل دسترس در: <https://www.icc-cpi.int/news/afghanistan-icc-appeals-chamber-authorises-opening-investigation>

^{۶۴} محکمه بین المللی جزایی، «ابلاغیه راجع به نامه جمهوری اسلامی افغانستان به پیش-محاکمه مرتبط به ماده ۱۸(۲) اساسنامه»، ۱۵ اپریل

۲۰۲۰. قابل دسترس در: <https://www.icc-cpi.int/court-record/icc-02/17-139>

^{۶۵} محکمه بین المللی جزایی، «بیانیه سارنوال محکمه بین المللی جزایی- کریم خان، به تعقیب درخواست برای احکام سریع تحت ماده ۱۸(۲) به منظور دریافت اجازه برای شروع دوباره تحقیقات در مورد وضعیت در افغانستان»، ۲۷ سپتمبر ۲۰۲۱. قابل دسترس در: <https://www.icc-cpi.int/news/statement-prosecutor-international-criminal-court-karim-khan-qc-following-application>

^{۶۶} محکمه بین المللی جزایی، «بیانیه سارنوال محکمه بین المللی جزایی- کریم خان، به تعقیب درخواست برای احکام سریع تحت ماده ۱۸(۲) به منظور دریافت اجازه برای شروع دوباره تحقیقات در مورد وضعیت در افغانستان»، ۲۷ سپتمبر ۲۰۲۱. قابل دسترس در: <https://www.icc-cpi.int/news/statement-prosecutor-international-criminal-court-karim-khan-qc-following-application>

^{۶۷} محکمه بین المللی جزایی، «قضات محکمه بین‌المللی جزایی اجازه دادند که دفتر سارنوالی تحقیقات خود در افغانستان را از سر بگیرد»، ۳۱ اکتبر ۲۰۲۲. قابل دسترس در: <https://www.icc-cpi.int/news/icc-judges-authorise-prosecution-resume-investigation-afghanistan>

^{۶۸} محکمه بین المللی جزایی، «بیانیه سارنوال محکمه بین المللی جزایی کریم خان: درخواست‌ها برای صدور حکم بازداشت در پرونده مربوط به وضعیت در افغانستان»، ۲۳ جنوری ۲۰۲۵. قابل دسترس در: <https://www.icc-cpi.int/news/statement-icc-prosecutor-karim-aa-khan-kc-applications-arrest-warrants-situation-afghanistan>

^{۶۹} محکمه کیفری بین‌المللی، وضعیت در افغانستان: اتاق دوم مقدماتی محکمه کیفری بین‌المللی حکم بازداشت هیبت‌الله آخوندزاده و عبدالحکیم حقانی را صادر کرد (۸ جولای ۲۰۲۵). قابل دسترس در: <https://www.icc-cpi.int/news/situation-afghanistan-icc-pre-trial-chamber-ii-issues-arrest-warrants-haibatullah-akhundzada>

^{۷۰} اصل صلاحیت قضایی همگانی به‌طور کلاسیک چنین تعریف شده است: «اصلی حقوقی که به یک کشور اجازه می‌دهد یا آن را ملزم می‌کند تا پیگرد قانونی علیه برخی جرایم را بدون توجه به محل وقوع جرم و تابعیت مرتکب یا قربانی انجام دهد.» رجوع شود به: کینیت س. راندل، «صلاحیت قضایی همگانی تحت حقوق بین‌الملل»، Texas Law Review، شماره ۶۶ (۱۹۸۸)، صفحات ۷۸۵-۷۸۸؛ کمیته حقوق بشر بین‌الملل انجمن حقوق بین‌الملل، «گزارش نهایی درباره اعمال صلاحیت قضایی همگانی در خصوص جرایم جدی علیه حقوق بشر»، (۲۰۰۰)، ص. ۲.

^{۷۱} TRIAL International، مرور سالانه صلاحیت قضایی همگانی ۲۰۲۱، ص. ۵۷. قابل دسترس در: https://www.ecchr.eu/fileadmin/Publikationen/Trial_International_UJAR_DIGITAL.pdf

^{۷۲} فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، مرور سالانه صلاحیت قضایی همگانی ۲۰۲۴، ص. ۱۰۸. قابل دسترس در: <https://www.ecchr.eu/en/publication/universal-jurisdiction-annual-review-2024/>

جنگی انجام شده در افغانستان بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷. محکومیت وی مربوط به رفتارهای ظالمانه و تحقیرآمیز با زندانیان در زندان پلچرخ در کابل بود، جایی که او سیمت ارشد داشت و محکمه تشخیص داد که این اقدامات نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی بوده است.^{۷۳}

حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه در افغانستان

مراجع موجود پیش از قدرت رسیدن طالبان

تحت دولت پیشین، چهار کانال اصلی برای ارایه درخواست یا دریافت کمک توسط قربانیان وجود داشت^{۷۴} که همگی پس از تسلط طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ متوقف شده اند.

پرداخت‌های کمک اضطراری دولت افغانستان با عنوان «کد ۹۰»

پرداخت‌های «کد ۹۰» کمک‌های یک‌باره‌ای بود که از یک صندوق اختیاری دولتی تحت کنترل رئیس‌جمهور تامین می‌شد و به قربانیان ملکی ارائه می‌گردید، یا از طریق: یک هیئت دولتی (که معمولاً به صورت پیش‌دستانه و بدون پروسه درخواستی، به قربانیان حوادث برجسته تلفات ملکی ارایه می‌شد) و یا از طریق پروسه درخواستی. منابع مالی این پرداخت‌ها از بودجه ملی تامین می‌شد، که تحت عناوین «کد ۹۱» و «کد ۹۲» (که قبلاً «کد ۹۹» نام داشت) تخصیص یافته بود. این کدها به صندوق‌های اختیاری گسترده‌ای اشاره داشتند که به رئیس‌جمهور اختصاص داده شده بود و برای پاسخ دولت به فجایع طبیعی و اضطراری مانند همه‌گیری کووید-۱۹، بر علاوه کمک به قربانیان ملکی منازعات مسلحانه، استفاده می‌شد.^{۷۵} خانواده‌های افراد ملکی که در نتیجه منازعه کشته یا «شهادت» شده بودند، مشمول دریافت ۱۰۰,۰۰۰ افغانی (۱,۳۳۳ دلار آمریکایی) تحت کدهای ۹۲/۹۱ بودند، در حالی که افراد ملکی که دچار جراحات ناشی از جنگ شده بودند، مشمول دریافت ۵۰,۰۰۰ افغانی (۶۶۷ دلار آمریکایی)^{۷۶} می‌شدند. گفته می‌شود افرادی که درخواستشان تأیید می‌شد، در صورت واجد شرایط بودن برای پرداخت‌های بلندمدت، به وزارت شهدا و معلولان نیز معرفی می‌شدند.^{۷۷} ۲۰۲۰، یوناما یادآور شد که طی مراحل درخواست‌ها برای پرداخت‌های کد ۹۰ با تأخیر قابل توجهی مواجه بوده است.^{۷۸}

^{۷۳} محکمه شهری لاهه، دوازده سال حبس برای جرایم جنگی در افغانستان (۱۴ اپریل ۲۰۲۲). قابل دسترس در:

<https://www.rechtspraak.nl/Organisatie-en-contact/Organisatie/Rechtbanken/Rechtbank-Den-Haag/Nieuws/Paginas/Twelve-years-imprisonment-for-war-crimes-in-Afghanistan.aspx>

^{۷۴} یوناما و کمیشنری عال حقوق بشر ملل متحد، *افغانستان: محافظت از افراد ملکی در منازعه مسلحانه* – گزارش سالانه ۲۰۲۰ (فبروری ۲۰۲۱). صفحات. ۸۸-۸۷. قابل دسترس در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

^{۷۵} مرکز حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌ها، آسیب‌های نادیده گرفته‌شده: موانع دریافت کمک برای قربانیان در افغانستان (دسامبر ۲۰۲۰)، ص.

۹. قابل دسترس در: https://civiliansinconflict.org/wp-content/uploads/2020/12/CIVIC_Afghanistan_Report_Draft4-1.pdf

^{۷۶} برای معلومات بیشتر در مورد این میکانیزم، مراجعه کنید به مرکز حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌ها، آسیب‌های نادیده گرفته‌شده: موانع دریافت کمک برای قربانیان در افغانستان (دسامبر ۲۰۲۰)، ص. ۹. قابل دسترس در: https://civiliansinconflict.org/wp-content/uploads/2020/12/CIVIC_Afghanistan_Report_Draft4-1.pdf

^{۷۷} یوناما در ۲۰۲۰ دریافت که کارایی این پرداخت‌ها از یک ولایت به ولایت دیگر به‌طور گسترده‌ای متفاوت بوده است. برای معلومات بیشتر در مورد این میکانیزم، مراجعه کنید به: مرکز حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌ها، آسیب‌های نادیده گرفته‌شده: موانع دریافت کمک برای قربانیان در افغانستان (دسامبر ۲۰۲۰)، ص. ۹-۱۱. قابل دسترس در: https://civiliansinconflict.org/wp-content/uploads/2020/12/CIVIC_Afghanistan_Report_Draft4-1.pdf

^{۷۸} یوناما و کمیشنری عال حقوق بشر ملل متحد، *افغانستان: محافظت از افراد ملکی در منازعه مسلحانه* – گزارش سالانه ۲۰۲۰ (فبروری ۲۰۲۱). ص. ۸۷. قابل دسترس در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

پرداخت‌های اعاشه‌ای در ابتدا به‌عنوان یک میکانیزم برای ارایه پرداخت‌های ماهانه به تمام افراد دارای معلولیت در افغانستان ایجاد شده بود. با این حال، در سپتامبر ۲۰۲۰، رئیس‌جمهور غنی طی یک فرمان، این میکانیزم را تغییر داد تا پرداخت‌ها تنها به «قربانیان جنگ» اختصاص یابد. بر اساس این مکانیزم، افراد ملکی که در اثر منازعه دچار معلولیت یا جراحت شده بودند، بین ۷۵۰ افغانی (۱۰ دالر آمریکایی) تا ۱,۵۰۰ افغانی (۲۰ دالر آمریکایی) در ماه دریافت می‌کردند.^{۷۹}

کمک‌های حمایتی به افراد ملکی برای کاهش اثرات در منازعه

برنامه «کمک» توسط اداره توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) تمویل می‌شد و هدف آن شناسایی و ثبت قربانیان منازعات مسلحانه‌ای بود که واجد شرایط دریافت کمک شناخته می‌شدند. کمک‌های ارایه شده شامل مواد غذایی، اقلام بهداشتی، خدمات صحتی و حمایت معیشتی بود.^{۸۰} در ۲۰۲۰، برخی قربانیان منازعات به یوناما اظهار داشتند که دسترسی به کمک‌های COMAC آسان‌تر و سریع‌تر از مکانیزم‌های دولت افغانستان یا پرداخت‌های جبرانی نیروهای نظامی بین‌المللی بود.^{۸۱}

پرداخت‌های جبرانی توسط نیروهای نظامی بین‌المللی

پرداخت‌های جبرانی آن دسته از پرداخت‌هایی بودند که بر اساس قانون مجوز دفاع ملی ایالات متحده مجاز شمرده می‌شدند. این پرداخت‌ها به «مردم ملکی دوست» در مواردی صورت می‌گرفت که در نتیجه استفاده از زور توسط یکی از موارد زیر دچار خسارت مالی، جراحت بدنی یا فوت شده بودند: (۱) نیروهای مسلح ایالات متحده؛ (۲) ائتلافی که ایالات متحده بخشی از آن بود، یا؛ (۳) سازمان نظامی که از ایالات متحده یا ائتلاف حمایت می‌کرد. این پرداخت‌ها توسط فرماندهان مجاز مستقر در افغانستان انجام می‌شد و هدف از آن «ابراز تسلیت، همدردی یا نشان دادن حسن نیت» عنوان می‌شد.^{۸۲} پرداخت‌ها به سه نوع تقسیم می‌شوند: خسارت ناشی از نبرد، پرداخت‌های تسلیت، پرداخت‌های قهرمانی که بعداً مخصوص افرادی که هنگام حمایت از نیروهای ایالات متحده آسیب دیده بودند. بطور معمول، این پرداخت‌های جبرانی به صورت پیش‌دستانه انجام می‌شدند و هیچ روند رسمی برای قربانیان وجود نداشت تا بتوانند به دفاتر مربوطه مراجعه کرده و درخواست چنین پرداختی درخواست کنند.

مراجع موجود تحت حاکمیت مقامات اداره حاکم

در پاسخ کتبی به این گزارش^{۸۳}، وزارت امور خارجه/اداره حاکم به بخش حقوق بشر یوناما اطلاع داده است که تمامی افراد دارای معلولیت، همچنان خانواده‌های شهدا، یتیمان و بیوه‌ها توسط وزارت امور شهدا و معلولین/اداره حاکم ثبت شده و

^{۷۹} مرکز حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌ها، آسیب‌های نادیده گرفته‌شده: موانع دریافت کمک برای قربانیان در افغانستان. ص. ۱۲. دسامبر ۲۰۲۰. قابل دسترس در: https://civiliansinconflict.org/wp-content/uploads/2020/12/CIVIC_Afghanistan_Report_Draft4-1.pdf

^{۸۰} یوناما و کمیشنری عالی حقوق بشر ملل متحد، افغانستان: محافظت از افراد ملکی در منازعات مسلحانه – گزارش سالانه ۲۰۲۰ (فبروری ۲۰۲۱). ص. ۸۸. قابل دسترس در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

^{۸۱} یوناما و کمیشنری عالی حقوق بشر ملل متحد، افغانستان: محافظت از افراد ملکی در منازعات مسلحانه – گزارش سالانه ۲۰۲۰ (فبروری ۲۰۲۱). ص. ۸۸. قابل دسترس در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

^{۸۲} یادداشت وزارت دفاع ایالات متحده: «مقررات موقت برای پرداخت‌های تسلیت یا همدردی به غیرنظامیان همراه در صورت آسیب یا خسارت ناشی از عملیات نظامی»، ۲۲ جون ۲۰۲۰. قابل دسترس در: <https://media.defense.gov/2020/Jun/23/2002320314/-1/-1/INTERIM-REGULATIONS-FOR-CONDOLENCE-OR-SYMPATHY-PAYMENTS-TO-FRIENDLY-CIVILIANS-FOR-INJURY-OR-LOSS-THAT-IS-INCIDENT-TO-MILITARY-OPERATIONS.PDF>

^{۸۳} به ضمیمه ب مراجعه کنید: نظریات دریافت شده از وزارت امور خارجه/اداره حاکم.

کمک‌های نقدی ماهانه دریافت می‌کنند. به گفته وزارت امور خارجه/د/ره حاکم، وزارت امور شهدا و معلولین/د/ره حاکم از زمان تسلط طالبان:

- ۶۳'۰۶۵۴ نفر را برای دریافت کمک ثبت کرده است که از میان آنان ۳۸۵'۸۵۶ یتیم، ۹۷'۲۱۷ بیوه و ۱۷۰'۹۹۸ افراد دارای معلولیت هستند؛
 - علاوه بر کمک‌های غذایی، لباس‌های زمستانی، ویلچر و اندام‌های مصنوعی، مبلغ ۴۵/۹۰۸ میلیارد افغانی (تقریباً ۶۹۵'۷۳۵'۲۸۰ دلار امریکایی) به افراد مستحق توزیع شده است؛
 - مراکز تخصصی توان‌بخشی را فعال کرده است که خدمات فیزیوتراپی، ارتوپدی و خدمات روانی و سلامت روان را برای افراد دارای معلولیت ارائه می‌کنند.
- در رابطه با اشتغال، وزارت امور خارجه/د/ره حاکم اظهار داشته است که:
- برای بیوه‌ها، یتیمان و خانواده‌های تحت سرپرستی زنان، ماشین‌های خیاطی، تجهیزات نانواپی خانگی و سایر تجهیزات فراهم شده است؛
 - تلاش‌ها برای تطبیق سهمیه سه درصدی در استخدام افراد دارای معلولیت در نهادهای دولتی/د/ره حاکم هماهنگ و صورت گرفته است؛
 - سایر تجهیزات برای کسب‌وکارهای کوچک، از جمله تجهیزات دکان‌ها و مواشی، توزیع شده است؛
 - برای افراد، آموزش‌های حرفه‌ای و سایر آموزش‌ها فراهم شده است.

در ۲۵ اپریل ۲۰۲۵، ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی مقامات/د/ره حاکم در یک نشست خبری برای وضاحت درباره گزارش‌های مربوط به پرداخت سالانه به خانواده‌های قربانیان جنگ سخن گفت. او اظهار داشت که ۱۲/۵ میلیارد افغانی (۱۶۶،۶۶۶،۶۶۷ دلار آمریکایی) از بودیجه سالانه از طریق وزارت امور شهدا و معلولین/د/ره حاکم برای یتیمان، بیوه‌ها و افراد دارای معلولیت؛ چه مرتبط به طالبان، حکومت پیشین، یا سایر افراد ملکی، باشند؛ پرداخت می‌شود.^{۸۴}

ج. روش تحقیق

این گزارش بر اساس مصاحبه با ۱۹۵ قربانی منازعه مسلحانه در افغانستان و/یا اقارب آنها،^{۸۵} ۲۳ موسسه ملی و بین‌المللی غیر-دولتی که برای قربانیان منازعات مسلحانه خدمات ارایه می‌دارند، و ۲۳ مقام/د/ره حاکم تهیه شده است.

از میان ۱۹۵ قربانی مصاحبه شده برای این گزارش، ۱۱۳ پشتون، ۳۱ تاجیک، ۲۲ هزاره، ۱۳ ازبیک، شش سادات، سه بلوچ، سه ترکمن و چهار تن از سایر گروه‌ها، شامل اند. از میان ۱۹۵ فرد مصاحبه شده، ۵۲ تن خانم و ۱۴۳ تن مرد بودند. قربانیان و بازماندگان مصاحبه شده در معرض نقض حقوق از سوی گروه‌های مختلف دخیل در منازعه، از جمله نیروهای مربوط به دوره جمهوری، طالبان و نیروهای بین‌المللی بودند، (به ضمیمه الف مراجعه شود).

مصاحبه‌ها توسط یوناما بین جون ۲۰۲۴ تا دسامبر ۲۰۲۵ و روایت‌های قربانیان دوره زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰ آگست ۲۰۲۱ را دربر می‌گیرد. از میان ۱۹۵ واقعه تعریف شده توسط قربانیان، ۱۷۲ واقعه بین ۲۰۱۶ و ۲۰۲۱ رخ داده که بیشترین تعداد آن در سال ۲۰۲۱ (۴۷ واقعه) بوده است.

^{۸۴} ذبیح‌الله مجاهد [Zabehullah_M33] اکس (تویتر قبلی)، ۲ اپریل ۲۰۲۵، ۷:۳۵ بعد از ظهر. قابل دسترس در:

https://x.com/Zabehullah_M33/status/1907449307068076720 و https://x.com/Zabehullah_M33/status/1907449379914486702

^{۸۵} بر اساس اصول و دستورالعمل‌های اساسی در مورد حق برخورداری از جبران خساره برای قربانیان نقض‌های جدی حقوق بشر بین‌المللی و نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی، قربانیان عبارتند از: «افرادی که به‌صورت فردی یا جمعی دچار آسیب شده‌اند، از جمله صدمات جسمی یا روانی، رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا نقض قابل توجه در حقوق اساسی خود، ناشی از اعمال یا ترک اعمالی که نقض جدی حقوق بشر بین‌المللی یا نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. در صورت مناسب بودن و مطابق با قوانین داخلی، اصطلاح «قربانی» همچنین شامل خانواده نزدیک یا افراد وابسته به قربانی مستقیم و افرادی می‌شود که در تلاش برای کمک به قربانیان در وضعیت اضطراری یا جلوگیری از قربانی شدن، دچار آسیب شده‌اند.»

مصاحبه‌ها با افراد از ۳۲ ولایت از ۳۴ ولایت افغانستان انجام شده است، به هر دو زبان پشتو و دری (وابسته به زبان مورد ترجیح مصاحبه‌شونده) و به صورت حضوری و از راه دور. در برخی موارد، مصاحبه‌ها با همکاری مترجم انجام شده است. یوناما به مصاحبه‌شوندگان اطلاع داده بود که هیچ الزامی برای شرکت در مصاحبه ندارند و تمامی اطلاعاتی که با یوناما شریک می‌سازند به صورت محرمانه نگهداری خواهد شد. مصاحبه‌شوندگانی که تمایل خود را برای شرکت در مصاحبه تأیید کردند، همچنان از سوی یوناما پرسیده شد که آیا موافق‌اند روایت‌های آنان در گزارش عمومی استفاده شود یا خیر. همچنان از آنان سؤال شد که آیا رضایت دارند معلومات شخصی‌شان در گزارش درج شود یا ترجیح می‌دهند روایت‌شان به صورت ناشناس ذکر گردد. رضایت به صورت شفاهی به دست آمده است.

این گزارش بر ثبت تلفات ملکی که از جنوری ۲۰۰۹ تا ۱۵ آگست ۲۰۲۱ توسط یوناما انجام شده بود، و همچنان بر اساس مصاحبه‌های پس از رویداد که در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ توسط یوناما انجام گردید، استوار است.^{۸۶} قربانیان و بستگان آنان عمدتاً از طریق پایگاه اطلاعاتی (دیتابیس) موجود یوناما در مورد رویدادهای مربوط به تلفات ملکی و از طریق اجتماع و سایر شبکه‌ها شناسایی شدند. معیار انتخاب برای مصاحبه این بود که: قربانیان رویداد از میان افراد ملکی باشند و رویداد پیش از تسلط مقامات د/د/ره حاکم طالبان بر افغانستان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ رخ داده باشد.

اگرچه یوناما نهایت تلاش خود را برای حصول اطمینان از تنوع مصاحبه‌شوندگان از نظر جنسیت، سن، قومیت، موقعیت جغرافیایی و نوع حادثه‌ای که آنها را تحت تأثیر قرار داده است، به کار برد، اما نمونه مصاحبه ممکن است نتواند به طور کامل از جمعیت آسیب‌دیده نمایندگی نماید.^{۸۷}

بخش ۲: چارچوب حقوقی

قواعد بین‌المللی حقوق بشر هم در زمان صلح و هم در زمان درگیری‌های مسلحانه اعمال می‌شود. افغانستان یک کشور عضو معاهدات حقوق بشری ذیل می‌باشد: کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه و غیر انسانی یا تحقیر آمیز و پروتکل اختیاری آن؛ میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی؛ کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان؛ کنوانسیون بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی؛ میثاق بین الملل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ کنوانسیون حقوق طفل، پروتکل اختیاری در مورد دخالت اطفال در درگیری‌های مسلحانه و پروتکل اختیاری آن در مورد فروش اطفال، فحشا و پورنوگرافی اطفال؛ و کنوانسیون حقوق معلولین. افغانستان منحیث یک کشور عضو این معاهدات مکلف است بدون تبعیض حقوق بشری تمام افراد تحت قلمرو خویش را احترام، محافظت و محقق نماید.

علاوه بر این، حقوق بین‌الملل بشردوستانه - که به عنوان قانون منازعات مسلحانه نیز یاد میشود - از افرادی که به طور مستقیم یا فعال در جنگ شرکت نمی‌کنند، محافظت می‌کند و محدودیت‌هایی را برای وسایل و روش‌های جنگی اعمال می‌کند. معاهدات اساسی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنیو و پروتکل‌های اضافی آنها هستند.^{۸۸} چهار کنوانسیون متذکره در سال ۱۹۴۹ به طور جهانی تصویب گردید.^{۸۹}

^{۸۶} یوناما و کمیشنری عالی حقوق بشر ملل متحد، افغانستان: محافظت از افراد ملکی در منازعات مسلحانه - گزارش سالانه ۲۰۲۰ (فبروری ۲۰۲۱). قابل دسترس در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

^{۸۷} برای معلومات بیشتر، مراجعه نمایید به «ضمیمه الف: تفکیک جمعیتی مصاحبه‌شوندگان».

^{۸۸} کنوانسیون (یک) برای بهبود وضعیت زخمی‌ها و مریضان نیروهای مسلح در میدان. ژنیو، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹؛ کنوانسیون (دوم) برای بهبود وضعیت اعضای زخمی، مریض و کشتی غرق شده نیروهای مسلح در دریا. ژنیو، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹؛ کنوانسیون (سوم) مربوط به رفتار با اسیران جنگی. ژنیو، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹؛ کنوانسیون (چهارم) مربوط به حفاظت از افراد ملکی در زمان جنگ. ژنیو، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹؛ پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنیو مورخ ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ و مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین المللی (پروتکل اول)، ۸ ژوئن ۱۹۷۷؛ پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنیو مورخ ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ و مربوط به حفاظت از قربانیان منازعات مسلحانه غیر بین المللی (پروتکل دوم)، ۸ ژوئن ۱۹۷۷؛ پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنیو ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ و مربوط به تصویب یک نشان متمایز اضافی (پروتکل سوم)، ۸ دسامبر ۲۰۰۵.

^{۸۹} کمیته بین المللی صلیب سرخ پایگاه داده‌های قانون بین المللی بشردوستانه. در دسترس در: <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/treaties-and-states-parties>.

یوناما وضعیت افغانستان را متشکل از چندین منازعه مسلحانه غیر-بین المللی دانسته است؛ که میان نیروهای مسلح حامی حکومت افغانستان (نیروهای ملی امنیتی افغانستان با حمایت نیروهای نظامی بین المللی) و گروه‌های مختلف مسلح مخالف غیر-دولتی، و همچنان میان خود گروه‌های مسلح مخالف غیر دولتی می‌باشد.^{۹۰} در یک منازعه مسلحانه غیر-بین المللی، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژینو حداقل معیارهایی را تعیین می‌کند که همه طرفهای یک منازعه، از جمله بازیگران دولتی و غیر-دولتی، باید به آنها احترام بگذارند. ماده ۳ مشترک به صراحت از هر نوع خشونت علیه جان و تمامیت جسمی اشخاص، از جمله قتل، قطع اعضای بدن، رفتار ظالمانه و شکنجه، گروگان‌گیری، و همچنان هر نوع رفتار تحقیرآمیز و اعدام‌های فراقضایی در هر زمان و مکان، در مورد افرادی که به گونه فعال در منازعات اشتراک ندارند، از جمله غیرنظامیان می‌کند. بر اساس حقوق بین الملل بشردوستانه، طرفین یک درگیری نیز مکلف به احترام به اصول کلیدی تمایز،^{۹۱} تناسب^{۹۲} و احتیاط^{۹۳} در حال جنگ هستند. علاوه بر این، موارد لازم، احکام پروتکل الحاقی دوم سال ۱۹۷۷ که افغانستان عضو آن است، نیز بخشی از چارچوب قانونی را تشکیل می‌دهد.^{۹۴}

تمام کشورهای که در نیرو نظامی بین المللی در افغانستان سهم داشتند، از امضاکنندگان چهار کنوانسیون ژینو سال ۱۹۴۹ هستند. هرچند همه سربازان کشورهای سهم‌گیرنده در نیرو نظامی پروتکل الحاقی دوم سال ۱۹۷۷ را امضا نکرده‌اند، اما همه آنها مطابق با قواعد عرفی مربوطه در حقوق بین الملل بشردوستانه که در منازعات مسلحانه غیر-بین المللی قابل تطبیق است، مکلف می‌باشند.^{۹۵} قواعد عرفی که منازعات مسلحانه غیر-بین المللی را تنظیم می‌کند برای همه طرف‌های درگیری اعم از یک کشور یا یک گروه مسلح قابل اجرا است.

برخی از مقررات حقوق بین الملل بشردوستانه پس از پایان منازعات مسلحانه نیز اعمال می‌شود.^{۹۶} بطور مثال، تعهدات مربوط به رهایی افرادی که در ارتباط با منازعات از آزادی محروم شده‌اند،^{۹۷} جستجوی افراد مفقود شده^{۹۸} و پاکسازی میدان‌های مین.^{۹۹}

^{۹۰} یوناما و کمیشنر عالی حقوق بشر ملل متحد، افغانستان: حفاظت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه - گزارش سالانه ۲۰۲۰ (فبروری ۲۰۲۱) ص ۹۷. قابل دسترس در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

^{۹۱} تمایز: جمعیت غیرنظامی و همچنین غیرنظامیان فردی نباید مورد حمله قرار گیرند و طرفین درگیری باید در همه زمان بین غیرنظامیان و جنگجویان تفکیک قائل شوند. این اصل مستلزم آن است که طرفین درگیری بین غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی از یک سو و جنگجویان و اهداف نظامی از سوی دیگر تفکیک قابل باشند. حملات فقط می‌تواند علیه دومی هدایت شود. برای اینکه یک شی یا ساختمان به عنوان هدف نظامی در نظر گرفته شود، باید دو معیار را با هم برآورده کند، یعنی (۱) با توجه به "ماهیت، مکان و هدف، استفاده از [آن] سهم موثری در اقدام نظامی داشته باشد" و (۲) "تخریب کامل یا جزئی، تصرف یا خنثی سازی در شرایط حاکم در آن زمان، یک مزیت نظامی مشخص را ارائه می‌دهد." پروتکل الحاقی دوم، ماده ۱۳ (۲)؛ مطالعه حقوق بشردوستانه بین المللی عرفی ICRC، قاعده ۱ و قواعد ۱-۲۴ مراجعه کنید.

^{۹۲} تناسب: "راه اندازی حمله ای که انتظار می‌رود منجر به تلفات تصادفی جان غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان، آسیب به اشیاء غیرنظامی یا ترکیبی از آنها، که در رابطه با مزیت نظامی ملموس و مستقیم پیش بینی شده بیش از حد خواهد بود، ممنوع است." مطالعه حقوق بشردوستانه بین المللی عرفی ICRC، قاعده ۱۴.

^{۹۳} احتیاط در حمله: "[...] غیرنظامیان باید از حفاظت عمومی در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی برخوردار باشند." در انجام عملیات نظامی، باید مراقبت مداوم برای نجات غیر نظامیان، و اشیاء غیرنظامی انجام شود" و تحت هر شرایط تمام اقدامات احتیاطی ممکن باید با هدف اجتناب و به حداقل رساندن تلفات تصادفی جانی غیرنظامیان آسیب به غیرنظامیان و آسیب به اشیاء غیرنظامی اتخاذ شود." به مطالعه قانون عرفی بین المللی بشردوستانه ICRC، قواعد ۱۵ تا ۲۱ مراجعه کنید.

^{۹۴} افغانستان پروتکل الحاقی دوم سال ۱۹۷۷ را در ۱۰ نوامبر ۲۰۰۹ تصویب کرد که در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۹ به لازم الاجرا گردید.

^{۹۵} ایالات متحده پروتکل الحاقی دوم را امضا کرده، اما تصویب نکرده است. با این حال، همچنان ملزم به رعایت قواعد عرفی حقوق بین الملل است که در احکام پروتکل الحاقی دوم منعکس شده‌اند.

^{۹۶} در برخی از احکام حقوق بشر دوستانه بین المللی، اصطلاحات "توقف خصومت‌های جاری"، "اختتام خصومت‌ها"، "پایان خصومت‌های جاری" و "پایان خصومت‌ها" نقاط شروع متفاوتی را برای اعمال برخی حفاظت‌های خاص مشخص می‌کنند. علاوه بر این، واقعیت پایان یافتن یک منازعه مانع از ادامه اجرای برخی تعهدات تحت حقوق بشر دوستانه بین المللی پس از «پایان کلی عملیات نظامی» نمی‌شود. برای مثال، افرادی که به دلیل درگیری مسلحانه از آزادی محروم شده‌اند، همچنان توسط حقوق بشر دوستانه بین المللی محافظت می‌شوند تا زمانی که آزاد، و بازگردانده شده یا وضعیت‌شان به هر طریق دیگری عادی شود.

^{۹۷} کمیته بین المللی صلیب سرخ، مطالعه حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، قاعده ۱۲۸.

^{۹۸} کمیته بین المللی صلیب سرخ، مطالعه حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، قاعده ۱۱۷.

^{۹۹} پروتکل الحاقی دوم اصلاح شده سال ۱۹۹۶ به کنوانسیون، برخی از سلاح‌های متعارف منع می‌کند، مواد (۲) ۱۰ و ۱۰؛ کمیته بین المللی صلیب سرخ، مطالعه حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی قاعده ۸۳.

تعهدات تحقیق و تعقیب

دولت ها مکلف هستند جنایات جنگی احتمالی را بررسی کنند، و در صورت لزوم مظنونان را محاکمه کنند. این مکلفیت در منازعات مسلحانه بین المللی و غیر-بین المللی قابل اجرا می باشد.^{۱۰۰} علاوه بر این، قواعد بین المللی حقوق بشر، دولت ها را مکلف می سازد تا افرادی را که مسئول نقض و سوء استفاده گسترده قواعد بین المللی حقوق بشر هستند، تعقیب و محاکمه نماید.^{۱۰۱} دولت ها موظف هستند تا تحقیقات فوری، موثر، کامل، مستقل، بی طرفانه و شفاف را در مورد نقض قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه انجام دهند و در مورد مرتکبین اقدامات مناسب انجام دهند تا اطمینان حاصل نمایند که افرادی که بر اساس حقوق بین الملل مسئولیت جرایم جدی را دارند، تحت تعقیب و محاکمه قرار گرفته و در تناسب با عمل جرمی مجازات شده اند.

جبران خساره

حق جبران خساره در حقوق بین المللی به طور صریح تثبیت شده است.^{۱۰۲} یک کشور مسئول نقض جدی حقوق بین الملل بشردوستانه یا نقض یا سوء استفاده گسترده از قواعد بین المللی حقوق بشر موظف است جبران کامل و موثر را ارائه دهد. کمیته حقوق بشر ملل متحد تاکید کرده است که بدون جبران خساره، ارائه تعهد یک راه حل موثر نمی باشد.^{۱۰۳} افرادی که مورد نقض یا سوء استفاده از قواعد بین المللی حقوق بشر و نقض حقوق بین الملل بشردوستانه قرار گرفته اند، حق دریافت جبران خساره کافی، جامع، سریع و موثر را دارند.^{۱۰۴} جبران خساره شامل برگرداندن به وضعیت پیشین، پرداخت غرامت، بازتوانی، رضایت مندی و تضمین های عدم تکرار می باشد.^{۱۰۵} جبران خساره باید متناسب با میزان آسیب وارده باشد.^{۱۰۶}

شناسایی افراد مفقود

حقوق بین الملل بشردوستانه هردو طرف درگیری مسلحانه را موظف می سازد تا تمام اقدامات ممکن را برای شناسایی افراد که مفقود اعلان شده اند اتخاذ نماید. و باید هر گونه اطلاعاتی را که در مورد سرنوشت آنها دارد به اعضای خانواده آنها ارائه دهد. این مکلفیت در منازعات مسلحانه بین المللی و غیر-بین المللی قابل اجرا است.^{۱۰۷} این مکلفیت به محض فراهم شدن شرایط لازم شروع شده و در نهایت در پایان درگیری های فعال لازم الاجرا است. علاوه بر این، مکلفیت به شناسایی افراد مفقود به عنوان یک مکلفیت مبتنی بر تلاش تلقی میگردد؛ یعنی هر یک از طرفین درگیری باید بهترین تلاش خود را در این زمینه به کار ببرند. این شامل جستجو فعال و همچنین تسهیل جستجو برای افرادی است که در نتیجه درگیری مفقود شده اند.^{۱۰۸}

^{۱۰۰} کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، قاعده ۱۵۸. برای مقررات معاهده رجوع شود به: کنوانسیون (چهارم) ژینو مربوط به حفاظت افراد غیرنظامی در زمان جنگ، ماده ۱۴۶.

^{۱۰۱} اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۸؛ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲؛ کنوانسیون بین المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی، ماده ۶؛ کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، مواد ۷ و ۱۲-۱۳.

^{۱۰۲} اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۸؛ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲؛ کنوانسیون بین المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی، ماده ۶؛ کنوانسیون علیه شکنجه، ماده ۱۴؛ کنوانسیون حقوق طفل، ماده ۳۹. همچنین دیده شود: کمیته علیه شکنجه، تبصره شماره ۳، پاراگراف ۲؛ و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تبصره شماره ۹، پاراگراف ۲.

^{۱۰۳} کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، تبصره عمومی شماره ۳۱، سند ۱۳/CCPR/C/Rev.1/Add.1، می ۲۰۰۴، پاراگراف ۱۶.
^{۱۰۴} کمیته بین المللی صلیب سرخ، مطالعه حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، قاعده ۱۵۰؛ مجمع عمومی ملل متحد، اصول اساسی و رهنمود ها در مورد حق جبران خساره برای قربانیان نقض گسترده حقوق بشر بین المللی و نقض جدی حقوق بشر دوستانه بین المللی.

^{۱۰۵} کمیته منع شکنجه، تبصره عمومی شماره ۳، سند CAT/C/GC/3، (۱۳ دسامبر ۲۰۱۲) پاراگراف ۲.
^{۱۰۶} دادستان در مقابل جرمن کاتنگ ۲۰۱۷ § ۲۹۳-۹۴ (۲۰۱۷). دادستان در مقابل توماس لوبانگا دیلو، پاراگراف ۱۲ (۲۰۱۶). همچنین به قاعده ۹۷ اجراءات و اسناد محکمه بین المللی جزایی مراجعه کنید.

^{۱۰۷} کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، قاعده ۱۱۷.

^{۱۰۸} کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، قاعده ۱۱۷.

حق دسترسی به حقیقت

حق دسترسی به حقیقت معمولاً هنگام نقض گسترده حقوق بشر و تخلفات شدید از حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح می‌گردد.^{۱۰۹} این یک حق غیر قابل انکار و مستقل است که در چندین معاهدات و اسناد بین‌المللی، و همچنان به سطح جهانی و منطقه‌ای، توسط قواعد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و قطعنامه‌های متعدد سازمان‌های بین‌الدولی، به رسمیت شناخته شده است.^{۱۱۰}

حق دسترسی به حقیقت هم یک حق فردی و هم یک حق جمعی است. این حق به قربانیان، بستگان آن‌ها و عموم مردم اجازه می‌دهد تا حقیقت کامل و جامع درباره رویدادها، شرایط مشخص آن‌ها و افرادی که در آن‌ها شرکت داشته‌اند، از جمله شرایط وقوع نقض و دلایل آن را بدانند.^{۱۱۱} حق دسترسی به حقیقت هم یک حق فردی^{۱۱۲} و هم یک حق جمعی^{۱۱۳} است.

این حق همچنین دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا نهادها، مکانیسم‌ها و رویه‌هایی ایجاد کنند که مجاز به جمع‌آوری اطلاعات در مورد رویدادهای مورد مناقشه باشند. هرچند کمیسیون‌های رسمی حقیقت‌یاب رایج‌ترین مکانیسم برای تضمین این حق هستند، اما تدابیر دیگری نیز می‌توانند این هدف را تأمین نمایند. این موارد شامل روند‌های حقیقت‌یابی به رهبری جامعه مدنی، ابتکارات مبتنی بر جامعه، کمیسیون‌های تحقیق، مأموریت‌های بررسی حقیقت، مأموریت‌های جمع‌آوری اطلاعات، کمیسیون‌های حقوق بشر، مکانیسم‌هایی برای روشن ساختن سرنوشت افراد مفقود و ناپدیدشده، تحقیقات عدلی و جنایی، شناسایی محل گورهای دسته جمعی و بیرون‌آوری و شناسایی اجساد، حفظ و فراهم‌سازی دسترسی عمومی به آرشیف‌های نهادهای استخباراتی و امنیتی، ابتکارات هنری و عذرخواهی‌های عمومی^{۱۱۴}..

تضمین عدم تکرار

در سال ۲۰۰۴، کمیته حقوق بشر اعلام کرد که اهداف میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «بدون وجود تعهد برای اتخاذ تدابیری به منظور جلوگیری از تکرار نقض میثاق که بخشی جدایی‌ناپذیر از ماده ۲ است، برآورده نخواهد شد. بنابراین، رویه‌ی معمول کمیته این بوده است که ... بر ضرورت اتخاذ اقداماتی فراتر از جبران خسارت برای قربانی تأکید کند تا از تکرار نوع نقض مورد نظر جلوگیری شود.»^{۱۱۵}

گزارشگر ویژه ملل متحد در زمینه ترویج حقیقت، عدالت، جبران خساره و تضمین‌های عدم تکرار اظهار داشته است: «تعهد کلی برای رعایت یک حق مستلزم تلاش برای اطمینان از توقف نقض و جلوگیری از تکرار آن است. بنابراین، وظیفه جلوگیری از تکرار، ارتباط نزدیکی با تعهد به توقف نقض مستمر دارد.» بر همین اساس، «تضمین‌ها یک عملکرد پیشگیرانه را انجام می‌دهند و می‌توانند به عنوان تقویت مثبت عملکرد آینده توصیف شوند.»^{۱۱۶}

^{۱۰۹} دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر، مطالعه در مورد حق دانستن حقیقت، گزارش دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر ملل متحد، سند E/CN.4/2006/91، پاراگراف ۳، ۸ فبروری ۲۰۰۶.

^{۱۱۰} دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر، مطالعه در مورد حق دانستن حقیقت، گزارش دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر ملل متحد، سند E/CN.4/2006/91، پاراگراف ۵۵، ۸ فبروری ۲۰۰۶.

^{۱۱۱} دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر، مطالعه در مورد حق دانستن حقیقت، گزارش دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر ملل متحد، سند E/CN.4/2006/91، پاراگراف ۳، ۸ فبروری ۲۰۰۶.

^{۱۱۲} اسناد بین‌المللی حقوق بشر نشان می‌دهند که چه کسانی مستحق حق دانستن حقیقت هستند. تمام این متون، حق دانستن حقیقت را برای قربانیان و بستگان یا نمایندگان آنان به رسمیت می‌شناسند. این موضوع هم از سوی رویه قضایی محاکم بین‌المللی حقوق بشر و نهادهای ناظر بر معاهدات و هم از سوی محاکم داخلی مورد حمایت قرار گرفته است. برای جزئیات بیشتر، بنگرید: دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر، مطالعه در مورد حق دانستن حقیقت، گزارش دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر ملل متحد، سند E/CN.4/2006/91، پاراگراف ۳۵، ۸ فبروری ۲۰۰۶.

^{۱۱۳} دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر، مطالعه در مورد حق دانستن حقیقت، گزارش دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر ملل متحد، سند E/CN.4/2006/91، پاراگراف ۳۶، ۸ فبروری ۲۰۰۶.

^{۱۱۴} سازمان ملل متحد، یادداشت راهنمای دبیرکل در مورد عدالت انتقالی: ابزار استراتژیک برای مردم، پیشگیری و صلح، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳، صفحات ۱۵ و ۱۴.

^{۱۱۵} کمیته حقوق بشر، یادداشت عمومی شماره [۸۰]، سند CCPR/C/21/Rev.1/Add.13، پاراگراف ۱۷، (۲۶ می ۲۰۰۴).

^{۱۱۶} گزارش گزارشگر ویژه در مورد ترویج حقیقت، عدالت، جبران خسارت و تضمین عدم تکرار، سند A/HRC/30/42، پاراگراف ۱۸، ۷ سپتامبر ۲۰۱۵.

مفهوم تضمین عدم تکرار شامل مجموعه گسترده ای از اقداماتی است که می‌توانند در جلوگیری از نقض‌های آینده مؤثر باشد. این تدابیر می‌تواند شامل اصلاحات نهادی (به عنوان مثال: پروسه های خلع سلاح، پروسه های رفع بسیج عمومی و ادغام مجدد، اصلاحات در بخش امنیتی، اقدامات برای تقویت استقلال قضایی، بررسی قانون به منظور اطمینان از انطباق با حقوق بشر بین‌المللی) و همچنین سایر اقداماتی که تحول گسترده تر اجتماعی و فرهنگی را هدف قرار می‌دهد تا از تکرار تخلفات جلوگیری نماید (به عنوان مثال: حذف محدودیت‌ها در فضای مدنی، ترویج قانون و سیاست های ضد تبعیض، پرورش بخش رسانه های آزاد، ابتکارات یادبود، گفتگوی بین المذهبی).^{۱۱۷}

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

افغانستان عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شامل حق دسترسی به غذای کافی، مسکن مناسب، آموزش، خدمات صحتی، تأمین اجتماعی، مشارکت در زندگی فرهنگی، آب و بهداشت و کار است.^{۱۱۸} افغانستان مکلف است حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام افراد را در قلمرو خود و تحت صلاحیتش را بدون هرگونه تبعیض رعایت، حمایت و تحقق بخشد.

دولت‌ها مکلف‌اند که به‌طور تدریجی تحقق کامل این حقوق را با حداکثر منابع موجود خود فراهم سازند.^{۱۱۹} این امر همه کشورهای عضو را ملزم می‌سازد تا اقدامات لازم را برای تضمین بهبود مداوم و پایدار در بهره‌مندی از این حقوق در طول زمان اتخاذ نمایند. همچنین به این معنی است که دولت‌ها ملزم هستند، فوراً از حداقل سطوح ضروری هر حق اطمینان حاصل نمایند.^{۱۲۰} دولت‌ها همچنین وظیفه دارند که از حداکثر منابع موجود خود برای تحقق تدریجی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استفاده کنند. حتی اگر یک دولت به وضوح منابع ناکافی در اختیار خود داشته باشد، هنوز هم باید برنامه های کم هزینه و هدفمند را برای کمک به نیازمندان معرفی کند تا از منابع محدود به طور کارآمد و موثر استفاده شود.^{۱۲۱} علاوه بر این، وظیفه تحقق تدریجی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به معنای ممنوعیت اقداماتی است که موجب کاهش سطح فعلی بهره‌مندی از این حقوق می‌گردد.^{۱۲۲}

همچنان برخی مکلفیت‌ها، مانند اصل عدم تبعیض، دارای اثر فوری می‌باشد.^{۱۲۳} به منظور احترام به اصل عدم تبعیض، دولت‌ها باید اقدامات خاصی را برای تضمین حفاظت از حقوق جمعیت های محروم به عنوان یک اولویت اتخاذ کنند. حتی زمانی که منابع محدود هست، دولت وظیفه دارد اقداماتی را برای محافظت از کسانی که بیشتر در معرض خطر هستند اتخاذ کند.^{۱۲۴}

علاوه بر این، حق صحت در بسیاری از اسناد بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر تأیید می‌کند: «هر کس حق دارد که یک سطح زندگی مناسب برای سلامت خود و خانواده‌اش از جمله غذا، پوشاک، مسکن و مراقبت های طبی و خدمات اجتماعی لازم داشته باشد».^{۱۲۵} علاوه بر این، میثاق بین‌الملل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح می‌کند که کشورهای عضو «حق هر فرد برای برخورداری از بالاترین سطح قابل

^{۱۱۷} سازمان ملل متحد، یادداشت راهنمای دبیرکل در مورد عدالت انتقالی: ابزار استراتژیک برای مردم، پیشگیری و صلح، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳، ص ۲۰.

^{۱۱۸} میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.

^{۱۱۹} میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بند ۱ ماده ۲، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.

^{۱۲۰} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظر عمومی شماره ۳، سند E/1991/23، پاراگراف ۱۰، ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰.

^{۱۲۱} حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ق دسترس در: <https://www.ohchr.org/en/human-rights/economic-social-cultural-rights>

^{۱۲۲} حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. قابل دسترس در: <https://www.ohchr.org/en/human-rights/economic-social-cultural-rights>

^{۱۲۳} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظر عمومی شماره ۳، سند E/1991/23، پاراگراف های ۱-۲، ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰.

^{۱۲۴} حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. قابل دسترس در: <https://www.ohchr.org/en/human-rights/economic-social-cultural-rights>

^{۱۲۵} اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۵.۱.

دستیابی به سلامت جسمی و روانی» را به رسمیت می‌شناسند.^{۱۲۶} حق صحت یک حق فراگیر است که نه تنها شامل دسترسی به خدمات صحتی به موقع و مناسب میشود بلکه عوامل اساسی و تعیین کننده سلامت را نیز دربر میگیرد.^{۱۲۷}

حقوق افراد دارای معلولیت

افغانستان یک کشور عضو کنوانسیون حقوق معلولین است. تعهدات دولت‌ها در رابطه با حقوق افراد دارای معلولیت نیز در سایر معاهدات حقوق بشر گنجانده شده است و از طریق نهادهای معاهده حقوق بشر دیگر، به عنوان مثال کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر و توسعه یافته است.

تعهدات دولت‌ها شامل اطمینان از دسترسی افراد دارای معلولیت به غذای کافی، مسکن قابل دسترسی و سایر نیازهای اساسی مادی است. همچنین دولت‌ها مکلف‌اند اطمینان حاصل کنند که خدمات حمایتی، از جمله وسایل کمکی، در دسترس اشخاص دارای معلولیت باشد تا آن‌ها بتوانند سطح استقلال خود را در زندگی روزمره افزایش داده و از حقوق خود بهره‌مند شوند.^{۱۲۸} کمیته حقوق اشخاص دارای معلولیت اعلام کرده است که دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق معلولین مکلف‌اند حقوق زنان دارای معلولیت را رعایت، حمایت و تحقق بخشند و تبعیضی چند برابر و چندین لایه را که زنان دارای معلولیت با آن مواجه‌اند مورد توجه قرار دهند.^{۱۲۹} اشخاص دارای معلولیت، چه در مناطق روستایی و چه در مناطق شهری، باید فرصت‌های برابر برای اشتغال مفید و درآمدزا در بازار کار داشته باشند.^{۱۳۰} علاوه بر این، طرح‌های تامین اجتماعی و حفظ درآمد اغلب برای افراد دارای معلولیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دولت‌ها باید از ارائه حمایت جهت درآمد کافی برای افراد دارای معلولیت که به دلیل معلولیت یا عوامل مرتبط با معلولیت، به طور موقت درآمد خود را از دست داده‌اند یا درآمدشان کاهش یافته‌اند یا از فرصت‌های شغلی محروم شده‌اند، اطمینان حاصل کنند. چنین حمایت باید منعکس کننده نیازهای ویژه برای کمک و سایر هزینه‌های مرتبط با معلولیت باشد. تا آنجا که ممکن است، حمایت ارائه شده باید افرادی را نیز پوشش دهند که حمایت از یک فرد دارای معلولیت را به عهده می‌گیرند.^{۱۳۱}

علاوه بر این، دولت‌ها باید اصل فرصت‌های آموزشی برابر برای اطفال، جوانان و بزرگسالان دارای معلولیت را در محیط‌های یکپارچه به رسمیت بشناسند. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که معلمان برای آموزش اطفال دارای معلولیت در مدارس عادی، آموزش دیده باشند و تجهیزات و حمایت‌های لازم فراهم گردد تا اشخاص دارای معلولیت بتوانند به همان سطح آموزشی هم‌تایان غیر-معلول خود دست یابند.^{۱۳۲}

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأیید کرده است که دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که افراد دارای معلولیت، به ویژه نوزادان و اطفال، از مراقبت‌های صحتی هم سطح با دیگران در عین نظام [صحتی] برخوردار می‌باشند. حق صحت همچنین به معنای حق دسترسی و بهره‌مندی از خدمات طبی و اجتماعی - از جمله دستگاه‌های ارتوپدی - است که افراد دارای معلولیت را قادر می‌سازد تا مستقل شوند، از معلولیت‌های بیشتر جلوگیری کنند و از ادغام اجتماعی آنها حمایت کنند. همچنان، به افراد دارای معلولیت باید خدمات توانبخشی ارائه شود که آنها را قادر سازد تا به سطح مطلوب استقلال و عملکرد خود برسند. همه این خدمات باید به گونه‌ای ارائه شود که افراد مربوطه بتوانند احترام کامل به حقوق و کرامت خود را حفظ کنند.^{۱۳۳}

^{۱۲۶} میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۲.۱.

^{۱۲۷} مانند دسترسی به آب سالم و آشامیدنی و بهداشت کافی، تامین کافی غذای مصئون، تغذیه و مسکن، شرایط شغلی و محیطی سالم و دسترسی به آموزش و اطلاعات مربوط به بهداشت، از جمله در مورد صحت جنسی و باروری. به طور مثال مراجعه کنید به: کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تبصره عمومی شماره ۱۴، سند E/C.12/2000/4، ۱۱ آگوست ۲۰۰۰.

^{۱۲۸} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظر عمومی شماره ۵، بند ۳۳. سند E/1995/22، پاراگراف ۳۳، (۹ دسامبر ۱۹۹۴).

^{۱۲۹} کمیته حقوق معلولین، تبصره عمومی شماره ۳ (۲۰۱۶)، ماده ۶: زنان و دختران دارای معلولیت، سند CRPD/C/GC/3، (۲ سپتامبر ۲۰۱۶).

^{۱۳۰} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظر عمومی شماره ۵، سند E/1995/22، پاراگراف ۲۲، (۹ دسامبر ۱۹۹۴).

^{۱۳۱} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظر عمومی شماره ۵، سند E/1995/22، پاراگراف ۲۹، (۹ دسامبر ۱۹۹۴).

^{۱۳۲} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظر عمومی شماره ۵، سند E/1995/22، پاراگراف ۳۵، (۹ دسامبر ۱۹۹۴).

^{۱۳۳} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظر عمومی شماره ۵، سند E/1995/22، پاراگراف ۳۴، (۹ دسامبر ۱۹۹۴).

بخش ۳: تأثیرات منازعه بر قربانیان

یوناما با ۱۹۵ نفر در مورد تأثیرات به جا مانده از حوادثی که در چارچوب درگیری های مسلحانه رخ داده بود، مصاحبه نمود. این حوادث طی سال های متعدد (از ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۱) رخ داده اند و با این حال تنها بخش کوچکی از نقض های حقوق بشر در افغانستان طی دهه های متمادی را نمایان می سازند. واضح بود که با وجود قومیت های مختلف، جنسیت و سن متفاوت و تنوع عاملان، تاکتیک های مورد استفاده و انواع آسیب هایی که تجربه کرده اند، قربانیان تجربه های مشترک از درد و رنج دارند. کسانی که مصاحبه شده اند در مورد تأثیرات طولانی مدت فیزیکی، عاطفی، مالی و اجتماعی که تجربه کرده اند صحبت کردند و اثرات آن برای سال های زیادی و در طول چندین نسل احساس می شود.



گل چهره ۲۵ ساله هنگامی که از خانه اش در ولایت لغمان بیرون شد
بر یک راکت منفجر نشده قدم گذاشت. او حالا خیاط است. داکتر
بخت مینه صافی پای مصنوعی گل چهره را آزمایش می کند.

اداره ماین پاکی ملل متحد، کابل، ۲۰۲۳.

الف. تاثیرات فیزیکی

از مصاحبه شوندگان در مورد تأثیرات فیزیکی این رویداد بر آنها و یا اعضای خانواده آنها سوال شد. پنجاه و هشت فیصد مصاحبه شوندگان از تأثیرات فیزیکی در نتیجه حوادث گزارش کردند.^{۱۳۴}

بلال و غوث الدین^{۱۳۵}

حوالی ساعت ۴ صبح روز ۱۸ جون ۲۰۱۱، غوث الدین در راه مسجد قریه اش در ولایت جوزجان بود و خانواده اش در خانه خوابیده بودند که فیر سلاح های سنگین توسط ملیشه های طرفدار دولت از یک پوسته نزدیک، به خانه اش اصابت کرد. او به عقب برگشت و دید که مادر و خواهرش مرده و دو پسرش پنج و شش ساله به شدت زخمی شده است.

پسر او بلال که اکنون ۱۰ ساله است، گفت:

«من آرام در زیر پشه خانه خوابیده بودم که ناگهان از خواب وحشتناک بیدار شدم. با تعجب، من دیدم که مادرم به آرامی پای من را با یک پارچه بسته می کند. چیز دیگری که من فهمیدم این بود که من در شفاخانه بودم. پس از گذراندن ده روز در شفاخانه، متوجه شدم که نمی توانم پایم را حرکت دهم. طوری که نور روز به تاریکی شب تبدیل شده است. من دو عمل جراحی در پای خود انجام دادم، اما متاسفانه موفق نبودند. از آن زمان، من نمی توانم بدون عصا راه بروم به دلیل که پای من آسیب شدید متحمل شده است. این باعث شد که من هفت ماه قادر به رفتن به مکتب نشوم. خوشبختانه، یک همسایه مهربان پیشنهاد کرد که من را در کنار فرزندان خود با ریکشا به طور رایگان به مکتب ببرد. با این حال، من در حال حاضر با نگرانی در مورد آینده خود مواجه هستم. چگونه می توانم در پوهنتون شرکت کنم؟ آیا هر دختری مایل به ازدواج با من خواهد بود؟ و اگر من ازدواج کنم، چگونه می توانم همسر و فرزندان خود را تامین کنم؟ وقتی می بینم دوستانم در حال دووش اند و یا فوتبال بازی می کنند، بیشتر درد می کشم، فعالیت هایی که دیگر نمی توانم در آنها شرکت کنم.»

ا. درد مزمن

بسیاری از قربانیان همچنان در نتیجه آسیب ها، درد مزمن را تجربه می کنند، به عنوان مثال به دلیل سوختگی یا چره ناشی از مواد منفجره که در بدن آنها وارد شده است:

«تمام بدن من نشانه های سوختگی را دارد. [...] من نمی توانم در زمستان نزدیک به بخاری بنشینم. همچنین، من نمی توانم در هوای آفتابی راه بروم. وقتی در هوای آفتابی راه می روم، تمام بدنم می سوزد. من اصلاً نمی توانم در گرما بنشینم.»^{۱۳۶}

«قطعاً مواد منفجره بمب دست ساز به سینه پسر اصابت کرده و تا امروز برای او درد ایجاد می کند. او در ناحیه سر و دستانش واکنش های التهابی دارد که اغلب باعث بی حسی، سوزش یا ورم زدگی میشود. یکی از گرده های او نیز پس از این رویداد برداشته شد.»^{۱۳۷}

«دختر من هنوز هم از جراحات سوختگی رنج می برد. پوست بدن او بسیار ضعیف است و گاهی اوقات از یک خراش ساده خونریزی می کند. او و خواهرزاده من هر دو گاهی از گوش خود خونریزی دارند. خواهرزاده ام در داخل هر دو ران خود چره دارد که در جریان عملیات ها در کابل بیرون نشده است.»^{۱۳۸}

^{۱۳۴} تعدادی از مصاحبه ها با اعضای خانواده قربانیان که کشته و یا ناپدید شده بودند انجام شده و در نتیجه اثرات فیزیکی توسط مصاحبه کننده تجربه نشد.

^{۱۳۵} مصاحبه شماره ۵۱.

^{۱۳۶} مصاحبه شماره ۱۰۳.

^{۱۳۷} مصاحبه شماره ۸۴.

^{۱۳۸} مصاحبه شماره ۳۴.

یک مصاحبه کننده که در سال ۲۰۰۱ از سوی طالبان به پا گلوله خورد، گفت که او همچنان در پایش درد احساس می کند که بیش از دو دهه پس از این رویداد بر تحرک و توانایی کار او تأثیر می گذارد.^{۱۳۹}

ii. نیازهای مداوم طبی

بسیاری از مصاحبه شوندگان نیازهای طبی مداوم مرتبط با آسیب های خود داشتند. در برخی موارد، آنها سال ها پس از وقوع رویداد به درمان نیاز داشتند. به عنوان مثال، زنی که در اثر فیر سلاح های سنگین زخمی شده است (که در جریان جنگ میان طالبان و اردوی ملی افغان در قریه اش رخ) همچنان به شفاخانه مراجعه می کند تا قطعات فلزی را از پای خود بردارد.^{۱۴۰}

برخی دیگر گفتند که آنها همچنان از درد جسمی رنج می برند زیرا قادر به پرداخت هزینه های درمانی بیشتر نیستند:

«من در استخوان ساق پای راستم یک میله آهنی دارم. با تشکر از دکتر بلال، پام دوباره خوب شده است. با این حال، من در زمستان از همان ناحیه درد دارم. دکتر بلال به من گفت که او می تواند میله را بردارد، اما من پول برای عمل جراحی دیگری ندارم.»^{۱۴۱}

یکی از مصاحبه شوندگان می گوید که پسر اش به عنوان کارگر روزانه برای حمایت از خانواده اش کار می کرد که در اثر یک ماین انفجاری جاسازی شده توسط طالبان زخمی شد. این مرد پسرش را که زیر هجده سال بود برای تداوی به پاکستان فرستاد تا چهره ها را از بدن او بیرون کند، اما این پسر هنوز دندانه های شکسته از این رویداد دارد که خانواده نمی توانند آن را ترمیم کنند.^{۱۴۲}

iii. معلولیت

بسیاری از قربانیان به دلیل جراحات ناشی از درگیری ها دچار معلولیت جسمانی شده اند، از جمله نابینایی یا ناشنوایی، از دست دادن یک اندام یا مشکلات حرکتی مداوم. آنها تأثیر گسترده معلولیت خود را بر جنبه های مختلف زندگی شان، از جمله توانایی کار، تحصیل و مشارکت در فعالیت های اجتماعی، توصیف کردند.

یک مرد توصیف کرد که چگونه، در سن ۱۵ سالگی، هنگام چراندن حیواناتش در یک مزرعه، تکه ای فلز را برداشت بدون اینکه بداند چیست. یک ماین منفجر نشده بود که منفجر شد:

«من به شدت زخمی شدم. اگر بدن من را از نزدیک ببینید، از چگونگی زنده ماندن من شوکه می شوید. حالا من یک فرد دارای معلولیت هستم. من نمی توانم ببینم، من بینایی خود را از دست داده ام و دست چپم تا مچ قطع شده است. من قادر به کار نیستم و نمی توانم به مکتب یا مدرسه بروم.»^{۱۴۳}

مصاحبه شونده دیگری که در سن ۹ سالگی بر اثر فیر سلاح های سنگین نیروهای امنیتی ملی افغان که به خانه اش اصابت کرد و نابینا شد، گفت که به دلیل معلولیت مجبور شد مکتب را ترک کند:

«در زمان رویداد، من یک متعلم صنف سوم با رویاهای تبدیل شدن به یک دکتر بودم. متأسفانه، آن رویاها دفن شدند. گرچه تا صنف هفتم به تحصیل ادامه دادم، اما ضعیف شدن تدریجی چشم دومم به دلیل آسیب های وارد شده در رویداد مجبور به ترک مکتب شدم. اکنون، در ۱۷ سالگی، من به عنوان یک کارگر روزانه کار می کنم در حالی که همصنفی های سابق من به صنف یازدهم پیشرفت کرده اند. درد بی سواد ماندن بر من سنگین است.»^{۱۴۴}

^{۱۳۹} مصاحبه شماره ۱۰۹.

^{۱۴۰} مصاحبه شماره ۱۶.

^{۱۴۱} مصاحبه شماره ۷۶.

^{۱۴۲} مصاحبه شماره ۶۶.

^{۱۴۳} مصاحبه شماره ۱۲۶.

^{۱۴۴} مصاحبه شماره ۵۶.

مردی که خواهر یازده ساله اش پس از حمله هوایی نیروهای نظامی بین المللی و اصابت قطعه فلزی به چشم او از یک چشم نابینا شده است گفت که او به دلیل این معلولیت مکتب را ترک کرده است.^{۱۴۵}

زنی که دختر ۱۷ ساله اش در اثر فیر سلاح های سنگین نیروهای امنیتی افغان زخمی شده بود، تأثیر جراحات دخترش را اینگونه توصیف کرد:

«این رویداد دختر من آواز گل را به طور متفاوتی تحت تأثیر قرار داد. او یک قالین باف بود و نامزد بود. او به دلیل آسیبی که در رویداد به دست راست او وارد شد، توانایی بافتن قالین را از دست داد. به خاطر مهارت های قالین بافی او، نامزدش پیشاپیش ۴۰۰،۰۰۰ افغانی [۵،۳۳۳ دلار] مهریه پرداخت کرده بود. اما پس از ازدواج، او را به طور مداوم به خاطر بی فایده بودن در زندگی اش مورد آزار قرار می داد، زیرا دیگر نمی توانست قالین ببافد.»^{۱۴۶}

iv. مسولیت های مراقبتی

اثرات طولانی مدت آسیب های فیزیکی بر اعضای خانواده که مجبوراً مراقب باشد، نیز تأثیر می گذارد. تعدادی از مصاحبه شونده ها در مورد مجبور به ترک کار یا تحصیل برای مراقبت از اعضای خانواده صحبت کردند:

«من و خواهر و برادرانم پدر و مادرمان را از دست دادیم. برادر کوچکم فلج شد. [...] خواهرم که تنها ۱۶ سال دارد و من، همیشه باید از برادر کوچکم مراقبت کنیم. بلند کردن او روزیبه روز دشوارتر می شود. و خواهرم در کمر و شانه هایش درد دارد. زیرا تمام مدت مجبور است خم شود و برادرم را حمل کند. [...] خواهرم نتوانست به مدرسه برود، چون یکی باید از برادرم مراقبت می کرد.»^{۱۴۷}

^{۱۴۵} مصاحبه شماره ۳۱.

^{۱۴۶} مصاحبه شماره ۵۵.

^{۱۴۷} مصاحبه شماره ۳۹.



"دردناک ترین قسمت این است که من
نمی توانم فراموش اش کنم. هر جا که می
روم این با من است."

محمد، قربانی انفجار ماین تعبیه شده

ب. تأثیرات عاطفی و روانی

حاجی دینا گل^{۱۴۸}

در ۵ جولای ۲۰۱۹ در ولایت پکتیا، فیر سلاح های سنگین حاجی دینا گل را تحت تأثیر قرار داد. پسر او برکت الله (۱۲ ساله) بلافاصله در اثر قطعه فلزی ناشی از مواد منفجره کشته شد و دخترش بادشاه گل (۸ ساله)، پسرش نجیب الله (۱۰ ساله)، برادرزاده اش کریم (۱۶ ساله) و خواهرزاده اش عایشه (۱۵ ساله) زخمی شدند.

در حالی که او کودکان زخمی را با خواهرزاده اش پی پی حلیمه (۱۸ ساله) به شفاخانه منتقل می کرد، یک حمله هوایی موثر آنان را هدف قرار داد و نجیب الله و پی پی حلیمه بلافاصله کشته شدند. فقط بعد از یک سال، دختر ۱۷ ساله اش بادانا به دلیل افسردگی که پس از از دست دادن برادرانش دچار شد، جان خود را گرفت.

"همه در خانواده مانند یک جسد زنده است. اگرچه به نظر می رسد که ما زنده هستیم، اما همه ما در واقعیت مرده ایم. بچه های باقی مانده من بسیار منزوی شده اند و آنها اصلاً نمی خواهند با دیگران ملاقات کنند یا با آنها صحبت کنند."

از مصاحبه شوندگان در مورد تأثیر این رویداد بر سلامت عاطفی آنها سوال شد. تقریباً همه (۹۵٪) مصاحبه شوندگان تأثیرات عاطفی و یا روانی حوادث را گزارش کردند که شامل رنج های روانی و یا عاطفی از جمله ناتوانی در تمرکز، از دست دادن حافظه، خاطرات ناگهانی، افسردگی و جدایی اجتماعی است.

فردی که اعضای خانواده شان کشته شده اند از درد های عاطفی که پس از آن تجربه کرده اند صحبت کردند:

«چگونه می توانم رنج های خود را توضیح دهم؟ هر روز ما درد از دست دادن عزیزان خود را تحمل می کنیم؛ دو جنازه که از خانه ما خارج شدند. مادرشان تمام شب بیدار است و گریه می کند. اتفاقی که اخیراً برای عروسی پسر من تزیین کرده بودیم، اکنون یادآور دردناکی از آنچه از دست داده ایم است، اتفاقی که به سختی می توانیم به آن نگاه کنیم.»^{۱۴۹}

یک مرد توصیف کرد که پدر و برادرش ۲۰ سال قبل توسط اعضای طالبان با دستان بسته در پشت سر با مرعی کشته شدند. این مرد که در آن زمان طفل بود، در آن رویداد به شانه و پا مرعی خورد و گفت که همچنان از نظر روانی با آنچه رخ داده است دست و پنجه نرم می کند:

«گاهی هنوز پس از این همه سال نمی توانم خوب بخوابم. مدام یاد پدر و کاکایم می افتم که کشته شدند. به یاد می آورم چگونه آن ها کشته شدند و خانه و قریه ما چگونه سوخت. و هیچ کس به من کمک نکرد.»^{۱۵۰}

بسیاری از مصاحبه شوندگان مشکلات سلامت روانی از جمله افسردگی و اضطراب را تجربه کرده بودند. برخی گفتند که به خودکشی فکر کرده اند:

«مرگ دو فرزندم باعث غم و اندوه شدید برای من و همسر بود. بعضی وقت ها در یک اتاق می نشینم، دروازه را می بندم و بسیار گریه می کنم. همه امید ها را از دست دادم سپس به خودکشی فکر می کنم اما بعد پشیمان می شوم. به خودم می گویم با وجود سختی ها باید به زندگی ادامه دهیم. [...] این فقط من نیستم، کل خانواده ام هنوز زخم هایش را در بدن دارد که دائماً ذهن ما را آزار می دهد.»^{۱۵۱}

قربانیان رویداد از احساس ترس یا خشم ناشی از محرک هایی که یادآور رویداد بودند نیز سخن گفتند:

^{۱۴۸} مصاحبه شماره ۳۴.

^{۱۴۹} مصاحبه شماره ۱۲.

^{۱۵۰} مصاحبه شماره ۱۹.

^{۱۵۱} مصاحبه شماره ۱۶.

«من هنوز هم مشکلات روانی را تجربه می‌کنم. من از فکر کردن به این رویداد می‌ترسم و حتی اکنون وقتی سرو صدا یا صدای بلند می‌شنوم احساس ترس می‌کنم.»^{۱۵۲}

یک مرد که در حمله پیچیده گروه داعش-خراسان زخمی شده بود، از مشکلات حافظه و تمرکز پس از رویداد سخن گفت:

«قبل از رویداد، من می‌توانستم چیزها را به راحتی یاد بگیرم و به یاد داشته باشم، اما اکنون، من نمی‌توانم به راحتی آنچه را که می‌خوانم یا آنچه می‌خواهم یاد بگیرم به یاد بیاورم. همچنین، من فراموشکار شده‌ام برای مثال، اگر به مرکز شهر بروم، دروازه خانه را قفل می‌کنم و سپس در مسیر، یاد نمی‌آید که آیا دروازه را قفل کرده‌ام یا نه و باید برگردم و بررسی کنم. این فقط پس از رویداد آغاز شد.»^{۱۵۳}

برخی از مردم در مورد ایجاد ترس از انجام کارهای خاص و یا رفتن به مکان‌های خاص صحبت کردند. یک زن توصیف کرد که چگونه پسرش در یک حمله انتحاری که از سوی گروه داعش در داخل یک مرکز امتحان کانکور انجام شده بود، زخمی شد. پس از این رویداد، او گفت که پسر کوچکش رفتن به مکتب را متوقف کرد: «او متقاعد شده بود که اگر او به مکتب برود، انفجار رخ خواهد داد و او مانند برادرش زخمی خواهد شد. او این باور را ایجاد کرده است که حضور او در مکتب منجر به انفجار دیگری در آنجا خواهد شد.»^{۱۵۴}

مردی که پدرش توسط اعضای طالبان ربوده و کشته شده بود، گفت:

«این رویداد ترس را در خانواده ما ایجاد کرد. ما فکر می‌کردیم که آنها به ما هم آسیب می‌رسانند. کوچه ای که پدرم در آن دستگیر شد، مسیر اصلی دسترسی از قریه ما به بازار است. من تقریباً هر روز در راه بازار از این سرک عبور می‌کنم. هر بار که از آن عبور می‌کنم، مرا به یاد پدرم می‌اندازد و چگونه او به طور وحشیانه و بی‌رحمانه کشته شد.»^{۱۵۵}

چندین مصاحبه‌کننده به مشکلات استفاده از مواد مخدر اشاره کردند که ناشی از مشکلات روانی پس از یک رویداد بوده است:

«پس از این رویداد، کاکای من به دلیل اندوه عمیق و افسردگی معتاد به مواد مخدر شد و دیگر نمی‌توانست از خانواده خود مراقبت کند. در نتیجه، همسر و شش فرزند او اکنون با ما زندگی می‌کنند.»^{۱۵۶}

«برخی از خانواده‌های قربانیان از این رویداد به شدت متاثر شدند، به عنوان مثال عبدال از اینکه تمام خانواده اش را از دست داد، رفتار عادی او متوقف شد. به این معنی که واکنش‌های عاطفی و فیزیکی قوی دارد. او از مریضی روانی رنج می‌برد و در حال حاضر معتاد است. او روابط خود را با همه در قریه قطع کرده است. او اکنون در کنار جاده‌ها و کوچه‌ها به کوچه در قریه ما قدم می‌زند.»^{۱۵۷}

برخی از مصاحبه‌شوندگان توضیح دادند که چگونه استرس و ترومای پس از رویدادها، به شکل جسمانی نیز ظهور یافته است:

«این رویداد زندگی شاد من را به فاجعه تبدیل کرد. [...] از دست دادن شوهرم باعث غم و نگرانی عمیق برای من شد، که باعث کاهش شیرم شد. این منجر به سوءتغذیه نوزادمان شد و رشد او را به شدت تحت تأثیر قرار داد.»^{۱۵۸}

«هنگامی که او در دروازه مرکز یادگیری بود تا وارد شود، یک انفجار عظیم رخ داد. در یک چشم به هم زدن، ده‌ها دانش‌آموز به شمول پسر کشته و یا زخمی شدند. پسر در اثر چهره‌های بمب زخمی شد که چشم، گوش و

^{۱۵۲} مصاحبه شماره ۱۲۱.

^{۱۵۳} مصاحبه شماره ۷۸.

^{۱۵۴} مصاحبه شماره ۱۰۸.

^{۱۵۵} مصاحبه شماره ۱۳۹.

^{۱۵۶} مصاحبه شماره ۳۵.

^{۱۵۷} مصاحبه شماره ۱۴۸.

^{۱۵۸} مصاحبه شماره ۵۵.

بازوهایش را تحت تاثیر قرار داد وقتی او را به خانه آوردند، خون آلود بود. شوک باعث شد فشار خونم بالا برود و بیهوش شوم. از آن زمان پای راستم درست کار نمی کند. آن روز وحشتناک بود.»^{۱۵۹}

^{۱۵۹} مصاحبه شماره ۱۰۸.



یک دکاندار افغان در محل انفجار قوی موتر بمب که به تاریخ ۷
آگست ۲۰۱۵ در کابل رخ داد، به دکان مخروبه اش می بیند. مقامات
گفتند که یک موتر بمب قوی حداقل هفت نفر را کشت و بیش از
۱۰۰ نفر دیگر زخمی شدند.

حسن جان^{۱۶۰}

«یک روز حدود ساعت ۹ صبح، تاریخ دقیق را به خاطر ندارم، اما سال ۲۰۱۷ بود. من در حال رانندگی تراکتور مملو از چوب بودم که برای فروش بارگیری شده بود. وسیله نقلیه روی یک بمب دست‌ساز که در جاده کار گذاشته شده بود رفت و منفجر شد. انفجار شدید بود و تراکتورم را به تکه‌های کوچک تبدیل کرد. پاهایم شدیداً آسیب دید... در نتیجه عمل جراحی، یکی از پاهایم قطع شد و پای دیگر با نصب میله های فلزی و جاگذاری استخوان‌های شکسته ثابت شد. تقریباً چهار ماه در بیمارستان بستری شدم تا بتوانم دوباره راه بروم و به خانواده‌ام بپیوندم...»

تراکتور که در این حادثه نابود شد تنها منبع درآمد خانواده من بود. من حدود ۵۰۰,۰۰۰ هزار افغانی [۶,۶۶۶ دلار آمریکا] را از یکی از بستگان ما در کندهار قرض گرفته بودم تا چند هفته قبل از وقوع حادثه آن را خریداری کردم. من تا کنون پول را پس ندادم. خانواده ام حدود ۲۰۰,۰۰۰ افغانی [۲,۶۶۶ دلار آمریکا] را برای تمویل تداوی من قرض گرفته اند که نیز بازپرداخت نشده است. این دو قرض مرا بسیار نگران کرده که چگونه آن‌ها را بازپرداخت کنم. از آن زمان تا کنون تلاش کرده‌ام به عنوان کارگر روزمزد برای تأمین معیشت خانواده‌ام کار کنم، اما به دلیل معلولیت و عدم توانایی جسمی، تنها تعداد بسیار محدودی از کارفرمایان به من اجازه کار می‌دهند.»

هشتاد و چهار فیصد مصاحبه‌شوندگان به دلیل آسیب‌هایی که متحمل شده بودند، دچار خسارات مالی شده‌اند. آنها هزینه‌هایی برای درمان طبی، مراسم خاکسپاری و بازسازی خانه‌ها و کسب‌وکارها متحمل شده‌اند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان همچنین گزارش کردند که درآمد خود را از دست داده‌اند، به دلیل زخم‌های که برای شان وارد شده یا مراقبت از بستگانی که زخمی شده‌اند.

۱. هزینه مراقبت های صبحی

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در مورد هزینه های مراقبت های صبحی صحبت کردند. برخی هنوز هم بار مالی نیازهای درمانی مداوم خود یا اعضای خانواده‌شان را متحمل می‌شوند:

«نمی‌توانم بیان کنم که زندگی چقدر برایم سخت است. از زمان رویداد، مجبور شده‌ام بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نسخه دوا بخرم. باور کنید دیگر توان خرید دوا را ندارم. من تقریباً همه چیز را در خانه فروخته ام تا خانواده ام را تغذیه کنم و کرایه خانه را بپردازم.»^{۱۶۱}

«این رویداد همه چیز را از ما گرفت. من پسر را از دست دادم و دخترم جراحات شدیدی در پاهایش برداشت. ما خانه خود را از دست دادیم. تمام دارایی‌ام را فروختم تا هزینه درمان دخترم را تأمین کنم.»^{۱۶۲}

نبود خدمات صبحی در برخی از نقاط افغانستان باعث شد که برخی از قربانیان برای تداوی به بخش های دیگر کشور و یا حتی به کشورهای همسایه مانند پاکستان یا ایران سفر کنند که هزینه های اضافی را متحمل می شوند:

«هر دو بازو و هر دو پایم شکست و در سر و تمام بدنم ده‌ها پارچه فلزی مواد منفجره اصابت کرد. تداوی مناسب در افغانستان غیرممکن بود. به همین دلیل به پاکستان رفتم، مخصوصاً برای درمان بازوی راستم. سپس بقیه بدنم را در افغانستان درمان کردم. پای چپم ۳۲ بار عملیات شد. داکتران گفتند که برای تکمیل درمان پنج عملیات دیگر لازم است. علاوه بر آن، در سرم چندین پارچه فلزی مواد منفجره اصابت کرده بود. تا امروز دو

^{۱۶۰} مصاحبه شماره ۱۰۱.

^{۱۶۱} مصاحبه شماره ۲.

^{۱۶۲} مصاحبه شماره ۴۱.

میلیون افغانی (۲۶'۶۶۷ دالر آمریکایی) برای درمانم هزینه کرده‌ام و هنوز به یک میلیون افغانی (۱۳'۳۳۳ دالر) دیگر برای انجام عملیات‌های توصیه شده نیاز دارم.^{۱۶۳}

«پاهای مجروح من نیاز به درمان مداوم دارد؛ من درد و ناراحتی را حس می‌کنم. بنابراین، من باید به طور منظم به مراکز صحنی در قلات و یا قندهار مراجعه کنم، که این امر مرا مجبور می‌سازد که مسافت‌های طولانی را سفر کنم و پولی را که من نمی‌توانم بپردازم.»^{۱۶۴}

«من حدود ۱۱۰۰۰ دالر آمریکایی را برای تداوی چشم‌هایم مصرف کردم. من پول زیادی قرضدار هستم من اکنون قصد دارم برای تداوی بیشتر به پاکستان بروم، اما پول ندارم.»^{۱۶۵}

مردی که خانه‌اش در جریان درگیری میان طالبان و نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغانستان با فیر سلاح‌های سنگین آسیب دیده بود، گفت هنوز در حال بازپرداخت هزینه‌های صحنی بستگان زخمی‌اش است:

«خانواده ما در تلاش است تا با پیامدهای رویداد کنار بیایند. رویداد پنج سال پیش اتفاق افتاد، اما هنوز باید قرض‌هایی را که برای درمان اعضای خانواده گرفته‌ایم، پرداخت کنیم. یک بار کشور را ترک کردم و برای کار به ترکیه رفتم. در یک سایت ساختمانی کار می‌کردم و پول برای خانواده‌ام می‌فرستادم تا قرض‌ها و مصارف‌شان را پرداخت کنند.»^{۱۶۶}

ii. خسارت به ملکیت

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در مورد هزینه ترمیم اموال آسیب دیده در اثر جنگ صحبت کردند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت که پس از آن که دکانش در نتیجه درگیری شدید میان طالبان و نیروهای امنیتی افغان (با حمایت نیروهای نظامی بین‌المللی) تخریب شد، مجبور گردید تا برای بازسازی تجارت خود قرض بگیرد.^{۱۶۷} یکی دیگر گفت که مهمات منفجر نشده که یکی از پسرانش را کشته و دیگری را زخمی کرد، گاو خانواده - تنها منبع درآمدشان را نیز کشته است.^{۱۶۸}

مردی که خانه‌اش در سال ۲۰۱۶ در اثر فیر سلاح‌های سنگین اردوی ملی افغانستان به شدت آسیب دیده است، می‌گوید که نمی‌تواند اتاق‌هایی را که در این رویداد تخریب شده است بازسازی کند. در همان رویداد، دو تن از بستگانش کشته و پنج نفر دیگر زخمی شدند. او و خانواده‌اش هنوز در خانه نیمه‌ویران خود زندگی می‌کنند.^{۱۶۹}

iii. از دست دادن توانایی کسب درآمد

بسیاری از کسانی که مصاحبه شده‌اند در مورد از دست دادن توانایی کسب درآمد پس از وقوع رویداد صحبت کردند. در برخی خانواده‌ها، این مشکلات مالی درازمدت بود؛ برای نمونه، زمانی که یکی از بستگان که نان‌آور اصلی خانواده بود، کشته شد یا دچار معلولیتی گردید که مانع بازگشت او به کار شد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان توضیح داد که چگونه خانواده‌اش پس از کشته شدن پدرش در یک حمله هوایی توسط نیروهای نظامی بین‌المللی در سال ۲۰۱۸ دچار زیان شدید مالی شد. پدرش مسئولیت رسیدگی به باغ سیب خانواده را برعهده داشت و پس از مرگ او، خانواده او نتوانستند باغ را مدیریت کنند و حاصلات باغ به شدت کاهش یافت.^{۱۷۰} دیگران نیز تجارب مشابهی را بیان کردند:

^{۱۶۳} مصاحبه شماره ۶۰.

^{۱۶۴} مصاحبه شماره ۱۰۱.

^{۱۶۵} مصاحبه شماره ۱۰.

^{۱۶۶} مصاحبه شماره ۱۰۲.

^{۱۶۷} مصاحبه شماره ۱۱۱.

^{۱۶۸} مصاحبه شماره ۸۴.

^{۱۶۹} مصاحبه شماره ۱۱.

^{۱۷۰} مصاحبه شماره ۲۶.

«این رویداد من را به یک معلول جسمی تبدیل کرد. من نمی توانم به عنوان یک فرد عادی کار کنم. من نان آور اصلی خانواده ام هستم که شامل چهار پسر، دو دختر و یک همسر مریض می شود. این رویداد باعث از بین رفتن کسب و کارم و نیز توقف آموزش فرزندانم شد. علاوه بر این، وضعیت صبحی همسرم همچنان رو به بدتر شدن است. یگانه منبع درآمد فعلی ما کشت سبزیجات ارزان در حویلی خانه و فروش آن در بازار است. فرزندان نوجوانم این کار را انجام می دهند. اگر وضعیت به همین منوال ادامه یابد، ناچار خواهیم شد خانه مسکونی ام را برای تأمین نان خانواده بفروشیم.»^{۱۷۱}

«این رویداد نه تنها ما را از نظر فیزیکی زخمی ساخت بلکه از نظر مالی نیز ویران کرد، زیرا شوهرم نان آور اصلی خانواده مان بود. افزون بر آن، زخم های خودم مانع کار کردنم شده است. اکنون تنها هدفم پیدا کردن یک لقمه نان برای زنده ماندن است و به طور کامل به کمک مردم وابسته هستم.»^{۱۷۲}

«تمام دارایی های خسرتاده ام در این رویداد از بین رفت و ۱۲ فرزند او بدون هیچ پس انداز باقی مانده است. همه آنها با کمبود تغذیه مناسب مواجه شده اند. من تمام تلاش خود را می کنم، اما نمی توانم تمام نیازهای فرزندان او را علاوه بر نیازهای خود برآورده کنم.»^{۱۷۳}

«ما یک مرد شجاع را از دست دادیم که سخت کوش و یکی از نان آوران خانواده ما بود. او به عنوان بناکار، کار می کرد و ماهانه حدود ۱۵،۰۰۰ افغانی (۲۰۰ دالر آمریکایی) درآمد داشت که برای مخارج ماهانه خانواده کافی بود. من همچنین بیش از ۶۰،۰۰۰ افغانی (۸۰۰ دالر آمریکایی) برای مراسم تدفین پسرم هزینه کردم که منجر به زیان اقتصادی بزرگی شد. مجبور شدم این مبلغ را از اقوام قرض بگیرم. در سن ۵۸ سالگی قادر به کار نیستم. اکنون یک بیوه و سه طفل یتیم در خانه دارم. فراهم کردن غذا برای آن ها و تأمین هزینه های صبحی شان در زمان مریضی، همواره باعث نگرانی من است.»^{۱۷۴}

iv. تأثیر دشواری های مالی بر زنان

بسیاری از زنان مصاحبه شونده شوهران خود را که معمولاً نان آور اصلی خانواده بودند در جریان درگیری ها از دست داده بودند. زنان در چنین وضعیت هایی با مشکلات مالی شدیدی مواجه هستند، که این امر عمدتاً ناشی از محدودیت های اعمال شده توسط مقامات اداره حاکم بر حق کار آنان و همچنین الزام همراهی محرم می باشد.^{۱۷۵} که موانع مالی و لوژستیک در برابر آزادی رفت و آمد زنان ایجاد می کند^{۱۷۶} و توانایی آنان را برای کار کردن یا سفر به صورت مستقل محدود می سازد.

زنی که شوهرش در راه بازگشت به خانه از سوی افراد نامعلوم مخالف حکومت به ضرب مرمی کشته شد، گفت:

«تحمل درد از دست دادن تنها نان آور خانواده — یگانه امیدی که داشتیم — بسیار دشوار است. او پس از چند سال تحصیل تازه وظیفه یافته بود. با مرگ او، تمام امیدهای ما نابود شد. من باید از چهار فرزندم مراقبت کنم، اما هیچ وسیله ای برای امرار معاش ندارم. والدینم از من حمایت می کنند، اما نمی دانم تا چه زمانی خواهند توانست این کار را ادامه دهند.»^{۱۷۷}

زنان دیگر نیز تجربیات مشابهی را بیان کردند:

^{۱۷۱} مصاحبه شماره ۴۹.

^{۱۷۲} مصاحبه شماره ۵۳.

^{۱۷۳} مصاحبه شماره ۲۲.

^{۱۷۴} مصاحبه شماره ۱۲۵.

^{۱۷۵} محرم یک سرپرست مرد است.

^{۱۷۶} به عنوان مثال ببینید: نظارت اخلاق مقامات اداره حاکم در افغانستان: تأثیرات بر حقوق بشر، (یوناما، جولای ۲۰۲۴)، قابل دسترس در: https://unama.unmissions.org/sites/default/files/moral_oversight_report_english_final.pdf [همچنان] ببینید:

وضعیت حقوق بشر در افغانستان: به روز رسانی اکتبر - دسامبر ۲۰۲۴، (یوناما، ۲۷ جنوری ۲۰۲۵)، قابل دسترس در: https://unama.unmissions.org/sites/default/files/human_rights_situation_in_afghanistan_october_-_december_2024_-_english.pdf.

^{۱۷۷} مصاحبه شماره ۵۷.

«او تنها نان آور ما بود. من یک بیوه بی سواد با چهار فرزند یک پسر و سه دختر هستم. بزرگترین آنها فقط نه ساله است. در کابل، برادر شوهرم از ما خواست خانه اش را ترک کنیم، و ما توانایی پرداخت کرایه را نداشتیم. من برای تغذیه فرزندانم تلاش می کنم. پس از چند ماه ناچار شدیم خانه را ترک کنیم و به منزل والدینم بازگردیم. زندگی بسیار دشوار است. دنبال کار به عنوان نظافت چی گشتم، اما هیچ کاری نیافتم. دوستان شوهرم مدتی مقداری پول کمک کردند، اما اکنون آن کمک نیز پایان یافته است.»^{۱۷۸}

«شوهرم مریض است و نمی تواند درست کار کند. اگر پسرم زنده می بود، کار می کرد و بر مشکلات اقتصادی و معیشتی ما غلبه می کرد. افزون بر آن، او محرمی برای من می بود که اگر در شرایط فعلی می خواستم برای کار یا سفر به جایی بروم.»^{۱۷۹}

«او پسر چهار ساله خود و همسرش را که هیچ کار و درآمد ندارد، تنها گذاشت. آن ها دوران بسیار دشواری را سپری می کنند و هیچ گونه حمایت مالی از دولت یا منابع دیگری ندارند، جز کمک های اندکی که گاه گاهی برخی بستگان به آن ها می دهند. آنها از آن زمان تا کنون حتی یک روز خوش نداشته اند.»^{۱۸۰}

«پسر شاکرد مکتب بود، ما امیدوار بودیم که روزی او یک شخص بزرگ شود، نام خانواده را روشن کند و به کشورش خدمت کند تا من و پدرش زندگی پر از شادی و افتخار داشته باشیم. در حال حاضر من تنها نان آور خانواده هستم و مشکلات مالی و اجتماعی متعددی را تجربه می کنم، زیرا در چنین جامعه ای زندگی بدون داشتن یک مرد جوان به ویژه زمانی که دختران جوان در خانه هستند، دشوار است.»^{۱۸۱}

«به دلیل فقر، حتی نمی توانم دخترانم را برای کار به بیرون بفرستم، چون طالبان اجازه بیرون رفتن به آن ها نمی دهند و آنان را در حبس نگه می دارند.»^{۱۸۲}

۷. تاثیر دشواری های مالی بر اطفال

شماری از مصاحبه شوندگان گفتند که در پی رویداد، وضعیت دشوار مالی آنان را مجبور کرد تا فرزندان خود را از مکتب بیرون آورده و به کار بفرستند تا خانواده را حمایت کنند:

«چون تمام دارایی خود را از دست داد بودیم، من بیگانه نان آور خانواده شدم. در آن زمان تنها ۱۵ ساله بودم و خواهران و برادرانم بسیار خردسال بودند. به دلیل مشکلات اقتصادی و فقر نتوانستم زیاد درس بخوانم. پسرکاکیم نیز به همین سرنوشت دچار شد. او هم از طفلی مجبور به کار شد. اکنون ۳۵ ساله است و در هنگام حمله ۱۲ سال داشت. او نیز نان آور خانواده اش شد.»^{۱۸۳}

«فرزندان خردسال برادرم باید با برادر بزرگ ترشان کار کنند تا برای مادر و خواهران شان غذا تهیه کنند. اگر پدرشان زنده می بود، آنان مجبور به کار نمی شدند و به مکتب می رفتند.»^{۱۸۴}

«من و خواهرانم به دلیل مشکلات مالی نتوانستیم به مکتب برویم. می خواستم با خواهرانم درس بخوانم، اما هیچ کس از ما حمایت نکرد و ما بسیار کوچک بودیم.»^{۱۸۵}

^{۱۷۸} مصاحبه شماره ۵۷.

^{۱۷۹} مصاحبه شماره ۷۰.

^{۱۸۰} مصاحبه شماره ۱۱۲.

^{۱۸۱} مصاحبه شماره ۷۰.

^{۱۸۲} مصاحبه شماره ۱۴۶.

^{۱۸۳} مصاحبه شماره ۱۹.

^{۱۸۴} مصاحبه شماره ۱۰۵.

^{۱۸۵} مصاحبه شماره ۱۶۳.

«خانواده پسرکاکیم در فقر شدید زندگی می‌کند. مادر و برادرش از افسردگی رنج می‌برند. اطفالش توان رفتن به مکتب را ندارند و مجبورند برای فراهم کردن غذا کار کنند. خانواده از هم پاشیده و غمگین است. ما همه در عذاب روحی به سر می‌بریم به خاطر مرگ او.»^{۱۸۶}

«فرزندان من نتوانستند در مکاتب ابتدایی و متوسطه درس بخوانند، چون توان پرداخت مصارف مکتب را نداشتیم به دلیل جراحات، نتوانستم در کارهایی مشغول شوم که برای تعلیم آنان پول تهیه کنم. در نتیجه، آنان از طفلی مجبور به کار شدند. اکنون به دلیل نداشتن تحصیل و مهارت، در مشاغل خوب کار کرده نمی‌توانند.»^{۱۸۷}

برخی از مصاحبه‌شوندگان گفتند که به دلیل وضعیت مالی، مجبوراً به فروش فرزندان یا ازدواج اجباری و زود هنگام آنان فکر کنند. زنی که پدرش در سال ۱۹۹۶ توسط اعضای ائتلاف شمال کشته شده بود، گفت:

«وقتی پدرم کشته شد، ما از قبل خانواده‌ای فقیر بودیم و مرگ او فقر ما را بیشتر کرد. من و خواهر بزرگم نتوانستیم تحصیل کنیم یا کاری پیدا کنیم. ما فرصت مشارکت در جامعه را مانند دیگران از دست دادیم. بدون پدر، من و خواهرم مجبور به ازدواج اجباری در سن پایین شدیم.»^{۱۸۸}

دیگران نیز تجارب مشابهی را بیان کردند:

«من شخصی بسیار فقیر و نان‌آور خانواده‌ام هستم. فکر نمی‌کنم بتوانم دوباره مانند گذشته صحتمند شوم. در کشور هیچ خدماتی برای افراد دارای معلولیت وجود ندارد و مردم به آنان به چشم ضعیف و کم‌ارزش نگاه می‌کنند. اگر این وضعیت ادامه یابد، ممکن است مجبور شوم دختر ۱۱ ساله‌ام را در برابر مقداری پول به مردی که ۱۱ سال شوهر بدهم تا بقیه اعضای خانواده‌ام را نجات دهم. در غیر این صورت، ناچار خواهم شد پسر نوجوانم را به کارهای سخت وادار سازم.»^{۱۸۹}

«از لحاظ مالی، همه چیز را از دست داده‌ایم، زیرا پسر که تنها نان‌آور خانواده بود، دیگر نمی‌تواند ما را حمایت کند. علاوه بر آن، جایگاه اجتماعی‌ام را نیز از دست داده‌ام. هیچ‌کس حاضر نیست به ما قرض بدهد، و وقتی از همسایه‌ام مقداری آرد خواستم، با بی‌رحمی گفت که نواسه‌ام را بفروشم تا خانواده‌ام را سیر کنم. دیگر هیچ دلیلی برای ادامه زندگی ندارم.»^{۱۹۰}

«وقتی شوهرم ناپدید شد و گمان میرفت که مرده است، ما با فقر شدید روبه‌رو شدیم. حتی می‌خواستیم دختر کوچک‌ام را بفروشم، اما کسی حاضر به خرید او نشد.»^{۱۹۱}

^{۱۸۶} مصاحبه شماره ۲۰.

^{۱۸۷} مصاحبه شماره ۱۰۹.

^{۱۸۸} مصاحبه شماره ۱۶۲.

^{۱۸۹} مصاحبه شماره ۱۰۱.

^{۱۹۰} مصاحبه شماره ۳.

^{۱۹۱} مصاحبه شماره ۱۴۶.



"ایمان من هنوز هم قوی است. اما فراموش کردن اش آسان نیست. عروسی ها مشکل ندارد. اما وقتی من در تجمعات گروهی هستم، خاطرات به ذهنم می آیند. اگر چنین حادثه دوباره رخ دهد چی؟ هنگامی که ما می خواهیم روزهای خاص را تجلیل کنیم - مانند رمضان شیعه یا سال نو- طالبان برای امنیت ما تدابیر بیشتری می گیرند. این باعث می شود که از خود بپرسم آیا دلیلی برای نگرانی داریم."

وحیده ۱۹۲

در ۳ اکتبر ۲۰۱۶، شوهر وحیده در نتیجه انفجار مواد انفجاری تعبیه شده که بر موترسایکل در یک بازار مزدحم در ولایت جوزجان جابجا شده بود، زخمی گردید و روز بعد جان باخت. وحیده نتوانست شوهرش را قبل از وفاتش ببیند، زیرا توانایی پرداخت کرایه تاکسی برای رفتن به شفاخانه را نداشت. یک هفته پس از رویداد، خسراش به او گفت که باید خانه را ترک کند، زیرا او با دو برادرش زندگی می‌کرد که پسران جوان داشتند و آنان برای وحیده محرم محسوب نمی‌شدند. او گفت که برای حفظ آبروی وحیده بهتر است که خانه را ترک کرده و به خانه والدینش بازگردد.

وحیده گفت: «بعد از مدتی، خسرام برای به دست آوردن سرپرستی فرزندانم، به گروه داعش عریضه کرد. اما من مقاومت کردم و به روشنی گفتم که ترجیح می‌دهم بمیرم تا این که فرزندانم را از دست بدهم. [...] زندگی برای بیوه‌ها در ولسوالی ما بسیار دشوار است. آنان باید هنگام مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار محتاط باشند. از همین رو، ترجیح می‌دهم در خانه بمانم.»

چهل و پنج درصد از مصاحبه‌شوندگان گفتند که رویدادها بر تعاملات اجتماعی آنان، خانواده‌هایشان و جوامع محلی‌شان تأثیر گذاشته است. آنان از تأثیرات منفی بر مشارکت خود در برنامه‌ها و محافل اجتماعی، جشن‌ها و سایر تعاملات اجتماعی در میان اعضای خانواده و جامعه‌شان سخن گفتند.

ا. بدنامی مرتبط با معلولیت

یکی از موضوعات مشترک در مصاحبه‌ها، تأثیر نگرش‌های منفی نسبت به افراد دارای معلولیت بود. افرادی که در نتیجه‌ی رویدادهای مرتبط به درگیری‌های مسلحانه دچار معلولیت شده بودند، توضیح دادند که چگونه ننگ و دیدگاه‌های منفی جامعه بر زندگی آنان تأثیر گذاشته است.

بطور مثال، چندین مصاحبه‌کننده گفتند که ننگ و نگرش منفی نسبت به معلولیت، بر شانس آنها یا خویشاوندان آنها برای پیدا کردن شریک زندگی و ازدواج تأثیر گذاشته است:

«سه دختر کاکایم که در یک رویداد زخمی شده بودند، به شدت آسیب دیده‌اند. یکی پای خود را از دست داد، دیگری بینایی خود را از دست داد و سوم شنوایی خود را از دست داد. آن‌ها یک زندگی عادی ندارند. هیچ‌کس تمایل ندارد با آنان ازدواج کند و مجبورند تمام عمر با رنج زندگی کنند و برای حمایت به اقارب خود تکیه نمایند.»^{۱۹۳}

«برادرم فلج شده و به دلیل مشکل در دست چپم، هیچ‌کس برایم پیشنهاد ازدواج نمی‌دهد. در بسیاری از محافل خانوادگی شرکت نمی‌کنم، زیرا به دلیل دست چپم احساس شرمندگی دارم.»^{۱۹۴}

تعدادی زیادی از قربانیان گفتند از این که زخم‌ها و معلولیت‌هایشان مانع از تأمین نان خانواده شده، احساس شرمندگی می‌کنند:

«احساس ناامیدی، خواری و ناتوانی دارم. فرزندانم وقتی به من نگاه می‌کنند، آنان نیز احساس ناامیدی و درماندگی می‌کنند، زیرا پدرشان به طور کامل توانایی ندارد. [...] همیشه احساس و آرزو می‌کنم کاش انسانی سالم بودم و تمام اعضای بدنم تندرست و نیرومند می‌بود.»^{۱۹۵}

^{۱۹۲} مصاحبه شماره ۵۲.

^{۱۹۳} مصاحبه شماره ۹۵.

^{۱۹۴} مصاحبه شماره ۹۴.

^{۱۹۵} مصاحبه شماره ۹۶.

«از نظر روانی اصلاً در وضعیت خوبی نیستم. بسیار افسرده‌ام و تمایلی به دیدار مردم ندارم. از نظر روانی آسیب عمیقی دیده‌ام. همیشه در درد هستم و نمی‌توانم کارهایی را انجام دهم که افراد سالم می‌توانند انجام دهند. همیشه احساس حقارت می‌کنم.»^{۱۹۷}

ننگ ناشی از معلولیت یا حتی موانع فیزیکی برای حضور در اجتماع – باعث شده است که برخی از مردم از تعاملات اجتماعی کناره‌گیری کنند:

«دیگر خوشحال نیستم که در اجتماع بیرون بروم. تمام بدنم آثار سوختگی دارد. سه ماه نتوانستم راه بروم. پس از آن ترجیح دادم در خانه بمانم و روی خود را به دیگران نشان ندهم. [...] نمی‌توانستم در محافل یا مسجد بروم. احساس می‌کردم همه به من نگاه می‌کنند.»^{۱۹۷}

«وابستگی پسر و برادرزاده‌ام به عصا برای پیمودن چند متر، مشارکت آنان را در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی به شدت محدود کرده است. آنان تنها می‌توانند از خانه بیرون شوند و در همان نزدیکی بنشینند و دوباره برگردند.»^{۱۹۸}

«ز نظر اجتماعی، دیگر خود را جزئی از جامعه نمی‌دانم. مردم هنگام اشاره به من، واژه‌ی "معلول" را به کار می‌برند. نمی‌توانم در مراسم شادی و جشن‌ها بروم. من نابینا هستم. تمام خانواده‌ام از این وضعیت متأثر شده‌اند و هرگاه بیرون می‌روم، باید مرا راهنمایی کنند.»^{۱۹۹}

یک مصاحبه‌شونده مرد در مورد احساس شرم و ننگ از سوی جامعه‌اش سخن گفت، زیرا دیگر قادر نیست نان آورد خانواده‌اش باشد.

«دیگر توان کار و تأمین مخارج خانواده‌ی هشت نفری‌ام را ندارم که شامل چهار پسر، سه دختر و همسر می‌شود. مردم شایعه پخش می‌کنند که من باری بر دوش همسر هستم، زنی که مقدار اندکی کمک مالی از سوی پدراش دریافت می‌کند و از طریق صنایع دستی و نگهداری حیوانات درآمد ناچیزی دارد. دیدن این همه رنج برایم مایه‌ی شرمساری و ناامیدی است.»^{۲۰۰}

ii. اشتراک در محافل اجتماعی

برخی از مصاحبه‌شوندگان گفتند که از شرکت در مراسم اجتماعی اجتناب می‌ورزند، زیرا خاطرات اعضای خانواده خود را که فوت کرده‌اند به یاد می‌آورند:

«خواهرم ترجیح می‌دهد در خانه بماند. او دوست ندارد در محافل خانوادگی شرکت کند. هنگام ازدواج دختر بزرگش، گریه می‌کرد و در جشن عروسی دخترش نیز همین‌طور.»^{۲۰۱}

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گفتند که از زمان رویداد در گرده‌هایی اجتماعی شرکت نکرده‌اند زیرا آن را بیش از حد ناراحت‌کننده یا از نظر عاطفی دشوار می‌دانند:

«وضعیت روانی من به دلیل این رویداد بدتر شده است. از صحبت کردن با کسی لذت نمی‌برم. همیشه می‌خواهم تنها باشم. شرکت در فعالیت‌های اجتماعی به من شادی آورد نیست. اعضای خانواده‌ام نیز دیگر در جشن‌ها شرکت نمی‌کنند و اغلب از حضور در این‌گونه برنامه‌ها اجتناب می‌کنند. با این حال، برای نماز به مسجد می‌رویم.»^{۲۰۲}

^{۱۹۶} مصاحبه شماره ۱۲۶.

^{۱۹۷} مصاحبه شماره ۱۰۳.

^{۱۹۸} مصاحبه شماره ۵۴.

^{۱۹۹} مصاحبه شماره ۱۲۶.

^{۲۰۰} مصاحبه شماره ۱۰۱.

^{۲۰۱} مصاحبه شماره ۲۲.

^{۲۰۲} مصاحبه شماره ۸۱.

«زمانی که با مشکلات روانی مواجه هستید، مردم غالباً رفتار خود را نسبت به شما و خانواده‌تان تغییر می‌دهند. ممکن است تصور کنند که من ناتوان هستم و نمی‌توانم به جامعه کمک کنم.»^{۲۰۳}

«تا امروز اعضای خانواده ما نتوانسته‌اند رویداد را فراموش کنند. به همین دلیل، در عروسی‌ها یا دیگر مراسم شاد شرکت نمی‌کنند.»^{۲۰۴}

«هشت سال است، اما درد درگذشت شوهرم هنوز هم اشک را به چشمانم می‌آورد. از آن روز سرنوشت ساز (شوم)، از شرکت در مراسم یا دیدار با خواهران و اقوام خود اجتناب کرده‌ام.»^{۲۰۵}

یک زن گفت که همسرش در یک حمله انتحاری توسط افراد ناشناس ضد دولت زخمی شد و معلول گردید و اکنون از ویلچر استفاده می‌کند. دوکان عکاسی او نیز در این رویداد نابود شد و او اکنون در بازار به فروش اجناس کوچک کار می‌کند. در نتیجه این رویداد، آنان توان مالی حضور در محافل اجتماعی را ندارند:

«دختران ما چیز زیادی ندارند. آنها لباس و کفش برای رفتن به عروسی و مهمانی می‌خواهند؛ اما نمی‌فهمند که چرا ما نمی‌توانیم برایشان لباس و کفش تهیه کنیم و گریه می‌کنند. بیشتر مواقع ما در محافل اجتماعی شرکت نمی‌کنیم، چون توان مالی نداریم.»^{۲۰۶}

رویدادهای با تلفات زیاد، زندگی اجتماعی کل جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از قربانیان حمله هوایی نیروهای ملی افغان که مراسم فارغ‌التحصیلی در یک مدرسه در ولایت کندز را هدف قرار داده بود، گفت: «پس از این رویداد، هیچ رویداد اجتماعی و فرهنگی در قریه ما همانند گذشته برگزار نشد. این حادثه بر زندگی تقریباً همه افراد منطقه تأثیر گذاشت است.»^{۲۰۷}

مردی که در حمله انتحاری گروه داعش-خراسان به یک مسجد شیعه زخمی شده بود، گفت:

«از نظر اجتماعی، تأثیر بسیار قابل توجه بوده است. پس از رویداد، ما به عنوان شیعیان نمی‌توانیم به راحتی در محافل اجتماعی گرد هم آییم. ما از این می‌ترسیم که حمله دیگری رخ دهد. گروه داعش به راحتی می‌تواند ما را در چنین محافلی هدف قرار دهد. به همین دلیل، به ندرت در نماز، مراسم ازدواج و دیگر رویدادهای اجتماعی شرکت می‌کنیم و خود را از جامعه جدا شده می‌بینیم.»^{۲۰۸}

۲۰۳ مصاحبه شماره ۹۳.

۲۰۴ مصاحبه شماره ۶۲.

۲۰۵ مصاحبه شماره ۵۲.

۲۰۶ مصاحبه شماره ۱۷۰.

۲۰۷ مصاحبه شماره ۶۰.

۲۰۸ مصاحبه شماره ۱۲۴.



زنان و اطفال آواره در شمال افغانستان، ولایت سرپل، سال ۲۰۰۹.

یوناما / اریک کانالستین، سرپل، ۲۰۰۹.

iii. تأثیرات خاص بر زنان

زنان دربارہ پیامدهای اجتماعی از دست دادن اعضای مرد خانواده صحبت کردند، با توجه به ارزش داشتن اعضای مرد در خانواده در جامعه افغانستان و نقش آنان به عنوان نان آور خانواده، از جمله تجربه تبعیض و خشونت مبتنی بر جنسیت. زنانی که بستگان مردشان کشته شده بودند گفتند که نداشتن محرم آزادی حرکت و توانایی شرکت در زندگی اجتماعی جامعه را محدود کرده است:

«مخصوصاً شب‌های جمعه بسیار گریه می‌کنیم. وقتی بدون محرم بیرون می‌روم برایم سخت است خانواده‌های دیگر را با محرم‌شان می‌بینم و احساس درد می‌کنم. فقط در خانه می‌نشینم و فکر می‌کنم اگر همسرم زنده بود، ما خانواده‌ای شاد مثل همسایگان مان می‌بودیم.»^{۲۰۹}

«ما انتظار نداشتیم که پدرم، که فقط به عنوان یک داکتر کار می‌کرد، به قتل برسد. [...] وقتی مادرم مریض میشد، رفتن به کابل برای او بسیار دشوار است، زیرا محرم ندارد.»^{۲۱۰}

«می‌دانید، زندگی برای بیوه‌ها در فرهنگ ما آسان نیست. از آن زمان تاکنون، لباس نو نپوشیده‌ام، از لوازم آرایشی استفاده نکرده‌ام و در محافل اجتماعی، از جمله جشن‌های عروسی، شرکت نکرده‌ام تا خود را از هر اتهام دروغین احتمالی مانند روابط نامشروع یا زنا محافظت کنم. گاهی که در جمع هستم، احساس می‌کنم مردم به من نگاه می‌کنند.»^{۲۱۱}

یک زن توصیف کرد که پس از آنکه شوهرش که یک راننده تاکسی بود در جریان عملیات نیروهای امنیتی افغان علیه اعضای طالبان به ضرب گلوله کشته شد، خانواده همسرش او را برای تغذیه فرزندان حمایت نکردند و با خشونت فیزیکی با او رفتار کردند. او پس از آن خانه خود را ترک کرد و رفت تا با پدر و مادر خود زندگی کند.^{۲۱۲}

یک زن دیگر توصیف کرد که چگونه شوهرش کشته شد و او و دختر جوان شان زخمی گردید هنگامی که موترشان با یک ماین انفجاری که توسط طالبان در جاده جاسازی شده بود، برخورد کرد. او گفت:

«بیوه‌ها و اطفال یتیم، به خصوص اگر فقیر باشند، مانند سطل زباله در قریه می‌باشند. جامعه و خویشاوندان می‌توانند هر صدمه‌ای را که می‌خواهند برای شان برسانند. پسر ۱۵ ساله من، حیات، در ۲۰ جون ۲۰۲۴، برای نماز عصر خانه را ترک کرد؛ سپس صبح جمعه، ۲۰ جون ۲۰۲۴، جسد او در بیابان پیدا شد. او به طور بی رحمانه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و کشته شده بود. من مطمئن هستم که خانواده شوهرم پسر را کشتند چون پسرم پدر نداشت و این به آنها جرعت انجام این جنایت بی رحمانه را داد. به خاطر ترس و نجات جان اطفال دیگران و محافظت از دخترم از تجاوز از سوی خانواده شوهرام، پس از شش روز از قتل پسرم به خانه پدر و مادرم واقع در ولسوالی چمتال ولایت بلخ نقل مکان کردم.»^{۲۱۳}

^{۲۰۹} مصاحبه شماره ۱۷۳.

^{۲۱۰} مصاحبه شماره ۳۰.

^{۲۱۱} مصاحبه شماره ۵۵.

^{۲۱۲} مصاحبه شماره ۱۶۴.

^{۲۱۳} مصاحبه شماره ۵۳.

بخش ۴: تلاشهای قربانیان برای دریافت جبران خسارت یا مساعدت

از مصاحبه شونده‌گان راجع به تلاشهای طرفهای مسئول برای رسیدگی به خسارات که آنها متحمل شدند، پرسیده شد. بیش از نیمی از افراد مصاحبه شونده (۵۵٪) هیچ تلاشی برای درج شکایت^{۲۱۴} در مورد آنچه برایشان اتفاق افتاده نکرده بودند یا برای دریافت غرامت یا کمک^{۲۱۵} درخواست ندادند. ۴۵ فیصد باقی‌مانده از مصاحبه شونده‌گان شکایت و/یا ادعایی را ثبت کرده بودند. نسبت بیشتری از مردان مصاحبه شونده برای این گزارش [۵۰٪] در مقایسه با زنان مصاحبه شونده [۳۳٪] شکایت و/یا ادعایی مطرح کرده بودند، که ممکن است نشان دهنده موانع بیشتر برای درخواست کمک برای زنان در مقایسه با مردان باشد.

در میان مصاحبه شونده‌گانی که شکایات و/یا ادعاهای را ثبت کرده بودند، بیشتر آنها به دفاتر دولت سابق بودند. رایج ترین نهادها عبارت بودند از: دفاتر والی ها دوره جمهوریت (۳۱)، پولیس دوره جمهوریت (۲۳)، و دفاتر ولسوال‌ها دوره جمهوریت (۱۵). برخی از مصاحبه شونده‌گان شکایات و/یا ادعاهای شان را به چندین نهاد تسلیم کرده بودند.

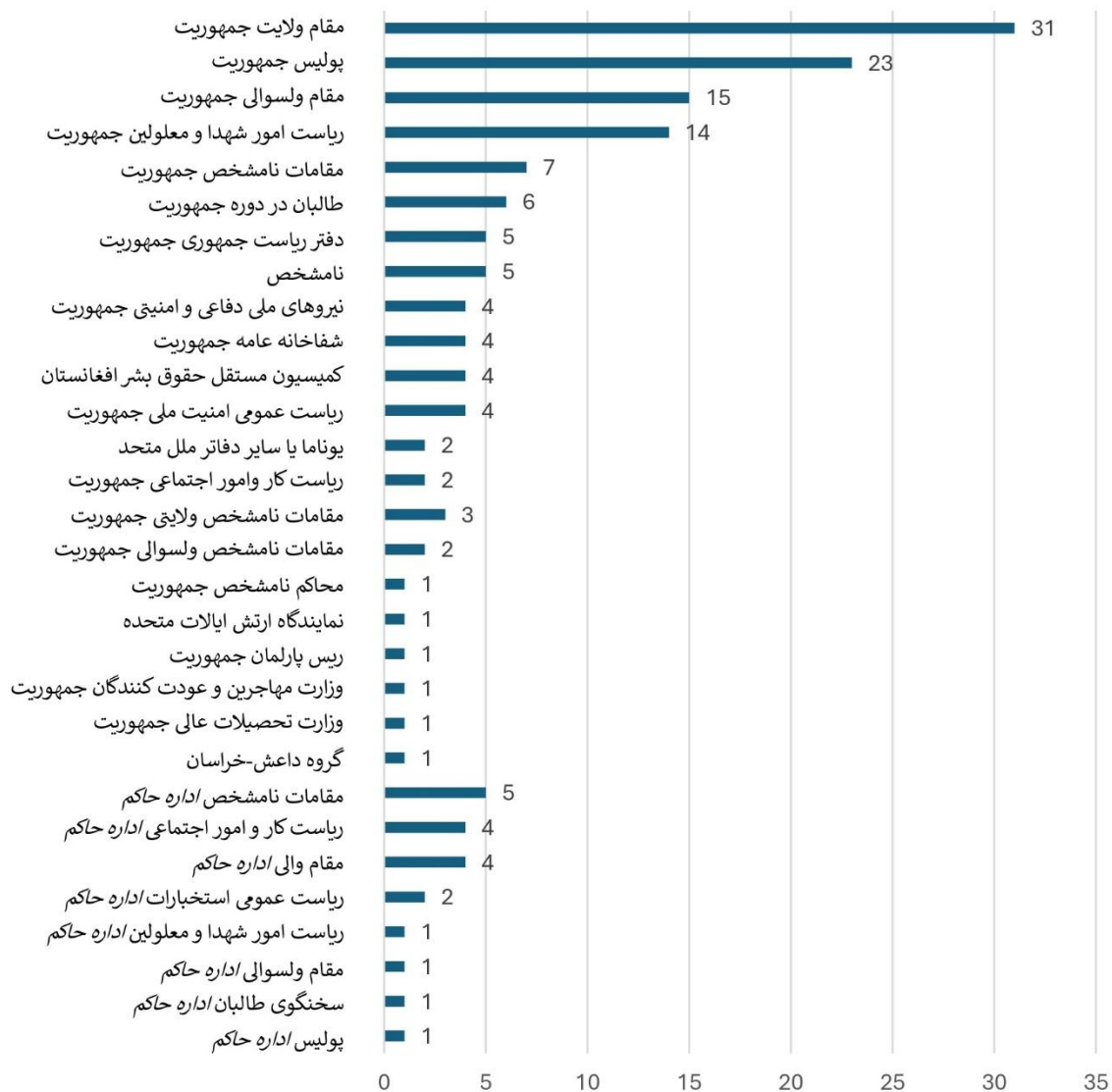
اگرچه تمام واقعات که در این گزارش پوشش داده شده است، قبل از تسلط طالبان در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱ رخ داده است و بیشتر شکایات و ادعاها در آن مدت مطرح شده است، هفده مصاحبه شونده پس از تصرف افغانستان، عرایض ویا ادعاهای شان را به مقامات د/د^{۲۱۶} حاکم افغانستان تسلیم کرده اند.

در میان کسانی که شکایت و/یا ادعایی ثبت کردند، بیشتر از نیم آنها (۶۴٪) گفتند که هیچ پاسخی دریافت نکردند یا در تلاش‌های خود برای تحقق عدالت، دریافت غرامت و/یا سایر انواع جبران خسارت ناموفق بودند. حتی آن دسته از مصاحبه شونده‌گانی که گفتند تلاش‌هایی برای رسیدگی به آسیب‌های وارده بر آنها، انجام شده است، عمدتاً از تلاش‌های انجام شده ناراضی بودند و گفتند که این تلاش‌ها آسیب‌های وارده بر آنها را به اندازه کافی جبران نمی کند.

^{۲۱۴} اصطلاح "شکایت" در این گزارش بر گرفتن طیف وسیعی از اقدامات بالقوه‌ای که ممکن است توسط قربانیان، چه به صورت کتبی و چه به صورت شفاهی، انجام شده باشد، استفاده می‌شود. این می‌تواند شامل شکایات به کنشگران مختلف، از جمله (اما نه محدود به) دولت سابق، طالبان، نیروهای نظامی بین‌المللی، دفاتر گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد باشد. یک شکایت ممکن است شامل درخواست برای اعتراف، عذرخواهی، معلومات، دسترسی به عدالت ویا ادعای جبران خسارت یا هر نوع غرامت یا کمک دیگری باشد.

^{۲۱۵} قربانیان در پاسخ‌های خود اغلب به درخواست های "غرامت" به معنای وسیع آن اشاره می‌کردند، بدون اینکه لزوماً منظورشان غرامت به عنوان نوعی جبران خسارت قانونی باشد. قربانیان اغلب به سایر اشکال کمک از جمله پرداخت‌های مربوط به معلولیت، کمک‌های غذایی یا سایر اشکال کمک‌های اختیاری مالی یا مادی بشردوستانه که از سوی کنشگران مختلف پس از واقعه ای که آنها یا اعضای خانواده‌شان را متضرر ساخته بود، دریافت کرده‌اند نیز اشاره می‌کردند.

شکایات و/یا ادعاها به اساس نهاد



الف: موانع سد راه ثبت شکایات یا ادعاها

«من و پسر در زمین زراعتی خود نزدیک مسجد مشغول جمع آوری محصول بودیم. کمی دور بودم و پسر نزدیک مسجد بود که یک پهباد آمد و به سمت مسجد شلیک کرد. ما نمی دانستیم چه کسی این پهباد را برای حمله به مسجد فرستاده است. همه ما روی زمین افتادیم و بعد از چند دقیقه، دیدم که پسر از ناحیه سر مورد اصابت چره قرار گرفته است. پسر را برداشتم و فوراً او را به شفاخانه محلی بردم و پس از انجام برخی اقدامات درمانی اولیه، او را به کابل منتقل کردم.»

این حادثه تمام قریه ما را تحت تأثیر قرار داد و تعدادی از مردم جان خود را از دست دادند. ما مردم فقیری هستیم و به سختی می‌توانیم از پس هزینه‌های تداوی مریضان خود بآییم، بنابراین این حادثه علاوه بر تأثیر روانی بر ما، خسارات مالی نیز به ما وارد کرد زیرا مراقبت از فرد مجروح هزینه می‌برد. ما نمی‌فهمیدیم به چه کسی باید شکایت کنیم یا از کجا غرامت بگیریم. هیچ تحقیق رسمی انجام نشده است.»^{۲۱۶}

بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان (۵۵٪) هیچ نوع شکایت یا ادعایی مطرح نکرده بودند. موانع برای طرح شکایت و ادعا شامل موارد ذیل بود: کمبود آگاهی از مراجع موجود برای حمایت یا درج شکایت؛ موانع اداری؛ عدم اطمینان از اینکه کدام اقدام عملی اتخاذ گردد و ترس از انتقام.

در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۹، حوالی ساعت ۶ صبح، نیروهای نظامی بین‌المللی یک حمله هوایی در ولایت لوگر انجام دادند که منجر به کشته شدن چهار غیرنظامی (سه مرد و یک پسر) و زخمی شدن پنج نفر دیگر (چهار مرد و یک پسر) شد. پدر یکی از قربانیان گفت:

۱. کمبود آگاهی از پروسه‌ها

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گفتند که هیچ شکایت یا ادعایی را مطرح نکرده‌اند زیرا نمی‌دانستند چگونه یا کجا این کار را انجام بدهند. مردی که خواهر ۱۱ ساله‌اش بر اثر چهره‌های توپخانه سنگین نیروهای نظامی بین‌المللی زخمی شده بود، گفت که هیچ شکایت کتبی یا درخواست دریافت غرامتی را مطرح نکرده است، زیرا از روند کار بی‌خبر بوده و نمی‌تواند بخواند:

«من یک مرد بی‌سواد هستم. هیچ شکایت کتبی را علیه مرتکب ارائه نکردم. از هیچ تحقیق رسمی هم اطلاعی ندارم. از غرامت هم بی‌اطلاع بودم.»^{۲۱۷}

زنی که همسر و فرزندانش در اثر آتش توپخانه اعضای ارتش ملی افغانستان کشته شدند، گفت که نمی‌داند برای مطالبه غرامت به چه کسی مراجعه کند و علاوه بر این، پس از این حادثه که منجر به کشته شدن همسر و فرزندانش شد، در موقعیتی نیست که چنین روندی را طی کند:

«در واقع، من هیچ نهادی را نمی‌شناختم که از آن مطالبه غرامت کنم. من تنها بودم، یک زن تازه بیوه شده که شوهر و فرزندانش را از دست داده بود و خودم هم مجروح شده بودم؛ نمی‌توانستم درست فکر کنم.»^{۲۱۸}

مجروح شدن، سوگواری برای اعضای خانواده که کشته شده بودند و نیاز به مراقبت از مجروحان، دلایل رایجی بودند که مردم برای عدم طرح شکایت یا مطالبه خسارت مطرح می‌کردند:

«نه، [من برای دریافت غرامت شکایت یا ادعایی را مطرح نکردم] من مصروف سوگواری بودم»^{۲۱۹}

«نه، زمان درگیری بود، هیچ‌کس اهمیتی نمی‌داد که چه اتفاقی افتاده. ما مشغول مریضان زخمی خودمان بودیم.»^{۲۲۰}

۲. موانع کاغذپرانی زیاد

برخی از مصاحبه‌شوندگان موانع بوروکراتیک برای درج شکایات یا ادعاها را مطرح کردند. برای مثال، برخی لزوم اخذ امضا از اعضای جامعه را به عنوان یک مانع ذکر کردند:

^{۲۱۶} مصاحبه شماره ۱۸.

^{۲۱۷} مصاحبه شماره ۳۱.

^{۲۱۸} مصاحبه شماره ۱۵۴.

^{۲۱۹} مصاحبه شماره ۱۲.

^{۲۲۰} مصاحبه شماره ۱۰۲.

«من به ریاست معلولین و شهدا مراجعه کردم، اما آنها با ما کمکی نکردند. آنها به ما گفتند که برای اثبات اینکه این حادثه راخ داده است به مدرک نیاز داریم و به ملاها و بزرگان نیاز داریم تا اسناد را امضا کنند. اما وقتی برای امضا به ملاها و بزرگان مراجعه کردیم، آنها امتناع کردند زیرا گفتند حوادث زیادی از این دست اتفاق افتاده است. آنها نمی خواستند به ما کمک کنند. بنابراین بدون مدارک، نمی توانستم هیچ کمکی دریافت کنم.»^{۲۲۱}

«ما برای کمک به بعضی از سازمان های غیر-دولتی مراجعه کردیم و آنها گفتند که باید شورا مدارکی را برای تأیید آنچه اتفاق افتاده است، امضا کند، اما شوراها مدام تعلل می کردند و به ما کمک نمی کردند. سپس دولت جمهوری سقوط کرد و چیزی باقی نماند.»^{۲۲۲}

قربانیان حوادثی که اندکی قبل از تسلط طالبان رخ داده بود، گفتند که زمانی که آنها آماده ثبت شکایت یا درج ادعای رسمی شدند، دولت سقوط کرد، در نتیجه آنها احساس کردند که کسی نیست که بتوانند به او مراجعه کنند:

«چند ماه پس از حادثه، برای دریافت غرامت به دفتر والی رفتم، اما به دلیل مصروفیت زیاد کارکنان یا عدم حضور در دفتر در روزهای خاص، هرگز نتوانستم مدارک را نهایی کنم. بعداً، دولت سقوط کرد و من نتوانستم این روند را تکمیل کنم.»^{۲۲۳}

«ما هیچ شکایتی ثبت نکردیم. این اتفاق یک ماه قبل از فروپاشی رژیم جمهوری رخ داد و ما مصروف فاتحه و تسلیت گفتن مردم بودیم.»^{۲۲۴}

iii. کمبود اعتماد به مقامات

«من هیچ شکایتی به هیچ یک از طرفین درگیری نکردم. من به شدت درگیر مراسم کفن و دفن، تشییع جنازه و درمان فرزندانم بودم؛ وقت برای شکایت نداشتم. علاوه بر این، می دانستم که مقامات دولتی نمی توانند کاری برای رسیدگی به شکایات من انجام دهند. آنها نه عاملان را به سزای اعمالشان می رسانند و نه می توانند فرزندانم را که از دست دادم، بازگردانند.»^{۲۲۵}

پاسخ رایج در میان مصاحبه شوندگانی که شکایت یا ادعایی ثبت نکرده بودند این بود که فکر می کردند مسئولان به حرف هایشان گوش نخواهند داد. در اکثر موارد، این به صورت یک احساس کلی بی اعتمادی به صلاحیت و انصاف نهادهای دولتی بیان می شد. بسیاری گفتند که آنها فقط "شهروندان عادی" هستند و باور ندارند که مقامات - چه دولت سابق و چه اداره حاکم - به حرف آنها گوش دهند:

«نه، من شکایت درج نکردم. این کار بیهوده است»^{۲۲۶}

«زمان درگیری بود و ما فکر می کردیم صدایمان شنیده نخواهد شد چون ما مردم ملکی عادی و بی دفاع بودیم، بنابراین از آنچه اتفاق افتاده بود شکایتی نکردیم و من در آن زمان فکر می کردم که صدای ما شنیده نخواهد شد.»^{۲۲۷}

«ما خانواده های فقیری هستیم، هیچ کس صدای غمگین ما را نخواهد شنید.»^{۲۲۸}

بسیاری از مصاحبه شوندگان گفتند که دلیلی برای طرح شکایت نمی بینند، زیرا اطمینان ندارند که مقامات برای رسیدگی به شکایات شان اقدام موثری انجام دهند.

^{۲۲۱} مصاحبه شماره ۱۷۲

^{۲۲۲} مصاحبه شماره ۱۷۱

^{۲۲۳} مصاحبه شماره ۱۳۹

^{۲۲۴} مصاحبه شماره ۸۱

^{۲۲۵} مصاحبه شماره ۳۴

^{۲۲۶} مصاحبه شماره ۲۶

^{۲۲۷} مصاحبه شماره ۶۱

^{۲۲۸} مصاحبه شماره ۶۷

مصاحبه شوندگان اغلب می گفتند که فساد گسترده در بین طرفین درگیری وجود دارد و این را مانعی برای طرح شکایت یا ادعای شان می دانستند، زیرا فکر می کردند که موضوع آنها جدی گرفته نمی شود یا بی طرفانه بررسی نمی شود. مردی که برادرزاده اش قربانی قتل هدفمند توسط طالبان شده بود، گفت:

«چطور می توانیم به کسی شکایت کنیم؟ رژیم جمهوری فاسد بود و نمی توانست از شهروندان خود محافظت کند، در حالی که اداره حاکم، حکومت جنگجویان سابق طالبان است. کجا می توانیم برویم و چه کار کنیم؟ در زیان پشتو، ما یک ضرب المثل داریم که می گوید اگر قاضی خودش مجرم باشد، قضیه خود را به کجا ارجاع دهیم؟»^{۲۲۹}

مصاحبه شونده ای دیگر، دیدگاه مشابه را شریک کرد:

«وقتی ما فقیر، بی سواد، ناتوان و فاقد حاکمیت قانون هستیم. وقتی قریه ما تقریباً به طور کامل توسط یک گروه خشن و غیرانسانی به نام طالبان کنترل می شود - گروهی که خود با جهل باعث تلفات غیرنظامیان می شود [...] چطور می توانیم درخواست غرامت کنیم؟ آیا آنها کسانی هستند که به ما غرامت می دهند؟ ما از کشته شدن، زخمی شدن یا آواره شدن می ترسیم. ما دخترانی داریم که می ترسیم اگر درخواست غرامت کنیم، مجبور به ازدواج با طالبان شوند. آنها هرگز هیچ غرامتی به ما نمی دهند یا جان کسانی را که از دست داده ایم، باز نمی گردانند. آنها حتی مشکلات را برای ما بیشتر می کنند. بنابراین، ما سکوت کردیم و هرگز صدای خود را برای عدالت بلند نکردیم.»^{۲۳۰}

«هنوز هیچ اقدامی از سوی هیچ یک از طرفهای مسئول انجام نشده است. عاملان این حادثه در حال حاضر در قدرت هستند. من شنیدم که در جلسات، آنها عموماً اذعان می کنند که در شهر من حملات با مواد انفجاری تعبیه شده را انجام داده اند و به آن افتخار می کنند. [...] من هیچ شکایتی ثبت نکردم. می دانم که دولت فعلی نه تنها چنین شکایاتی را نمی شنود، بلکه می تواند مشکلات بیشتری برای من ایجاد کند.»^{۲۳۱}

«چه کسی می تواند جرات کند نیروهای ناتو را به سزای اعمالشان برساند؟ آنها به دلیل جنگ، اعمال خشونت آمیز خود را مشروع جلوه می دادند.»^{۲۳۲}

مردی که والدین، دو خواهر و برادرش در اثر اصابت آتش توپخانه ارتش ملی افغانستان به خانه شان کشته شدند، گفت که عفو عمومی اعلام شده توسط مقامات اداره حاکم برای نیروهای امنیتی و دفاعی و مقامات دولتی سابق افغانستان پس از تصرف افغانستان، مانع طرح شکایت او شده است.^{۲۳۳}

iv. ترس از انتقام

تعداد زیادی افراد ترس از انتقام را من حیث دلیل اصلی برای عدم ثبت شکایت یا ادعا بر شمردند.

فردی که در بیرون دکانش ایستاده بود و توسط مأموران پولیس ملی افغانستان از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت، گفت:

«می خواستم از پولیس شکایت کنم و علیه اداره محلی شکایت کنم، اما پس از مشورت با بزرگان قبایل و جامعه محلی - که اکثر آنها وابسته به نیروهای امنیتی بودند و به من گفتند که اگر این کار را انجام دهم عواقب سختی خواهد داشت - این کار را نکردم. من نگران امنیت اعضای خانواده ام بودم و می خواستم از هرگونه اقدام تلافی جویانه قومندان پولیس جلوگیری کنم. این دلیل اصلی من برای خودداری از ثبت شکایت و درخواست غرامت بود.»^{۲۳۴}

^{۲۲۹} مصاحبه شماره ۱۰۴

^{۲۳۰} مصاحبه شماره ۱۴۸

^{۲۳۱} مصاحبه شماره ۱۰

^{۲۳۲} مصاحبه شماره ۱۱۱

^{۲۳۳} مصاحبه شماره ۳۲

^{۲۳۴} مصاحبه شماره ۴۹

زنی که همسر و دو پسرکاکایش در یک حمله هوایی در حالی که از محل کارشان در مزرعه به خانه می رفتند و کشته شدند، گفت که به دلیل ترس از شایعات بمباران برنامه ریزی شده ای قریه شان برای بار دوم، شکایتی نکرده است.^{۲۳۵}

مردی که بستگانش در اثر برخورد تاکسی شان با مواد انفجاری تعبیه شده ای فشاری که باعث کشته شدن همه مسافران شد، جان باختند، گفت که "هیچ کس جرأت شکایت" در مورد این حادثه را نداشت:

«...وقتی این حادثه اتفاق افتاد، طالبان بلافاصله واکنش تندی نشان دادند، سر ما فریاد زدند و هشدار دادند که چرا روی مواد انفجاری تعبیه شده فشاری شان که قصد هدف قرار دادن نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان را داشتند، پا گذاشتیم. آنها حتی خودشان را بابت ایجاد تلفات غیرنظامیان توجیه نکردند. آنها حتی به هیچکس در روستای ما اعلام نکردند که مراقب باشد روی مواد انفجاری تعبیه شده آنها پا نگذارد یا روی آن نغلند، که این غیرقابل قبول بود. آنها می توانستند قبل از این حادثه به ما بگویند و ما می توانستیم از وقوع آن جلوگیری کنیم... ما شجاع بودیم و هنوز هم شجاع هستیم، اما می ترسیدیم که اگر علیه آنها صحبت کنیم یا شکایت کنیم، طالبان برای ما دردسر بزرگی ایجاد کنند.»^{۲۳۶}

مردی که در سن ۱۵ سالگی از حمله اعضای طالبان به روستایش جان سالم به در برد، حمله ای که در آن پدر و کاکایش - همراه پنج نفر دیگر - اعدام شدند، گفت که شکایتی نکرده است زیرا باور ندارد کسی بتواند عاملان این جنایت را به سزای اعمالشان برساند و از بازگشت طالبان به قریه شان می ترسند:

«وقتی مردی را با ریش کاملاً دراز می بینم، می ترسم و به یاد کاری که طالبان با ما کردند می افتم. می ترسم که آنها به قریه ما برگردند و دوباره به ما آسیب برسانند.»^{۲۳۷}

ب: شکایات و ادعاهای ناموفق

اکثر افرادی که شکایت یا ادعایی را ثبت کرده بودند، از نتیجه ناراضی بودند و اغلب اظهار داشتند که هیچ پاسخی از سوی مقامات دریافت نکرده اند، از کمک محروم شده اند یا درخواستشان رد شده است.

۱. هیچ اقدام صورت نگرفته

رایج ترین دلیل عدم موفقیت شکایات و ادعاها این بود که مقامات هیچ اقدامی برای رسیدگی به آنها انجام ندادند.

در موارد متعدد، علیرغم اطمینان از سوی مقامات ارشد دولتی، مصاحبه شوندگان هیچ پاسخی به شکایات یا ادعاهای خود دریافت نکردند. مردی که خانه اش توسط یک وسیله نقلیه بمب گذاری شده توسط طالبان به شدت آسیب دیده بود (مصاحبه شونده، مادر و پسر ۱۲ ساله اش نیز زخمی گردید) گفت:

«از آنجایی که این یک حادثه بزرگ بود، والی، ولسوال و برخی از اعضای پارلمان به دیدار ما آمدند و قول حمایت مالی از ما را دادند، اما هیچ اقدام عملی انجام نشد. ما درخواست غرامت مالی را به دفاتر ولسوال و والی ارائه کردیم. در آن زمان، آقای [محفوظ]، رئیس ولسی جرگه که از قریه ما است، به ما قول داد که نیازی به مراجعه به هیچ نهاد دولتی دیگری نیست زیرا او خسارات ما را به طور کامل جبران خواهد کرد، اما هیچ اتفاقی نیفتاد.»^{۲۳۸}

مردی که سه فرزندش در اثر اصابت گلوله هاوان نیروهای ارتش ملی افغانستان به حیاط خانه شان کشته شده بودند، در مورد این حادثه با ولسوال منطقه و پولیس تماس گرفت. سپس با معاون والی ملاقات کرد که به او قول جبران خسارت داد. چند هفته بعد، او با دفتر والی پیگیری کرد:

«وقتی با آن شماره تماس گرفتم، شخصی که جواب داد از من پرسید: 'این شماره را چه کسی به تو داده است؟' من به او گفتم که دفتر ولسوال داد. بعد شخصی که تلفن را جواب داد، حرف های خیلی تندی به من زد. او گفت:

^{۲۳۵} مصاحبه شماره ۱۲۳

^{۲۳۶} مصاحبه شماره ۱۴۸

^{۲۳۷} مصاحبه شماره ۱۹

^{۲۳۸} مصاحبه شماره ۴۳

‘تو و شخصی که این شماره را به تو داده، می‌توانید به جهنم بروید و گوه بخورید! و اگر دوباره با من تماس بگیرید، شما را دستگیر می‌کنم.’^{۲۳۹}

یک زن که پدرش توسط اعضای طالبان تیر باران و کشته شده بود، به مراجع مختلف مراجعه کرد و خواهان تحقیق شد:

«طالبان قول دادند که تحقیق کنند و عامل این حادثه را پیدا کنند. والی ولایت، قومندان امنیه و رئیس امنیت ملی همگی قول دادند که تحقیق کنند و عامل این حادثه را پیدا کنند. فرمانده حزب اسلامی گلبدین حکمتیار [...] نیز قول داد که تحقیق کند. اما تاکنون هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است. انگیزه این حادثه و عاملان آن هنوز ناشناخته مانده است.»^{۲۴۰}

دیگران گفتند که آنها هرگز هیچ معلوماتی در مورد نتیجه شکایت شان دریافت نکردند و این باعث شد که به این نتیجه برسند که مقامات هیچ اقدامی نکرده اند:

«[بعضی] مقامات برای تحقیق آمدند، اما من چیز زیادی در مورد تحقیقات یا نتایج آن نمی‌دانم.»^{۲۴۱}

«مقامات دولتی، از جمله ولسوال و قومندان امنیه، گفتند که این یک حمله تروریستی بوده و آنها پیگیری خواهند کرد، اما هیچ نتیجه‌ای حاصل نشد. ما هیچ نمی‌دانیم که آیا تحقیقات رسمی انجام شده است یا خیر یا نتیجه چه بوده است.»^{۲۴۲}

بسیاری از بستگان قربانیان، پشتکار فوق‌العاده‌ای برای پیگیری شکایات خود نزد مقامات نشان دادند، که برخی از آنها سال‌ها به طول انجامید. به عنوان مثال، مردی که دو برادرش در سال ۲۰۱۲ هنگام شرکت در مراسم تشییع جنازه توسط شبه نظامیان طرفدار دولت مورد اصابت گلوله قرار گرفته و کشته شدند، گفت که در زمان حادثه عریضه‌های را به والی، قومندان امنیه و دفتر ریاست جمهوری تسلیم کرده بود. او گفت که عاملان این حادثه در برابر عملیات پولیس برای دستگیری شان مقاومت کردند و سپس فرار نمودند. تقریباً نه سال بعد، هنگامی که شهری که این مرد در آن زندگی می‌کرد به دست طالبان افتاد، دو عامل این حادثه توسط مقامات اداره حاکم دستگیر شدند. متعاقباً به این مرد گفته شد که رهبر طالبان عفو عمومی اعلام کرده است، به این معنی که عاملان این حادثه قابل مجازات نیستند. او گفت که آنها آزاد شده و به خارج از کشور گریختند.^{۲۴۳}

فرد دیگری که پسر و دخترش در اثر اصابت گلوله هاوان نیروهای ارتش ملی افغانستان کشته شدند و مصاحبه شونده و پنج عضو دیگر خانواده‌اش نیز زخمی شدند، گفت که با عریضه برای دریافت کمک مالی برای نواسه هایش به ریاست شهدا و معلولین مراجعه کرد. او گفت که عریضه خود را به دفتر والی و محکمه نیز تسلیم کرد، اما با وجود پیگیری حدود دو ساله درخواستش، هیچ کس اقدامی صورت نگرفت. او گفت وقتی درخواست پس گرفتن مدارکش را داد، به او گفته شد که آنها سوخته و گم شده اند.^{۲۴۴}

ii. رد درخواست توسط مقامات

بعضی از مردم گفتند وقتی تلاش کردند که درخواست کمک کنند یا شکایتی مطرح کنند، فرد یا افرادی که با آنها ملاقات کردند از کمک به آنها خودداری کردند. مصاحبه شونده‌ای که پسر ۱۷ ساله اش در جریان تبادل آتش بین نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغانستان و طالبان کشته و نواسه اش زخمی شده بود، به هر دو طرف درگیری مراجعه کرد تا برای بازسازی خانه اش که در این حادثه کاملاً ویران شده بود، درخواست کمک کند:

^{۲۳۹} مصاحبه شماره ۲۷

^{۲۴۰} مصاحبه شماره ۳۰

^{۲۴۱} مصاحبه شماره ۱۵۰

^{۲۴۲} مصاحبه شماره ۱۰۰

^{۲۴۳} مصاحبه شماره ۱۳۴

^{۲۴۴} مصاحبه شماره ۱۱

«بعد از این حادثه، به پسته مشخص شده‌ی نیروهای ملی امنیتی افغانستان رفتم و به آنها اطلاع دادم که خانه ام را ویران کرده اند و باید غرامت آن را بپردازند. آنها در پاسخ گفتند که من هرگز نباید طالبان را در خانه ام یا اطراف آن جای می دادم و افزودند که در جنگ، هیچ عوض یا غرامتی وجود ندارد. سپس از [محفوظ]، قومندان طالبان، درخواست کمک کردم و گفتم: به 'دلیل اعمال شما، خانه ام ویران شده است. آیا حداقل می‌توانید در بازسازی آن به من کمک کنید؟' فرمانده طالبان پاسخ داد: 'پرداخت غرامت برای این موضوع مسئولیت ما نیست.'»^{۲۴۵}

دیگران گفتند که به طالبان مراجعه کردند و از کشته و زخمی شدن بستگان شان توسط مواد انفجاری تعبیه شده ای طالبان شکایت کردند. اغلب به آنها گفته می شد که این یک تصادف بوده و باید قوی باشند و به الله ایمان داشته باشند. مردی که موتر حامل وی با مواد انفجاری تعبیه شده ای فشاری که توسط طالبان کار گذاشته شده بود برخورد کرد و ۱۳ مسافر از جمله شش عضو خانواده وی را کشت، با عریضه ای به طالبان مراجعه کرد و درخواست غرامت و مجازات عاملان را داشت؛ او گفت:

«وقتی عریضه ام را به او دادم، فقط مرا تشویق کرد که قوی باشم و گفت که خداوند در مقابل کسانی که از دست داده‌ام، به من بهشت خواهد داد. او هیچ اقدامی نکرد.»^{۲۴۶}

مرد دیگری گفت که با تراکتور از روی مواد انفجاری تعبیه شده ای فشاری رد شد و باعث انفجار آن گردید. تراکتور او نابود شد و پاهایش به شدت زخمی شدند. او در مورد این حادثه به طالبان مراجعه کرد:

«من در صدد آن شدم تا بدانم که چرا من هدف قرار گرفتم. در پاسخ، [...] فرمانده طالبان استدلال کرد که آنها تراکتور من را با یک وسیله نقلیه نظامی نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان که هدف اصلی مواد انفجاری تعبیه شده بود، اشتباه گرفتند. عاملان این حادثه به سادگی این را یک حادثه غیرعمدی خواندند که خداوند در سرنوشت من نوشته است و از زنده بودن من استقبال کردند.»^{۲۴۷}

iii. سقوط حکومت پیشین جمهوری اسلامی افغانستان

سقوط حکومت پیشین منحصراً دلیل عمده برای عدم پیگیری شکایات و ادعاها مطرح گردید:

«چند ماه پس از حادثه، برای دریافت غرامت به دفتر والی رفتم، اما به دلیل مصروفیت زیاد کارکنان یا عدم حضور در دفتر در روزهای مشخص، هرگز نتوانستم مدارک را نهایی کنم. بعداً، دولت سقوط کرد و من نتوانستم این روند را تکمیل کنم.»^{۲۴۸}

یکی از افراد توضیح داد که چگونه وخامت اوضاع امنیتی در ولایت او در زمان فروپاشی دولت پیشین مانع از مراجعه او به مقامات دولتی در مورد قتل برادرش شد:

«این حادثه در زمان حساس، زمان که درگیری‌های مسلحانه ای شدید بر سرکنترول مراکز ولایات جریان داشت، رخ داد. به نظر می‌رسید دستگاه بوروکراتیک دولت قبلی تقریباً فروپاشیده است، تنها چیزی که باقی مانده بود نیروهای ملی و دفاعی افغانستان بودند که در حالت تخلیه قرارگاه‌های نظامی خود قرار داشتند. درخواست تحقیق برای ما بسیار خطرناک بود. ما حتی به قیمت جان خود تلاش کردیم تا جسد برادرم را از میدان نبرد منتقل کنیم.»^{۲۴۹}

مردی که پسر کاکایش راننده تاکسی بود و توسط اعضای طالبان در یک ایست بازرسی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد، گفت که چند ماه پس از این حادثه، عاملان توسط مقامات اداره امنیت ملی دستگیر شدند و قرار بود قضیه

^{۲۴۵} مصاحبه شماره ۱۳

^{۲۴۶} مصاحبه شماره ۶۵

^{۲۴۷} مصاحبه شماره ۱۰۱

^{۲۴۸} مصاحبه شماره ۱۳۹

^{۲۴۹} مصاحبه شماره ۱۳۳

توسط محکمه رسیدگی شود. اما، افراد متهم پس از تصرف شهر از توقیف آزاد شدند و او اکنون آنها را در سرک های شهر می بیند.^{۲۵۰}

iv. ادعای فساد و تبعیض توسط مقامات دولتی

خان یوسفی

«در [تاریخ محفوظ]، در بعد از ظهر، پسر ۱۰ ساله ام دروازه خانه را باز کرد و با یک تانک گزمه پولیس ملی روبرو شد که به سمت او آتش گشود. او از ناحیه سینه مورد اصابت گلوله قرار گرفت. وقتی همسر صحنه را دید، برای نجات پسرمان دوید و او نیز از ناحیه پیشانی مورد اصابت گلوله قرار گرفت. پسر درجا جان باخت و همسر به شدت مجروح شد.

به دفتر قومندان امنیه مراجعه کردم و از این جنایت شکایت کردم. در ابتدا، آنها به من گفتند: "باید اظهار کنی که پسر در اثر تیراندازی عناصر ضد دولتی جان باخته است تا بتوانیم به تو غرامت بدهیم". من این را انکار کردم و سپس آنها مرا تهدید کردند که مرا به اتهام عضویت در گروه های ضد دولتی دستگیر خواهند کرد، بنابراین سکوت کردم. [...]

من نیازی به غرامت نداشتم زیرا پسر دیگر نمی تواند زنده باشد. من فقط خواهان عدالت بودم.»^{۲۵۱}

بعضی از مردم گفتند که شکایات یا ادعاهای آنها به دلیل آنچه فساد یا تبعیض توسط مقامات می دانستند، رد شده است. به عنوان مثال، فردی که پس از تسلط طالبان برای درخواست کمک برای پسرش که در اثر یک حمله توپ به شدت مجروح شده بود، به وزارت کار و امور اجتماعی اداره حاکم مراجعه کرده بود، گفت که مقامات رسمی به او گفتند که به دلیل قومیت اش، واجد شرایط دریافت کمک نیست.^{۲۵۲}

افراد بارها فساد مقامات را به عنوان دلیل - به نظر خودشان - رد کمک مالی به آنها ذکر کردند:

«در دوران جمهوری، کاکای من چندین بار تلاش کرد تا برای من کارت کمک مالی بگیرد، اما به دلیل فساد نتوانستم هیچ کمک مالی دریافت کنم.»^{۲۵۳}

«مقامات دولتی، از جمله پولیس، از این حادثه و آسیبی که به قربانیان وارد کرده بود، مطلع شدند، اما هیچ اقدام یا تحقیقی انجام ندادند. همه [...] مقامات ولایتی، جنگ سالاران طرفدار جنرال دوستم بودند. آنها مشغول تجارت و فساد خود بودند و نسبت به مردم بی توجه بودند.»^{۲۵۴}

«از من حمایتی نشده است. فقط به من گفته شد که برای کارت شهدا درخواست دهم. با این حال، به دلیل روند اداری پیچیده و سوء رفتار مقامات، چنین کارتی دریافت نکرده ام.»^{۲۵۵}

^{۲۵۰} مصاحبه شماره ۲۰

^{۲۵۱} مصاحبه شماره ۷

^{۲۵۲} مصاحبه شماره ۹۰

^{۲۵۳} مصاحبه شماره ۱۲۶

^{۲۵۴} مصاحبه شماره ۵۴

^{۲۵۵} مصاحبه شماره ۲۳



زنانی که در حمله انتحاری به یک تالار عروسی در کابل در ۱۸ آگست ۲۰۱۹،
خویشاوندان خود را از دست دادند:

"انفجار شیشه‌ها را شکست و گرد و غبار شد، شادی و سرور را به فاجعه،
فغان و ترس تبدیل کرد. سرمیزی‌های سفید با خون شرکت‌کنندگان و مردم سرخ
شد، به شمول زخمی‌ها، از هتل بیرون می‌دویدند. همه در داخل و خارج از
سالن‌های هتل به دنبال عزیزان خود می‌گشتند."

"من سال‌هاست که سوگواری می‌کنم و همچنان ادامه دارد. نه حکومت سابق
و نه طالبان فعلی هیچ کمکی ارائه نکرده‌اند. در حالی که ممکن است حکومت
قبلی با بعضی از قربانیان کمک کرده باشد، ما هیچ کمکی دریافت نکردیم. ما آن
زمان فقیر بودیم و اکنون نیز فقیر هستیم."

ج: انواع جبران های درخواست و دریافت شده

بیش از (۶۴٪) از مصاحبه شوندگانی که نوعی شکایت و/یا ادعا ثبت کرده بودند، گفتند که تلاش‌هایشان بی نتیجه بوده است. این افراد شکایت‌ها و/یا ادعاهایی را به نهادهای مختلف، از جمله حکومت سابق، طالبان قبل از تصرف کشور توسط آنها، و مقامات اداره حاکم پس از تصرف، ارائه کرده بودند.

از سوی دیگر، از جمله باقی مصاحبه شوندگان که گزارش دادند نوعی شکایت و/یا ادعا ثبت کرده اند، سی و شش فیصد آنها نوعی از پاسخ دریافت کردند، اعتراف و/یا حمایت مالی یا سایر نوع حمایت. با این حال، حتی در مواردی که پاسخ یا اعتراف دریافت شده بود، قربانیان به ندرت از نتیجه راضی بودند و اغلب ابراز می‌کردند که این پاسخ با توجه به رنج و زبانی که متحمل شده‌اند، ناکافی بوده است.

ا. حمایت مالی

بعضی افراد در مقابل شکایت یا ادعای خود پول دریافت کردند. مبالغ دریافتی بسیار متفاوت بود، از ۵،۰۰۰ تا ۷،۰۰۰،۰۰۰ افغانی (معادل ۶۷ تا ۹۳،۳۳۳ دلار آمریکایی). روش‌ها متفاوت بود و شامل پرداخت‌های موردی توسط دولت سابق می‌شد که از طیف وسیعی از نهادها از جمله: وزارت امور شهدا و معلولین، والیان، ریاست‌های کار و امور اجتماعی و دفتر ریاست جمهوری دریافت می‌شد. برخی از قربانیان از نیروهای نظامی بین‌المللی کمک‌های خیرخواهانه دریافت کرده بودند.

بسیاری از مصاحبه شوندگان توضیح دادند که مبالغ دریافتی برای پوشش هزینه‌های که متحمل شده‌اند، مانند بازسازی خانه‌ها و مشاغل خود، هزینه‌های تشییع جنازه یا تداوی زخمی‌ها، کافی نبوده است. پدر و برادر یک مرد در یک حمله هوایی توسط نیروهای نظامی بین‌المللی که خانه‌ای خانوادگی او را خراب کرد، کشته شدند. مرد، مادر و ده خواهر و برادرش - که همگی در زمان حادثه زیر ۱۳ سال سن داشتند - نیز در این حادثه زخمی شدند. او گفت:

«پس از چند ماه، دولت افغانستان مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ افغانی (۲،۶۶۷ دلار آمریکایی) به عنوان غرامت مرگ پدر و برادرم به خانواده ما پرداخت کرد، اما این مبلغ حتی هزینه‌های مراسم تشییع جنازه آنها را هم کفایت نکرد و ما هیچ پولی برای تداوی زخمی‌ها نداشتیم.»^{۲۵۶}

بعضی افراد برای دریافت کمک به دولت ویا مقامات اداره حاکم مراجعه کرده و مستمری دریافت می‌کردند. مبالغ دریافتی و منابع مستمری متفاوت بود. به عنوان مثال، فردی گفت که پس از کشته شدن پسرش توسط اعضای طالبان در سال ۲۰۱۸، ماهانه ۶،۰۰۰ افغانی [۸۰ دلار آمریکایی] از ریاست امور شهدا و معلولین دریافت می‌کرد^{۲۵۷}. مرد دیگری که سه پسرش در یک حمله انتحاری کشته و یک پسر دیگرش به شدت زخمی شده بود، گفت که رژیم قبلی برای شهدا (افراد کشته شده) پرداخت می‌کرد در حالی که رژیم فعلی از یتیمان حمایت می‌کند. او گفت که هر کودک یتیم ماهانه ۲،۰۰۰ افغانی [۲۷ دلار آمریکایی] دریافت می‌کند که هر شش ماه یکبار توسط وزارت امور شهدا و معلولین/اداره حاکم پرداخت می‌شود. پسر معلول او نیز همین مبلغ را دریافت می‌کند.^{۲۵۸}

چندین نفر در مورد دریافت مستمری در زمان حکومت سابق صحبت کردند که پس از تصرف طالبان متوقف شده است.^{۲۵۹} بعضی دیگر در زمان حکومت سابق مستمری دریافت نکرده بودند، اما اکنون از سوی مقامات/اداره حاکم مستمری دریافت می‌کنند.^{۲۶۰} بعضی گفتند که میزان مستمری آنها از زمان تسلط طالبان کاهش یافته است:

«در رژیم گذشته، من در ریاست شهدا و معلولین ثبت نام کرده بودم و سالانه ۶۰،۰۰۰ افغانی [۸۰۰ دلار آمریکا] مستمری دریافت می‌کردم؛ مبلغی که در زمان اداره حاکم تقریباً به نصف کاهش یافته است.»^{۲۶۱}

^{۲۵۶} مصاحبه شماره ۹۷

^{۲۵۷} مصاحبه شماره ۱۱۵

^{۲۵۸} مصاحبه شماره ۷۵

^{۲۵۹} مصاحبه شماره ۷۲

^{۲۶۰} مصاحبه شماره ۱۲۶

^{۲۶۱} مصاحبه شماره ۱۰۱

چندین نفر گفتند که بدون اینکه درخواستی کرده باشند، پرداخت‌های موردی یا یک‌باره دریافت کرده‌اند:

«من درخواست نکردم، اما در روز هفتم حادثه، دفتر والی برای هر کشته شده ۱۰۰،۰۰۰ افغانی [۱،۳۳۳] دلار آمریکایی] به ما پرداخت کرد؛ در مجموع ۵۰۰،۰۰۰ افغانی [۶،۶۶۷] دلار آمریکایی] برای پنج عضو خانواده.»^{۲۶۲}

«دولت آن زمان برای احترام به شهادت هر نفر ۱۰۰،۰۰۰ افغانی [۱،۳۳۳] دلار آمریکایی] اکرامیه پرداخت کرد. علاوه بر این، به خانواده‌های قربانیان یک دکان در حومه شهر داده شد.»^{۲۶۳}

علاوه بر این، تعدادی از مصاحبه‌شوندگان از نیروهای نظامی بین‌المللی مبالغی را منحیث کمک‌های خیرخواهانه دریافت کرده بودند که به غیرنظامیان افغان بابت مرگ، جراحت و خسارت به اموال در نتیجه عملیات جنگی پرداخت شده بود.

غلام محی الدین

در بعد از ظهر ۳۰ جنوری ۲۰۲۰، خانواده غلام محی الدین در حال بازگشت از مراسم تشییع جنازه به خانه بودند که موتر شان توسط یک پهپاد آمریکایی هدف قرار گرفت. پدر، مادر، کاکا، عمه و فرزند پسر کاکایش کشته شدند.

پس از این حادثه، معاون رئیس دفتر رئیس جمهور اشرف غنی با او تماس تلفنی گرفت. او از خاطر این حادثه عذرخواهی کرد و گفت که نیروهای آمریکایی با رئیس جمهور غنی و نیروهای امنیتی افغانستان در مورد این حمله مشورت نکرده بود یا اطلاعات نداده بود. پس از چند روز، کارکنان ارتش افغانستان و یک عضو ارتش ایالات متحده برای دیدار با غلام محی الدین و برادرش آمدند. این نظامی آمریکایی اذعان کرد که بر اساس اطلاعات نادرست مبنی بر اینکه بعضی از رهبران کلیدی طالبان با این وسیله نقلیه سفر می‌کردند، دستور حمله را داده است.

«در آن جلسه، من درخواست عدالت و جبران خسارت کردم، اما هیچ پاسخی دریافت نکردم. در پایان جلسه، پاکتی به من داده شد که فقط ۲۰۰ دلار آمریکایی در آن بود.»^{۲۶۴}

مردی که پدر و برادرش در یک عملیات هوایی توسط نیروهای نظامی نیوزیلند در سال ۲۰۱۰ کشته شدند، گفت:

«قبل از آگوست ۲۰۲۱، یکی [نماینده ریاست شهدا و معلولین در ولسوالی] با من تماس گرفت و گفت که دولت نیوزیلند می‌خواهد دیه بپردازد. به همین دلیل، من دو بار با [یک ژورنالیست نیوزیلندی] صحبت کردم، اما او این اطلاعات را تأیید نکرد.»^{۲۶۵}

برخی از مصاحبه‌شوندگان از سازمان‌های غیر-دولتی مبالغی را به صورت موردی دریافت کرده بودند:

«یک سازمان غیر-دولتی - اسمش یادم نیست - آمد و در برابر هر نفر کشته شده ۱۵۰۰۰ افغانی [۲۰۰] دلار آمریکایی] به ما داد.»^{۲۶۶}

«هیچ کمکی از رژیم جمهوری یا جنگجویان طالبان دریافت نکردم [...] برای جراحت و معلولیت، فقط ۵۰،۰۰۰ افغانی [۶۶۷] دلار آمریکایی] از یک سازمان غیر-دولتی بین‌المللی که نامش را یادم نیست، دریافت کردم.»^{۲۶۷}

^{۲۶۲} مصاحبه شماره ۳۵

^{۲۶۳} مصاحبه شماره ۷۰

^{۲۶۴} مصاحبه شماره ۹

^{۲۶۵} مصاحبه شماره ۱۴۰

^{۲۶۶} مصاحبه شماره ۹۴

^{۲۶۷} مصاحبه شماره ۹۶

ii. عذرخواهی و ارائه معلومات^{۲۶۸}

اکثر مصاحبه شونده‌گان هیچ اطلاعاتی در مورد حادثه ذریبط دریافت نکرده بودند، و حتی کسانی که سعی در ثبت شکایات رسمی داشتند، اغلب می‌گفتند که هرگز از نهادهای که به آن شکایت کرده بودند، پاسخی دریافت نکردند. بعضی گفتند که با وجود ثبت شکایات، تنها سازمانی که تاکنون در مورد این حادثه با آنها تماس گرفته، یوناما بوده است.^{۲۶۹}

بعضی از مصاحبه شونده‌گان بابت حادثات، اعتراف و عذرخواهی دریافت کرده بودند. این عذرخواهی‌ها از سوی مرتکبین و طرف‌های مختلف درگیری در منازعات مسلحانه سابق، از جمله دفتر ریاست جمهوری، طالبان، والی‌ها و ولسوال‌ها، و نیروهای امنیتی، به شمول نیروهای نظامی بین‌المللی، دریافت شده بود. عذرخواهی‌ها اغلب پس از تلاش‌های هماهنگ خانواده‌های قربانیان برای عدالت خواهی صورت می‌گرفت:

«پدر مقتول به کوئته پاکستان رفت، جایی که گمان می‌رفت شورای رهبری طالبان در آنجا مستقر است. او بیش از یک هفته را صرف ملاقات با مقامات قضایی برای ثبت شکایت کرد، اما نتوانست با مقامات مربوطه طالبان تماس بگیرد. او فقط با مقامات سطح پایین ملاقات کرد و پیام را به آنها داد تا آن را به شعبه قضایی شورا منتقل کنند. پس از چند روز، یک فرمانده طالبان [...] که گفته می‌شد مسئول این قتل بود، به ترور اشتباهی یک فرد بی‌گناه اعتراف و عذرخواهی کرد. این پیام از طریق بزرگان محل که به خانه ما آمده بودند، منتقل شد.»^{۲۷۰}

«کمی پس از حادثه، متوجه شدیم که نیروهای طالبان که مواد انفجاری تعبیه شده را جاسازی کرده بودند، مرتکب اشتباه شده‌اند و موتر ما را با یک رنجر نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان اشتباه گرفته‌اند. فرمانده محلی طالبان مسئولیت این اشتباه را بر عهده گرفت و از ما خواست که اجازه دهیم برخی از چهره‌های بانفوذ قبیله‌ای از طرف طالبان عذرخواهی کنند، اما ما آمدن هیئت را نپذیرفتیم. آنها به خاطر این ضایعه فقط ابراز تسلیت کردند.»^{۲۷۱}

عذرخواهی‌ها اغلب با کمک‌های مالی موردی نیز همراه بود. قربانی حمله هوایی ارتش ملی افغانستان که منجر به کشته شدن برادرزاده نه ساله اش و زخمی شدن او و هفت نفر از اعضای خانواده‌اش شده بود، گفت: معاون والی برای عذرخواهی بابت این حادثه که به گفته او یک اشتباه بود، نزد آنها به شفاخانه مراجعه کرد. او همچنین مبلغ ۱۰,۰۰۰ افغانی [۱۳۳ دالر آمریکایی] برای مراسم تشییع جنازه برادرزاده اش به خانواده وی پرداخت کرد و قول داد که هزینه تداوی آنها را بپردازد. با این حال، قربانی مذکور گفت که دولت چند روز بعد سقوط کرد و خانواده هیچ کمک مالی دریافت نکرد.^{۲۷۲}

علاوه بر این، مصاحبه شونده‌گانی که عذرخواهی دریافت کرده بودند، اغلب احساس میکردند که این عذرخواهی هیچ کمکی به تغییر اوضاع نکرده است - و خاطرنشان کردند که هیچ کس به دلیل حادثه مورد بحث دستگیر، تحت پیگرد قانونی یا مجازات نشده است:

«پس از آنکه یوناما بیانیه مطبوعاتی در مورد این حادثه صادر کرد، اوضاع به طور مثبتی بهبود یافت. بزرگان جامعه ما به کابل سفر کردند و با رئیس جمهور اشرف غنی و وزیر دفاع دیدار کردند. همه مقامات، از جمله رئیس جمهور، از این خاطر حادثه عذرخواهی کردند و گفتند که این یک اشتباه بوده است، اگرچه هیچ کس به خاطر این جرم سنگین دستگیر، تعقیب عدلی یا مجازات نشد.»^{۲۷۳}

^{۲۶۸} در حالی که عذرخواهی عموماً به عنوان نوعی رضایتی در نظر گرفته میشود که با حق قربانیان برای جبران خسارت و دریافت معلومات جهت دانستن حقیقت مرتبط است، قربانیان اغلب این مسائل را در پاسخ‌های خود به سوالات به هم مرتبط می‌دانند.

^{۲۶۹} مصاحبه شماره ۷؛ مصاحبه شماره ۱۴

^{۲۷۰} مصاحبه شماره ۲۴

^{۲۷۱} مصاحبه شماره ۹۸

^{۲۷۲} مصاحبه شماره ۱۳۵

^{۲۷۳} مصاحبه شماره ۶۰

«ما با [...] ولسوال و قومندان امنیه تماس گرفتیم. آنها گفتند: 'ما از آنچه اتفاق افتاده متأسفیم'، اما عاملان شناسایی یا دستگیر نشدند.»^{۲۷۴}

بعضی از مصاحبه شونده‌گان گفتند که با مقامات دولت سابق ملاقات کردند که یا مسئولیت را نپذیرفتند یا طرف‌های دیگری مانند طالبان یا نیروهای نظامی بین‌المللی را برای حادثه مورد بحث گناه کار دانستند:

«دولت افغانستان و دفتر ریاست جمهوری این حادثه را پذیرفتند و افزودند که این حادثه توسط نیروهای آمریکایی انجام شده است. اما آمریکایی‌ها هیچ کاری در مورد این حادثه انجام ندادند. آنها نه این حادثه را پذیرفتند و نه عذرخواهی کردند.»^{۲۷۵}

«با وجود دیدار صمیمانه پدر بزرگم با [والی] وقت، برای ابراز نگرانی در مورد از دست دادن غم‌انگیز نواسه اش، هیچ اقدامی از سوی مقامات انجام نشد. والی در پاسخ به پدر بزرگم گفت که ممکن است سوء تفاهمی رخ داده باشد، به این معنی که افراد دخیل در این حادثه اعضای طالبان بودند.»^{۲۷۶}

iii. دسترسی به عدالت

«هیچ کس در مورد آن تحقیق نکرد. اگر هم تحقیقی انجام داده باشند، من از آن بی‌اطلاع هستم. ۷۵ فیصد مطمئنم که هیچ کس آنرا تحقیق، پیگیری یا مستندسازی نکرده است. هیچ کس هرگز با من در مورد آن مصاحبه نکرده است. هیچ سازمان مردم‌نهادی هرگز در مورد آن از من نپرسیده است. امروز اولین باری است که کسی در مورد آن از من پرسیده است.»^{۲۷۷}

اکثریت مصاحبه شونده‌گانی که تلاش کرده بودند برای آنچه بر خود یا اعضای خانواده‌شان گذشته بود عدالت‌خواهی کنند، گفتند که موفق نبودند. مصاحبه شونده‌گان این را بیشتر به عنوان بی‌عملی یا انکار مسئولیتی که به آن‌ها مراجعه کرده بودند تلقی می‌کردند؛ مسئولین چه در دولت سابق، چه در طالبان (قبل از تصرف) و چه در اداره حاکم (پس از تصرف):

«من به جنگجویان طالبان در منطقه شکایت کردم، اما هیچ کدام از آنها نگرانی‌های من را نپذیرفتند و به سوالات من پاسخ ندادند. آنها دست داشتن خود در قتل پسر من را انکار کردند. [...] من می‌دانستم که او توسط طالبان کشته شده است و بنابراین به مقامات رژیم جمهوری شکایت نکردم.»^{۲۷۸}

«این حادثه در سال ۲۰۲۱ رخ داد، اما من اخیراً در رژیم طالبان از آن شکایت کردم. من عریضه ای تهیه کردم و آن را به والی فعلی سرپل دادم؛ او به من گفت که نمی‌تواند کاری انجام دهد و من باید به کابل بروم. به او گفتم که اگر پول رفتن به کابل را داشتم، به سراغ شما نمی‌آمدم.»^{۲۷۹}

مردی که برادرزاده و برادرش در اثر تیراندازی یک سرباز ارتش ملی افغانستان از یک پسته بازرسی در شهر کشته شدند، گفت که از قومندان پسته پرسیده است که چرا این کار را کرده‌اند:

«آنها گفتند که فکر نمی‌کنند به قربانیان شلیک کرده اند، اما ممکن است توسط پلیس ملی افغانستان مورد اصابت گلوله قرار گرفته باشند. ما به آنها گفتیم که خود آنها کسانی بودند که شلیک کردند و ما آنرا دیدیم؛ پولیس ملی افغانستان در آن زمان مشخص شلیک نمی‌کرد. آنها هیچ پاسخی ندادند. ما منطقه را ترک کردیم و شهدای خود را دفن کردیم.»^{۲۸۰}

با وجود آن انکار، این مرد گفت که هنوز امیدوار است بتواند عاملان این حادثه را به سزای اعمال شان برساند.

^{۲۷۴} مصاحبه شماره ۹۴

^{۲۷۵} مصاحبه شماره ۶۲

^{۲۷۶} مصاحبه شماره ۸

^{۲۷۷} مصاحبه شماره ۱۹

^{۲۷۸} مصاحبه شماره ۱۱۵

^{۲۷۹} مصاحبه شماره ۳۷

^{۲۸۰} مصاحبه شماره ۱۰۵

برخی از افرادی که برای شکایت از این حوادث به مقامات مراجعه کردند، گفتند که دولت سابق قربانیان را به عضویت در طالبان متهم می کرد تا قتل آنها را توجیه کند. یکی از مصاحبه شونده‌گان در مورد تلاش‌های جامعه خود برای عدالت‌خواهی در مورد کشته شدن پنج کودک محلی توسط شلیک توپخانه سنگین اعضای ارتش ملی افغانستان صحبت کرد:

«بعد از این حادثه، ما تظاهراتی ترتیب دادیم و شاهراه را به مدت سه ساعت مسدود کردیم. والی ولایت از ما خواست که با او صحبت کنیم. نماینده تظاهرات کنندگان با او ملاقات کرد و شفاهی شکایت کرد. اما والی ولایت هیچ اقدامی نکرد. او گفت: 'شما طالبان هستید. شما برای طالبان غذا تهیه می کنید. شما برای طالبان جا فراهم می کنید.'»^{۲۸۱}

تعدادی از مصاحبه شونده‌گان گفتند که مقامات به آنها گفته بودند که نمی توانند عاملان این جنایت را به دست عدالت بسپارند، زیرا قدرت انجام این کار را ندارند:

«خانواده من و خانواده [قربانی دیگر] حتی به مقامات شورای امنیت ملی در کابل مراجعه کردند و از این حادثه شکایت کردند. اما پاسخ مقامات این بود که آنها معتقدند پهباد [آمریکایی] اشتباهی هدف را مورد حمله قرار داده است و آنها در برابر آمریکایی ها ناتوان هستند.»^{۲۸۲}

«من به پولیس سابق در ولایت شکایت کردم. با این حال، آنها به من گفتند که نمی توانند [قومندان مسئول] را کنترل کنند. [...] پولیس به من توصیه کرد که ما، به عنوان یک جامعه، باید از طالبان حمایت کنیم تا آنها بر پسته [قومندان مذکور] حمله کنند و او را بکشند.»^{۲۸۳}

با این حال، بعضی از مصاحبه شونده‌گان اشکال مختلف عدالت یا شیوه های پاسخگویی را که در نتیجه شکایات آنها اجرا شده بود، تشریح کردند. مردی که پسرش توسط اعضای اریکی^{۲۸۴} کشته شده بود، گفت که عاملان دستگیر، محاکمه و به حبس طولانی مدت محکوم شدند. او گفت که آنها پس از گذراندن تنها پنج ماه از مدت حبس شان آزاد شدند، که به اعتقاد او به دلیل رشوه خواری بوده است.^{۲۸۵}

مردی که برادرش توسط نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغانستان در جریان تبادل آتش با اعضای طالبان مورد اصابت گلوله قرار گرفته و کشته شده بود، گفت که پس از تصرف کشور، برای درخواست عدالت به مقامات اداره حاکم مراجعه کرده است. او گفت:

«مرتکب به گناه خود اعتراف کرد وقتی که رفقاییش به عنوان شاهد عینی علیه افسر پولیس که برادرم را به ضرب گلوله کشته بود، شهادت دادند. اعضای خانواده ام در روند محاکمه حضور داشتند. بعداً، فهمیدم که مجرم توسط طالبان [مقامات اداره حاکم] اعدام/کشته شده است و عدالت اجرا شد.»^{۲۸۶}

iv. انواع کمک غیر مالی به قربانیان

بعضی از مصاحبه شونده‌گان گفتند که پس از این حادثه، از دولت سابق و سازمان‌های غیر-دولتی (انجوها) کمک‌های غذایی موردی دریافت کرده اند:

«من ماجرا را با جزئیات برای والی سابق توضیح دادم. او فقط کمک‌های غذایی شامل: چهار بوجی آرد، یک بوجی برنج، یک بوجی لوبیا و دو قوطی روغن پخت و پز به من داد.»^{۲۸۷}

^{۲۸۱} مصاحبه شماره ۱۳۸

^{۲۸۲} مصاحبه شماره ۱۱۳

^{۲۸۳} مصاحبه شماره ۵۱ (الف)

^{۲۸۴} «اریکی» اصطلاحی بود که در دوران حکومت جمهوری اسلامی افغانستان برای تعریف شبه‌نظامیان طرفدار دولت یا اعضای پولیس محلی افغانستان به کار می رفت.

^{۲۸۵} مصاحبه شماره ۱۰۶

^{۲۸۶} مصاحبه شماره ۱۳۳

^{۲۸۷} مصاحبه شماره ۱۱

«من تاکنون این حادثه را با هیچ کس یا سازمانی در میان نگذاشته‌ام و علیه کسی هم شکایتی نکرده‌ام. [...] ما از ریاست شهدا و معلولین مقداری کمک غذایی دریافت کردیم.»^{۲۸۸}

«پس از حادثه، فقط یک سازمان غیر-دولتی دو بوجی آورد گندم، لوبیا و شکر به من داد. هیچ کمک دیگری از هیچ کس دیگری دریافت نکردم.»^{۲۸۹}

«دولت از من حمایت نکرده است. یک سازمان غیردولتی که نامش را یادم نیست، یک بار مقداری مواد غذایی از جمله آرد، لوبیا و روغن به من کمک کرد.»^{۲۹۰}

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، در پاسخ به این سوال که آیا آنها کمکی دریافت کرده‌اند، پاسخ دادند که در شفاخانه‌های دولتی تحت تداوی رایگان قرار گرفتند، علیرغم این واقعیت که این خدماتی است که منطقاً انتظار می‌رود حق دریافت آن را داشته باشند.^{۲۹۱}

مردی که هنگام سه سالگی در نتیجه حمله هوایی آمریکا به قریه اش زخمی شده بود، گفت که در ایالات متحده تحت تداوی قرار گرفته است:

«من این حادثه را به خوبی به یاد نمی‌آورم زیرا، فکر می‌کنم حدود سه سال داشتم، من ده نفر از اعضای خانواده ام از جمله پدر، مادر و خواهر و برادرم را در این حادثه از دست دادم، من همراه با برادر و خواهرم، زنده ماندیم، همه چیز را از دست دادیم، هیچ چیز برای ما باقی نمانده بود، من، خواهر و برادرم به شدت زخمی شدیم، من آسیب این حادثه را هنوز احساس می‌کنم و در طول زندگی من ادامه خواهد داشت. مردم به من گفتند که در قریه من تمام خانه‌ها توسط بمباران تخریب شده بود، فقط من با دو خواهر و برادرم و یک طفل دختر دیگر در صحنه باقی ماندیم... من به سختی به یاد می‌آورم... من در قریه بودم و با اطفال دیگر در مقابل خانه ام بازی میکردم زمانیکه این حادثه اتفاق افتاد. بعد از آن من نمیدانم که چه اتفاقی افتاد. من بیهوش شده بودم. زمانیکه من به حالت عادی برگشتم، من در آمریکا، در واشنگتن دی سی، در یک شفاخانه با خواهر و برادرم بودم. من نمیدانستم که چه کسی ما را به آمریکا انتقال داده است. [بعداً من فهمیدم] که زمانیکه نیروهای آمریکایی بمباران کردند و کنترل قریه را بدست گرفتند، آنها ما را با جراحات جدی در صحنه پیدا کردند. آنها ما را برداشتند و به واشنگتن دی سی انتقال دادند. من با حمایت نهادهای آمریکایی برای تقریباً سه سال آنجا بودم. سپس بدون خواهر و برادرم دوباره به افغانستان منتقل شدم. به وزارت کار و امور اجتماعی سپرده شدم و در یک پرورشگاه ثبت نام گردیدم.»^{۲۹۲}

این مرد با وجود ادامه جستجوی خواهر و برادرش پس از بازگشت به افغانستان، تماس خود را با خواهر و برادرش که در آمریکا مانده بودند، از دست داد.

یک زنی که شوهرش واکسیناتور پولیو بود و توسط اعضای طالبان تیرباران و کشته شد، گفت که آنها هیچ غرامت یا کمک مالی دریافت نکرده‌اند، اما به پسر بزرگش وظیفه شوهر مرحومش به عنوان واکسیناتور پولیو در این شفاخانه داده شد.^{۲۹۳}

^{۲۸۸} مصاحبه شماره ۶۱

^{۲۸۹} مصاحبه شماره ۹۶

^{۲۹۰} مصاحبه شماره ۱۷

^{۲۹۱} مصاحبه شماره ۵۳؛ مصاحبه شماره ۳۶

^{۲۹۲} مصاحبه شماره ۸۲

^{۲۹۳} مصاحبه شماره ۷۲



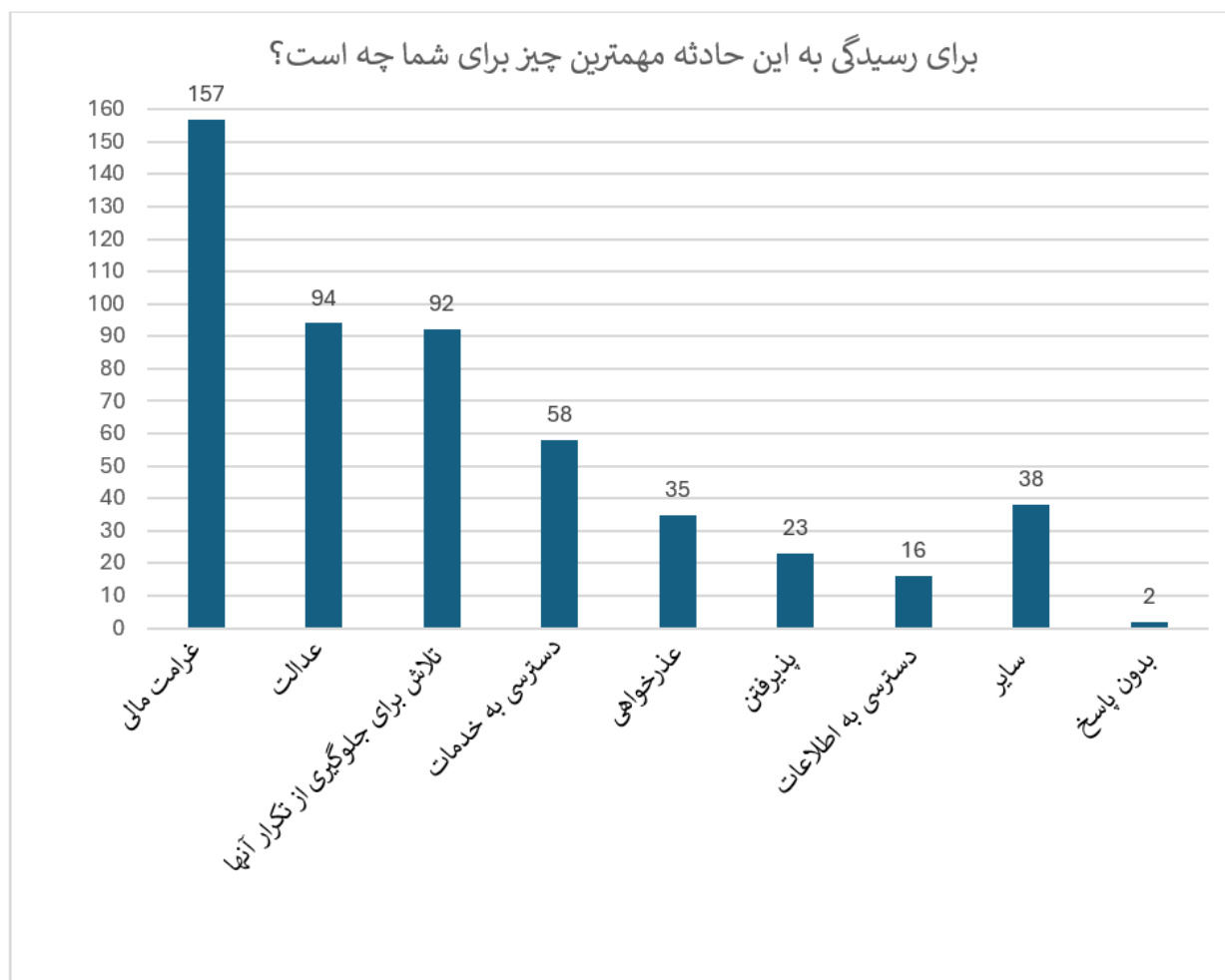
روستایان افغان پس از حمله هوایی در لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند، در ۲۳ سپتمبر ۲۰۱۹، جسدی را روی چپرکت در بیرون از شفاخانه حمل می کنند.

یک قربانی زن حمله هوایی به یونا ما گفت:

"من هرگز آنها [عاملان] را نمی بخشم چون بسیار زجر کشیدم. اگر به من پول بدهند، می توانم پایم را درمان کنم، آن وقت شاید آنها را ببخشم. نمی دانم نتیجه تحقیقات چه خواهد شد."

بخش ۵: رسیدگی به نیازمندی های قربانیان

از مصاحبه شونده‌گان پرسیده شد که چه چیزی در حال حاضر برای مقابله با حوادث گذشته برای آنها مهم است. معمولترین پاسخ ها عبارت بودند از: غرامت مالی، تلاش ها برای جلوگیری از تکرار حادثه و دسترسی به عدالت. مصاحبه شونده‌گان همچنان اغلب اوقات پاسخ دادند که هیچ کاری را نمیتوان انجام داد تا آنچه اتفاق افتاده است را تغییر داد یا اعضای خانواده شان که کشته شده اند را برگرداند.



الف: غرامت مالی

اکثریت مطلق مصاحبه شونده‌گان ۱۵۷ از ۱۹۵ مصاحبه شونده (۸۱ فیصد) گفتند که آنها نیاز به غرامت مالی دارند تا آنها را به موقعیت که قبل از حادثه در آن بودند برگردانند.^{۲۹۴} آنها گفتند که آنها از این پول برای مقاصد مختلف مرتبط به آسیب وارده استفاده خواهند کرد، از جمله پرداخت هزینه های تداوی، بازسازی یا ترمیم ملکیت تخریب شده، جبران از دست دادن درآمد به دلیل مرگ یا معلولیت اعضای خانواده و پرداخت دوباره قرض:

^{۲۹۴} طوریکه در بالا تاکید شد، اصطلاح "غرامت" لزوماً توسط مصاحبه شونده‌گان به مفهوم سختگیرانه قانونی کلمه به عنوان یک نوع جبران خسارت استفاده نشده است بلکه شامل اشکال دیگر کمک مالی نیز می شود.

«اگر من ثروت تمام جهان را بدست بیاورم، پسر دوبره زنده نخواهد شد، از اینرو برای آن، من به غرامت مالی نیاز ندارم. مگر برای تداوی همسرم، من به کمک مالی نیاز دارم.»^{۲۹۵}

«به گفته داکتران، یک چره ای کوچک هنوز هم در داخل بدن من است که نیاز به عملیات دارد و این در پاکستان انجام شده میتواند، از اینرو من به غرامت مالی نیاز خواهم داشت.»^{۲۹۶}

«من برای ادامه تداوی پسر زخمی ام به حمایت مالی نیاز دارم. رنج او هنوز هم دیده میشود. من همچنان برای بازسازی خانه خود به یک مقدار پول نیاز دارم، این چیزی است که من فعلاً ترجیح میدهم.»^{۲۹۷}

«من پول زیادی را برای تداوی خواهر زاده ام مصرف کردم، بنابراین اگر بتوانیم غرامت مالی بگیریم، بسیار خوشحال می شویم، هرچند معتقدم که وضعیت صحی خوب او برای ما همه چیز است.»^{۲۹۸}

«پنج تن از اعضای خانواده من هنوز هم به دوا و تداوی نیاز دارند. غرامت مالی به ما کمک زیادی خواهد کرد... این همچنان میتواند در بازسازی خانه ای ویران شده ما نیز کمک کند.»^{۲۹۹}

«در حال حاضر غرامت مالی برای من و خانواده ام مهمترین است، طوریکه ذکر شد، من برای دوباره ساختن خانه ام هزینه زیادی کردم، غرامت مالی می تواند من را به شکلی به وضعیت مالی قبلی ام، وضعیت پیش این فاجعه برگرداند.»^{۳۰۰}

«ما یکی از اعضای خانواده خود را از دست دادیم و پول زیادی را در مراسم تدفین و ترحیم او از دست دادیم، ما مجبور شدیم مصارف درمانی و تداوی دیگر اعضای خانواده خود را پرداخت کنیم، در حال حاضر ما در زندگی روزمره خود با مشکلات مالی زیادی روبرو هستیم، خانه ما ویران شده است و ما توانایی دوباره ساختن آنرا نداریم، حتی ما توانایی فرستادن اطفال خویش به مکتب را نداریم، بنابراین خانواده ما نیاز به حمایت مالی دارد.»^{۳۰۱}

«در حال حاضر مهمترین چیز برای من غرامت مالی است تا بتوانم خانه ای ویران شده ام را دوباره بسازم. این می تواند من و خانواده ام را به جایگاه اجتماعی قبلی ما در جامعه بازگرداند.»^{۳۰۲}

«من برای نجات زندگی اطفالم به حمایت مالی نیاز دارم زیرا من معلول هستم و نمیتوانم کار کنم.»^{۳۰۳}

«غرامت مالی در این مرحله برای ما مهمترین است. ما به پول نیاز داریم تا قرض زیاد و روز افزون خود را به افراد بپردازیم.»^{۳۰۴}

۲۹۵ مصاحبه شماره ۷

۲۹۶ مصاحبه شماره ۱۰۰

۲۹۷ مصاحبه شماره ۵۸

۲۹۸ مصاحبه شماره ۴

۲۹۹ مصاحبه شماره ۱۶

۳۰۰ مصاحبه شماره ۱۳

۳۰۱ مصاحبه شماره ۶

۳۰۲ مصاحبه شماره ۴۲

۳۰۳ مصاحبه شماره ۵۳

۳۰۴ مصاحبه شماره ۱۲۳



"من چه بگویم. یک دانه گندم برای خوردن ندارم. ما در خانه ده نفر هستیم. زندگی کردن مشکل است."

یوناما، کابل، ۲۰۲۵.

ب: عدالت

تقریباً نیمی از مصاحبه شوندگان - ۹۴ از ۱۹۵ قربانی (۴۸ فیصد) - پاسخ دادند که خواهان تحقق عدالت هستند و خواستار پاسخگو دانستن عاملان به خاطر اعمال شان می باشند.

«آنهايي که پسر مرا کشتند و خانم ام را زخمی کردند، باید به میز عدالت کشانیده شوند و من امیدوارم هیچ خانواده ای چنین عمل شنيع را دوباره نبیند.»^{۳۰۵}

«عاملین این حادثه باید پاسخ دهند که چرا آنها خواهر، پدر و برادر پی گناه مرا هدف قرار دادند.»^{۳۰۶}

«جنگ های گذشته در افغانستان بالای زیادی از مردم ملکی اثر گذاشته اند، آنهايي که در منازعات مسلحانه دخیل نبوده اند. مردم ملکی کشته، زخمی، معیوب شده اند و اموال آنها تخریب شده است. عاملان این جرایم باید به سزا برسند.»^{۳۰۷}

«آنهايي که مرتکب جرایم جنگی در کشور ما شده اند، باید به میز عدالت کشانیده شوند و به سزا برسند.»^{۳۰۸}

«ما عدالت می خواهیم. آنهايي که در وقایعات دخیل بوده اند، باید به اساس قوانین بین المللی محاکمه و به سزای عمل خود برسند.»^{۳۰۹}

برخی از قربانیان خواستار آن شدند که نهادهای حقوق بین المللی، تحقیقات و پیگردهای کیفری را آغاز کنند:

«نهادهای حقوقی و کیفری بین المللی باید یک پرونده باز کنند و مرتکبان چنین جرایمی را که توسط نیروهای حکومت پیشین مرتکب شده اند - صرف نظر از این که اکنون در کدام کشور زندگی می کنند - مورد تحقیق قرار داده و مجازات کنند.»^{۳۱۰}

«ما از بخش حقوق بشر یوناما می خواهیم که قضیه ما را به نهادهای معتبر بین المللی، به ویژه محاکم بین المللی، ارجاع دهد. مرتکبان در حال حاضر در قدرت هستند. ما نمی توانیم شکایت ثبت کنیم، زیرا جان ما در خطر خواهد بود. امروز، تحقق عدالت در داخل کشور ممکن نیست.»^{۳۱۱}

چندین نفر از مصاحبه شوندگان درباره مسئولیت نیروهای نظامی بین المللی برای تحقیق در مورد هرگونه تخلفی که توسط نیروهای شان در افغانستان ارتکاب یافته است، سخن گفتند:

«[ج]امعه بین المللی، به ویژه قدرت های غربی، تعهد اخلاقی دارد که به کسانی که به طور شدید از جنگ ناعادلانه و اشغال خونینی که به کشور ما آوردند آسیب دیده اند، کمک کند. نیروهای ناتو به رهبری ایالات متحده هزاران غیرنظامی را کشتند و مجروح کردند. آنان در نهایت به گونه ای غیرمسئولانه از کشور خارج شدند و قربانیان/بازماندگان بیست سال خشونت های بی رحمانه خود را بدون هیچ گونه جبران خسارت یا راه حل پایدار رها کردند.»^{۳۱۲}

«این رویداد مرا عمیقاً آشفته کرده است؛ تلاش می کنم بفهمم چرا هدف گلوله قرار گرفتم، در حالی که یک غیرنظامی بی گناه بودم که به طور مسالمت آمیز برای خانواده ام اندکی پول به دست می آوردم. هرگاه به این فکر

^{۳۰۵} مصاحبه شماره ۷

^{۳۰۶} مصاحبه شماره ۳۱

^{۳۰۷} مصاحبه شماره ۳۳

^{۳۰۸} مصاحبه شماره ۱۱

^{۳۰۹} مصاحبه شماره ۹

^{۳۱۰} مصاحبه شماره ۴۹

^{۳۱۱} مصاحبه شماره ۱۳۹

^{۳۱۲} مصاحبه شماره ۹۸

می‌کنم که مرتکبان با مصونیت کامل رفت‌وآمد می‌کردند و هیچ نهاد یا مرجعی در ایالات متحده یا ناتو نبود که به شکایات من گوش دهد و عاملان را پاسخگو سازد—با وجود آن‌که در سطح جهانی به‌عنوان مدافعان حقوق بشر شناخته می‌شوند—این موضوع مرا می‌آزارد و تا ابد آزارم خواهد داد.»^{۳۱۳}

برخی از مصاحبه‌شوندگان بی‌اعتمادی خود را نسبت به روندهای رسمی عدالت ابراز کردند:

«فکر نمی‌کنم افراد مسئول زندانی شوند. این کار حتی آن زمان، در دوره حکومت پیشین که افراد مسئول هنوز در دسترس بودند، انجام نشد. اکنون کسی نمی‌داند آنان کجا هستند. چه کسی می‌تواند آن‌ها را پیدا کند؟ هیچ‌کس.»^{۳۱۴}

«باور دارم که اکنون دستیابی به عدالت ناممکن است، زیرا مرتکبان به‌خوبی شناخته شده‌اند و طالبان در قدرت هستند. والی [ولایتی] در آن زمان فرمانده طالبان بود. اکنون او بر ولایت حکومت می‌کند.»^{۳۱۵}

«حتی اگر همه مرتکبان را دستگیر کرده و یکی یکی به محکمه بیاورید، این کار شوهرم و پدر فرزندم را به من باز نمی‌گرداند.»^{۳۱۶}

شماری از مصاحبه‌شوندگان همچنین تمایل خود را برای مجازات یا انتقام از مرتکبان، خارج از روندهای رسمی عدالت، ابراز کردند:

«مجازات توسط خدا.»^{۳۱۷}

«ما با اندوه و درد عمیق زندگی می‌کنیم. نمی‌توانیم پسرمان را فراموش کنیم. همواره از خداوند می‌خواهیم که مرتکبان را به‌شدت مجازات کند.»^{۳۱۸}

«مقام‌ها قضیه را به‌گونه درست بررسی نکردند و مرتکب را پیدا نکردند. با کمک خانواده گسترده خود، ما به‌طور شخصی در جست‌وجوی [مشخص کردن] این هستیم که مرتکب کیست. من قصد انتقام دارم.»^{۳۱۹}

«اگر مرتکب ظاهر شود، احتمالاً در انتقام کشته خواهد شد. ما فقط نیاز داریم از محل اختفای [او/آن‌ها] اطلاع پیدا کنیم.»^{۳۲۰}

ج: تلاشها برای جلوگیری از تکرار

تقریباً نصف مردم که مصاحبه شدند ۹۲ از ۱۹۵ مصاحبه‌شونده (۴۷ فیصد) گفتند که آنها می‌خواهند اقداماتی را ببینند که برای جلوگیری از تکرار آنچه برای آنها اتفاق افتاده است انجام شده است:

«من توقع هیچ چیزی را ندارم، مگر من امیدوارم که هیچکس دیگری مانند من رنج نبرد.»^{۳۲۱}

«هیچ چیز نمیتواند پسران من را برگرداند. من آرزو می‌کنم که چنین یک تراژیدی برای هیچکس دیگری اتفاق نیفتد.»^{۳۲۲}

^{۳۱۳} مصاحبه شماره ۴۹

^{۳۱۴} مصاحبه شماره ۱۶

^{۳۱۵} مصاحبه شماره ۱۹

^{۳۱۶} مصاحبه شماره ۷۴

^{۳۱۷} مصاحبه شماره ۶۴

^{۳۱۸} مصاحبه شماره ۱۱۵

^{۳۱۹} مصاحبه شماره ۷۳

^{۳۲۰} مصاحبه شماره ۱۲۸

^{۳۲۱} مصاحبه شماره ۱۲

^{۳۲۲} مصاحبه شماره ۷۵

«من نمیخواهم کسی تجربه مشابه من را تجربه کند. من زندگی سخت یک بیوه را خیلی خوب میدانم.»^{۳۲۳}

«ما دعا میکنیم که هیچ خانواده در آینده طفل خود را به چنین شیوه بد از دست ندهد.»^{۳۲۴}

«من میخواهم این چیزهای انفجاری منفجر نشده پاک گردد و هیچکس دیگری متاثر نشود.»^{۳۲۵}

«[ما] امیدواریم که چنین حوادث در آینده اتفاق نیفتد زیرا آنها تاثیرات بسیار بدی بر زندگی مردم عادی دارند.»^{۳۲۶}

«مهم ترین چیز برای من این است که تلاشها صورت بگیرد تا در آینده از چنین حوادثی جلوگیری شود، همانطور که من خیلی رنج کشیدم و هنوز هم رنج می کشم، نمیخواهم این اتفاق برای مردم من بیفتد.»^{۳۲۷}

تعدادی زیادی از مصاحبه شوندگان آرزوی خویش برای صلح را نیز ابراز داشتند:

«ما حالا همه خوب هستیم - الحمدلله. من صلح پایدار در کشور و توقف درگیری برای همیشه را میخواهم. من نمیخواهم دیگر حتی یک صدای گلوله را بشنوم.»^{۳۲۸}

«جلوگیری از تلفات غیر نظامیان باید در اولویت تمام طرف های درگیری قرار گیرد. من امیدوارم که قریه من در آینده از جنگ نجات یابد.»^{۳۲۹}

«من برای همه یک زندگی صلح آمیز میخواهم.»^{۳۳۰}

«من دعا میکنم که همه مصئون و خوشحال باشند.»^{۳۳۱}

د. دسترسی به خدمات

در حدود یک سوم - از ۱۹۵ مصاحبه شونده ۵۸ مصاحبه شونده (۳۰ درصد) گفتند که برای مقابله با پیامدهای دوامدار حوادث، نیاز دارد که به خدمات دسترسی داشته باشند. از آنها پرسیده شد که به چه نوع خدماتی نیاز دارند و رایج ترین پاسخها، دسترسی به آموزش و خدمات صحت بود:

«من خواهان دسترسی به خدماتی از جمله مکاتب، خدمات صحتی و توسعه برابر هستم.»^{۳۳۲}

«من از دولت و جامعه بین المللی می خواهم که عدالت و رفتار منصفانه را برای همه تضمین کنند و خدمات ضروری مانند آموزش، صحت و عدالت را ارائه دهند. ما افغانها به شدت به حمایت نیاز داریم.»^{۳۳۳}

«ما به کلینیک های [صحتی] و مکاتب مناسب نیاز داریم.»^{۳۳۴}

«[من آرزو میکنم که] بسم برای تداوی پیشرفته به خارج از کشور برده شود و باید تلاش هایی برای جلوگیری از جنگ در کشورمان صورت بگیرد تا هیچ نسل آینده افغانستان آسیب نبیند.»^{۳۳۵}

۳۲۳ مصاحبه شماره ۷۴

۳۲۴ مصاحبه شماره ۱۴

۳۲۵ مصاحبه شماره ۱۷

۳۲۶ مصاحبه شماره ۱۸

۳۲۷ مصاحبه شماره ۱۰۷

۳۲۸ مصاحبه شماره ۵۱ (الف)

۳۲۹ مصاحبه شماره ۸۵

۳۳۰ مصاحبه شماره ۱۱۸

۳۳۱ مصاحبه شماره ۱۲۷

۳۳۲ مصاحبه شماره ۱۹

۳۳۳ مصاحبه شماره ۱۰۶

۳۳۴ مصاحبه شماره ۱۶۵

۳۳۵ مصاحبه شماره ۵۴

ه: اعتراف و عذرخواهی

از ۱۹۵ مصاحبه شونده، ۳۵ مصاحبه شونده (۱۸ فیصد) گفتند که آنها خواهان عذرخواهی هستند در حالی که از ۱۹۵ مصاحبه شونده، ۲۳ مصاحبه شونده (۱۲ فیصد) گفتند که آنها به اعتراف به آنچه اتفاق افتاده است، نیز نیاز دارد:

«ما عذرخواهی و اعتراف می‌خواهیم، اما چطور؟ آنها رفته اند و حالا موجود نیستند.»^{۳۳۶}

«من می‌خواهم بدانم که چرا کسی این کار را با ما انجام داده است و آیا آنها هنوز هم احساس پشیمانی میکنند یا خیر.»^{۳۳۷}

«ما عذرخواهی رسمی می‌خواهیم. دولت ایالات متحده باید در مورد حادثه رسماً عذرخواهی کند.»^{۳۳۸}

«من نمیدانم که آیا اعتراف به نفع ما خواهد بود یا خیر، ولی فکر میکنم داشتن اعتراف خوب خواهد بود.»^{۳۳۹}

و: دسترسی به معلومات

بیشترین مصاحبه شندگان قادر بودند تا جزئیات حادثه ای که سبب آسیب به آنها ویا عزیزان شان شده بود، تشریح کنند. فقط ۱۶ از ۱۹۵ مصاحبه شونده (۸ فیصد) گفتند که دسترسی به معلومات برای آنها در اولویت قرار دارد.

آنها ای که معلومات خواستند اکثراً در مورد نتیجه هر تحقیق ویا یک توضیح در مورد اینکه چرا آنها هدف قرار گرفتند، معلومات جستجو میکردند:

«ما در مورد حادثه معلومات می‌خواهیم. ما می‌خواهیم بدانیم که آیا کدام تحقیق صورت گرفته است یا خیر، اگر بله، ما می‌خواهیم نتیجه را بدانیم، اگر نه، ما می‌خواهیم بدانیم، چرا در مورد چنین یک حادثه بزرگ و مهم تحقیق صورت نگرفت.»^{۳۴۰}

«من می‌خواهم قاتل شناسایی شود و پرسیده شود که چرا آنها این کار را کردند، چرا شوهرم را کشتند؟»^{۳۴۱}

تعدادی زیادی از مصاحبه شندگان پروسه های عدالت را به عنوان راهی می دیدند که ممکن از طریق آن در مورد اینکه چرا هدف قرار گرفتند پاسخ هایی را بدست آورند:

«موضوع دیگری که من می‌خواهم عدالت است، به خاطر که باید عاملان آن حادثه به پنجه قانون سپرده شوند و پرسیده شود که چرا خانه‌های مردم عادی را تخریب کردند.»^{۳۴۲}

«ما می‌خواهیم که عاملان این حادثه شناسایی و به پنجه قانون سپرده شوند، مهم ترین چیز انگیزه این حادثه و هویت عاملان آن است که نامعلوم می باشد. من هنوز هم حاضرم قضیه پدرم را پی گیری کنم، ما می‌خواهیم دلیل کشته شدن او را بدانیم.»^{۳۴۳}

ز: سایر نیازها

۳۶ از ۱۹۵ مصاحبه شونده (۱۹ فیصد) گفتند که آنها نیازهای دیگری دارند که باید برای مقابله با عواقب حوادث برآورده شود. اکثریت این افراد گفتند که آنها به کمک ها در قالب فرصت های معیشت، کمک های غذایی و سایر حمایت های بشردوستانه نیاز دارند.

۳۳۶ مصاحبه شماره ۶

۳۳۷ مصاحبه شماره ۱۲۷

۳۳۸ مصاحبه شماره ۹

۳۳۹ مصاحبه شماره ۱۴

۳۴۰ مصاحبه شماره ۹

۳۴۱ مصاحبه شماره ۵۷

۳۴۲ مصاحبه شماره ۴۳

۳۴۳ مصاحبه شماره ۳۰

مصاحبه شونده‌گان به ویژه زنانی که شوهران شان در منازعه کشته شدند، نیاز به فرصت های معیشت را بیان کردند:

«ما فقیر هستیم، و شوهرم هیچ وظیفه ندارد، من می‌خواهم که شما به شوهرم در یافتن کار کمک کنید، یا ما نیاز داریم تا از نظر مالی توسط دولت و سازمان های کمک کننده حمایت شویم.»^{۳۴۴}

«این مشکل است که زندگی کنی وقتی زن و جوان باشی. من فقط ۲۵ ساله هستم و برای زنده ماندن لباس و کتری می‌دوزم. من می‌خواهم که بخش حقوق بشر یوناما برای فراهم ساختن فرصت های معیشت [برای ما] درخواست کمک کند، من میتوانم لباس بدوزم و گلدوزی کنم.»^{۳۴۵}

«کمک کردن به ما برای راه اندازی یک تجارت کوچک، مانند یک دکان در قریه، به من اجازه میدهد تا از خانواده ام حمایت کنم و همچنان به هموطنانم در قریه ای ما کمک میکند تا به آسانی به ضروریات اساسی شان دسترسی داشته باشند.»^{۳۴۶}

«من به کمک مالی و فرصت های معیشت نیاز شدید دارم تا بتوانم زندگی خود را اداره کنم و از دخترانم حمایت کنم.»^{۳۴۷}

بعضی از مصاحبه شونده‌گان گفتند که آنها به کمک های غذایی نیاز دارند:

«اگر مرتکبین به عدالت کشانده شوند حالا چه کمکی به من خواهد کرد. من به شدت قرضدار هستم، و غذای کافی ندارم. آیا شما میتوانید مرا در یک پروژه غذا در برابر کار ثبت نام کنید؟ در غیر آن، غرامت مالی یا کمک مالی به من کمک زیادی خواهد کرد.»^{۳۴۸}

«من آرزو میکنم که یک سازمان غیردولتی بشردوستانه من را حمایت کند تا در داخل یا خارج از افغانستان خودم را تداوی کنم و من را از نظر مالی حمایت کند تا حداقل روزانه سه بار غذا داشته باشم. [...] من با معده خالی یا غذای بسیار کم می‌خوابم.»^{۳۴۹}

مصاحبه شونده‌گان همچنان بر اهمیت شمولیت زنان بیوه و اشخاص دارای معلولیت در اقداماتی که هدف آن غرامت و کمک به قربانیان است، تاکید کردند:

«من از جامعه جهانی می‌خواهم که حمایت خود را از افغان ها افزایش دهد و مهمتر از همه حمایت از قربانیانی که بخشی از بدن خود را از دست داده اند و دیگر قادر به داشتن یک زندگی عادی نیستند.»^{۳۵۰}

«[من از ادارات ملل متحد] می‌خواهم تا بیوه های که شوهران خود را در منازعه گذشته از دست داده اند را در توزیع مواد غذایی و دیگر پروگرام ها شناسایی و شامل سازند.»^{۳۵۱}

«من می‌خواهم از ملل متحد و سایر تمویل کنندگان درخواست کنم که تلاش های خود را برای حمایت کامل از این گروهی به حاشیه رانده شده یعنی افراد دارای معلولیت دریغ نکنند، مخصوصاً زمانیکه معلولیت از درگیری مسلحانه گذشته بوجود آمده باشد. تشکر از اینکه صدای ما را بلند کردید.»^{۳۵۲}

تعدادی زیادی از مصاحبه شونده‌گان از مقامات اداره حاکم خواستند که برای رسیدگی به نیازمندی های قربانیان درگیری های مسلحانه گام بردارند:

^{۳۴۴} مصاحبه شماره ۱۱۸

^{۳۴۵} مصاحبه شماره ۴۵

^{۳۴۶} مصاحبه شماره ۵

^{۳۴۷} مصاحبه شماره ۴۴

^{۳۴۸} مصاحبه شماره ۷۶

^{۳۴۹} مصاحبه شماره ۱۴۳

^{۳۵۰} مصاحبه شماره ۹۵

^{۳۵۱} مصاحبه شماره ۲۰

^{۳۵۲} مصاحبه شماره ۱۰۱

«ما آرزو میکنیم که ریاست مربوطه اداره حاکم که با موضوعات معلولین وشهدا سروکار دارد به خانواده برادر من حمایت مالی فراهم کند.»^{۳۵۳}

«ما یک زمان دشوار را سپری میکنیم، ما از امارت اسلامی که حالا در قدرت است میخواهیم تا متناسب با منابع موجود به افراد آسیب پذیر و متضرر از جنگ به ویژه آنهایی که از جنبش طالبان آسیب دیده اند توجه کافی داشته باشد.»^{۳۵۴}

«من از سازمان ملل متحد می خواهم که بالای طالبان فشار آورد تا آنها حقوق قربانیان درگیری های مسلحانه ای گذشته را نادیده نگیرند و این قربانیان را در کارهای خود اولویت بدهند.»^{۳۵۵}

بخش ۶: ناپدید سازی اجباری

«از زمان ناپدید شدن برادرم، خانواده ما در وضعیت بلا تکلیفی قرار داشته است. به عبارت دیگر، ما نمی توانیم قربانی را نه مرده حساب کنیم و نه زنده؛ موضوعی که بخش بزرگی از شادی ما را گرفته و تأثیر عمیقی بر مراسم های اجتماعی ما، مانند نامزدی و محافل عروسی، گذاشته است، زیرا بیشتر اعضای خانواده ترجیح می دهند شادی خود را ابراز نکنند.»^{۳۵۶}

قواعد بین المللی حقوق بشر ناپدید سازی اجباری را چنین تعریف میکند: زمانی که یک فرد «توسط مقامات رده ها یا سطوح مختلف دولت، یا توسط گروه های سازمان یافته یا افراد خصوصی که از جانب دولت یا با حمایت، رضایت مستقیم یا غیر مستقیم، یا چشم پوشی دولت عمل می کنند، برخلاف میل خود بازداشت، توقیف یا ربوده شود و یا به هر نحو از آزادی اش محروم گردد، و پس از آن، مقامات از افشای سرنوشت یا محل نگهداری شخص مربوطه خود داری کنند، یا از پذیرش بازداشت وی امتناع ورزند، که در نتیجه چنین افرادی خارج از حمایت قانون قرار می گیرند.»^{۳۵۷}

ناپدید سازی اجباری، حق آزادی و امنیت شخصی، حق عدم شکنجه یا بدرفتاری، و حق به رسمیت شناختن شخص در برابر قانون را نقض می کند. همچنین حق حیات را نقض یا آن را در معرض تهدید جدی قرار می دهد.^{۳۵۸} گروه کاری سازمان ملل متحد در مورد ناپدید سازی اجباری بیان کرده است که "همین واقعیت که فرد به عنوان یک شخص ناپدید شده بازداشت می شود و برای یک دوره طولانی از خانواده اش جدا می ماند، قطعاً نقض حق داشتن شرایط بازداشت انسانی است و توسط این گروه به عنوان شکنجه تلقی شده است"^{۳۵۹}. کمیته حقوق بشر نیز دریافته است که وضعیت بستگان یک فرد که برای مدت طولانی از سرنوشت یا محل نگهداری وی بی خبر می ماند، مصداق شکنجه یا رفتار ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز میباشد.^{۳۶۰}

با وجود این که افغانستان کنوانسیون بین المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدید سازی اجباری را تصویب نکرده است، ناپدید سازی اجباری تعدادی از تعهدات افغانستان را بر اساس قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه نقض می کند، و ممنوعیت ناپدید سازی اجباری بخشی از حقوق بین الملل عرفی میباشد.^{۳۶۱}

^{۳۵۳} مصاحبه شماره ۱۴۴

^{۳۵۴} مصاحبه شماره ۹۸

^{۳۵۵} مصاحبه شماره ۹۵

^{۳۵۶} مصاحبه شماره ۱۳۱

^{۳۵۷} اعلامیه حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدید سازی های اجباری (۱۹۹۲)، مقدمه.

^{۳۵۸} اعلامیه حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدید سازی های اجباری، ماده ۱ بند ۲.

^{۳۵۹} شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، گزارش گروه کاری ناپدید سازی های اجباری یا غیر ارادی (۱۹۸۳) (E/CN.۴/۱۹۸۳/۱۴) پراگراف ۱۳۱.

^{۳۶۰} پرونده های شماره ۱۹۸۱/۱۰۷، «آلمیدا دی کینتروس علیه اروگوئه»، نظریات اتخاذ شده توسط کمیته حقوق بشر در تاریخ ۲۱ جولای ۱۹۸۳، بند ۱۴؛

پرونده شماره ۲۰۰۰/۹۵۰، «شارما علیه سری لانکا»، نظریات اتخاذ شده در تاریخ ۳۱ جولای ۲۰۰۳، بند ۹۰۵؛

پرونده شماره ۲۰۰۴/۱۳۲۷، «گریوآ علیه الجزایر»، نظریات اتخاذ شده توسط کمیته حقوق بشر در تاریخ ۱۰ جولای ۲۰۰۷، بند ۷۰۷؛

و پرونده شماره ۲۰۰۸/۱۷۷۶، «بشاشه علیه لیبیا»، نظرات اتخاذ شده توسط کمیته حقوق بشر در تاریخ ۲۰ اکتوبر ۲۰۱۰، بندهای ۳۰۴ و ۷۰۵.
^{۳۶۱} همچنین بنگرید به: مطالعه کمیته بین المللی صلیب سرخ (ICRC) در مورد حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، قاعده ۹۸.

کد جزای سال ۲۰۱۸ که توسط دولت پیشین نافذ گردیده، ناپدید سازی اجباری را به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم علیه بشریت جرم انگاری کرده است، نه به عنوان یک جرم مستقل.^{۳۶۲}

در سال ۲۰۱۹، یوناما پیرامون ۳۴ مورد ادعای ناپدید سازی اجباری میان سال های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ گزارش داد و خاطر نشان ساخت که تلاش های خانواده های قربانیان برای به دست آوردن اطلاعات در مورد سرنوشت و محل نگهداری آنان بی نتیجه بوده است.^{۳۶۳} یوناما در آن زمان از مقامات محلی و مرکزی خواست تا تحقیقاتی را جهت تعیین سرنوشت و محل نگهداری افرادی که به طور اجباری ناپدید شده بودند انجام دهند؛ خانواده های آنان را از نتایج این تحقیقات آگاه سازند؛ و عاملان این اعمال را مورد پیگرد و پاسخگویی قرار دهند.^{۳۶۴} در سال ۲۰۱۹، یوناما همچنان معلومات مربوط به یازده قضیه ناپدید سازی اجباری را که میان سال های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ رخ داده بود، به گروه کاری ملل متحد راجع به ناپدید سازی اجباری یا غیر ارادی ارسال نمود.

به مقصد تهیه این گزارش، یوناما با خانواده های قربانیان ناپدید سازی اجباری هشت مصاحبه انجام داده است.

الف. تأثیر بر خانواده های قربانیان

اعضای خانواده های قربانیان ناپدید سازی اجباری تأثیرات روحی ناشی از بی خبری از سرنوشت عزیزان شان را توصیف کردند. برخی از آنان حتی اظهار داشتند که دانستن این که وابسته شان جان باخته است، نوعی «تسکین» برای آنان خواهد بود.

«تمام اعضای خانواده نوعی شکنجه روحی مداوم را تجربه می کنند. هر روز امیدواریم که دروازه خانه کوبیده شود و کسی بیاید تا به ما بگوید برادرم زنده است یا مرده. افزون بر این، همسر و فرزندان نمی توانند او را فراموش کنند و هر لحظه انتظار بازگشت او را می کشند. گاهی حتی خود را قانع و آماده می سازند تا خبرنگار دهنده مرگ او را بشنوند، تا شاید از نظر روحی تسکینی بیابیم.»^{۳۶۵}

اقارب قربانیان ناپدید سازی اجباری اظهار داشتند که با وجود گذشت زمان، آنان همچنان از درد و رنج روحی رهایی نیافته اند، زیرا هیچ اطلاعی از سرنوشت عزیزان شان در دست ندارند:

«این موضوع خانواده ما را به شدت متأثر ساخته است، زیرا هیچ خبری از سرنوشت او در دست نیست؛ نمی دانیم زنده است یا مرده. هر بار که فرزندان را می بینم، از من در مورد پدرشان می پرسند، اما من پاسخی ندارم. تمام اعضای خانواده، به ویژه فرزندان، از زمان وقوع این حادثه رنج زیادی را تحمل می کنند. به نظر می رسد این وضعیت تا پایان زندگی، خانواده و فرزندان را آزار خواهد داد. این رنج، پایانی ندارد.»^{۳۶۶}

مصاحبه شوندگان از ترسی سخن گفتند که ناپدید سازی اجباری بستگان شان در آنان ایجاد کرده بود. یکی از مصاحبه شوندگان که برادرش در جریان یک عملیات شبانه از سوی ریاست عمومی امنیت ملی ناپدید شده بود، گفت که او ترس داشت مبدا کسی برای دستگیری خودش نیز بیاید؛ به همین دلیل، مدتی مخفی شد و خود را از خانواده اش جدا ساخت.^{۳۶۷} یکی دیگر از مصاحبه شوندگان گفت که پس از ناپدید شدن شوهرش، مجبور شد محل زندگی خود را تغییر دهد:

^{۳۶۲} کد جزاء افغانستان (۲۰۱۷) ماده ۳۳۵

^{۳۶۳} رفتار با بازداشت ش گان مرتبط با منازعه در مراکز سلب آزادی دولت افغانستان (یوناما، اپریل ۲۰۱۹)، صفحه ۱۷. قابل دسترس در:

<https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan-report-on-the-treatment-of-conflict-related-detainees-17-april-2019.pdf>

^{۳۶۴} جلوگیری از شکنجه و حمایت از حقوق بازداشت شدگان در افغانستان: عاملی برای صلح، (یوناما/دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر، فبروری ۲۰۲۱)، صفحه ۱۶. قابل دسترس در:

<https://unama.unmissions.org/sites/default/files/the-handling-of-complaints-of-gbvawg-english-141223.pdf>

^{۳۶۵} مصاحبه شماره ۱۱۹

^{۳۶۶} مصاحبه شماره ۱۳۰

^{۳۶۷} مصاحبه شماره ۱۱۹

«زمانی که این حادثه رخ داد، ما از ترس و نگرانی شدید، خانه، دهکده و منطقه خود را کاملاً رها کردیم و به مکانی دیگر نقل مکان کردیم.»^{۳۶۸}

تعداد زیادی از مصاحبه شوندگان از مشکلات سلامتی سخن گفتند که آنها را ناشی از نگرانی و اضطرابی می‌دانستند که همراه با ناپدید سازی اجباری بستگان‌شان ایجاد شده بود:

«مادر [فرد ناپدید شده] به دلیل تأثیرات منفی روانی این حادثه دچار مشکلات بینایی و اضطراب شده است.»^{۳۶۹}

«پدرم هنوز از مشکلات بینایی رنج می‌برد و بخش زیادی از صبر و تحمل خود را از دست داده است. او درد مکرر را تجربه می‌کند و دچار اضطراب و ناراحتی است. مادر من هر روز ضعیف‌تر می‌شود و روز به روز بیشتر نگران و ناراضی می‌گردد.»^{۳۷۰}

اکثر خانواده‌ها از نظر مالی متضرر شده‌اند، زیرا افراد ناپدید شده اجباری همگی مردانی بودند که پیش از ناپدید شدن به درآمد خانواده کمک می‌کردند. در برخی موارد، فرد ناپدید شده تنها نان‌آور خانواده بود.

ب. تلاش‌ها برای یافتن بستگان مفقود شده

تمام مصاحبه شوندگان تلاش‌های گسترده‌ای را که برای یافتن بستگان مفقود شده خود انجام داده‌اند، توصیف کردند. آنها برای جستجوی خود با نهاد‌های مختلفی از جمله دولت پیشین، طالبان (قبل از تصرف)/مقامات اداره حاکم (پس از تصرف)، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)، بخش حقوق بشر یوناما و دیگر سازمان‌های بین‌المللی و ملی غیردولتی برای دریافت کمک تماس گرفته‌اند.

مردی که پسرش در سال ۲۰۱۸ پس از بازداشت توسط افرادی با یونیفورم ریاست عمومی امنیت ملی قربانی ناپدیدسازی اجباری شده بود، گفت که او ۶۸ درخواست/عریضه به دولت پیشین و ۱۶ درخواست/عریضه به مقامات/دوره حاکم ارائه کرده است، اما تاکنون هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است:

«این درخواست‌ها/عریضه‌ها را به مکان‌ها و افراد زیادی بردم، اما هیچ‌کس به ما کمک نکرد. هر بار که درخواستی/عریضه‌ای به ولایت یا فرماندهی می‌بردم، گم می‌شد. هیچ‌کس هیچ اطلاعی درباره آن ارائه نمی‌داد. نه نتیجه‌ای دریافت کردیم و نه کسی به ما کمک کرد. هیچ‌کس به درخواست ما گوش نداد.»^{۳۷۱}

فرد دیگری گفت که او برای پیگیری سرنوشت برادرش پس از ناپدید سازی اجباری توسط افسران پولیس ملی افغانستان در سال ۲۰۱۴، شکایاتی را به رئیس پولیس، جنرال رازق [رئیس پولیس قندهار آن زمان]، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ارائه کرده است. شکایت او به یک فرمانده پولیس ملی افغانستان ارجاع شد، اما وی از ملاقات با او خودداری کرد و در نهایت در پاسخ کتبی خود اظهار داشت که از بازداشت برادرش اطلاعی ندارد. زمانی که مرد دوباره به ریاست پولیس برای پیگیری شکایت خود مراجعه کرد، به او اطلاع داده شد که شکایت گم شده است. پس از تصرف طالبان، این فرد به ریاست عمومی استخبارات اداره حاکم مراجعه کرد و از آنان خواست تا فردی را که برادرش را بازداشت کرده بود، بازداشت کنند. این فرد توسط ریاست عمومی استخبارات اداره حاکم بازداشت شد، اما بعداً مقامات اداره حاکم وی را بر مبنای حکم عفو عمومی دوباره آزاد نمودند.^{۳۷۲}

مصاحبه شونده دیگری که برادرش در سال ۲۰۱۶ به طور اجباری ناپدید شده بود، شکایاتی را به نهادهای مختلف از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ارائه کرد. او گفت:

«من چهار بار همراه با بزرگان منطقه با جنرال رازق ملاقات کردم. در نهایت، جنرال رازق به ما گفت که تعقیب قضیه برادرم را رها کنیم. او گفت که برادرم حدود بیست روز زنده بوده، اما اکنون مرده است و ما نباید دیگر به

^{۳۶۸} مصاحبه شماره ۱۴۶

^{۳۶۹} مصاحبه شماره ۱۱۹

^{۳۷۰} مصاحبه شماره ۱۲۹

^{۳۷۱} مصاحبه شماره ۱۴۵

^{۳۷۲} مصاحبه شماره ۱۳۱

دنبال او بگردیم. از او خواستیم حداقل محل جسد او را به ما نشان دهد تا بتوانیم نشانه‌ای پیدا کرده و شاید برای او قبری بسازیم. با این حال، هرگز چنین اطلاعاتی دریافت نکردیم. نتیجه تلاش ما ناموفق بود.»^{۳۷۳}

بسیاری از مصاحبه شونده‌گان مبالغ قابل توجهی را در تلاش برای یافتن بستگان خود پرداخت کرده‌اند، از جمله رشوه به مقامات دولتی:

«برای به‌دست آوردن هرگونه اطلاعات درباره محل برادرم و جزئیات پرونده، ما صدها هزار افغانی هزینه کرده‌ایم، عمدتاً برای دادن هدایا [رشوه] به مقامات محلی و همچنین هزینه‌های رفت‌وآمد به کابل و قندهار. اما در پایان، هیچ‌یک از تلاش‌هایمان نتیجه مثبتی نداشت و تنها وعده‌های دروغین و فریب دریافت کردیم. علاوه بر این، برادرم یک فروشنده معمولی بود و پس از ناپدید شدنش، کسب‌وکار کوچک او که تنها منبع درآمد خانواده‌مان بود، گاهش یافت.»^{۳۷۴}

«ما مبلغ زیادی پول صرف رشوه دادن به مقامات قبلی دولت مربوطه کرده‌ایم تا به ما در تسهیل آزادی قربانی کمک کنند.»^{۳۷۵}

ج. درخواست های خانواده‌ها برای حقیقت و پاسخگویی

اکثر مصاحبه شونده‌گان همچنان پاسخ روشنی درباره ناپدیدسازی اجباری بستگان خود دریافت نکرده‌اند. یکی از افراد گفت که با وجود تلاش‌هایش، دولت پیشین هیچ تحقیقی در مورد ناپدیدسازی اجباری برادرش انجام نداد، اما پس از تصرف، مقامات اداره حاکم تحقیق کردند و جسد برادرش را یافتند. با این حال، جزئیات مربوط به نحوه کشته شدن او همچنان نامشخص باقی مانده است.^{۳۷۶} خانواده‌های مصاحبه‌شده همچنان امیدوارند که پاسخ‌هایی درباره سرنوشت عزیزان خود دریافت کنند:

«خانواده ما همچنان از این حادثه تراژیک رنج می‌برد. ما هنوز نتوانسته‌ایم به‌طور کامل با پیامدهای آن کنار بیاییم. هنوز امیدواریم که روزی برادرم با ما دوباره دیدار کند. فراموش کردن برادرم و دست کشیدن از تلاش برای یافتن او برای ما آسان نیست.»^{۳۷۷}

«ما هنوز در انتظار بازگشت او هستیم. می‌دانیم که احتمالاً به شهادت رسیده است، اما همچنان منتظر او هستیم.»^{۳۷۸}

«برای ما مهم است که این افراد شناسایی شوند و از آن‌ها اطلاعاتی به‌دست آوریم تا بفهمیم چرا پسر را گرفتند، دلیل آن چه بوده و ممکن است چه تقصیری داشته باشد. ما نیاز داریم بدانیم چرا او به این شکل برده شد، اکنون ممکن است کجا باشد و چه بر سرش آمده است.»^{۳۷۹}

مصاحبه شونده‌گان همچنین بر اهمیت پیشگیری از تکرار چنین حوادثی و پاسخگو ساختن مرتکبان تأکید کردند و گفتند که نمی‌خواهند سایر خانواده‌ها با وضعیت مشابه مواجه شوند.^{۳۸۰}

«در زمان رژیم جمهوری، افراد زیادی در قندهار ناپدید شدند. اقارب قربانیان نیاز دارند بدانند ناپدیدشدگان کجا هستند. آن‌ها خواهان عدالت و پاسخگویی هستند تا مرتکب(گان) مسئول شناخته شده و از تکرار چنین حوادثی

^{۳۷۳} مصاحبه شماره ۱۲۹

^{۳۷۴} مصاحبه شماره ۱۱۹.

^{۳۷۵} مصاحبه شماره ۱۴۵.

^{۳۷۶} مصاحبه شماره ۱۲۸

^{۳۷۷} مصاحبه شماره ۱۱۹.

^{۳۷۸} مصاحبه شماره ۱۳۲.

^{۳۷۹} مصاحبه شماره ۱۴۵.

^{۳۸۰} مصاحبه شماره ۱۲۹.

جلوگیری شود. پرونده من نمونه‌ای از صدها خانواده در قندهار است. با وجود تلاش‌های فراوان ما، هیچ‌کس پاسخی نداد.»^{۳۸۱}

«نیروی ضربتی قندهار [NDS-03] یک واحد ویژه بدنام بود که حمایت مستقیم سازمان سیا را داشت و به دلیل انجام عملیات‌های شبانه وحشیانه و نادیده گرفتن همه اصول حقوق بشر و قوانین جنگ مشهور بود. این واحد بر اساس اطلاعات نادرست، بسیاری از شهروندان بی‌گناه افغان را تحت پیگرد و شکنجه قرار داده است. ما از جامعه بین‌المللی و نهادهای قضایی بین‌المللی درخواست می‌کنیم که آن‌ها را مسئول بدانند.»^{۳۸۲}

بخش ۷: دیدگاه‌های مقامات اداره حاکم

سقوط دولت جمهوری و تصرف طالبان بر افغانستان منجر به قطع شدن مسیرهای اصلی شد که از طریق آن‌ها قربانیان درخواست کمک می‌کردند یا کمک دریافت می‌نمودند.

اطلاعات عمومی اندکی درباره میزان و انواع حمایتی که مقامات اداره حاکم در حال حاضر به قربانیان درگیری‌های مسلحانه ارائه می‌دهند، در دسترس است، به جز اطلاعاتی‌های عمومی مقامات اداره حاکم درباره پرداخت تقاعد به قربانیان و بستگان آن‌ها. برای مثال، در ۲ اپریل ۲۰۲۵، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی مقامات اداره حاکم، در گفتگو با رسانه‌ها به توضیح گزارش‌ها درباره پرداخت سالانه به خانواده‌های قربانیان جنگ پرداخت. وی اظهار داشت که ۱۲.۵ میلیارد افغانی (تقریباً ۱۶۶.۶۷ میلیون دلار آمریکا) از بودجه سالانه (که هنوز منتشر نشده است)^{۳۸۳} از طریق وزارت امور شهدا و معلولین اداره حاکم به یتیمان، بیوه‌ها و افراد دارای معلولیت تعلق گرفته است، چه وابسته به طالبان، چه رژیم پیشین یا سایر شهروندان باشند.^{۳۸۴}

به منظور درک بهتر خدمات ارائه شده به قربانیان درگیری‌های مسلحانه توسط نهاد‌های اداره حاکم و سازمان‌های غیردولتی، و با توجه به اطلاعات عمومی محدود موجود، یوناما با مقامات اداره حاکم در سطح ولایتی مصاحبه کرده است تا درباره میزان و انواع خدماتی که نهادهای اداره حاکم ارائه می‌دهند و خلأهایی که در این زمینه شناسایی کرده‌اند، اطلاعات به دست آورد.^{۳۸۵}

الف. پاسخ‌های ارائه شده توسط نهادهای اداره حاکم در سطح ولایتی

یوناما با ۲۳ مقام اداره حاکم درباره خدمات ارائه شده توسط ادارات شان به قربانیان درگیری‌های مسلحانه مصاحبه کرده است. نهاد اصلی مسئول رسیدگی به نیازهای قربانیان درگیری‌های مسلحانه، وزارت امور شهدا و معلولین اداره حاکم و ریاست‌های آن در سطح ولایتی است.

تمامی ۹ مصاحبه‌شونده از ریاست‌های ولایتی وزارت امور شهدا و معلولین اداره حاکم اظهار داشتند که به قربانیان درگیری‌های مسلحانه و بستگان آن‌ها نوعی تقاعد یا ردأت ارائه می‌کنند. مبالغ ذکر شده توسط هر ریاست اداره حاکم متفاوت بود: برای افراد دارای معلولیت، ماهانه بین ۲,۰۰۰ تا ۲۰,۰۰۰ افغانی (بسته به شدت و نوع معلولیت) و برای بیوه‌ها و یتیمان، ماهانه بین ۲,۰۰۰ تا ۷,۰۰۰ افغانی.^{۳۸۶} اکثر مقامات اداره حاکم مصاحبه شده تأکید کردند که در ثبت نام ذی نفعان برای تقاعد، رویکرد غیرتبعیض‌آمیز اتخاذ می‌کنند و اظهار داشتند که اعضای پیشین نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان

^{۳۸۱} مصاحبه شماره ۱۳۰.

^{۳۸۲} مصاحبه شماره ۱۱۹.

^{۳۸۳} A/۷۹/۹۴۷-S/۲۰۲۵/۳۷۲، پراگراف ۳.

^{۳۸۴} ذبیح‌الله (..ذبیح‌الله م) [Zabehulah_M33]، اکس (قبل از تویتر)، ۲ اپریل ۲۰۲۵، ساعت ۷:۳۵ بعد از ظهر. قابل دسترس در :

https://x.com/Zabehulah_M33/status/۱۹۰۷۴۹۳۵۷۰۶۸۰۶۷۲۲۰

https://x.com/Zabehulah_M33/status/۱۹۰۷۴۹۳۷۹۹۱۴۴۸۶۰۲۶

^{۳۸۵} اطلاعاتی که از طریق مصاحبه با مقامات اداره حاکم به دست آمده است، دیدگاه‌های مقامات مصاحبه شده را بازتاب می‌دهد، اما ممکن است نمایانگر دیدگاه‌ها یا پالیسی‌های کامل مقامات اداره حاکم نباشد.

^{۳۸۶} یکی از مقامات اداره حاکم گفت که تقاعد یک بیوه در صورت ازدواج مجدد او قطع خواهد شد.

(ANDSF) و بستگان آن‌ها نیز حمایت دریافت می‌کنند و بستگان اعضای پیشین ANDSF همان میزان حمایت مالی را دریافت می‌کنند که هر فرد دیگری که از اداره آنان تقاعد دریافت می‌کند.^{۳۸۷} چندین مصاحبه شونده اشاره کردند که به دلیل محدودیت های مالی، مجبور شده اند میزان حمایت مالی و/یا تعداد افرادی را که حمایت می‌کنند، کاهش دهند. سایر اشکال حمایت که توسط مصاحبه شوندگان از ریاست های ولایتی وزارت امور شهدا و معلولین اداره حاکم ذکر شد، شامل ارائه ویلچر به افراد دارای معلولیت، آموزش های فنی و حرفه‌ای و تسهیل فرصت های شغلی برای افراد دارای معلولیت در کسب و کار های محلی و ارائه کمک‌های غذایی بود.

یوناما با شش مقام از اداره کار و امور اجتماعی مقامات اداره حاکم مصاحبه کرده است. اکثر آن ها ارائه حمایت به کودکان قربانیان درگیری های مسلحانه از طریق یتیم‌خانه ها را ذکر کردند. یکی از مقامات اداره حاکم گفت که آن ها تقاعد به اعضای خانواده افرادی که در درگیری های مسلحانه کشته شده‌اند، ارائه می‌دهند.

سه مقام از ریاست های صحت/داره حاکم مصاحبه شدند. یکی از آنان اشاره کرد که افرادی که در جریان درگیری های مسلحانه زخمی شده‌اند، همچنان برای دریافت درمان های پزشکی، مانند خارج کردن پاره های انفجار از بدن، به آن‌ها مراجعه می‌کنند. دیگری خاطرنشان کرد که علاوه بر ارائه خدمات بهداشتی اولیه، مقامات اداره حاکم کلینیک هایی را اداره می‌کنند که مشاوره و فیزیوتراپی ارائه می‌دهند و همچنین مراکز بازتوانی (درمان) اعتیاد را مدیریت می‌کنند.

یوناما همچنین با پنج والی/داره حاکم مصاحبه کرد. در حالی که اکثر آن ها اظهار داشتند که ریاست های ولایتی وزارت امور شهدا و معلولین اداره حاکم نهاد اصلی مسئول رسیدگی به نیازهای قربانیان هستند، دو نفر گفتند که دفاتر آن ها دارای صندوق اختیاری است که برای ارائه حمایت مالی به افراد نیازمند، از جمله قربانیان درگیری های مسلحانه، استفاده می‌شود.

یکی از مقامات مصاحبه شده/داره حاکم اشاره کرد که این اولین بار است که کسی برای صحبت درباره نیازهای قربانیان درگیری های مسلحانه به آن‌ها مراجعه کرده است.^{۳۸۸}

ب. کمبودی ها در حمایت از قربانیان و جوامعی که از منازعات مسلحانه آسیب دیده اند

از مقامات اداره حاکم مصاحبه شده پرسیده شد که به نظر آنان نیاز های اولویت دار قربانیان و جوامعی که از درگیری های مسلحانه آسیب دیده‌اند، چیست. تنها یک مصاحبه شونده اظهار داشت که هیچ کمبودی در خدمات موجود برای قربانیان درگیری های مسلحانه مشاهده نمی‌کند.^{۳۸۹}

شایع ترین مانع در ارائه حمایت به قربانیان، محدودیت های مالی ذکر شد، طوری که مصاحبه شوندگان اظهار داشتند منابع موجود اغلب حتی برای برآوردن نیازهای اساسی قربانیان و خانواده های شان کافی نیست.^{۳۹۰} چندین مصاحبه شونده گفتند که حمایت جامعه بین‌المللی ناکافی و/یا نابرابر با آنچه پیش از تصرف طالبان ارائه می‌شد، بوده است و این امر بر توانایی آن ها برای ارائه خدمات اساسی به قربانیان و جوامع تأثیر گذاشته است.^{۳۹۱} مصاحبه شوندگان اغلب از جامعه بین‌المللی، از جمله کشور های عضو، سازمان ملل و سازمان های بین‌المللی غیردولتی، خواستند که حمایت خود از افغانستان را افزایش دهند.^{۳۹۲}

با وجود اشاره به اینکه محدودیت های مالی در شرایط کنونی مانع ارائه حمایت به قربانیان می‌شود، مقامات مصاحبه شده اداره حاکم همچنین دیدگاه های خود را درباره نیاز های اولویت دار قربانیان بیان کردند. بسیاری از اولویت های که توسط مقامات اداره حاکم ذکر شد، منعکس کننده مسائلی بود که خود قربانیان مطرح کرده‌اند (همان‌طور که در بخش پنجم این گزارش آمده است). اولویت های شناسایی شده توسط مقامات اداره حاکم – که در ذیل خلاصه شده است – مربوط به نیاز های است که به نظر آنان در حال حاضر برای قربانیان درگیری های مسلحانه تأمین نمی‌شود:

^{۳۸۷} مصاحبه شماره ۱۶؛ مصاحبه شماره ۱۹؛ مصاحبه شماره ۲۰.

^{۳۸۸} مصاحبه شماره ۹.

^{۳۸۹} مصاحبه شماره ۱۰.

^{۳۹۰} مصاحبه شماره ۱، مصاحبه شماره ۱۱، مصاحبه شماره ۱۶.

^{۳۹۱} مصاحبه شماره ۵، مصاحبه شماره ۸.

^{۳۹۲} مصاحبه شماره ۱۶، مصاحبه شماره ۲۰، مصاحبه شماره ۲۱، مصاحبه شماره ۲.

- اهمیت رسیدگی به نیازهای ویژه افراد دارای معلولیت، با راهکارهای از جمله: معرفی سهمیه برای استخدام افراد دارای معلولیت؛^{۳۹۳} آموزش های فنی و حرفه‌ای؛^{۳۹۴} اطمینان از دسترسی به خدمات بهداشتی تخصصی، از جمله تأمین پروتز، ویلچر و حمایت‌های روانی-اجتماعی؛^{۳۹۵} و انجام آگاهی بخشی برای مقابله با تبعیض علیه افراد دارای معلولیت^{۳۹۶}.
- نیاز به فرصت های حرفه‌ای و درآمدزایی برای قربانیان درگیری های مسلحانه، از جمله افرادی که دچار معلولیت شده‌اند. مصاحبه شوندگان اشاره کردند که ارائه کمک های نقدی و اقلام غذایی راه حلی کوتاه مدت است و فرصتی برای خوداتکایی دراز مدت افراد فراهم نمی‌کند^{۳۹۷}. یکی از مقامات اداره حاکم اظهار داشت که به نظر او، قربانیان و خانواده های شان خواهان «کمک‌های مقطعی» نیستند، بلکه به دنبال اشتغال پایدار، آموزش و فرصت‌های کسب و کار هستند.^{۳۹۸}
- کمبودی های موجود در خدمات صحتی برای قربانیان درگیری های مسلحانه، به طوری که چندین مصاحبه شونده نیاز به حمایت‌های روانی-اجتماعی را ذکر کردند.^{۳۹۹} کمبود دارو و فقدان کارکنان صحتی واجد شرایط نیز به عنوان چالش‌هایی در حوزه مسئولیت مقامات اداره حاکم مطرح شد.
- نیاز های بشری قربانیان، از جمله سرپناه و غذا.^{۴۰۰} مصاحبه شوندگان همچنین بر اهمیت بازسازی خانه‌ها^{۴۰۱} و سایر زیرساخت‌ها، مانند مکاتب،^{۴۰۲} که در جریان درگیری تخریب یا آسیب دیده‌اند، تأکید کردند.
- نیازهای زنان بیوه و خانواده های تحت سرپرستی زنان، از جمله چالش‌هایی که در تأمین نیازهای خانواده خود با آن مواجه‌اند.^{۴۰۳} چندین مقام اداره حاکم آموزش های فنی و حرفه‌ای را به‌عنوان راهی برای حمایت از زنان جهت خوداتکایی و کاهش نیاز آن‌ها به کمک های خارجی پیشنهاد کردند^{۴۰۴}.
- اهمیت تضمین دسترسی کودکان به آموزش، به‌ویژه با اشاره به کودکان دارای معلولیت ناشی از درگیری‌های مسلحانه^{۴۰۵}.

برخی از مصاحبه شوندگان به نیاز به دسترسی به عدالت، اظهار نکوهیش (عذرخواهی) یا پذیرش آسیب برای قربانیان اشاره کردند،^{۴۰۶} از جمله اظهار داشتند که باید به قربانیان اظهار تسلیت شود^{۴۰۷} و حتی دیدگاهی ابراز کردند که اظهار نکوهیش (عذرخواهی)، عدالت و جبران خسارت «بزرگ‌ترین نیاز» قربانیان درگیری‌های مسلحانه است^{۴۰۸}.

اکثر مصاحبه شوندگانی که درباره مفاهیم دسترسی به عدالت، عذرخواهی و پذیرش آسیب بحث کردند، تمرکز خود را بر آنچه مسئولیت نیروهای نظامی بین‌المللی شرکت‌کننده در درگیری های مسلحانه در افغانستان می‌دانستند، گذاشته بودند و نه بر مسئولیت های طرف های افغان، از جمله نیروهای خودشان، در این درگیری ها. یکی از مصاحبه شوندگان، با اشاره

۳۹۳ مصاحبه شماره ۶.

۳۹۴ مصاحبه شماره ۲۱.

۳۹۵ مصاحبه شماره ۳.

۳۹۶ مصاحبه شماره ۶.

۳۹۷ مصاحبه شماره ۱۲، مصاحبه شماره ۵.

۳۹۸ مصاحبه شماره ۱۴.

۳۹۹ مصاحبه شماره ۹، مصاحبه شماره ۱۷.

۴۰۰ مصاحبه شماره ۱۵، مصاحبه شماره ۱۶، مصاحبه شماره ۱۸.

۴۰۱ مصاحبه شماره ۲۰، مصاحبه شماره ۱۷، مصاحبه شماره ۸.

۴۰۲ مصاحبه شماره ۴.

۴۰۳ مصاحبه شماره ۱۹.

۴۰۴ مصاحبه شماره ۱، مصاحبه شماره ۱۶.

۴۰۵ مصاحبه شماره ۱۱، مصاحبه شماره ۱۴.

۴۰۶ مصاحبه شماره ۱۱، مصاحبه شماره ۴.

۴۰۷ مصاحبه شماره ۱۱.

۴۰۸ مصاحبه شماره ۴.

به حمله هوایی سال ۲۰۱۶ در شهر کندز،^{۴۰۹} خاطرنشان کرد که هیچ عذرخواهی از سوی نیروهای نظامی بین‌المللی مسئول این حمله صورت نگرفته است و گفت که «مردم خواهان عدالت» برای این حوادث هستند.^{۴۱۰}

برخی دیگر از مقامات اداره حاکم اظهار داشتند که کشور های عضو دخیل در درگیری های افغانستان «وظیفه اخلاقی» دارند تا به بازسازی کشور کمک کرده و از مردم افغانستان حمایت کنند.^{۴۱۱}

مقامات مصاحبه شده اداره حاکم همچنین به طور کلی دیدگاه های خود را درباره صلح در افغانستان بیان کردند. بسیاری اظهار داشتند که بر این باورند مسائل مرتبط با درگیری های پیشین حل شده است و جوامع در افغانستان فارغ از وابستگی های خود در دوران جنگ، در کنار هم با صلح زندگی می کنند.^{۴۱۲} با این حال، برخی دیگر اذعان کردند که نیاز به مقابله با تبعیض و افزایش تحمل وجود دارد و برنامه های آگاهی دهی عمومی را برای تقویت پذیرش و احترام در میان جوامع پیشنهاد کردند.^{۴۱۳} چندین مقام اداره حاکم همچنین اظهار داشتند که جوامع نیاز دارند «گذشته را فراموش کنند و به سوی آینده حرکت کنند»^{۴۱۴} و اینکه «انتقام جویی» تنها مشکلات بیشتری ایجاد خواهد کرد. برخی از این دیدگاه ها آشکارا با دیدگاه های قربانیان که پیش تر در این گزارش ذکر شد، در تضاد است، چرا که قربانیان با پیامد های روزانه آنچه بر آن ها گذشته زندگی می کنند و قادر نیستند به سادگی "گذشته را فراموش کنند و به سوی آینده حرکت کنند."

بخش ۸: دیدگاه های سازمان های غیردولتی

تعدادی از سازمان های غیر دولتی، چه ملی و چه بین‌المللی، همچنان نهادهای ملل متحد، در بخش های مختلف به قربانیان درگیری های مسلحانه در افغانستان حمایت ارائه می دهند. یوناما با ۲۳ سازمان غیردولتی که به قربانیان درگیری های مسلحانه در حوزه های مختلف، از جمله کمک های نقدی، آموزش و آموزش های فنی و حرفه ای، خدمات صحتی، ماین پاک و سایر موارد، کمک می کنند، مصاحبه کرده است. مصاحبه شوندگان شامل سازمان های غیر دولتی ملی و بین‌المللی بودند که کمک های بشردوستانه در افغانستان ارائه می دهند.

الف. تأثیر درگیری های مسلحانه

از مصاحبه شوندگان خواسته شد تا مشاهدات خود را درباره تأثیرات مداوم درگیری های مسلحانه بر جوامعی که از آنها حمایت می کنند، بیان کنند. آنها مجموعه ای از مسائل را برجسته کردند که عمدتاً با مسائلی که قربانیان ذکر کرده بودند همخوانی داشت [رجوع شود به بخش ۳: تأثیر درگیری بر قربانیان]، از جمله:

- تأثیرات روانی بر قربانیان درگیری های مسلحانه، از جمله افسردگی، اضطراب و اختلال استرس پس از آسیب (پس از ضربه روحی).^{۴۱۵}
- شیوع معلولیت های جسمی در میان قربانیان درگیری های مسلحانه.^{۴۱۶}
- نیاز های بیچا شدگان داخلی ناشی از درگیری.^{۴۱۷}

^{۴۰۹} یوناما، یوناما اتهام کشتار ۳۲ فرد ملکی در نتیجه حملات هوایی در کندز را تحقیق می کند (۶ نومبر ۲۰۱۶). قابل دسترس در: <https://unama.unmissions.org/unama-investigating-allegations-۳۲-civilian-deaths-air-strikes-kunduz>

^{۴۱۰} مصاحبه شماره ۱۵.

^{۴۱۱} مصاحبه شماره ۱۹، مصاحبه شماره ۴، مصاحبه شماره ۵.

^{۴۱۲} مصاحبه شماره ۱۰، مصاحبه شماره ۳، مصاحبه شماره ۲۰، مصاحبه شماره ۲۱.

^{۴۱۳} مصاحبه شماره ۱۲، مصاحبه شماره ۱۱.

^{۴۱۴} مصاحبه شماره ۱۴.

^{۴۱۵} مصاحبه شماره ۷، مصاحبه شماره ۱۰.

^{۴۱۶} مصاحبه شماره ۱۵.

^{۴۱۷} مصاحبه شماره ۱۸، مصاحبه شماره ۲۱.

- نیازهای مداوم صحنه‌ای افرادی که در جریان درگیری زخمی شده‌اند، به ویژه افرادی که در اثر انفجار اعضای بدن شان قطع شده است.
- تخریب زیرساخت‌ها^{۴۱۸}
- خطرات ناشی از بقایای انفجاری جنگ و ماین‌های دست‌سازها شده.

چندین مصاحبه‌شونده درباره گسترده‌گی و استمرار تأثیرات درگیری‌های مسلحانه بر قربانیان و خانواده‌های آنها اظهار نظر کردند:

«حوادث [...] زندگی و رفاه قربانیان و خانواده‌های آنها را به طور عمیقی تحت تأثیر قرار داده است. بسیاری یک عضو خانواده خود را از دست داده‌اند - در برخی موارد یک کودک، در دیگر موارد مادر یا نان‌آور خانواده خود را از دست دادن. دیگران در این حوادث آسیب جسمی دیده‌اند و همچنان از مشکلات جسمی رنج می‌برند یا دارای معلولیت شده‌اند، قادر به اشتغال و کمک به درآمد خانواده نیستند. سلامت روانی آنها نیز به طور عمیقی تحت تأثیر تجربه دردناکی قرار گرفته است که متحمل شده‌اند.»^{۴۱۹}

ب. کمبودی‌ها در حمایت از قربانیان و جوامعی که از درگیری‌های مسلحانه آسیب دیده‌اند

از سازمان‌های غیردولتی پرسیده شد که به نظر آنها چه کمبودی‌های در خدمات ارائه شده به قربانیان و نیازهای جوامع وجود دارد. کمبودی‌های ذکر شده توسط سازمان‌های غیردولتی با آنچه توسط اعضای مقامات اداره حاکم در مصاحبه‌های شان شناسایی شده بود و همچنین با نیازهای که خود قربانیان مطرح کرده‌اند، همخوانی داشت.

- رایج‌ترین چالش برای سازمان‌های غیردولتی در ارائه حمایت به قربانیان، محدودیت‌های مالی بود. آنها اشاره کردند که کمبود منابع، توانایی آنها را برای برآوردن نیازهای جوامع محدود می‌کند و خواستار تأمین مالی اضافی از سوی تمویل‌کنندگان شدند. یکی از ارائه‌دهندگان خدمات گفت که بودجه برخی از پروژه‌های آنها به صورت ماهانه تمدید می‌شود که این امر باعث اختلال و ایجاد چالش‌ها در زمینه حفظ کارکنان، مدیریت و سایر امور لجستیکی می‌شود.^{۴۲۰}
- چندین سازمان غیردولتی درباره مداخلات مقامات/اداره حاکم که بر توانایی آنها در ارائه خدمات تأثیر می‌گذارد، صحبت کردند و به‌ویژه محدودیت‌های اعمال شده بر زنان و دختران را ذکر کردند. یکی از ارائه‌دهندگان خدمات از قندهار یادآوری کرد که مقامات ولایتی اداره حاکم مانع حضور ذی‌نفعان زن پروژه‌های شان، که زنان دارای معلولیت هستند، در دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای می‌شوند، دوره‌هایی که هدف آنها کمک به اشتغال این زنان است.^{۴۲۱} یکی دیگر اظهار داشت که پیش از تصرف طالبان، روانشناسان سازمان شان قادر بودند به هر دو گروه زنان و مردان خدمات روانشناسی ارائه دهند، در حالی که اکنون روانشناسان زن تنها می‌توانند به زنان و روانشناسان مرد تنها به مردان خدمات ارائه کنند، و این امر میزان مراقبت‌هایی که سازمان می‌تواند ارائه دهد را محدود می‌کند.^{۴۲۲}
- چندین سازمان غیردولتی درباره نیاز به دسترسی قربانیان به خدمات اساسی، به ویژه مراقبت‌های صحنه‌ای و سرپناه، صحبت کردند. برخی از آنها به تفاوت خدمات موجود در مناطق روستایی در مقایسه با مراکز شهری

^{۴۱۸} مصاحبه شماره ۹.

^{۴۱۹} مصاحبه شماره ۱۲.

^{۴۲۰} مصاحبه شماره ۱۶.

^{۴۲۱} مصاحبه شماره ۳.

^{۴۲۲} مصاحبه شماره ۹: یادداشت: اگرچه هیچ ممنوعیت صریحی برای ارائه خدمات روانشناسی یا صحنه‌ای به بیماران جنس مخالف در افغانستان وجود ندارد، یوناما گزارش‌های را تأیید کرده است که محتسبین ریاست امر به معروف و نهی از منکر اداره حاکم، کلینیک‌های صحنه‌ای (علاوه بر سایر محل‌های کار، رستوران‌ها و بازارها) را بازرسی می‌کنند تا در مورد عدم اختلاط زنان و مردان توصیه نمایند. مشاهده شود در: [Human Rights Situation in Afghanistan: October - December 2024 Update](#) (یوناما، ۲۷ جنوری ۲۰۲۵)، ص. ۲-۴.

اشاره کردند. مصاحبه شونده‌گان همچنین گفتند که الزام محرم که توسط مقامات اداره اعمال می‌شود، مانع دسترسی زنان به خدمات می‌شود. برای مثال، زنان بدون محرم که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، از سفر به فواصل طولانی برای دریافت درمان صحتی منع می‌شوند.^{۴۲۳} یکی از مصاحبه شونده‌گان گفت که در ولایت بامیان، آنها با قربانیان درگیری‌های مسلحانه دیدار کردند که خواستار دسترسی به خدمات صحتی در ولسوالی‌های خود بودند، زیرا توانایی مالی سفر به شفاخانه در شهر بامیان را ندارند.^{۴۲۴}

- شماری از مصاحبه شونده‌گان بر ضرورت اتخاذ رویکردی غیر تبعیض‌آمیز از سوی مقامات اداره حاکم در ارائه خدمات به قربانیان درگیری‌های مسلحانه تأکید کردند، به ویژه در مورد قربانیانی که با حکومت پیشین و نیروهای امنیتی آن وابستگی داشته‌اند.^{۴۲۵}

- اکثر مصاحبه شونده‌گان بر ضرورت ایجاد فرصت‌های معیشتی، اشتغال زایی و سایر حمایت‌های مالی برای قربانیان درگیری‌های مسلحانه تأکید کردند.^{۴۲۶} آنان گفتند که زنان بیوه و افراد دارای معلولیت که در یافتن کار با چالش رو به رو هستند، به ویژه نیازمند حمایت می‌باشند.^{۴۲۷}

- در رابطه با نیازهای خاص مراقبت‌های صحتی قربانیان منازعه، سازمان‌های غیردولتی اظهار داشتند که منابع کافی برای پاسخگویی به تقاضا در زمینه حمایت‌های روان اجتماعی،^{۴۲۸} فیزیوتراپی و خدمات توان بخشی،^{۴۲۹} و همچنین مراکز ارتوپدی برای ارائه اعضای مصنوعی به افراد قطع عضو وجود ندارد.^{۴۳۰} برخی دیگر به طور عمومی به نیاز برای تقویت سکتور صحت و رسیدگی به مشکلاتی چون کمبود پرسونل و ادویه اشاره کردند.^{۴۳۱}

- چندین مصاحبه شونده در مورد نیاز به افزایش آگاهی در مورد حقوق قربانیان منازعه مسلحانه و میراث ناشی از این منازعه صحبت کردند. آنان روند اجرای میانجی‌گری و عدالت انتقالی، همچنان کمپاین‌های آگاهی‌دهی در مساجد و از طریق رسانه‌ها به هدف تقویت روحیه گذشت و دوری از انتقام گرفتن، تقویت همبستگی در میان جوامع و بهبود درک از حقوق اشخاص دارای معلولیت را پیشنهاد کردند.^{۴۳۲} برخی از مصاحبه شونده‌ها بر ضرورت پاسخ‌گویی عاملان و اجرای عدالت در برابر مرتکبین جرایم تأکید کردند.^{۴۳۳} شماری از نهاد‌های غیر دولتی اظهار داشتند که در شرایط کنونی، غلبه بر میراث منازعه مسلحانه و ترویج روحیه عفه دشوار خواهد بود، زیرا مردم در حال حاضر با نیازهای اساسی تری مانند سرپناه و کمک مالی مواجه‌اند.^{۴۳۴} مصاحبه شونده‌ها همچنان گفتند که فضای سیاسی فعلی در افغانستان برای تلاش‌های عدالت انتقالی یا میانجی‌گری مساعد نیست، چنان‌که یکی از آنان اظهار داشت:

«ما نمی‌توانیم آزادانه صحبت کنیم، زیرا محدودیت‌هایی از سوی این حکومت اعمال شده است. وقتی نتوانید نظریات، مشکلات و چالش‌های خود را بیان کنید، این امر باعث تشدید مشکلاتی می‌شود که جامعه در زندگی روزمره با آن روبه‌رو است. هیچ مرجعه وجود ندارد که به حق اظهار نظر رسیدگی کند. این محدودیت‌ها سد راه کشور در پرداختن به میراث جنگ‌های مسلحانه بوده و مانع حرکت کشور به سوی پیشرفت می‌شود.»^{۴۳۵}

^{۴۲۳} مصاحبه شماره ۱۹.

^{۴۲۴} مصاحبه شماره ۱۵.

^{۴۲۵} مصاحبه شماره ۳، مصاحبه شماره ۱۹، مصاحبه شماره ۷.

^{۴۲۶} مصاحبه شماره ۶؛ مصاحبه شماره ۷؛ مصاحبه شماره ۱۴؛ مصاحبه شماره ۱۷؛ مصاحبه شماره ۱۰؛ مصاحبه شماره ۸؛ مصاحبه شماره ۹

^{۴۲۷} مصاحبه شماره ۲؛ مصاحبه شماره ۳؛ مصاحبه شماره ۴؛ مصاحبه شماره ۸؛ مصاحبه شماره ۱۴

^{۴۲۸} مصاحبه شماره ۲۱، مصاحبه شماره ۱۰.

^{۴۲۹} مصاحبه شماره ۳؛ مصاحبه شماره ۲۰.

^{۴۳۰} مصاحبه شماره ۵.

^{۴۳۱} مصاحبه شماره ۴، مصاحبه شماره ۱۹.

^{۴۳۲} مصاحبه شماره ۲؛ مصاحبه شماره ۱۱؛ مصاحبه شماره ۳

^{۴۳۳} مصاحبه شماره ۱۲.

^{۴۳۴} مصاحبه شماره ۵؛ مصاحبه شماره ۷؛ مصاحبه شماره ۱۸

^{۴۳۵} مصاحبه شماره ۱۶.

بخش ۹: نتیجه گیری

همان طور که در ابتدای این گزارش تصریح شده است، تاکنون تلاش‌ها برای رسیدگی به حقوق قربانیان منازعه مسلحانه در افغانستان نامتوازن و به شدت ناکافی بوده است. این امر را می‌توان به این واقعیت نسبت داد که منازعه مسلحانه باعث شد سایر مسائل، مانند امنیت، در اولویت قرار گیرند و همچنین نبود اراده سیاسی عمومی برای پرداختن به گذشته، که تحت تأثیر افرادی با منافع شخصی قرار داشته است تا مسأله نقض و سوءاستفاده‌های حقوق بشری تاریخی بدون رسیدگی باقی بماند. لحظاتی که می‌توانستند فرصت‌هایی برای آغاز گفت‌وگو درباره حقوق قربانیان فراهم کنند - کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱، انتشار گزارش «فراخوانی برای عدالت» کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۰۵ و متعاقباً تصویب برنامه عملیاتی دولت با تمرکز بر عدالت انتقالی، توافقنامه دوحه در سال ۲۰۲۰ - بدون انجام اقدامات معنادار برای به رسمیت شناختن آسیب‌های وارد شده به شهروندان افغان و ایجاد مکانیزم‌هایی برای تأمین حقوق قربانیان در زمینه حقیقت، عدالت، جبران خسارت و تضمین عدم تکرار، سپری شد.

اگرچه خشونت مسلحانه در افغانستان پس از تصرف طالبان به طور قابل توجهی کاهش یافته است، وضعیت بسیاری از قربانیان منازعه همچنان وخیم باقی مانده است. هیچ پیشرفتی در جهت تحقق حقوق قربانیان حاصل نشده و بحران انسانی که از زمان تصرف طالبان افغانستان را فرا گرفته است، برای برخی قربانیان، ابعاد آسیب‌های وارده را تشدید کرده است.

یک نیاز واضح برای افغانستان وجود دارد تا با گذشته خود کنار بیاید، رنج‌های وارد شده توسط منازعه مسلحانه را به رسمیت بشناسد و مسیر تحقق حقوق قربانیان بر اساس حقوق بین‌الملل را آغاز کند. صدای قربانیان باید در مرکز هرگونه تلاش در این زمینه قرار گیرد و با وجود آن که افغانستان مسیر طولانی در پیش دارد، هدف این گزارش بازگشایی مجدد گفت‌وگویی است که برای حرکت به سوی پیشرفت ضروری است.

تأثیر منازعه بر مردم ملکی

خسارات عمیق و برگشت ناپذیری که بر شهروندان افغانستان وارد شده است، در روایاتی که در این گزارش ارائه شده‌اند، آشکار است. در طول منازعه، یوناما - همراه با نهادهای جامعه مدنی افغانستان و جامعه بین‌المللی - همواره از طرف‌های درگیر خواسته است تا تدابیر لازم را برای کاهش آسیب به غیرنظامیان اتخاذ کنند. با وجود این، آشکار است که تمامی طرف‌ها در انجام تعهدات خود بر اساس قوانین بین‌المللی در زمینه حمایت از غیرنظامیان کوتاهی کرده‌اند.

آسیب‌های که قربانیان تجربه کرده‌اند، تمامی ابعاد زندگی آنان را دربر گرفته است؛ از جراحات جسمی منجر به معلولیت گرفته تا خسارات اقتصادی، تأثیر بر زندگی اجتماعی و وضعیت روحی آنان. علیرغم گذشت زمان، نبود اقدام مؤثر برای رسیدگی به حقوق و نیازهای قربانیان باعث شده است که بسیاری از آنان همچنان پس از سال‌ها یا حتی دهه‌ها آثار آن را احساس کنند.

تلاش‌های قربانیان برای دست یافتن به جبران خسارت

مصاحبه‌های که یوناما انجام داده است، از طریق صدای قربانیان نشان می‌دهد که طرف‌های درگیر تا چه حد آسیب‌های را که وارد کرده‌اند به رسمیت شناخته و مسئولیت آن را پذیرفته‌اند و حقوق قربانیان در زمینه عدالت، حقیقت و جبران خسارت تا چه اندازه، اگر بوده، مورد توجه قرار گرفته است.

چالش‌های که قربانیان مطرح کرده‌اند، عمدتاً به موانع و تأخیرهای قابل توجهی مربوط می‌شود که آنان در هنگام جستجوی حمایت مالی یا سایر اشکال کمک از طریق روش‌های که توسط دولت پیشین ایجاد شده بود، با آن روبه‌رو می‌شدند؛ وضعیتی که در نتیجه آن، منابع دیگر مانند نهادهای غیردولتی، دفاتر سازمان ملل و جامعه بشردوستانه بین‌المللی ناچار شدند خلأهای موجود را پر کنند.

اصول و راهنمای‌های اساسی درباره «حق جبران و تعمیر خسارت برای قربانیان نقض‌های شدید قواعد بین‌المللی حقوق بشر و تخلفات جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه» توصیه می‌کنند که دولت‌ها روش‌های را برای اطلاع‌رسانی به قربانیان

درباره حقوق و راه های جبران خسارت شان، و همچنین تمامی خدمات قانونی، صحتی، روانشناسی، اجتماعی، اداری و سایر خدماتی که ممکن است حق دسترسی به آنها را داشته باشند، توسعه دهند.^{۴۳۶} با این حال، بیش از نیمی از افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، پس از وقوع حادثه، تلاشی برای ثبت شکایت یا ادعای خود انجام نداده بودند و دلایل متعددی را برای این امر بیان کردند؛ از جمله نا آگاهی از روندها و روشهای موجود، موانع اداری و نیز این تصور که پیگیری قضیه بی فایده بوده یا ممکن است منجر به اقدامات تلافی جویانه علیه آنان شود. کسانی که شکایات خود را مطرح کرده بودند، برای دریافت پاسخ به مجموعه ای از نهاد های مختلف مراجعه کردند، که این موضوع کمبود مسیرها و فرایندهای واضحی را که قربانیان می توانستند از طریق آنها به جبران خسارت دست یابند، بیش تر آشکار می کند. قربانیان آسیب دیده و/یا بستگان آنها مجبور بودند در تلاش برای جبران خسارت، در یک فضای پیچیده و پرچالش حرکت کنند..

در میان افرادی که برای جبران خسارت تلاش کرده بودند، اکثریت از نتیجه ابراز نارضایتی کردند و غالباً اظهار داشتند که هیچ پاسخی دریافت نکرده یا از دریافت کمک محروم شده اند، که این امر نشان دهنده غیر موثر بودن روشهای موجود است.

در میان افرادی که پاسخی دریافت کرده بودند، بسیاری از مصاحبه شوندگان اشاره کردند که برخی «جبران خسارت» دریافت کرده اند. این اصطلاح لزوماً در معنای دقیق حقوقی آن، یعنی به عنوان شکلی از جبران خسارت، استفاده نشده است، بلکه می تواند به توان بخشی یا اشکال مختلف کمک به قربانیان نیز اشاره داشته باشد. انواع حمایتی که دریافت شده بود شامل پرداخت های یک باره و/ یا پرداخت های غیرالزام آور، و همچنین مراقبت های صحتی و تقاعد برای افرادی که دچار ناتوانی شده یا یکی از اعضای خانواده شان را از دست داده بودند، میشد. این کمک ها از سوی نهاد های مختلفی از جمله دولت پیشین یا فعلی، سایر طرف های درگیر در منازعه، و/یا نهادهای غیردولتی ارائه شده بود. با این حال، مصاحبه شوندگان به طور مکرر گزارش دادند که درک چگونگی دسترسی به این حمایت ها و طی مراحل مربوطه برایشان دشوار بوده است. علاوه بر این، در مواردی که نوعی از حمایت در نهایت ارائه شده بود، اغلب آن را ناکافی برای جبران آسیب های وارد شده دانسته اند. هیچ نشانه ای وجود نداشت که ارزیابی دقیقی برای تعیین ماهیت حادثه و نوع نقض یا میزان آسیب انجام شده باشد. در حال حاضر هیچ سیستم برای ارائه حمایت لازم به قربانیان منازعات مسلحانه و جبران آسیب های که در نتیجه نقض ها و سوء رفتارهای جدی حقوق بشری متحمل شده اند، وجود ندارد.

برای اکثر مصاحبه شوندگانی که عذرخواهی دریافت کرده بودند، این عذرخواهی ها همراه با پذیرش مسئولیت نبود و طرفی که آنان به آن مراجعه کرده بودند، معمولاً آسیب وارد شده را به عنوان «حادثه ای ناخواسته» توصیف می کرد. برخی دیگر اشاره کردند که عذرخواهی دریافت شده با هیچ اقدام دیگری – مانند روند رسمی عدالت برای پاسخ گو ساختن عاملان – همراه نبوده است؛ از این رو، آنان چنین عذرخواهی را به خودی خود بی معنا و بی اثر دانسته اند.^{۴۳۷}

تعداد بسیار کمی از مصاحبه شوندگانی که برای دستیابی به عدالت به طرف های مسئول مراجعه کرده بودند، به نتیجه ای دست یافته اند که آن را رضایت بخش می دانستند. در بیشتر موارد، قربانیان نمی دانستند آیا اقدامی صورت گرفته است یا خیر. در موارد دیگر، قربانیان از روند پیگیری ابراز نارضایتی کردند. یوناما در آخرین گزارش خود در باره «حفاظت از غیرنظامیان» پیش از به قدرت رسیدن طالبان، بر ضرورت تقویت تحقیقات توسط دولت سابق، نیروهای نظامی بین المللی و طالبان در باره ی حوادثی که منجر به تلفات غیرنظامیان شده بود، تأکید کرد.^{۴۳۸}

اگرچه مصاحبه شوندگان عمدتاً در باره تجربیات خود در تلاش برای جبران خسارت از دولت سابق صحبت کردند، نگرانی ها و مسائلی که مطرح شد همچنان تحت اداره حاکم فعلی جاری است، چرا که آنها اقدامات ملموسی برای تحقق حقوق قربانیان انجام نداده اند. به عنوان مسئولان اصلی تعهدات حقوق بشری افغانستان، مقامات فعلی مسئولیت اولیه در

^{۴۳۶} اصول و راهنمای های اساسی درباره "حق جبران و تعمیر خسارت برای قربانیان نقض های شدید قواعد بین المللی حقوق بشر و تخلفات جدی حقوق بین الملل بشردوستانه"، ماده ۲۴.

^{۴۳۷} بطورمثال، به ماده ۲۲ بند (ه) اصول اساسی مراجعه کنید که بیان می دارد عذرخواهی های عمومی باید همراه با پذیرش واقعیات و قبول مسئولیت باشد.

^{۴۳۸} یوناما و کمیشنری عالی حقوق بشر ملل متحد، افغانستان: محافظت از افراد ملکی در منازعات مسلحانه – گزارش سالانه ۲۰۲۰ (فبروری ۲۰۲۱)، صفحات ۹۲-۹۶. قابل دسترسی در:

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

تحقق حقوق قربانیان را بر عهده دارند. سایر دولتها که طرف های درگیر در منازعه بوده اند نیز تعهداتی برای جبران خسارت ناشی از نقض های حقوق بین الملل که به آنها نسبت داده می شود، دارند.

رسیدگی به نیازهای قربانیان

قربانیان باید در مرکز طراحی و اجرای هرگونه تدابیر یا فرآیندی که با هدف تحقق حقوق آنان پس از منازعات مسلحانه اتخاذ می شود، قرار گیرند.

هنگامی که از آنان پرسیده شد چه چیزی اکنون برایشان مهمتر است، رایج ترین پاسخ ها شامل جبران مالی، دسترسی به عدالت بود و تلاش برای پیشگیری از تکرار آسیب. مصاحبه شوندگان همچنین غالباً پاسخ دادند که هیچ اقدامی نمی تواند آنچه اتفاق افتاده را تغییر دهد یا اعضای خانواده ای که کشته شده اند را بازگرداند. اکثریت قریب به اتفاق قربانیان و خانواده های شان به دلیل از دست دادن یا ناتوان شدن نان آور خانواده، خسارت به خانه یا اموال شان و هزینه های درمانی برای عزیزان شان، در وضعیت مالی دشوارتری قرار گرفتند. این امر اولویت های مصاحبه شوندگان را شکل داد و با یوناما به اشتراک گذاشته شد. با این حال، قربانیان دچار نقض های متفاوتی شده اند و نیازها و اولویت های آنها متنوع است و ممکن است در طول زمان تغییر کند.

اشکال فعلی حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه

اگرچه به طور کلی، مقامات فعلی که مورد مصاحبه قرار گرفتند اذعان کردند که قربانیان به حمایت فوری نیاز دارند، اما عمدتاً نقش طالبان در منازعه گذشته و آسیب های وارد شده به غیرنظامیان را نادیده گرفتند. آنها همچنین به مسئولیت های خود به عنوان مقامات فعلی افغانستان برای اتخاذ تدابیر جهت تحقق حقوق قربانیان منازعات مسلحانه توجه نکردند. با این حال، آنها بینش های دربار برخی از چالش های که در سطح ولایتی در رسیدگی به حقوق قربانیان مشاهده می کنند ارائه دادند، که تا حد زیادی با بسیاری از اولویت هایی که توسط خود قربانیان و همچنین سازمان های غیردولتی مطرح شده بود، همسو بود.

بخش ۱۰: توصیه ها

طولانی بودن منازعه در افغانستان و تعداد مسولان دخیل، همراه با وضعیت انسانی وخیم فعلی کشور، نیازمند یک رویکرد هماهنگ برای تحقق حقوق قربانیان است. همچنین لازم است تمامی طرفها نقش خود در وارد کردن آسیب به غیرنظامیان را بپذیرند و مسئولیت جبران خساره های گذشته را بر عهده گیرند. مقامات اداره حاکم مسئولیت رعایت تعهدات بین المللی حقوق بشری افغانستان را بر عهده دارند. بر اساس قواعد بین المللی، سایر دولت های که طرف های درگیر منازعه بوده اند نیز تعهداتی برای جبران خسارت ناشی از نقض های حقوق بین الملل که به آنان نسبت داده می شود، دارند.

با توجه به وضعیت کنونی افغانستان — بحران انسانی که با کاهش کمک ها و تأثیر تحریم های اعمال شده بر خود مقامات اداره حاکم تشدید شده است — نیاز واضحی وجود دارد که طرف های پیشین منازعه راه های برای حمایت از ابتکاراتی که هدف آن تحقق حقوق قربانیان است، به ویژه در زمینه جبران خسارت، بیابند.

همچنین باید پذیرفته شود که سیاست های فعلی مقامات اداره حاکم در زمینه حقوق بشر، به ویژه حقوق زنان و دختران، موجب توقف تعامل آنان با تعدادی از کشورهای عضو، از جمله کشورهای که در منازعه مسلحانه در افغانستان طرف بوده یا نیروهای خود را مشارکت داده اند، شده است. این موضوع همچنین چالش های را برای تعامل مشترک درباره حقوق قربانیان منازعات مسلحانه ایجاد می کند.^{۴۳۹} با این حال، برخی مسیرهای تعاملی در زمینه مسائل دیگر مانند مقابله با مواد مخدر و بخش خصوصی ایجاد شده است که می تواند الگویی برای تعامل بین مقامات اداره حاکم و کشورهای عضو در زمینه حقوق قربانیان فراهم کند. بنابراین، این توصیه ها به گونه ای چارچوب بندی شده اند که تعامل و همکاری بین

^{۴۳۹} به تعقیب توصیه های ارزیابی مستقل درباره افغانستان مطابق با قطعنامه ۲۶۷۹ شورای امنیت (S/۲۰۲۳/۸۵۶۲۰۲۳)، پیوست (و بحث ها در سومین نشست فرستادگان ویژه برای افغانستان که در تاریخ های ۳۰ جون و ۱ جولای ۲۰۲۴ در دوحه برگزار شد، یوناما یک گروه کاری در زمینه مقابله با مواد مخدر و گروه دیگری در زمینه بخش خصوصی راه اندازی کرد. برای اطلاعات بیشتر به گزارش دبیرکل تحت عنوان «وضعیت در افغانستان و پیامدهای آن برای صلح و امنیت بین المللی» مراجعه کنید [A/۷۹/۷۹۷-S/۲۰۲۵/۱۰۹] انگلیسی/عربی/روسی/چینی.]

مقامات اداره حاکم و کشور های عضو که در منازعه مسلحانه در افغانستان مشارکت داشته‌اند، مد نظر قرار گیرد. اجرای آنها همچنین نیازمند سطحی از تعامل و تعهد — از سوی هر دو طرف، مقامات اداره حاکم و کشورهای عضو — برای تحقق حقوق قربانیان در افغانستان است.

توصیه های ارائه شده در این گزارش مجموعه‌ای از گام های ابتدایی را ارائه می دهند که باید در راستای تحقق حقوق قربانیان در افغانستان برداشته شوند. این توصیه ها به منظور ارائه مسیر جامع برای عدالت انتقالی طراحی نشده اند و اذعان دارند که چنین فرایندی در درجه نخست باید با مشورت قربانیان و بستگان آنان شکل گیرد تا رویکردی جامع، فرهنگی و محور بر قربانیان ایجاد شود. همچنین بازبینی کامل چارچوب های حقوقی، نهادی و دیگر ساختارها در افغانستان لازم است تا محیطی فراهم شود که تحقق حقیقت، عدالت و جبران خساره برای قربانیان را تسهیل کند. بنابراین، لازم است تلاش های فراتر از توصیه های مندرج در این گزارش انجام شود تا حقوق قربانیان به طور کامل تحقق یابد.

مشورت

قربانیان، صدای آنان و اولویت های شان باید در مرکز هر تلاش که با هدف تحقق حقوق آنان انجام می شود، قرار گیرد. شرکت قربانیان در فرایند طراحی و اجرای برنامه های جبران خسارت و سایر سیاست های که به نیاز های آنان می پردازد، امری ضروری است. در حالی که این گزارش میتواند به عنوان نقطه شروع برای درک نیاز های قربانیان منازعات مسلحانه عمل کند، مشورت ها و بحث های بیشتر امری حیاتی است.

توصیه‌ها:

۲۳. مقامات اداره حاکم افغانستان باید با قربانیان منازعات مسلحانه درباره نیاز های آنان مشورت کنند و بر اساس نتایج این مشورت ها، برنامه های جامع برای جبران خسارت و سایر کمک ها به قربانیان ایجاد نمایند. مشورت ها باید فراگیر و متوازن از نظر جنسیتی بوده و امنیت، حفاظت و محرمانگی تمامی شرکت کنندگان را تضمین کند.
۲۴. مقامات اداره حاکم باید بازبینی کاملی از ظرفیت های نهادی موجود برای ارائه جبران خسارت به قربانیان نقض های مرتبط با منازعات طبق قوانین بین‌المللی انجام دهند، از جمله شناسایی خلأها در چارچوب های حقوقی و نهادی.

جستجوی حقیقت

حق دسترسی به حقیقت، قربانیان، بستگان آنان و عموم مردم را مستحق می سازد تا در مورد عوامل و زمینه هایی که منجر به قربانی شدن آنان گردیده، و همچنین در خصوص علل و شرایط مرتبط با نقض های شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قواعد بین الملل حقوق بشر، اطلاعات به دست آورند و از حقیقت مربوط به این نقض ها آگاه شوند. این حق شامل آگاهی از سرنوشت و محل نگهداری قربانیانی است که ممکن است ناپدید شده باشند و همچنان، برای نمونه، شناسایی عاملان نقض ها و دانستن میزان دخالت یا تأیید رسمی این نقض ها را نیز در بر می گیرد.

ابتکارات جستجوی حقیقت برای تحقق حقوق قربانیان حیاتی است، زیرا علاوه بر مستند سازی نقض ها، می تواند تجارب قربانیان را به رسمیت بشناسد و فرصت هایی برای آنان فراهم کند تا درباره آنچه برای شان اتفاق افتاده است سخن بگویند و تأیید آسیبی که متحمل شده اند را دریافت کنند.

توصیه ها:

۲۵. مقامات اداره حاکم افغانستان باید میکانیزم ایجاد کنند که از طریق آن قربانیان، بستگان آنان و عموم مردم بتوانند اطلاعات مربوط به نقض ها را جستجو کرده و حقیقت آنها را دریابند.

جبران خسارت

جبران خسارت، برای کمک به قربانیان نقض های جدی قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در جهت غلبه بر پیامد های ویرانگر تجربیات آنان، از اهمیت اساسی برخوردار است. در یک برنامه جبران خسارت، دولت با اذعان به این که نقضی صورت گرفته و آسیبی وارد شده است، مزایا یا حمایت هایی را ارائه می دهد و مسئولیت آن را بر عهده می گیرد.

قربانیانی که برای این گزارش مصاحبه شدند، به وضاحت بیان کردند که جبران خسارت – اغلب به صورت جبران مالی برای پوشش خسارات وارد شده – اولویت اصلی آنان است. سایر اشکال جبران خسارت، از جمله بسته های خدماتی برای آموزش، بهداشت و مسکن و به طور کلی زیرساخت ها (جبران)، نیاز به مراقبت های صحی و روان شناسی (توان بخشی) و جستجوی سرنوشت افراد مفقود شده (رضایت)، نیز مطرح شد.

واضح است که قربانیان دارای نیازهای گوناگونی هستند؛ آنان انواع مختلفی از نقض ها را تجربه کرده اند و نیازها و اولویت های شان با یکدیگر متفاوت است. شکل جبران خسارت ممکن است متفاوت باشد و باید متناسب با وضعیت خاص قربانی و اعضای خانواده اش تنظیم گردد. جبران خسارت می تواند متوجه افراد، همچنان گروه ها، جوامع و حتی مناطق نیز باشد. همچنان، برنامه های جبران خسارت می توانند در طراحی برنامه های تکمیلی کمک های بشردوستانه و/یا انکشافی نقش راهنما داشته باشند.

توصیه ها:

۲۶. بر اساس مشورت با قربانیان، مقامات اداره حاکم در افغانستان باید برنامه های جامع برای جبران خسارت و ارائه کمک به قربانیان ایجاد کنند.

۲۷. مقامات اداره حاکم باید در ایجاد برنامه های جبران خسارت و کمک به قربانیان، با طرف های پیشین منازعه در افغانستان که آن ها نیز نسبت به قربانیان مسئولیت دارند، همکاری کنند.

۲۸. کشور های عضو باید کمک های مالی به افغانستان را اختصاص دهند که بر اساس نیازها و اولویت های قربانیان منازعات مسلحانه تعیین شده باشد.

تضمین عدم تکرار

افرادی که برای این گزارش مصاحبه شدند، بارها بر لزوم اطمینان از اینکه تجربیات آنان در آینده تکرار نشود تأکید کردند، که این موضوع با مفهوم «تضمین عدم تکرار» همسو است و نیازمند اقدامات ملموس دولت ها برای پیشگیری از تکرار نقض ها است.^{۴۴۰} این امر مستلزم اصلاحات نهادی و اجتماعی است تا محیطی ایجاد شود که در ذات خود، حقوق بشر و قواعد بین الملل بشردوستانه را ترویج و محافظت کند.

توصیه ها:

۲۹. مقامات اداره حاکم باید روند تصفیه را، مطابق با معیار ها و موازین بین المللی، به کار گیرند تا عاملان نقض های قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه را از صفوف نیرو های امنیتی برکنار سازند.

۳۰. مقامات اداره حاکم باید آموزش های لازم درباره قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه را به نیرو های امنیتی، از جمله مأموریت مجری قانون، ارائه دهند.

۳۱. مقامات اداره حاکم باید اطمینان حاصل کنند که افغانستان به تعهدات خود بر اساس قواعد بین المللی حقوق بشر پایبند است و اقداماتی برای احترام، حفاظت و تحقق حقوق بشر اتخاذ کند، از جمله:

- د) لغو احکام و فرمان های تبعیض آمیز که حقوق بشر و آزادی های بنیادین زنان و دختران را محدود می کند، فراهم کردن دسترسی آنان به آموزش متوسطه و عالی و اشتغال، احترام به آزادی رفت و آمد آنان و پایان دادن به مداخله در سایر جنبه های زندگی روزمره آنان؛
- ه) اطمینان از اینکه قوانین، پالیسی ها، احکام و دستورالعمل های صادر شده توسط مقامات فعلی با قواعد بین المللی حقوق بشر همسو باشد؛
- و) اتخاذ اقدامات فوری قانونی، پالیسی ساز و عملی برای پیشگیری از نقض های حقوق بشر، به ویژه قتل های

^{۴۴۰} مجمع عمومی ملل متحد، اصول و رهنمودهای اساسی درباره حق برخورداری از جبران خسارت و اعاده حیثیت برای قربانیان نقض های فاحش قواعد بین المللی حقوق بشر و نقض های جدی حقوق بین الملل بشردوستانه (۲۰۰۵)، ماده ۲۳.

غیرقانونی، بازداشت ها و توقیف های خودسرانه و شکنجه و بدرفتاری، و تضمین پاسخ گو بودن عاملان - مطابق با موازین و معیارهای بین المللی حقوق بشر - در صورت وقوع نقض ها.

۳۲. مقامات اداره حاکم و تمامی طرف های پیشین منازعه باید اقدامات فوری برای کاهش خطر ناشی از مهمات منفجر نشده و رها شده انجام دهند، از جمله تلاش های پاک سازی مین و کمپین های آگاهی دهی و آموزشی برای اطلاع رسانی به جامعه درباره این خطر.

تعهدات برای تحقیق و تعقیب قضایی

دولت ها تحت قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه موظف اند تا نقض های ادعا شده را تحقیق و مورد پیگرد قانونی قرار دهند. مسئولیت جزائی - در چارچوب تحقیق و تعقیب عاملان - غالباً به عنوان اولویت برای قربانیانی که در این گزارش مصاحبه شده اند ذکر شده است، با این حال آنان همچنین نگرانی ها یا ترس های خود را بیان کرده اند که چنین فرآیند ها به ندرت به طور بی طرفانه دنبال می شوند و ممکن است حتی منجر به انتقام جویی علیه آنان گردد.

توصیه ها:

۳۳. مقامات اداره حاکم باید میکانیزم های برای دریافت و تحقیق در مورد ادعا های نقض قواعد بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه در طول منازعات مسلحانه در افغانستان ایجاد کنند.

۳۴. تمامی کشور های عضو که نیرو های نظامی شان در افغانستان حضور داشته اند، باید تضمین کنند که تحقیق و پیگرد قانونی مستقل نسبت به نقض های ادعا شده قواعد بین الملل حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه انجام شده توسط پرسنل خود در افغانستان، به گونه ای مطابق با موازین بین المللی صورت گیرد.

ناپدید سازی اجباری

اعضای خانواده افرادی که در طول منازعه به صورت اجباری ناپدید شدند، همچنان پاسخ روشنی درباره سرنوشت عزیزان خود ندارند. آن ها حق دارند از سرنوشت و مکان بستگان خود مطلع شوند.

توصیه ها:

۳۵. مقامات اداره حاکم باید در نظر بگیرند که خود را متعهد به رعایت تعهدات مندرج در کنوانسیون بین المللی حفاظت از همه افراد در برابر ناپدید شدن اجباری اعلام کنند.

۳۶. مقامات اداره حاکم باید میکانیزم های برای دریافت و تحقیق در مورد ادعاهای ناپدید شدن اجباری ایجاد کنند تا خانواده ها از سرنوشت و مکان عزیزان خود مطلع شوند، نیازهای آنان برطرف گردد و جبران خسارت به آنها ارائه شود.

۳۷. تمامی طرف های منازعه مسلحانه باید هرگونه مدارک یا اطلاعات مربوط به مکان افراد مفقود شده (چه زنده و چه فوت شده) را در دسترس قرار دهند.

رسیدگی به نیاز های قربانیان

مقامات اداره حاکم مسئول تحقق حقوق بشر جمعیت هستند، از جمله حقوق مرتبط با تغذیه و مسکن مناسب، آموزش، تأمین اجتماعی، آب، بهداشت و کار.^{۴۱} قربانیان درگیری های مسلحانه نیازهای مشخصی به حمایت و خدمات هدفمند دارند که با انواع آسیب هایی که متحمل شده اند مرتبط است - از جمله، برای نمونه، مشاوره، خدمات بهداشتی برای رسیدگی به پیامدهای ادامه دار جراحات شان، و بازسازی خانه ها و کسب و کارهای شان که در جریان درگیری تخریب یا آسیب دیده است. با این حال، اکثریت قربانیانی که برای این گزارش مصاحبه شده اند، از چنین حمایت های بهره مند نبوده یا از

^{۴۱} میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.

چگونگی و محل دریافت این حمایت ها آگاهی نداشتند. مقامات اداره حاکم و ارائه دهندگان خدمات که با آنان مصاحبه شده نیز به کمبودب های قابل توجه در فراگیر بودن و انواع حمایت های موجود برای قربانیان اشاره کردند.

توصیه ها:

۳۸. مقامات فعلی افغانستان باید از طریق وزارت امور شهدا و معلولان، یک مطالعه/بررسی جامع برای شناسایی انواع حمایت های موجود برای قربانیان منازعات مسلحانه انجام دهند.

۳۹. مقامات اداره حاکم افغانستان باید از طریق وزارت امور شهدا و معلولان با قربانیان منازعات مسلحانه مشوره کنند تا نیازهای خدماتی آنان را درک کنند. مشوره ها باید فراگیر، متوازن از نظر جنسیتی و غیرتبعیضی بوده و امنیت، حفاظت و محرمیت تمامی شرکت کنندگان را تضمین کند.

۴۰. مقامات اداره حاکم باید منابع و اطلاعاتی برای قربانیان منازعات مسلحانه درباره خدمات موجود تهیه کرده و این اطلاعات را به طور گسترده و برابر در میان جوامع منتشر کنند.

رسیدگی به نیازهای خاص افراد دارای معلولیت متأثر از منازعات مسلحانه

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، که افغانستان به آن متعهد است، مقامات فعلی را موظف می سازد تا اقداماتی برای تحقق حقوق افراد دارای معلولیت جهت مشارکت در زندگی روزمره به طور برابر با دیگران انجام دهند. قربانیان منازعات مسلحانه که دچار معلولیت شده اند، دو مسئله کلیدی را مطرح کردند: تبعیضی که تجربه می کنند و موانع موجود برای مشارکت در اشتغال.

توصیه ها:

۴۱. مقامات اداره حاکم باید کمپاین ها و فعالیت های آگاهی دهی عمومی را برای ارتقای درک حقوق افراد دارای معلولیت و مقابله با نگرش ها و کلیشه های منفی نسبت به آنان در جامعه توسعه دهند.

۴۲. مقامات اداره حاکم باید اقداماتی برای تضمین مشارکت افراد دارای معلولیت در بازار کار انجام دهند، از جمله: ممنوعیت تبعیض بر اساس معلولیت در تمامی مسائل مربوط به انواع اشتغال؛ استخدام افراد دارای معلولیت در بخش عمومی و اطمینان از دسترسی آنان به برنامه های آموزش فنی و حرفه ای.

رسیدگی به نیازهای خاص زنان و دختران متأثر از منازعات مسلحانه

تقریباً تمامی زنانی که برای تهیه این گزارش با آنها مشوره شدند و اقارب مذکر آنها قربانیان منازعات مسلحانه بودند، نیاز به فرصت های برای اشتغال به منظور حمایت از خانواده های شان را ابراز کردند. محدودیت های که توسط مقامات اداره حاکم بر زنان و دختران اعمال شده است، مانع از اشتغال زنان در بسیاری از بخش های بازار کار، از جمله بخش خدمات مدنی، می شود.^{۴۲}

توصیه ها:

۴۳. مقامات اداره حاکم باید اقداماتی برای تضمین مشارکت زنان در بازار کار انجام دهند، از جمله: ممنوعیت تبعیض مبتنی بر جنسیت در تمامی مسائل مربوط به انواع اشتغال و اطمینان از دسترسی زنان به تحصیلات عالی، فنی و حرفه ای و برنامه های آموزشی مهارتی.

۴۴. مقامات اداره حاکم باید محدودیت های که توانایی زنان برای مشارکت در بازار کار را محدود می کنند لغو کنند، به خصوص:

^{۴۲} برای اطلاعات درباره محدودیت های اعمال شده توسط مقامات اداره حاکم، به گزارش یوناما، راجع به "وضعیت حقوق بشر در افغانستان: اکتبر - دسامبر ۲۰۲۴" (۲۷ جنوری ۲۰۲۵)، ضمیمه: جدول زمانی تصمیم های مقامات اداره حاکم که بر زنان و دختران تأثیر گذاشته است، قابل دسترسی در - https://unama.unmissions.org/sites/default/files/human_rights_situation_in_afghanistan_october_december_2024_-_english.pdf. مراجعه کنید.

- الف) ممنوعیت آموزش برای زنان و دختران بالاتر از صنوف ششم و همچنین ممنوعیت تحصیل زنان در مؤسسات علوم طبی؛
- ب) ملزم ساختن زنان به همراه داشتن محرم در سفر بیش از ۷۸ کیلومتر؛
- ج) ممنوعیت اشتغال زنان، از جمله در سازمان های غیردولتی و در بیشتر بخش های خدمات مدنی.

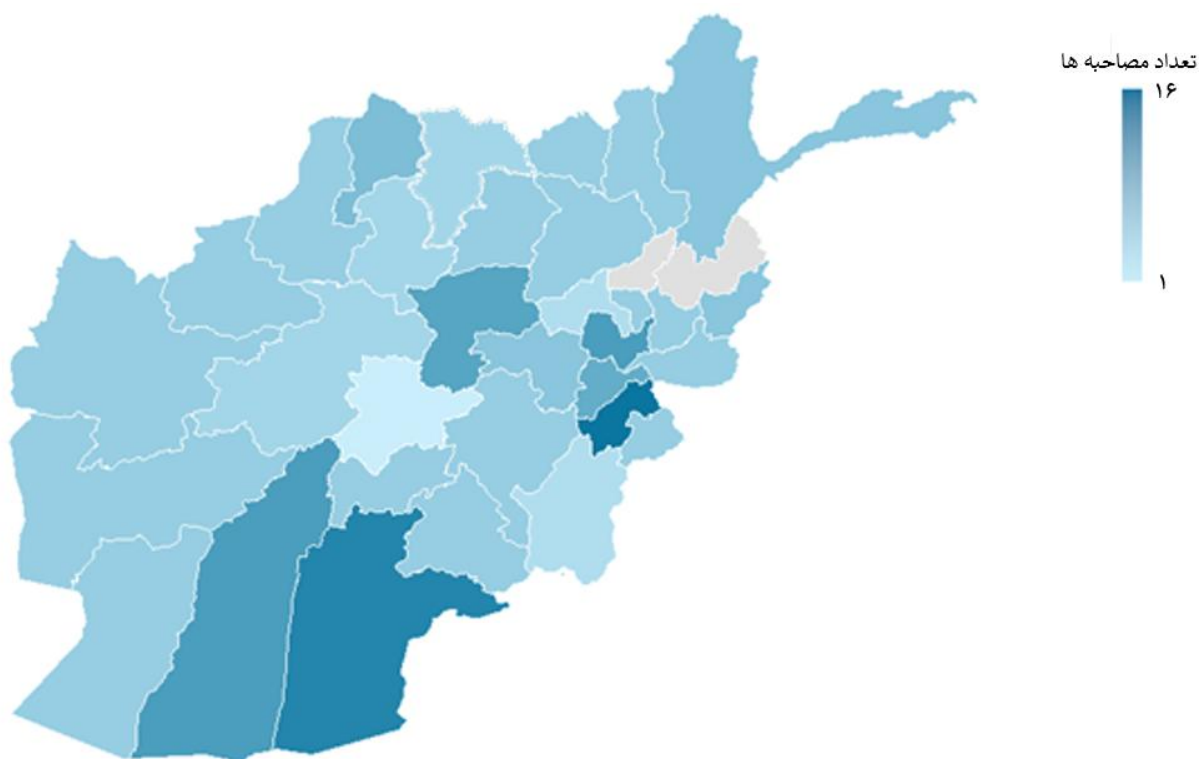
ضمیمه الف: تفکیک مصاحبه شونده‌گان بر اساس جمعیت

بین جون الی اکتوبر ۲۰۲۴، یوناما با ۱۹۵ نفر در مورد تأثیر دوامدار منازعات مسلحانه مصاحبه کرد. از ۱۹۵ نفر مصاحبه شونده، ۵۲ نفر زن (۲۷ فیصد) بودند.

در حالی که یوناما نهایت تلاش خود را به منظور تضمین تنوع مصاحبه‌شونده‌گان از نظر جنسیت، سن، قومیت، موقعیت جغرافیایی و نوع حادثه‌ای که آنان را متأثر ساخته بود به کار بست، نمونه مصاحبه‌ها ممکن است به طور کامل نماینده جمعیت گسترده‌تر افراد متأثر نباشد.

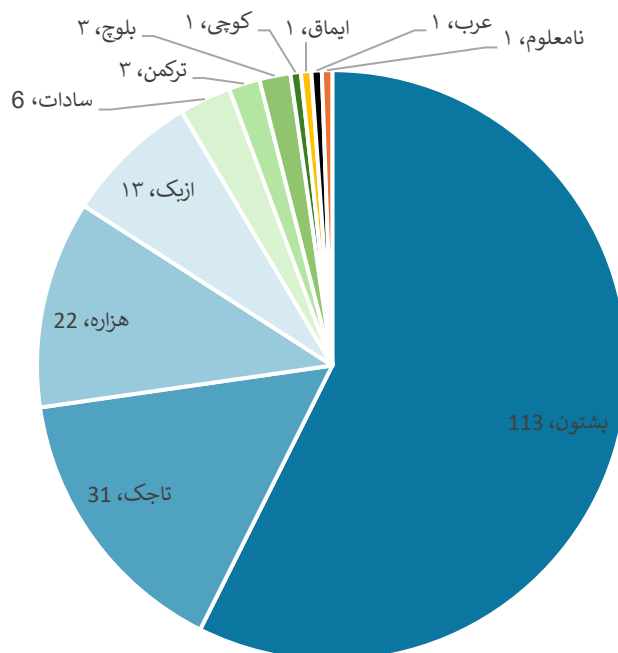
یوناما با افرادی از ۳۲ ولایت افغانستان مصاحبه کرد.^{۴۴۳} در زیر گراف نشان دهنده وسعت جغرافیایی مصاحبه‌ها آمده است.

وسعت جغرافیایی مصاحبه‌ها



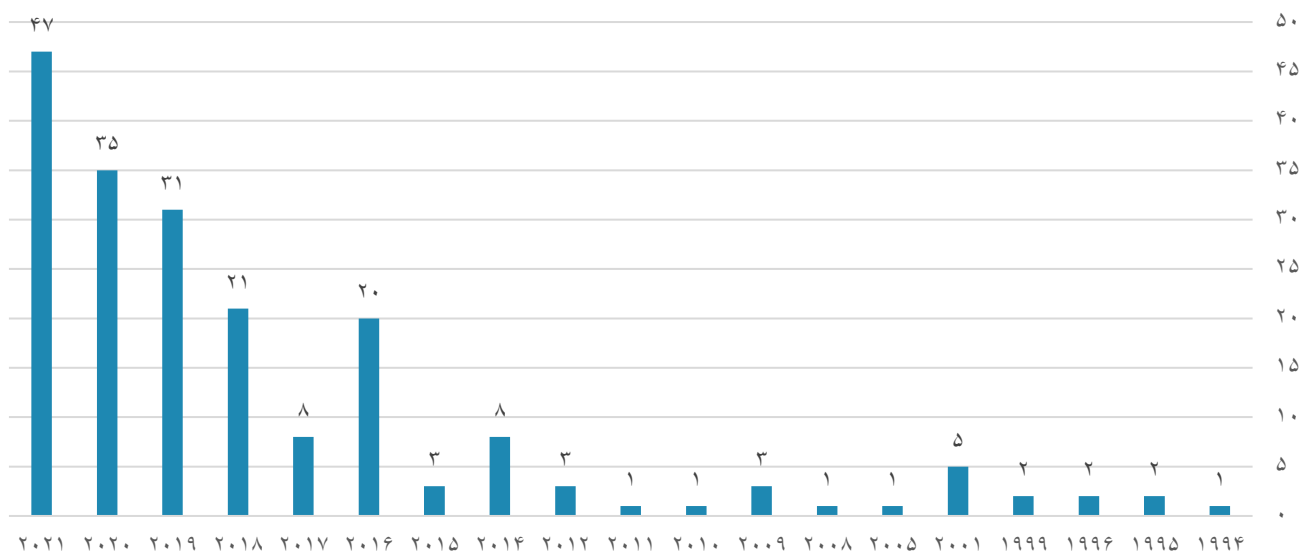
^{۴۴۳} تمام ولایات افغانستان به استثنای ولایات پنجشیر و نورستان.

پاسخ دهندگان خود را متعلق به گروه های قومی زیر معرفی کردند.



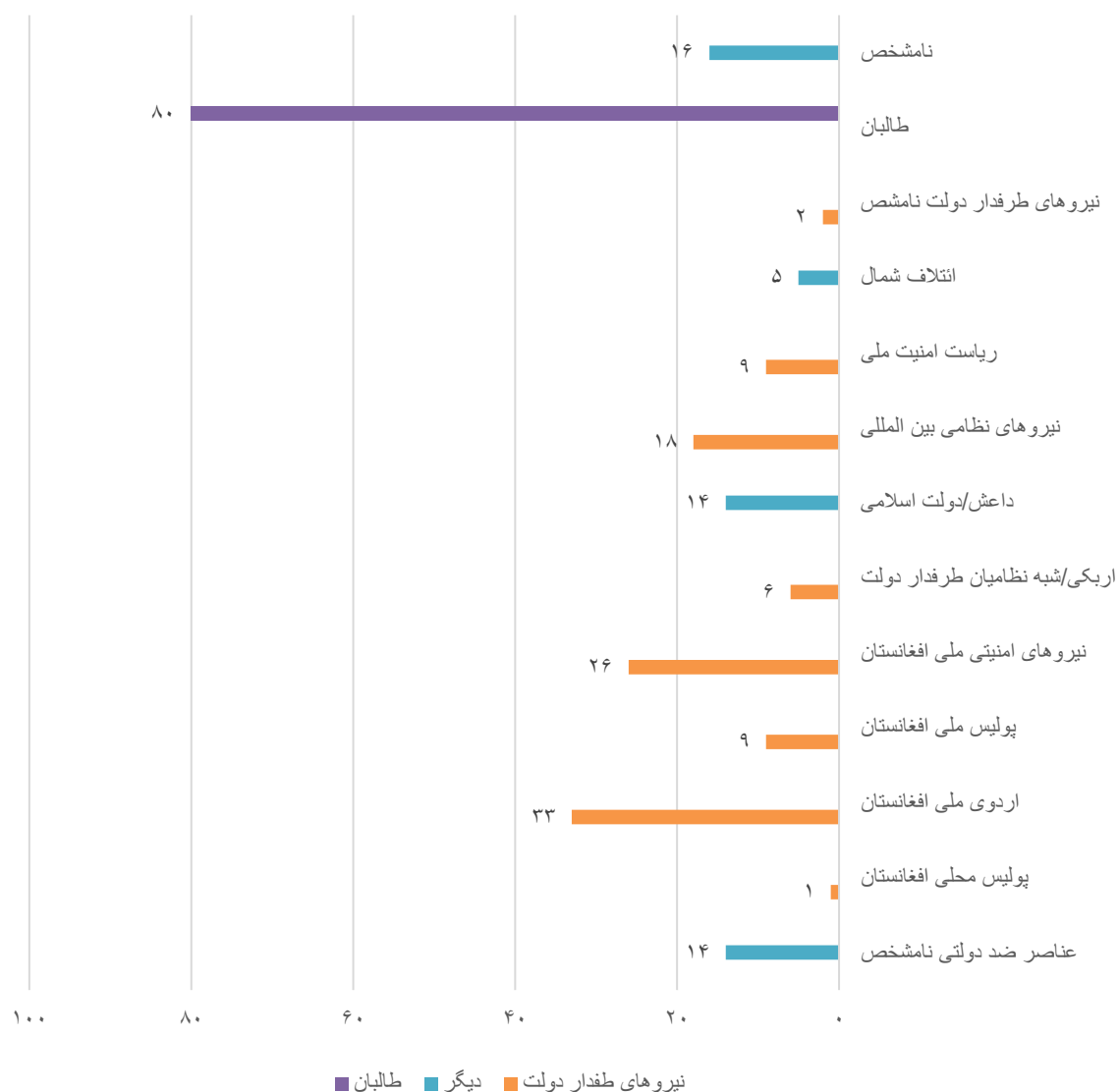
حوادثی که در مصاحبه ها تحت پوشش قرار داده شده بین سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۱ رخ داده اند. همه این حوادث قبل از تصرف افغانستان توسط طالبان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ رخ داده اند.

سال حادثه



عاملان حوادثی که مصاحبه شوندگان درباره آنها صحبت کردند، در زیر فهرست شده اند.

برخی از حوادث به بیش از یک عامل نسبت داده شده است زیرا مسئولیت آن قابل تشخیص نبود (برای مثال، در موارد تلفات ملکی ناشی از درگیری زمینی بین دو طرف منازعه).



ضمیمه ب: نظریات دریافت شده از وزارت امور خارجه / اداره حاکم

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۴۴۸/۰۲/۱۹

نظرات و پاسخ امارت اسلامی افغانستان در مورد مسوده گزارش بخش حقوق بشر یوناما با عنوان «حقوق قربانیان پس از درگیری مسلحانه در افغانستان»

ما از بخش حقوق بشر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) برای به اشتراک گذاشتن پس زمینه گزارش با عنوان «به جا مانده: حقوق قربانیان پس از درگیری مسلحانه در افغانستان» تشکر می‌کنیم. ما این گزارش را با دقت بررسی کرده‌ایم. ما از هرگونه تلاش صادقانه و بی‌طرفانه‌ای که با هدف انعکاس وضعیت قربانیان درگیری، طرح نگرانی‌های آنها و تضمین حقوق آنها انجام می‌شود، قدردانی می‌کنیم، مشروط بر اینکه چنین تلاش‌هایی به بهبود زندگی قربانیان و تحقق حقوق مشروع آنها کمک کند.

این یک واقعیت مسلم است که مردم افغانستان در نتیجه درگیری‌های طولانی مدت، متحمل پیامدهای جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی شده‌اند که زندگی میلیون‌ها افغان را تحت تأثیر قرار داده است. این واقعیت باید کاملاً درک و تصدیق شود.

با این وجود، از نظر ما، این گزارش در چندین زمینه کمبودهای جدی دارد، به ویژه با توجه به انعکاس جامع حقایق تاریخی، دقت حقوقی، انتساب متوازن مسئولیت‌ها و ارزیابی بی‌طرفانه موضوعات. این گزارش در انعکاس مسئولیت‌های مرتبط با ابعاد اساسی مختلف درگیری، معیارهای به اندازه کافی ثابتی را اعمال نکرده است. از نظر ما، این امر، تعادل، دقت حقوقی و انعکاس جامع وضعیت در گزارش را تضعیف کرده است.

بنابراین، مشاهدات و نظرات زیر را ارائه می‌دهیم:

۱. در مورد علت اصلی درگیری و مسئولیت

این گزارش به پیامدهای نامطلوب درگیری اشاره کرده است اما به طور کافی یا صریح علل اصلی این پیامدها را مشخص نکرد است.

علت اساسی آسیب‌های گسترده، مرگ و میر و جراحات، آوارگی، آسیب‌های روانی و مشکلات اجتماعی که مردم افغانستان متحمل شدند، مداخله نظامی خارجی در افغانستان بود که با حمله نظامی ایالات متحده و ائتلاف بین‌المللی آن به افغانستان آغاز شد و به مدت بیست سال ادامه یافت و بر استقلال و حاکمیت افغانستان و حقوق اساسی مردم افغانستان تأثیر گذاشت. اگر مداخله نظامی رخ نمی‌داد، افغانستان با بحرانی به این بزرگی مواجه نمی‌شد. بنابراین، هنگام ارزیابی قربانیان درگیری، تلفات انسانی و تخریب، مسئولیت اساسی شروع، ادامه و گسترش درگیری نیز باید به دولت‌ها و نیروهایی که بازیگران اصلی مسئول درگیری بودند، نسبت داده شود. طبق اصول حقوق بین‌الملل و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها، مسئولیت اصلی شروع درگیری، تلفات و آسیب‌های ناشی از آن باید به طرف‌هایی نسبت داده شود که درگیری را آغاز کردند و متعاقباً به عوامل اصلی مسئول ادامه آن تبدیل شدند.

۲. در مورد ماهیت حقوقی درگیری

در بخش پیشینه گزارش، درگیری در افغانستان به عنوان یک «درگیری مسلحانه غیربین‌المللی» تعریف شده است. با این حال، این اصطلاح واقعیت‌های تاریخی و حقوقی را منعکس نمی‌کند. این نمی‌تواند دخالت ایالات متحده، ناتو و ده‌ها کشور

دیگر، از جمله پرسنل نظامی، هواپیماهای جنگی، شبکه‌های اطلاعاتی، نیروهای ویژه، درگیری‌های مستقیم، حملات هوایی و مداخلات نظامی گسترده آنها را نادیده بگیرد و سپس این درگیری را به عنوان یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی به جای یک درگیری مسلحانه بین‌المللی توصیف کند. از همان ابتدا، امارت اسلامی این جنگ را یک مقاومت مشروع علیه اشغال خارجی می‌داند و پیوسته بر ماهیت بین‌المللی آن تأکید کرده است. بنابراین، ارزیابی ماهیت قانونی درگیری مهم است و باید به طور کامل و با احتیاط مطابق با حقوق بین‌الملل ارزیابی شود.

۳. در مورد عدم وقوع جنگ، صلح و عفو عمومی

یافته‌های گزارش، عدم تکرار درگیری و ترویج صلح و ثبات پایدار را توصیه می‌کند. این هدف با سیاست امارت اسلامی سازگار است. برای دستیابی به این هدف، امارت اسلامی عفو عمومی را اعلام کرد تا از انتقام، خصومت و خشونت بیشتر جلوگیری شود و فرصتی برای پایان دادن به درگیری و فراهم کردن محیطی مناسب برای آشتی، وحدت اجتماعی و ثبات پایدار فراهم شود.

با این حال، گزارش نشان می‌دهد که عفو عمومی با تعهدات بین‌المللی افغانستان تضاد است. بر این اساس، توصیه‌های گزارش، که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مشروعیت، اثربخشی یا تداوم عفو عمومی را زیر سوال می‌برند، یا اقدامات پیشنهادی که می‌توانند این سیاست را در عمل تضعیف کنند، به صراحت با خواسته‌های قربانیان جنگ که عدم وقوع خشونت و ثبات پایدار است، در تضاد تلقی می‌شود. پس از پایان درگیری، اولویت باید به تحکیم صلح، به تعقیب پایان درگیری، و جلوگیری از ظهور مجدد خصومت‌ها داده شود. بنابراین، عفو عمومی به عنوان وسیله‌ای برای طولانی شدن درگیری تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان اقدامی مهم برای پایان دادن به جنگ، بازسازی اعتماد متقابل و تقویت انسجام اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. هر توصیه‌ای که در عمل، این سیاست را تضعیف کند یا زمینه بازگشت رویارویی و انتقام‌جویی را فراهم کند، برخلاف اهداف صلح پایدار، ثبات اجتماعی و جلوگیری از درگیری جدید پنداشته می‌شود.

۴. در مورد درخواست عذرخواهی از قربانیان و پذیرش مسئولیت

این گزارش منعکس کننده درخواست برخی از قربانیان است که عاملان و مسئولان نقض حقوق باید مسئولیت اعمال خود را بپذیرند و از قربانیان عذرخواهی کنند. در واقع، چنین درخواستی باید متوجه طرف‌هایی باشد که در طول دهه‌ها درگیری در افغانستان، مسئول نقض قانون بین‌المللی حقوق بشر و قانون بین‌المللی بشردوستانه و همچنین آسیب‌های وارده به غیرنظامیان بوده‌اند.

با این حال، این گزارش تنها به این مطالبه در درجه اول نسبت به امارت اسلامی می‌پردازد، در حالی که عمدتاً کشورهای خارجی درگیر در این درگیری، و همچنین نیروهای نظامی و سایر گروه‌های مسلح که مسئول تلفات و ویرانی‌های گسترده در طول جنگ محسوب می‌شوند، به شیوه‌ای مشابه مورد خطاب قرار نمی‌گیرند. طرف‌هایی که عملیات نظامی انجام داده‌اند و در طول درگیری باعث رنج‌های انسانی گسترده شده‌اند، باید مسئولیت اقدامات خود را بپذیرند، رسماً از مردم افغانستان و قربانیان عذرخواهی کنند و اقدامات عملی و مؤثری را برای جبران خسارات ناشی از جنگ انجام دهند.

۵. در مورد توصیه پنجم در مسوده گزارش

طبق توصیه پنجم، گزارش از امارت اسلامی می‌خواهد که در ایجاد برنامه‌های جبران خسارت، غرامت و کمک به قربانیان، با مشارکت طرف‌های درگیر در گذشته و همه نهادها و ذینفعان مربوطه، هماهنگی و همکاری کند.

با توجه به نقش اساسی که دولت‌ها و نیروهای خارجی در طول درگیری ایفا کرده‌اند، مناسب‌تر است که یوناما، به عنوان اولین گام، از جامعه بین‌المللی و آن دولت‌ها بخواهد منابع مالی و فنی لازم را برای جبران خسارت و حمایت از قربانیان فراهم

کنند. متعاقباً، می‌توان از امارت اسلامی درخواست کرد که با فراهم کردن شرایط و ترتیبات لازم، ارائه چنین کمکی را تسهیل کند تا کمک‌ها به شیوه‌ای شفاف و مؤثر به آسیب دیدگان افغانستان برسد.

۶. مسئولیت حمایت و جبران خسارت قربانیان

این گزارش به کمبود منابع موجود برای حمایت و جبران خسارت قربانیان اشاره کرد. با این حال، تصویر جامعی از مسئولیت در این زمینه ارائه نکرد. طبق اصول حقوقی، اخلاقی و بشردوستانه بین‌المللی، مسئولیت اصلی جبران خسارت، بازسازی و حمایت درازمدت از قربانیان باید بر عهده دولت‌ها و طرف‌هایی باشد که نقش مستقیمی در درگیری، عملیات نظامی و تلفات گسترده جانی و مالی در افغانستان داشته‌اند. این طرف‌ها همچنین باید اقدامات عملی را برای جبران پیامدهای جنگ، حمایت از قربانیان و رسیدگی مؤثر به خسارات باقی‌مانده انجام دهند. متأسفانه، تا به امروز، اقدامات کافی و ملموسی توسط آنها برای انجام این مسئولیت‌ها، ارائه جبران مؤثر برای قربانیان جنگ برای تضمین حمایت پایدار از قربانیان انجام نشده است.

در عین حال، باید اذعان کرد که خود امارت اسلامی نیز تحت تأثیر پیامدهای دهه‌ها جنگ، ویرانی و محدودیت‌های اقتصادی قرار گرفته است. با این وجود، در چارچوب منابع و ظرفیت‌های موجود خود، تلاش‌هایی را برای حمایت و کمک به مردم افغانستان، به ویژه قربانیان جنگ، انجام داده و ادامه خواهد داد.

جزئیات این اقدامات در بخش‌های بعدی ارائه شده است.

بنابراین، نسبت دادن مسئولیت انحصاری به امارت اسلامی برای رفع نیازهای قربانیان و ارائه غرامت، با اصل انتساب عادلانه مسئولیت‌ها سازگار نیست. گزارش باید نقش همه بازیگران مسئول در حمایت و جبران خسارت قربانیان را به شیوه‌ای متعادل، بی‌طرفانه و بدون تبعیض منعکس کند.

۷. عدم تعادل در توزیع توصیه‌ها

از مجموع ۴۴ توصیه این گزارش، ۳۶ مورد به طور خاص خطاب به مقامات فعلی افغانستان، سه مورد خطاب به همه طرف‌های درگیر و تنها چهار مورد خطاب به کشورهای عضو سازمان ملل متحد است.

به نظر نمی‌رسد توزیع این توصیه‌ها با واقعیت‌های تاریخی درگیری، میزان مسئولیت در ابعاد اساسی مختلف آن و عوامل اصلی دخیل، متناسب باشد. انتظار می‌رفت که مسئولیت‌های طرف‌های اصلی خارجی درگیر در درگیری و سایر عناصر درگیر، به شیوه‌ای متعادل و متناسب در توصیه‌ها منعکس شود. با این حال، در عمل، این گزارش اکثر توصیه‌ها را متوجه امارت اسلامی افغانستان می‌کند، در حالی که توجه محدودی به مسئولیت‌های سایر طرف‌های اصلی درگیر در درگیری دارد. چنین توزیعی با انعکاس متعادل و عادلانه مسئولیت‌های همه طرف‌های درگیر در درگیری سازگار نیست.

۸. در مورد یکسان‌سازی تطبیق موازین حقوقی

در برخی از توصیه‌های این گزارش، از کشورها و نیروهای بین‌المللی که در درگیری و عملیات نظامی در افغانستان مشارکت داشته‌اند، خواسته شده است تا در مورد نقض‌های احتمالی قانون بین‌المللی بشردوستانه و قانون بین‌المللی حقوق بشر تحقیقات انجام دهند. در این راستا، از اصطلاحات محتاطانه و غیرقطعی استفاده شده است.

در عین حال، این گزارش به حوادث متعددی اشاره می‌کند که در آنها غیرنظامیان به دلیل عملیات نیروهای خارجی کشته یا زخمی شده و آسیب‌های جدی دیگری متحمل شده‌اند. با این حال، هنگام اشاره به این حوادث از اصطلاح «تخلفات احتمالی» استفاده می‌کند، در حالی که از تفسیر زبانی انحصاری علیه امارات اسلامی استفاده شده است، بدون اعمال همان معیار محتاطانه استفاده شده است.

این کاربرد دوگانه و متفاوت اصطلاحات و معیارهای حقوقی با اصول ارزیابی حقوقی بی طرفانه و متوازن مطابقت ندارد. اگر معیار "تخلفات احتمالی" برای یک طرف اعمال شود، باید همان معیار برای همه طرف های درگیر به طور مساوی اعمال شود.

۹. تأملی بر رویکرد محکمه کیفری بین المللی

این گزارش، تصمیم سارنوال محکمه کیفری بین المللی (ICC) را که از سال ۲۰۲۱ تحقیقات را بر وضعیت افغانستان متمرکز کرده و به جنایات ادعایی توسط امارات اسلامی افغانستان و داعش محدود کرده بود، آشکار کرد. این در حالی است که تخلفات و ادعاهای جدی مربوط به طرف های مختلف، به ویژه نیروهای بین المللی درگیر در درگیری های چند دهه ای افغانستان، وجود دارد.

این محدودیت اولویت های تحقیقی که در عمل مکلفیت های دیگر طرف های اصلی درگیری را مستثنی میسازد، با اصول اساسی عدالت، برابری و بی طرفی سازگار نیست. اعتبار میکانیزم های قضایی بین المللی فقط زمانی حفظ شده میتواند که معیار های ثابت و غیر تبعیض آمیز در مورد نقض های ادعا شده توسط تمام طرفین اعمال گردد.

متأسفانه، گزارش در انعکاس این تصمیم، هیچ ارزیابی حقوقی انتقادی از این تصمیم ارائه نکرده و پیامدهای این رویکرد گزینشی را مورد بحث قرار نداده است. این امر نشان دهنده نیاز بیشتر به ارزیابی گزارش برای حفظ تعادل، بی طرفی و اعتبار حقوقی آن است.

۱۰. در مورد میتودولوژی تحقیق

طبق میتودولوژی گزارش، بیشتر مصاحبه ها بین سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ انجام شده است. به نظر ما، برای ارائه ابعاد جامع درگیری بیست ساله افغانستان، لازم بود که به همه قربانیان توجه متوازن و فضای کافی داده شود و وقایع مراحل مختلف به طور کافی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

علاوه بر این، این گزارش شامل اطلاعات و وقایعی است که دوره زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۱ را پوشش می دهد. شایان ذکر است که این دوره همزمان با تأسیس امارت اسلامی افغانستان تا پایان حضور نیروهای ایالات متحده و متحدان آنها است.

این چارچوب برای جمع آوری اطلاعات، این تصور را ایجاد می کند که تمرکز اصلی گزارش عمدتاً بر اقدامات و تعهدات نیروهای امارت اسلامی است. با این حال، موضوع حقوق قربانیان و پاسخگویی باید به شیوه ای متعادل و بی طرفانه با توجه به همه طرف های درگیر در درگیری ارزیابی شود. علاوه بر این، این گزارش در انتخاب مصاحبه شونده ها به تنوع از نظر جنسیت، سن، قومیت و جغرافیا اشاره می کند، اما هیچ معیاری برای حفظ تعادل بین طرف های درگیر در درگیری به کار برده نشده است.

۱۱. در مورد شواهد و انتساب مسئولیت

در موارد متعددی، گزارش بر اساس شهادت شفاهی افراد، مسئولیت را به طرف های خاص نسبت داده است. هرگونه ادعایی در مورد موارد بسیار مهم باید مبتنی بر شواهد کافی، معتبر و تأیید شده باشد تا اعتبار قانونی و ارزش اثباتی گزارش حفظ شود.

به عنوان مثال، گزارش شامل ادعای فردی است که ظاهراً به دلیل ترس از عواقب ناگواری که می تواند منجر به نامزدی اجباری دخترانش با اعضای طالبان شود، از طرح شکایت خودداری کرده است. این ادعا بی اساس، تأیید نشده و فاقد هرگونه مدرک معتبر است و با واقعیت های آشکار وضعیت مطابقت ندارد.

طبق نورم های پذیرفته شده و اصول حقیقت یابی، ادعاهای جدی و حساس از این دست باید بر اساس شواهد معتبر، قابل اعتماد و تأیید شده مطرح شوند، نه بر اساس فرضیات شخصی، ترس ها، برداشتها یا اظهارات تأیید نشده افراد.

مستندسازی چنین ادعاهای بی‌اساس نه تنها اعتبار حرفه‌ای و قانونی گزارش را تضعیف می‌کند، بلکه ممکن است به تصورات غلط، اتهامات بی‌اساس و گمراه کردن افکار عامه نیز کمک کند.

۱۲. میراث جنگ، حقوق قربانیان و نحوه برخورد با گذشته

این گزارش توصیه می‌کند که افغانستان باید رسماً رنج ناشی از درگیری‌های مسلحانه را به رسمیت بشناسد، با گذشته آشتی کند و اقدامات عملی برای تضمین حقوق قربانیان مطابق با قوانین بین‌المللی انجام دهد. اگرچه این گزارش توصیه‌هایی را خطاب به سایر بازیگران ارائه کرده است، اما بیشتر توصیه‌های آن مستقیماً خطاب به امارت اسلامی افغانستان است.

بسیاری از کشورها و نیروهای نظامی آنها مستقیماً در شروع و ادامه درگیری‌های چند دهه‌ای افغانستان دخیل بوده‌اند. بنابراین، اگر میراث جنگ، حقوق قربانیان و برخورد مسئولانه با گذشته در نظر گرفته شود، مناسب و عادلانه خواهد بود که این توصیه‌ها در درجه اول متوجه آن دسته از کشورها و طرف‌هایی باشد که نقش اساسی و مستقیمی در این درگیری داشته‌اند و مسئولیت قابل توجهی در قبال عواقب و خسارات ناشی از آن دارند. معطوف کردن این توصیه‌ها صرفاً به امارت اسلامی افغانستان، بدون نسبت دادن مسئولیت‌هایی با وضوح مشابه به سایر طرف‌های اصلی درگیر در درگیری، با اصول تعادل و ارزیابی بی‌طرفانه در تضاد است.

۱۳. در خصوص تطبیق معیارهای حقوق بین‌المللی

در برخی از بخش‌های این گزارش که به توضیح قانون بین‌المللی حقوق بشر، قانون بین‌المللی بشردوستانه و سایر اسناد بین‌المللی می‌پردازد، تعهدات حقوق بین‌المللی به گونه‌ای بیان شده‌اند که در درجه اول متوجه امارت اسلامی افغانستان است. با این حال، با توجه به درگیری چندین دهه‌ای افغانستان، مسئولیت‌ها و تعهدات تحت قوانین بین‌المللی برای همه طرف‌های درگیر در درگیری اعمال می‌شود. بنابراین، تعهدات و مسئولیت‌های حقوق بین‌المللی باید به طور مساوی، بی‌طرفانه و بدون تبعیض به همه طرف‌های درگیر ابلاغ شود که این امر معیار و اعتبار ارزیابی حقوقی را حفظ خواهد کرد.

۱۴. چارچوب توصیه‌ها در مورد مرتکبین تخلفات

در این گزارش توصیه شده است که افراد دخیل در نقض قانون بین‌المللی بشردوستانه و قانون بین‌المللی حقوق بشر، باید از ساختارهای امنیتی افغانستان برکنار شوند. سوال اساسی در این زمینه این است که چرا این توصیه با همان صراحت، به کشورهای خارجی و نیروهای نظامی که تقریباً بیست سال در افغانستان حضور نظامی داشته‌اند، جایی که ادعاهای متعددی از نقض قانون بین‌المللی بشردوستانه و قانون حقوق بشر مستند شده است، بیان نشده است. وقتی اصل پاسخگویی مطرح می‌شود، باید به طور مساوی برای همه طرف‌های درگیر در درگیری تطبیق گردد.

۱۵. میتود نسبت دادن مسئولیت

روش مورد استفاده در گزارش برای نسبت دادن مسئولیت، جای سوال دارد. طبق گزارش، بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، ۸۰ حادثه مستقیماً به نیروهای امارت اسلامی نسبت داده شده است، در حالی که مسئولیت نیروهای بین‌المللی به صراحت شرح داده شده اما به تقریباً سه حادثه محدود شده است.

در عین حال، سایر طرف‌های درگیر، حوادثی را که تحت نام‌های مختلف به "نیروهای ناشناس طرفدار دولت" "اردوی ملی افغانستان" (ریاست امنیت ملی) شبه نظامیان و ناشناس نسبت داده اند در نتیجه، تعداد حوادثی که به این بازیگران نسبت داده شده، نسبتاً کمتر به نظر می‌رسد. این گزارش توضیح قانع‌کننده‌ای ارائه نمی‌دهد که چرا چنین تفاوت‌هایی در انتساب حوادث و مسئولیت وجود دارد، یا چرا حوادث مربوط به امارت اسلامی افغانستان به طور قابل توجهی برجسته شده‌اند،

اما معیار مشابهی برای طرف‌های درگیر در درگیری اعمال نشده است. چنین رویکرد گزینشی، سوالات جدی را در مورد تعادل و اعتبار گزارش مطرح میکند.

۱۶. در مورد ادعاهای تبعیض

این گزارش همچنین ادعاهایی مبنی بر اینکه افراد خاصی به دلیل قومیتشان از کمک محروم شده‌اند را ساخته است. امارت اسلامی چنین ادعاهایی را رد می‌کند و تأکید می‌کند که هیچ سیاست تبعیضی بر اساس قومیت، زبان، منطقه، مذهب یا پیشینه سیاسی در ارائه کمک، خدمات و پشتیبانی وجود ندارد.

۱۷. در مورد بازتاب وضعیت امنیتی

این گزارش به کاهش قابل توجه سطح خشونت پس از سال ۲۰۲۱ اشاره می‌کند. اگرچه برخی از تغییرات در وضعیت امنیتی را شرح می‌دهد و تصویر جامعی از وضعیت فعلی را منعکس نمی‌کند، که نشان می‌دهد درگیری مسلحانه هنوز ادامه دارد، اما سطح شدت کاهش یافته است.

استفاده از اصطلاحات دقیق و متوازن در گزارش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا چنین اصطلاحاتی مستقیماً بر برداشت خوانندگان تأثیر می‌گذارد. بنابراین، توصیف وضعیت فعلی افغانستان باید با عباراتی توصیف شود که به طور عادلانه منعکس کننده شرایط پس از جنگ از زمان پایان جنگ باشد.

۱۸. اقدامات امارت اسلامی برای حمایت از قربانیان جنگ

امارت اسلامی تمام شهروندان افغانستان را به عنوان اعضای یک پیکره می‌داند و خدمت به آنها را یک مسئولیت اسلامی و انسانی می‌داند. در حمایت از قربانیان جنگ، خانواده‌های شهدا، بیوه‌ها، یتیمان و معلولین، هیچ گونه تبعیضی بر اساس قومیت، زبان، مذهب، منطقه، سن، جنسیت یا وابستگی‌های اداری یا نظامی قبلی قائل نمی‌شود. به همین منظور، وزارت امور شهدا و معلولین، در چارچوب قوانین نافذ و منابع موجود، اقدامات عملی مختلفی را برای رفع نیازهای قربانیان و اجرای برنامه‌های حمایتی انجام داده است.

وزارت امور شهدا و معلولین یک سیستم سازمان‌یافته برای ثبت، تأیید و مدیریت اطلاعات مربوط به این گروه‌های آسیب‌پذیر ایجاد کرده است. این وزارت علاوه بر ارائه کمک‌های نقدی، کمک‌های غیرنقدی، مراقبت‌های صحتی، توانبخشی، و خدمات اجتماعی، این مکانیزم‌ها را برای شفافیت، نظارت، ثبت شکایات، و آگاهی عامه تقویت بخشیده است.

طبق قانون سال ۲۰۰۹ اداره سابق، فقط افراد دارای معلولیت آسیب‌دیده از جنگ واجد شرایط بودند و افراد دارای معلولیت ۱۰۰ درصد، حق دریافت کمک‌هزینه ماهانه ۱۵۰۰ افغانی را داشتند که برای تأمین نیازهای آنها کافی نبود. با این حال، این قانون بعداً به دلیل کمبودها به حالت تعلیق درآمد. در حال حاضر، همه افراد دارای معلولیت، از جمله افراد مرتبط با امارت اسلامی، افراد مرتبط با اداره سابق، افراد دارای معلولیت غیرنظامی و افراد دارای معلولیت مادرزادی، بدون تبعیض ثبت نام شده‌اند. کمک‌های نقدی ماهوار نظر به درجه و کتگوری معلولیت از طریق سیستم بانکی صورت می‌گیرد. همچنان، خانواده‌های شهدا، یتیم‌ها، و بیوه‌ها خدمات مشابه را بدون تبعیض دریافت میکنند.

روند ثبت نام و تأیید از طریق ارزیابی کمیسیون مشخص، تأیید توسط کمیسیون‌ها و پرداخت‌های بانکی انجام می‌شود. تیم‌های بررسی از خانواده‌های واجد شرایط دیدن می‌کنند و خدمات از طریق یک مکانیسم شفاف، عادلانه و سازمان‌یافته ارائه می‌شود.

رهبری وزارتخانه بازدیدهای مداومی را به ولایات و ولسوالی ها انجام داده و یک مرکز تماس اختصاصی، سیستم های ثبت نام الکترونیکی و تیم های رسیدگی به شکایات را برای بهبود موثریت خدمات و تقویت پاسخگویی ایجاد کرده است. تا به امروز، نزدیک به ۳۰،۰۰۰ نفر نگرانی های خود را از طریق این مرکز تماس ثبت کرده اند.

در مورد اتهامات که کمک ها متوقف شده است، وزارت بیان میکند که بعضی از یتیم ها با رسیدن به سن ۱۸ سالگی تحت قانون غیرواجد شرایط شدند و از اینرو واجد شرایط برای مزایا نشدند. تغییرات در کمک های که به زنان بیوه و اشخاص دارای معلولیت صورت میگیرد بر اساس معیارها و ارزیابی های رسمی صورت میگیرد، نه به دلیل تبعیض.

از زمان بازگشت امارت اسلامی به قدرت، در مجموع ۶۵۴،۰۶۳ نفر در سراسر کشور ثبت شده اند، از جمله ۳۸۵،۸۵۶ یتیم، ۹۷۲۱۸ بیوه و ۹۸۸،۱۷۰ افراد دارای معلولیت اند. در این گروه، ۱۲۸ هزار و ۹۰ نفر از خانواده های شهدای امارت اسلامی و ۵۲ هزار و ۵۷۲ نفر از خانواده های اداره سابق هستند. خدمات به افراد دارای معلولیت و قربانیان غیرنظامی بدون هیچ گونه تبعیضی ارائه می شود.

از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ (هجری شمسی)، تقریباً ۴۵،۹۰۸ میلیارد افغانی از طریق بودجه دولتی و از طریق سیستم بانکی بین افراد واجد شرایط توزیع شد. علاوه بر این، با حمایت سازمان های خیریه، کمک های غذایی، لباس زمستانی، ویلچر، ویلچر برقی، اندام های مصنوعی و سایر وسایل کمکی به ارزش میلیون ها دلار آمریکا توزیع شد.

این وزارتخانه مراکز توانبخشی تخصصی را فعال کرده است که خدمات فیزیوتراپی، ارتوپدی و خدمات روانشناسی و سلامت روان را به هزاران فرد دارای معلولیت ارائه می دهند. هزاران یتیم و بیوه نیز در مراکز درمانی مختلف در سراسر کشور و خارج از کشور، خدمات درمانی و مراقبت های صحی تخصصی دریافت کرده اند. برعلاوه، پاهای مصنوعی و دیگر کمک های تحرک فراهم گردیده و همچنان فراهم میگردد تا اشخاص دارای معلولیت بتوانند فعالیت های روزانه خود را به آسانی انجام دهند.

برای ارتقای خودکفایی اقتصادی، به هزاران بیوه، یتیم و زن سرپرست خانوار، چرخ خیاطی، تجهیزات نانواپی خانگی و سایر تجهیزات تولیدی ارائه شده است. با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی، فرصت های شغلی برای هزاران یتیم و معلول ایجاد شده است. همچنین تلاش هایی برای اجرای الزام قانونی اختصاص ۳ فیصد بست ها در نهاد های دولتی به افراد دارای معلولیت در حال انجام است.

برعلاوه، به هزاران شخص دارای معلولیت و اعضای خانواده شهدا فرصت ادای حج داده شده است. صدها نفر در برنامه های آموزشی و اکادمیک ثبت نام کرده اند و هزاران نفر آموزش های تکنیکی و حرفه ای را فرا گرفته اند. تجهیزات برای تجارت های کوچک، بشمول دکان ها و دام ها توزیع شده است. برای اهداف مسکن، یک پروژه شهرک رهائشی به مساحت ۴۲۰ جریب زمین در ولایات سرپل و میدان وردک راه اندازی شده است و قرار است این پروژه در سایر ولایات نیز گسترش یابد.

این وزارت همچنان برنامه های آگاهی عامه را با همکاری رسانه ها، رهبران مذهبی جامعه، و سایر نهاد ها تطبیق کرده است. تأکید می کند که از زمان بازگشت امارت اسلامی به قدرت تاکنون تلاش صورت گرفته است تا خدمات اقتصادی، مراقبت های صحی، توانبخشی، آموزشی، و اجتماعی برای یتیمان، بیوه زنان، و اشخاص دارای معلولیت به صورت عادلانه و شفاف ارائه شود، تا آنها بتوانند با عزت زندگی کنند و در جامعه نقش فعال داشته باشند.

۱۹. در مورد هدف و تأثیر عملی گزارش

به تصویر کشیدن درد و رنج قربانیان فقط زمانی موثر است که با راه حل های عملی، پاسخگویی در برابر مسئولیت ها، میکانیزم های جبران خسارت موثر و اقدامات مشخص برای اطمینان از تحقق حقوق قربانیان همراه باشد.

اگر گزارش‌ها صرفاً فجایع‌های گذشته را بازگو کنند اما نتواند مسئولیت آن دولت‌ها و احزاب را که در درگیری نقش اساسی داشتند به اندازه کافی منعکس سازد، در آنصورت آنها به طور موثر شرایط لازم برای دستیابی به عدالت و جبران خسارت برای قربانیان را ایجاد نخواهند کرد.

از اینرو، این ضروری است که چنین گزارش‌ها اصول بی‌طرفی، تعادل، دقت حقوقی، و انعکاس عادلانه مسئولیت‌های تمام طرف‌های درگیر در درگیری را کاملاً رعایت کند.

نتیجه‌گیری:

امارت اسلامی بار دیگر همدردی خود را با تمام قربانیان جنگ‌های افغانستان ابراز داشته و به حمایت از آنان متعهد باقی می‌ماند.

امارت اسلامی در محدوده امکانات موجود، اقدامات عملی را جهت کمک و خدمت به قربانیان جنگ، خانواده‌های متوفی‌ها، بیوه‌ها، یتیمان، و اشخاص دارای معلولیت روی دست گرفته و به این تلاش‌ها ادامه خواهد داد.

ما معتقدیم که عدالت واقعی، جبران خسارت مؤثر و حمایت پایدار از قربانیان جنگ افغانستان تنها زمانی محقق می‌شود که همه طرف‌های درگیر در جنگ، به ویژه دولت‌ها و نیروهایی که حضور نظامی مستقیم در افغانستان داشته‌اند، مسئولیت‌های قانونی و اخلاقی خود را بپذیرند و گام‌های عملی برای تضمین حقوق قربانیان و جبران خسارات ناشی از درگیری بردارند.

ما امیدواریم که پیش از انتشار نهایی گزارش، ملاحظات و نظرات فوق مورد توجه جدی قرار گیرد تا نسخه نهایی بتواند به طور کامل‌تری با اصول بی‌طرفی، تعادل، دقت حقوقی و معیارهای حقوقی بین‌المللی همسو باشد.

پایان

ضمیمه پ: فهرست مصاحبه‌ها و واقعات

در زیر فهرستی از حوادث شرح داده شده توسط مصاحبه‌شوندگان آمده است. در برخی موارد، جزئیات بنابر درخواست قربانی مخفی نگه داشته شده است.

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، در [محل]، پدرم در اثر هواوانی که توسط اردوی ملی انداخت شده بود، کشته شد. درگیری شدیدی در منطقه بین اردوی ملی و عناصر ضد دولتی رخ داد و زمانی که پدرم می‌خواست اعضای خانواده‌اش را به مکانی امن ببرد ناگهان در اثر اصابت هواوان انداخت شده توسط اردوی ملی کشته شد."
۲	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، حوالی ساعت ۹:۰۰، روزم را مثل هر روز دیگری آغاز کردم. بعد از صرف صبحانه و خداحافظی با مادرم و بوسیدن دستانش، به طرف دفترم روان شدم. دفتر رهنمای معاملات پسر و دفتر من مشترک بود. ما از یک دفتر کار می‌کردیم. خدا را شکر که او همزمان با من نیامد. همین که به دفترم رسیدم و روی کوچ نشستم، حدود پنج دقیقه بعد، انفجار مهیبی رخ داد. گرد و غبار، فریاد و خون همه جا را فرا گرفت. در یک لحظه، دو نفر، از جمله مدیر دفتر من، جان خود را از دست دادند، و چهار نفر دیگر، به شمول خودم، زخم برداشتند. این یک «بمب بشکه‌ای» (موادی انفجاری تعبیه شده) بود که مخفیانه در داخل دفتر من کار گذاشته شده و از راه دور منفجر شد. این انفجار دفتر مرا را ویران کرد و حتی به خانه مجاور من نیز خسارت وارد کرد. من به شفاخانه منتقل شدم و حدود هشت بار تحت عمل جراحی قرار گرفتم. پایم شکسته و تمام بدنم آسیب دیده است."
۳	محفوظ	محفوظ	"شامگاه [تاریخ]، همسایه ما به دلیل یک مشکل فوری خانوادگی از پسر و خواست که او را از [قریه] ما به [شهر] برساند. در ابتدا، پسر، آقای [نام]، که راننده تاکسی بود، به دلیل نگرانی از شرایط بد امنیتی در [قریه]، امتناع کرد. با وجود آنهم، این حال، همسایه اصرار کرد و توضیح داد که اگر فوراً کمک دریافت نکنند، ممکن است بیمار را از دست بدهند." "بالاخره [پسر] قبول کرد که آنها را برساند. متأسفانه، پس از بازگشت به قریه، پوستره اردوی ملی با کلاشینکوف به سمت تاکسی فیر کرد. این فیر منجر به کشته شدن [پسر] و جراحات جزئی به یک زن، شکستن شیشه‌ها و برخورد موتر به دیوار و از دست دادن کنترل موتر توسط راننده شد."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			یکی از ساکنان منطقه با من تماس گرفت و به من اطلاع داد که پسرم زخمی شده است. تصمیم گرفتم بروم و پسرم را بردارم و او را به شفاخانه ببرم. متأسفانه، به ما اجازه داده نشد که به موقع به محل حادثه برسیم. پس از مدتی، به ما اجازه داده شد که نزد پسرم برویم، اما متأسفانه به سبب خونریزی زیاد پسرم جانش را از دست داد."
۴	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، از خانواده‌ام تماسی دریافت کردم که طالبان از عقب خانه‌ام در [محل] به سوی اردوی ملی افغانستان تیراندازی کردند و در نتیجه تیراندازی متقابل اردوی ملی افغانستان، خواهرزاده‌ام از ناحیه شانه مجروح شده است. در مسیر شفاخانه، طالبان امبولانس ما را متوقف کردند و با دیدن دختر زخمی، فوراً به ما اجازه عبور دادند. وقتی به [محل] رسیدیم، اردوی ملی افغانستان امبولانس ما را متوقف داد و پس از یک یا دو دقیقه و به دلیلی نامعلوم، از دو طرف شروع به تیراندازی به سمت امبولانس کردند و همسر و یک نرس را زخمی کردند."
۵	۱۷ اپریل ۲۰۲۲	ولایت میدان وردک ولسوالی جلریز منطقه سنگلاخ قریه درد سرای	"صبح روز ۱۷ اپریل ۲۰۲۰، در خانه‌ام بودم. مهمان از کابل داشتم و با هم چای صرف میکردیم. پسر حیوانات را برای چرانیدن به بیرون از خانه برد، ناگهان صدای انفجاری را شنیدم. ابتدا فکر کردم که شاید فیرهای شادیانه بخاطر محفل عروسی باشد، چون در همان روز یک محفل عروسی در قریه‌ما بود. حدود ۲۰ دقیقه بعد، یکی از همسایه‌ها به من اطلاع داد که پسر، فهمیم، در انفجار کشته شده و در مزرعه افتاده است. من به سرعت به محل حادثه شتافتم و وقتی آنجا رسیدم، با دیدن جسد پارچه چارچه شده و مغز متلاشی شده پسر، احساس ضایعه بزرگی کردم. شوکه شده بودم و در حالی که اهالی قریه و اقارب پارچه های جسد پسر را جمع میکردند، آنها را تماشا میکردم فهمیم در نتیجه انفجار ماین ضد پرسونل که احتمالاً اشیای انفجاری باقیمانده از زمان جنگ های قبلی با شوروی بود، جادرجا کشته شد."
۶	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، حوالی ساعت ۶:۰۰، در [محل]، یک پسته اردوی ملی افغانستان/پولیس محلی افغانستان به سمت سه نفر از اعضای خانواده‌ام که در حال شکار پرندگان در محل بودند، فیر کردند. برادر هم همان لحظه کشته شد، و مادرو برادر دیگرم شدیداً زخمی شدند. در زمان وقوع این حادثه هیچ درگیری زمینی وجود نداشت و اردوی ملی افغانستان/پولیس محلی افغانستان عمداً به سمت غیرنظامیان فیر کردند. مادر و برادرم که زخمی شده بودند، در شفاخانه ولایتی بستری شدند."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۷	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، بعد از ظهر، پسر ۱۰ ساله‌ام، نثار احمد، دروازه ورودی خانه ما را باز کرد و با یک تانک گزمه پولیس روبرو شد که به سوی او فیر کرد. گلوله به سینه وی اصابت کرد. وقتی همسرم صحنه را دید، به نجات پسر شتافت که با گلوله به پیشانی وی نیز فیر کردند. پسر جادرجا جان باخت و همسرم شدیداً مجروح شد."
۸	محفوظ	محفوظ	"بعد از ظهر [تاریخ]، برادرم به همراه پسرکا و دو دوستم حین بازگشت از مراسم تشییع جنازه از [محل] مورد حمله طیاره بدون سرنشین قرار گرفتند. این چهار نفر پس از شرکت در مراسم تشییع جنازه دو عضو طالبان که در یک عملیات شبانه کشته شده بودند، سوار بر دو موترسایکل و حرکت بسوی خانه بودند که مورد حمله طیاره بدون سرنشین در {محل} قرار گرفتند بودند. می‌رفتند، متأسفانه، سه نفر از آنها جان خود را از دست دادند و [یک نفر] آنها زخمی شد. در زمان حمله طیاره بدون سرنشین، پدر [یکی از قربانیان] در مسجد بود. افرادی که بسوی مسجد می‌رفتند به او اطلاع دادند که حمله طیاره بدون سرنشین رخ داده و چهار موترسایکل سوار کشته شده‌اند. او بلافاصله متوجه شد که پسر و دوستانش در همان مسیر هستند. وقتی به محل حادثه رسید، بقایای جسد متلاشی شده پسر و دوستانش را در جاده یافت. او که غرق در غم و اندوه بود، حیران ایستاد و نتوانست این ضایعه را درک کند. سپس مردم به کار دلخراش جمع‌آوری گوشت‌های متلاشی شده اجساد آنها پرداختند."
۹	۳۰ جنوری ۲۰۲۰	ولایت کندز، ولسوالی دشت ارچی، وزیرخان جام، منطقه پل سلام	"در تاریخ ۳۰ جنوری ۲۰۲۰، در بعد از ظهر، پدر، مادر، کاکیم، عمه‌ام و نواسه کاکیم از قریه دفتانی ولسوالی دشت ارچی به سوی خانه ما در قریه ماماخیل ولسوالی چهاردره در حرکت بودند. در مسیر راه، موتر تویوتا کروای آنها توسط یک طیاره بدون سرنشین آمریکایی در منطقه پل سلام، منطقه وزیرخان جام، ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز (در امتداد جاده امین دشت ارچی کندز) مورد هدف قرار گرفت. در نتیجه این حمله، همه افراد فوق کشته و وسیله نقلیه آنها از بین رفت. روز قبل، یکی از بستگان نزدیک ما در دشت ارچی درگذشته بود. خانواده من و خانواده کاکیم برای شرکت در مراسم تشییع جنازه به آنجا می‌رفتند."
۱۰	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، حوالی ساعت ۱۹:۰۰، در [محل]، مواد انفجاری جاسازی شده، توسط طالبان منفجر شد. در نتیجه، سه غیرنظامی کشته و دو نفر دیگر به شمول من زخمی شدند. مواد انفجاری جاسازی شده در فاصله حدود ۳۰ متری وسیله نقلیه من منفجر شد. چهره‌های مواد انفجاری جاسازی شده به بدن و سرم برخورد کرد و به چشمانم شدیداً آسیب رساند. من بخاطر فعالیت هایم من حیث فعال جامعه مدنی و مدافع حقوق بشر با مواد انفجاری جاسازی شده مورد هدف قرار گرفتم. قبل از حادثه، من به طور فعال و داوطلبانه فعالیت‌های مدنی انجام می‌دادم. من عضو [یک شبکه جامعه مدنی ولایتی] بودم. یک گروهی از طالبان از [محل] بطور منظم حملات مواد انفجاری جاسازی شده را در [شهر من] انجام می‌دادند."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۱	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ] ساعت ۱۹:۳۰، من و اعضای خانواده‌ام در خانه‌ما، در [محل]، مشغول صرف غذای شب بودیم. ناگهان یک توپ دی - ۳۰ که توسط کدک سابق اردوی ملی از [ولسوالی] انداخت شده بود، به دهلیز بین دو اتاق نشیمن خانه‌ام اصابت کرد و منجر به کشته شدن دو نفر و زخمی شدن شش نفر دیگر از اعضای خانواده، بشمول خودم، شد. پس از آن حادثه وحشتناک، همسایه‌هایم بلافاصله به خانه ما رسیدند و ما را از میان خاک و آوار بیرون آوردند. همسایه‌ها همه مجروحان را به کلینیک محل منتقل کردند. از آنجا، دو نفر از مجروحان به شفاخانه ولایت منتقل شدند. پس از عملیات جراحی و یک هفته بستری شدن در شفاخانه، مجروحان بهبود یافته و از شفاخانه مرخص شدند."
۱۲	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، ما در خانه‌ما در [محل] مهمان داشتیم و از اوقات خوشی خود لذت می بردیم. حوالی ساعت ۲۲:۴۵، به بستر خواب رفتیم. ناگهان، چند هلیکوپتر بر فراز قریه ما نمایان شدند. آنها قبل از فریز کردن، بر فراز خانه‌ها و باغ‌های انگور ما دور زدند. من از خواب بیدار شدم و بالای بستر نشستم و در مورد آنچه اتفاق می افتاد گیج شدم. کاملاً فراموش کرده بودم که پسر کوچک‌ترم باغ را آبیاری میکند. باغ از خود ما نبود؛ او برای آبیاری آن پول می گرفت. ما کارگران روزمزد هستیم. تیلیفونم زنگ خورد. پسر کوچک‌ترم بود که برای آبیاری بیرون رفته بود. وقتی جواب دادم، گفت: «من زخمی شده‌ام.» من شوکه شده بودم و برای یک دقیقه نمی‌توانستم حرکت کنم یا صحبت کنم. سپس، خودم را جمع و جور کردم و به همسرم گفتم: «بلند شو، برویم ببینیم چه اتفاقی افتاده است." یک چراغ دستی گرفته و دروازه را باز کردم. همین که بیرون رفتم، یک سرباز فریاد زد: «تکان نخور.» او گردنم را محکم گرفت، خریطه روی سرم گذاشت، دست‌هایم را ولچک زد و مرا رو به دیوار کرد. تیلیفونم را گرفتند و وقتی پرسیدم چه خبر است، به زبان دری گفتند: «حرف نزن.» این وضعیت حدود پنج دقیقه طول کشید. صدای آنها را از مخابره دستی می شنیدم، بعضی از آنها به انگلیسی صحبت می کردند و می گفتند کسی زیر پل است. چند دقیقه بعد، هلیکوپتر به پل فریز کرد. سپس ما را به کابل منتقل کردند، جایی که دو شب در ریاست امنیت ملی نگه داشته شدم (موقعیت را دقیق تشخیص کرده نتوانستم). پس از آن، به زندان بگرام منتقل شدم، جایی که هشت شب دیگر نگه داشته شدم. در این مدت، با من خوب رفتار شد و چند بار از من بازجویی شد. عکس‌هایی از اعضای طالبان را به من نشان دادند و در مورد آنها اطلاعات خواستند، اما من هیچ نمی‌دانستم که آنها چه کسانی هستند. آنها مرا لت و کوب نکردند، اما از من خواستند که به طالبان پناه ندهم.

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			در طول بازداشت، مدام به تماسی که از پسر زخمی‌ام دریافت کردم فکر می‌کردم و نگران وضعیتش بودم. پس از ده روز، مرا از زندان بگرام آزاد کردند و ۲۰۰ افغانی کرایه راه به من دادند. به قریه برگشتم و از پسرکاکیم خواستم برایم موتر بفرستد. وقتی نزدیک خانه رسیدم، یک تعداد از مردم را دیدم که گریه می‌کردند. به من گفته شد که دو پسر کشته شده‌اند: پسری که آن شب با من تماس گرفته بود و دیگری که برای نجات او رفته بود اما موفق نشده بود و زیر پل پنهان شده بود که هلیکوپتر به سویش فیر کرد. پسر دومم فقط ۲۲ یا ۲۳ سال داشت و فقط دو ماه از ازدواجش می‌گذشت. تازه عروسش حالا بیوه شده و برای رویاهای از دست رفته‌اش سوگواری می‌کند. [گریه می‌کند]."
۱۳	محفوظ	محفوظ	"این حادثه تقریباً ۱۵ سال پیش، در [تاریخ]، زمانی که درگیری بین نیروهای سابق دفاع ملی افغانستان و جنگجویان طالبان در [قریه من] رخ داد، اتفاق افتاد. در جریان تبادل آتش و مهمات سنگین، یک موشک به خانه من اصابت کرد و باعث آتش‌سوزی، تخریب آن و سوختن تمام وسایل خانه شد. این حادثه وحشتناک جان پسر ۱۷ ساله‌ام را گرفت. علاوه بر این، نواسه‌ام زخمی شد. پس از این فاجعه، اهالی قریه برای کمک به من آمدند تا اعضای خانواده‌ام را که زیر سقف فرو ریخته خانه‌ام گیر افتاده بودند، بیرون بیاورم."
۱۴	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، حدود ساعت ۱۸:۳۰، سه نواسه‌ام در حویلی خانه‌ما در [قریه محل سکونت] بازی می‌کردند که ناگهان یک گلوله هاوان به خانه اصابت کرد. در نتیجه، نواسه ۶ ساله‌ام در همان لحظه جان باخت و دو نواسه ۱۲ و ۷ ساله‌ام زخمی شدند. ما هر دو را ابتدا به [شفابخانه ولایتی] و سپس به شفابخانه ایمرجنسی (موقعیت) بردیم که هر دو پس از یک هفته مرخص شدند. من دقیقاً نمی‌دانم عامل حمله چه کسی بوده است. فقط می‌دانم که یک پوسته پولیس در مجاورت خانه ما بود و فکر می‌کنم هدف اصلی آنجا بود."
۱۵	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، حوالی ساعت ۱۳:۳۰ در [ولایت]، اشیای منفجر نشده، منفجر شد که منجر به کشته شدن دو پسر و زخمی شدن نه پسر دیگر از جمله دو فرزند من شد. این حادثه زمانی اتفاق افتاد که اطفال ماده منفجر نشده را در یک منطقه غیرمسکونی در نزدیکی یک زمین بازی پیدا کردند و با سنگ به آن کوبیدند تا اینکه شی منفجر شد. طبق گزارش‌ها، این ماده منفجر نشده از درگیری مسلحانه قبلی بین نیروهای اسبق ملی دفاعی و امنیتی افغانستان و طالبان سابق باقی مانده بود، زیرا نیروهای اسبق ملی دفاعی و امنیتی افغانستان از جمله نیروهای محافظتی خوست برای هدف قرار دادن مراکز اسبق عملیاتی طالبان در این منطقه استفاده می‌کردند."
۱۶	محفوظ	محفوظ	"تقریباً هشت سال پیش، در [ولایت] حوالی نیم شب، من از یک دستگاه سولری که آب مورد نیاز محل را تأمین می‌کرد، محافظت می‌کردم. ناگهان صدای بلند راکت را شنیدم. چند دقیقه بعد، برادرم تماس گرفت و از من

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			خواست که سریع به خانه برگردم زیرا خانه ما ویران شده بود. وقتی رسیدم، چیزی جز گرد و غبار و ویرانی نیافتم. متأسفانه، دو فرزندم (۴ و ۱۴ ساله) کشته شده بودند و چهار فرزند دیگرم (۳ تا ۱۲ ساله) و همسرم زخمی شدند. مجروحان به شفاخانه منتقل شدند. برادرم برای من توضیح داد که بین طالبان و پوسته اردوی ملی در منطقه تیراندازی متقابل صورت گرفته است. طالبان از قریه ما به سمت پوسته اردوی ملی تیراندازی کردند. و در پاسخ، اردوی ملی یک هاوان انداخت کرد که متأسفانه به خانه من اصابت کرد."
۱۷	محفوظ	محفوظ	"من یک کراچی دستی چهار عرابه ای داشتم و در جاده ها ظروف/اجناس پلاستیکی می فروختم. پسر بزرگم، [اسم]، فقط ۱۲ سال داشت که کشته شد. من که خودم بی سواد هستم، عمیقاً مشکلات یک فرد بی سواد را درک می کنم. به همین دلیل [پسرم] را تشویق کردم که به مکتب برود، به جای اینکه به من در فروش اجناس پلاستیکی در جاده ها کمک کند. صبح [تاریخ]، بعد از صبحانه، از او خواستم که به مکتب برود در حالی که من کراچی ام را برای فروش اجناس پلاستیکی می بردم. تنها پنج دقیقه پس از رفتن او، صدای انفجار مهیبی را شنیدیم که شیشه ها را لرزاند. با نگرانی به محل حادثه شتافتم. مردم قبلاً جمع شده بودند و به من گفتند که [پسرم] است. او را غرق در خون و با جراحت شدید سر پیدا کردم. او را به شفاخانه [محل] بردیم، اما خیلی دیر شده بود؛ او قبلاً مرده بود. پولیس تحقیق کرد تا مشخص کند که آیا این یک مواد انفجاری جاسازی شده بوده یا یک شی منفجر نشده. من معتقدم که شی منفجرناشده بوده است. ما در یک منطقه تپه ای در شهر (موقعیت) زندگی می کنیم که... اخیراً باران شدید و سیلاب ناگهانی را تجربه کرده است. ممکن است شی منفجر نشده در طول باران و سیلاب آشکار شده باشند."
۱۸	محفوظ	محفوظ	"من در [ولایت] زندگی می کنم، دهقان هستم و هیچ سابقه نظامی یا سیاسی در گذشته ندارم. روز جمعه، [تاریخ]، من با پسرم [نام] بالای مزرعه بادنجان رومی ما نزدیک مسجد برای جمع آوری حاصلات کار می کردیم. من کمی دور بودم و پسرم نزدیک مسجد بود که یک طیاره بدون سرنشین آمد و به مسجد تیراندازی کرد. ما نمی دانستیم چه کسی این طیاره بدون سرنشین را برای حمله به مسجد فرستاده است. همه ما روی زمین افتادیم و بعد از چند دقیقه، متوجه شدم که پسر در اثر اصابت چره از ناحیه سر جراحت دیده است. پسرم را برداشتم و فوراً او را به شفاخانه [ولایت] منتقل کردم و پس از دریافت کمک های اولیه صبحی او را به شفاخانه ایمرجنسی [موقعیت] منتقل کردم. پسرم در اوایل با مشکلات جسمی و روحی روبه رو بود اما اکنون رو به بهتر شدن است."
۱۹	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، طالبان به [ولسوالی من] حمله کردند و نیروهای محلی را شکست دادند. من با پدر، کاکا، برادرزاده و دیگر اهالی قریه ام مشغول کار و دهقانی بودم. ما را دستگیر کردند و دست های ما را از پشت بستند. گفتیم که

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			غیرنظامی هستیم و در جنگ نقشی نداریم. آنها گفتند شما هزاره هستید و باید کشته شوید. پدر و کاکایم به همراه پنج نفر دیگر از اهالی قریه کشته شدند. من و دیگران هم زخمی شدیم. در آن زمان ۱۵ سال داشتم. طالبان تمام خانه‌های ما را آتش زدند و آنها را ویران کردند. همه قربانیان دهاقین ملکی بودند. هیچ‌کدام جنگجو نبودند. وقتی طالبان به منطقه رسیدند، ما (من، کاکا و پدرم) در حال جمع آوری حاصلات گندم بودیم و فرار کردیم. ساعت ۸ صبح از مزرعه گندم فرار کردیم. ما از قریه خود به [منطقه دیگری] فرار کرده بودیم که توسط طالبان اسیر شدیم. در مجموع پنج مرد از جمله من زخمی شدند. من ساعت ۸ صبح وقتی دستانم با ریسمان بسته شد، زخمی شدم. با کلاشینکوف به شانه راست و پای راستم فیر شد. افرادی که کشته شدند پس از بسته شدن دستانشان از پشت کشته شدند. سپس توسط طالبان تیرباران شدند. عاملان به زبان‌های پشتو، اردو و چچنی صحبت می‌کردند. من نام آنها را نمی‌دانم. آنها ۲۰ نفر از اعضای نظامی طالبان بودند. بعد از اینکه ما را بستند، ۲۰۰ نفر دیگر از طالبان رسیدند. طالبان آرپی‌جی، تفنگچه و کلاشینکوف حمل می‌کردند. آنها خرمن، گاو، گوسفند، بز و خانه‌های ما را آتش زدند. آنها تعدادی از اسب‌های ما را بردند. من دیدم که طالبان ۱۲ قریه را به آتش کشیدند. پس از این همه سال‌ها، تا هنوز هم بعضی اوقات نمیتوانم به راحتی بخوابم. کشته شدن پدر و کاکایم پیوسته به یاد می‌آید. به یاد می‌آیم که چگونه آنها به قتل رسیدند و چگونه خانه و قریه من به آتش کشیده شد. و هیچ کسی مرا کمک نکرد."
۲۰	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، بعد از ظهر، پسرکاکایم، راننده تاکسی که فعالیت معمولش انتقال افسران پولیس از [محل] به [محل] بود، توسط طالبان در یک محل تلاشی در [منطقه] متوقف شد. طالبان او را به ضرب گلوله کشتند. بعداً فهمیدیم که طالبان در تویتر مسئولیت این حادثه را بر عهده گرفته و گفته‌اند که او افسر پولیس بوده است، اما اینطور نبود. او یک غیرنظامی بود. بعداً در همان روز، یک راننده تاکسی که قبلاً در همان مسیر رانندگی می‌کرد، با من تماس گرفت تا در مورد حادثه و محل جسدش به من اطلاع دهد. من رفتم تا جسد را تحویل بگیرم و آن را به شفاخانه بردم تا جسد را غسل داده و سپس آن را به خانه آوردم."
۲۱	۸ جنوری ۲۰۰۹	ولایت قندهار، ولسوالی میوند، منطقه بازار کشک نخود	"دقیقاً به خاطر نمی‌آورم که این حادثه چه زمانی اتفاق افتاد، اما فکر می‌کنم زمستان سال ۲۰۰۹ بود. طالبان به نیروهای خارجی در حالی که در بازار ولسوالی میوند ولایت قندهار بودند، حمله کردند. آنها یک حمله انتحاری علیه نیروهای خارجی که از پایگاه بیرون آمده بودند و از بازار بازدید می‌کردند، انجام دادند. در این حادثه، چهار غیرنظامی - که همه دکاندار بودند - کشته و حدود ده غیرنظامی، از جمله دکانداران، زخمی شدند. هدف، نیروهای خارجی بودند که از پایگاه خود به بازار آمده بودند. آنها [نیروهای نظامی بین‌المللی] در حالی که این حادثه اتفاق می‌افتاد، با دکانداران صحبت می‌کردند. چند نیروی خارجی نیز آسیب دیدند. پس از این حادثه، آنها

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			[نیروهای نظامی بین‌المللی] منطقه را مسدود کردند و به هیچ‌کس اجازه نزدیک شدن ندادند. برادرم و دامادش در این حادثه کشته شدند و یکی از برادرزاده‌هایم شدیداً زخمی شد.
۲۲	۸ نوامبر ۲۰۲۰	ولایت ولسوالی منطقه، ولسوالی قندهار، میوند، مرکز	"این حادثه در خزان سال ۲۰۲۰ رخ داد. تاریخ دقیق آن را به خاطر ندارم. حادثه بسیار بزرگی بود و بسیاری از غیرنظامیان را متأثر ساخت. این حادثه در بازار ولسوالی میوند، ولایت قندهار رخ داد. طالبان این حمله را انجام دادند. یک موتر مازدا پر از مواد منفجره توسط یک مهاجم انتحاری منفجر شد که باعث تلفات و ویرانی زیادی در بازار شد و به خانه‌های نزدیک محل حادثه نیز آسیب وارد کرد. برادر همسر من در این حادثه کشته شد. او در دکان خود بود و در بازار ولسوالی میوند، قندهار، اجناس می‌فروخت. نام او عبیدالله بود، اما به پهلوان معروف بود. او صاحب چهار دکان در بازار میوند بود و همراه با خویشاوندانش دکان‌ها را اداره می‌کرد. او در این حمله کشته شد و هر چهار دکانش به همراه اجناس از بین رفت. او از قوم بلوچ بود. در زمان حادثه، من نیز در بازار حضور داشتم اما از محل حادثه دور بودم. من شاهد این حادثه بودم و شاهد کشته شدن بسیاری از مردم و تخریب بیشتر دکان‌ها بودم. طالبان این حمله را برای هدف قرار دادن نیروهای امنیتی انجام دادند، اما غیرنظامیان آسیب دیدند."
۲۳	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، در [محل]، شی منفجر نشده (نوع نامشخص) منفجر شد. پسر و برادرم در حال شکستادن چوب بودند که تبرشان به شی منفجر نشده برخورد کرد و هر دو در محل جادرجا کشته شدند."
۲۴	۲۳ اگست ۲۰۱۹	ولایت زابل، ولسوالی قلات، منطقه کاکران چینه	"پسرکاکایم، احمد ضیا، که مجرد بود، به عنوان راننده در ریاست احیا و انکشاف دهات در شهر قلات، ولایت زابل کار می‌کرد. در ۲۳ اگست ۲۰۱۹، حوالی ساعت ۱۵:۰۰، او همراه با واسطه نقلیه دولتی خود ناپدید شد. او شب برنگشت. تیلیفونش خاموش بود. خانواده ما این حادثه را به آمریت مبارزه با جرایم پولیس و ریاست امنیت ملی اطلاع دادند. در صبح وقت [۲۴ اگست]، از اداره پولیس تماسی دریافت کردیم مبنی بر اینکه مقتول در بازداشت طالبان در ولسوالی ارغنداب زابل است. ما [خانواده] تصمیم گرفتیم چند نفر از بزرگان محل و چهره‌های بانفوذ قومی را جمع کنیم و برای ملاقات با ولسوال همان وقت (نام نهاد) طالبان رفتیم. هیئت در حال عزیمت به مرکز ولسوالی ارغنداب بود که کارکنان صحنه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با بقیه اعضای خانواده ما در قلات تماس گرفتند و پدر مقتول در راه ارغنداب بود و اطلاع دادند که جسد یک شهید را که توسط طالبان کشته شده، در قریه شخیل ولسوالی شاه‌جوی (در نزدیکی ولسوالی ارغنداب) پیدا کرده‌اند. او پسرکاکای من بود. هیئت ما از ولسوال طالبان دلیل ربوده شدن، بازداشت و قتل پسرکاکایم را پرسید. در پاسخ، ولسوال طالبان فقط گفت که مقتول مدتی با آنها بوده اما اکنون در ولسوالی شاه‌جوی است. سپس از آنها خواست که آنها را ترک کنند. سپس هیئت در مورد حادثه تحقیق کردند. آنها شاهدان عینی را پیدا کردند. به گفته آنها - که دکاندار بودند - آنها در صحنه قتل [در ولسوالی ارغنداب] حضور داشتند، چندین فیر مرمی به

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			بدن و سر پسرکاکیم صورت گرفته بود و سپس با موتر روی زمین کش شده بود ، بنابراین بیش از نیمی از بدنش قابل تشخیص نبود. پس از آن، طالبان به یک راننده تاکسی پول دادند تا جسد را از ولسوالی ارغنداب انتقال دهد. آنها پسرکاکیم را به جاسوسی برای ریاست امنیت ملی متهم کردند."
۲۵	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، در [محل]، حمله هوایی نیروهای طرفدار دولت بر مسجدی که جنگجویان سابق طالبان را هدف قرار داده بود، انجام شد که در نتیجه آن دو مرد کشته و شش مرد دیگر از جمله پسر من زخمی شدند. مسجد به دلیل انفجار تا حدی آسیب دید."
۲۶	محفوظ	محفوظ	"در شب [تاریخ]، درحالیکه مصروف آبیاری مزرعه خود بودیم، قریه ما توسط هلیکوپترهای نیروهای نظامی بین‌المللی بمباران شد. پس از توقف بمباران، پدرم برای احوال‌گیری بقیه مردم قریه رفت. متأسفانه، وقتی به مسجد مرکز قریه رسید، توسط یک هلیکوپتر نیروهای نظامی بین‌المللی که توسط یک کاندک پیاده‌اردوی ملی افغانستان پشتیبانی می‌شد، هدف قرار گرفت و به ضرب گلوله کشته شد. نیروهای کماندوی افغان به خانه ما حمله کردند و هنگام ورود درها را شکستند. آنها ما را لت و کوب کردند، ما را در یک طرف خانه محبوس کردند، خانه را تلاشی کردند و آیفون پدرم و تلفن اچ تی سی من را با خود بردند. آنها حتی بالش‌ها را هم پاره کردند. روز بعد، نیروهای نظامی بین‌المللی دوباره منطقه ما را بمباران کرد. پس از بمباران، ما توانستیم مراسم تشییع جنازه را برگزار کنیم و جسد پدرم را دفن کنیم. او در مورد عاملان این حادثه گفت که من از وابستگی دقیق آنها مطمئن نیستم، اما کسانی که این عملیات را انجام دادند به زبان‌های دری و پشتو صحبت می‌کردند و سگ‌هایی با خود نیز داشتند."
۲۷	محفوظ	محفوظ	"من باشنده [محل] هستم. هنوز با خانواده‌ام آنجا زندگی می‌کنم. از دو دهه پیش، من دهقان هستم و با وجود اینکه قریه ما تحت سلطه طالبان بود، هیچ ارتباطی با آنها نداشتم. در [تاریخ] حوالی ساعت ۱۸:۰۰، فرزندانم در حویلی خانه بازی می‌کردند که یک هاوان در داخل حویلی فرود آمد. در نتیجه، سه فرزندم (۱۰، ۸ و ۴ ساله) درجا جان باختند و پسر دیگرم از ناحیه پای راست مجروح شد. ما پسر مجروح را ابتدا به شفاخانه [ولایتی] و سپس به شفاخانه ایمرجنسی [موقعیت] منتقل کردیم."
۲۸	محفوظ	محفوظ	"روز حادثه، من و خانواده‌ام به خانه‌ی خسرانم در شهر (موقعیت) رفتیم. ما به یک مراسم عروسی دعوت شده بودیم. ما همسایه هم بودیم. حوالی ساعت ۱۰:۰۰ بود که یک راکت به سقف اتاق اصابت کرد. خوشبختانه همه بیرون بودند به جز نوزادم که ۴ یا ۵ ماهه بود و در تخت خواب خوابیده بود. نوزادم مورد اصابت چهار چره قرار گرفت - دو چره به سر و دو چره به سینه و شکم. ما او را به سرعت به شفاخانه رساندیم و خوشبختانه

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			پس از تداوی زیاد زنده ماند. او چندین روز در شفاخانه بستری بود و من مبلغ انگفتی را صرف تداوی او کردم. حتی مجبور شدم دکانم را بفروشم تا مصارف تداوی را بپردازم. در مورد اینکه چه کسی و چگونه راکت انداخت شده است، نمی دانم. با این حال، این تاریخ مصادف با روز استقلال افغانستان بود، بنابراین احتمالاً توسط گروه های مسلح مخالف دولت انداخت شده باشد."
۲۹	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، در [محل]، ظاهراً یک شی منفجره یا ماین فشاری ضد وسایط/پرسونل توسط طالبان سابق در جاده عمومی برای هدف قرار دادن نیروهای سابق ملی دفاعی و امنیتی افغانستان (پولیس ملی افغانستان/پولیس محلی افغانستان) جاسازی شده بود، اما این ماین یا شی منفجره تعبیه شده ضد وسایط/پرسونل در مقابل موتر توپوتای شخصی خانواده من منفجر شد و منجر به کشته شدن دو عضو خانواده ام (همسر برادرم و برادرزاده ام) و زخمی شدن دو زن از خانواده ام و یک افسر سابق پولیس محلی که او نیز از خانواده من بود، شد. همه قربانیان اعضای خانواده یا خویشاوندان من بودند. قربانیان مجروح برای تداوی به شفاخانه خصوصی و صحت عامه [شهر] منتقل شدند. موتر خانواده من نیز در این حادثه آسیب دید. در زمان حادثه، آنها با آن موتر از یک مراسم به خانه برمی گشتند."
۳۰	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، حوالی ساعت ۱۸:۰۰، در [محل]، سه مرد مسلح ناشناس (با صورت های پوشیده) پدرم را از وسیله نقلیه بیرون کشیدند، به او فیر کردند و او را کشتند. سپس عاملان با استفاده از تیلیفون همراه پدرم با ما تماس گرفتند و از ما خواستند که رفته و جسد را بیاوریم. تا به امروز، انگیزه این حادثه و عاملان آن ناشناخته مانده است. طالبان هرگونه دخالت در این حادثه را رد کرده اند. پدرم هیچ خصومت شخصی با کسی نداشت. او به عنوان رئیس شفاخانه ولسوالی کار می کرد. در زمان حادثه، او از دفتر خود در شهر به خانه برمی گشت. او یک جراح مشهور بود. او قبل از کشته شدن توسط هیچ طرفی تهدید نشده بود. قبل از این حادثه، طالبان یک بار او را دستگیر کرده بودند، اما او را سالم آزاد کردند. طالبان از او خواستند که جنگجویانشان را که در نبردها علیه دولت زخمی شده بودند، تداوی کند. پدرم همه افراد زخمی را تداوی می کرد، صرف نظر از اینکه آنها به کدام یک از طرف های درگیر، چه طالبان و چه دولت تعلق داشته باشند. در دو مورد، او توسط امنیت ملی احضار شد تا در مورد هویت بیمارانی که آنها را عملیات جراحی کرده است، معلومات دهد. او توضیح داد که او به ارائه خدمات صحتی به هر فردی که نیاز دارد بدون افشای هویت آنها متعهد است."
۳۱	۹ سپتمبر ۲۰۱۹	ولایت ولسوالی درقد، قریه القناق	"شام روز ۹ سپتمبر ۲۰۱۹، یک حمله هوایی علیه طالبان در قریه ما به نام القناق، ولسوالی درقد، ولایت تخار انجام شد. در آن زمان قریه ما تحت کنترل طالبان بود. یک راکت فیر شده توسط نیروهای نظامی بین المللی به یک منطقه مسکونی قریه اصابت کرد و خواهر ۱۱ ساله ام، بنارگل، را که در بیرون از خانه بازی می کرد، از ناحیه

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			چشم به شدت مجروح کرد. در نتیجه این حادثه، تعداد زیادی از مجاهدین (جنگجوی طالبان) نیز کشته و زخمی شدند."
۳۲	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، در هنگام شب، در [محل]، نیروهای سابق ملی دفاعی و امنیتی افغانستان، اردوی ملی افغانستان، ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغانستان به طور مشترک عملیات نظامی علیه طالبان در قریه ما انجام دادند و چند هاوان و توپ دی-۳۰ فیر کردند که به قریه اصابت کرد. یکی از هاوان ها به خانه ما برخورد کرد، در حالی که پدر و مادرم و تمام اعضای خانواده ما در داخل یک ریکشا بودند و از قریه به مکانی امن فرار می کردند. یکی از هاوان ها به ریکشا برخورد کرد و پدر و مادرم، دو خواهر و یک برادرم را کشت و دو برادر خردسالم و یکی از خواهرانم را زخمی کرد. یک وقت بسیار وحشتناک بود. در زمان حادثه، جنگجویان طالبان در نزدیکی قریه ما، چند صد متر دورتر بودند. هدف طالبان بود اما (هاوان) از هدف اصلی منحرف و به خانه ما برخورد کرد. برخی از هاوان ها نیز به سایر نقاط قریه ما اصابت کردند. شش ماه بعد، خواهرم که زخمی شده بود نیز در نتیجه این جراحت درگذشت."
۳۳	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، در [ولایت]، هنگامی که از قریه [...] به [محل دیگری] برای انجام کارهای شخصی ام در یک قریه واقع شده بین [دو موقعیت] می رفتم، طالبان کمین افراز کردند و به یک موتر شبه نظامیان طرفدار حکومت تیراندازی کردند. گلوله ای که طالبان فیر کرده بود به هدف نخورد و به شانهم اصابت کرد و مرا زخمی کرد. امبولانسی از [ولسوالی] فوراً به محل رسید و مرا به کلینیک برد، سپس به لطف (یا یکی از) آخرین هلیکوپتر (های) رژیم جمهوری، برای تداوی بیشتر به شفاخانه [ولایتی] منتقل شدم. پس از جراحی، گلوله از شانهم خارج ساخته شد. پس از جراحی، یک هفته را در شفاخانه [ولایتی] و سپس ۴۰ روز را در [شهر]، تحت مراقبت داکتران گذراندم."
۳۴	۵ جولای ۲۰۱۹	ولایت پکتیا، ولسوالی سمکنی، قریه چرگی و خیرانی	"۵ جولای ۲۰۱۹، حوالی ساعت ۱۰:۰۰ بود که یک هلیکوپتر سبز رنگ بر فراز قریه های ما، چرگی و خیرنی، دیده شد. من دو خانه داشتم: یکی در قریه چرگی و دیگری در قریه خیرانی، منطقه نوزی خوله، ولسوالی سمکنی، ولایت پکتیا. من در خانه ام در قریه خیرانی بودم که هلیکوپتر شروع به بمباران قریه چرگی، واقع در یک منطقه کوهستانی، کرد. خانه من و سایر خانه های اطراف آن را به مسافت ۶ الی ۷ کیلومتر بمباران کرد. در جریان بمباران خانه ام در قریه چرگی، دخترم، بادشاه گل (۸ ساله) در اثر شعله آرپی جی که توسط هلیکوپتری انداخت شده و به خانه برخورد کرده بود، سوخت. او بیهوش شد. پسر، برکت الله (۱۲ ساله)، از اثر اصابت چرّه آرپی جی در ناحیه سینه و سر جادرجا کشته شد."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			من دودی را که از خانه در قریه چرگی بلند می‌شد، دیدم. بنابراین، من همراه پسر دیگرم، فاتح‌الله از قریه خیرانی به خانه ما در قریه چرگی رفتم. دیدیم که یک قیامت واقعی در خانه ما رخ داده است. دخترم بادشاه گل را که زخمی شده بود، برداشتیم و او را داخل موتر گذاشتیم تا به شفاخانه منتقل کنیم، اما همزمان دیدم که هلیکوپتر خانه دوم من در قریه خیرانی را نیز بمباران کرد که در آن پسر دیگرم، نجیب‌الله (۱۰ ساله)، برادرزادهام کریم (۱۶ ساله) میرزا و برادرزادهام عایشه (۱۵ ساله) نیز مورد اصابت چره آرپی‌جی قرار گرفتند و زخمی شدند. موتر را به سمت خانه ما در قریه خیرانی سوق دادم تا اعضای مجروح خانواده ما را به شفاخانه منتقل کنیم. در آنجا، نجیب‌الله، کریم و عایشه را به داخل موتر بردیم. خواهر زاده دیگرم، بی‌بی حلیمه (۱۸ ساله) که مجرد بود نیز سوار موتر شد تا اعضای مجروح خانواده را به شفاخانه همراهی کند. وقتی همه در موتر نشستیم، تیرانداز هلیکوپتر شروع به تیراندازی به سمت موتر ما کرد. فرد مسلح به سینه پسر مجروح نجیب‌الله و خواهرزاده ام بی‌بی حلیمه نیز فیر کرد و هر دو جادرجا کشته شدند. ما اجساد نجیب‌الله و حلیمه را در خانه گذاشته و اطفال زخمی را در واسطه نقلیه از اهالی قریه گذاشته و به شفاخانه شهر نو ولسوالی چمکنی جهت تداوی عاجل انتقال دادیم."
۳۵	۵ اگست ۲۰۱۶	ولایت پکتیا، ولسوالی سمکنی، در جاده گردیز-سمکنی نزدیک مرکز اداری ولسوالی	"جمعه، ۵ اگست ۲۰۱۶، بعد از نماز جمعه در مسجدما، پدرم حوالی ساعت ۱۴:۰۰ مادر کلانم را سوار موترش کرد. مادرم، عزت بی‌بی، برادر ۲ ساله‌ام عثمان و پسر کاکای پدرم، مطیع‌الله (۳۶ ساله) آنها را همراهی می‌کردند. در آن زمان من ۱۸ ساله بودم. پس از خداحافظی با خانوادهام، به دواخانه کلینیک ما برگشتیم. حوالی ساعت ۱۶:۰۰، یکی از دوستانم آمد و از وقوع انفجاری در جاده عمومی اصلی سمکنی-گردیز خبر داد و از من خواست که به قربانیان را ببینم. وقتی به محل رسیدیم، با دیدن اجساد والدین، برادر کوچک، مادر کلان و پسر کاکایم از حال رفتیم. از شدت شوک بیهوش شدم و بعداً در خان به هوش آمدم. در آنجا پنج جسد با کفن‌های سفید گذاشته شده بود. بقیه اعضای خانوادهام، بشمول مادر اندر ام، چهار برادر و سه خواهرم، در حالت شوک بودند. ما نمی‌توانستیم واقعیت آنچه را که برای خانواده‌ما، به ویژه برای والدینم اتفاق افتاده بود، بپذیریم." این انفجار زمانی رخ داد که موتر پدرم از منطقه نوزی خوله در ولسوالی سمکنی عبور میکرد. یک شی انفجاری ضد وسایط/پرسونل یا ماین فشاری که توسط مخالفان مسلح (طالبان) جاسازی شده بود، منفجر شد و همه سرنشینان موتر را کشت."
۳۶	محفوظ	محفوظ	"حوالی ساعت ۶:۳۰ [محفل عروسی دختر یک سیاستمدار سرشناس محلی] بود. در این وقت، [سیاستمدار] و چند چهره سیاسی دیگر در داخل تالار عروسی بودند. بیشتر مهمانان قبلاً رسیده بودند. یادم می‌آید که صدای انفجار مهیبی به گوشم رسید. برای چند دقیقه ضعف کردم. وقتی چشمانم را باز کردم، همه جا را تاریکی، گرد و غبار و دود فرا گرفته بود. کوشش کردم بایستم و ببینم چه اتفاقی افتاده است. وقتی بلند شدم، تعداد زیادی از مردم را دیدم که غرق در خون روی زمین افتاده بودند. دیدم که یک دست و پای [سیاستمدار] قطع شده بود.

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			چهره‌های سیاسی دیگری نیز روی زمین افتاده بودند. سر فرد انتحار کننده به سقف تالار چسپیده بود و نیمی از بدنش روی زمین بود. نمی‌توانستم راه بروم یا از تالار عروسی بیرون بروم. منتظر ماندم تا اینکه صدای امبولانس‌ها و موترهای پولیس را شنیدم. سپس توسط یک افسر پولیس به بیرون تالار عروسی منتقل شدم. در آنجا، دو هلیکوپتر بلک هاک را دیدم که در آسمان پرواز می‌کردند و محل انفجار را بررسی می‌کردند. پارچه‌های شیشه به بدن من اصابت کرده بود، و از ناحیه سر و پاها زخمی شده بودم. این یک انفجار بزرگ و تاریخی در ولایت ما بود. بیش از ۵۰ نفر از مردم عادی زخمی و کشته شدند. من برای تداوی به مقر ریاست امنیت ملی منتقل شدم."
۳۷	۲۰ می ۲۰۲۱	ولایت سرپل، ولسوالی سید آباد، منطقه چاکران	"حوالی ظهر شنبه، ۲۰ می ۲۰۲۱ بود. من در زمینی نزدیک خانه‌ام در قریه ما، چاکران، ولسوالی سیدآباد، پیاز کشت می‌کردم. قریه دیگری به نام مغل‌جر در نزدیکی قریه ما وجود داشت که جنگجویان طالبان در آنجا پایگاه ساخته بودند. از سوی دیگر، در نزدیکی قریه ما، اردوی ملی افغانستان با مهمات نظامی خود برای حمله به طالبان مستقر شده بودند. اردوی ملی افغانستان به سمت جنگجویان طالبان آتش گشود. طالبان فرار کردند و قریه را ترک کردند، اما چند دقیقه بعد، یک طیاره جنگی نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان به آسمان قریه ما رسید و سه بمب پرتاب کرد. دو بمب به خانه من و یکی به کنار جاده نزدیک خانه من اصابت کرد. من چهار اتاق در خانه‌ام داشتم؛ همه آنها ویران شدند و همه چیز سوخت. پسر ۴ ساله‌ام، ذاکر، در داخل اتاق خواب بود. او در اثر اصابت پارچه‌های بمب در بدنش و فرو ریختن سقف خانه جا درجا کشته شد. همسر من از ناحیه مچ دست و سر زخمی شد. پسر دیگر من از ناحیه پا و دست مجروح شد و تا هنوز دستانش درست کار نمی‌کند. دختر من از ناحیه صورت زخمی شد، اما اکنون حالش خوب است. من زنده ماندم چون اندکی از محل حادثه دور بالای زمینم بودم. اعضای آسیب‌دیده خانواده‌ام را برای تداوی به شفاخانه دولتی سرپل آوردم."
۳۸	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۳۹	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۴۰	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۴۱	محفوظ	محفوظ	"این حادثه حوالی ساعت ۱۴:۰۰ در [محل مورد نظر] رخ داد. [قریه ما] تحت کنترل طالبان و [قریه مجاور] تحت کنترل نیروهای ملی دفاعی و امنیتی سابق افغانستان بود. خانه ما در کنار مسجدی بود که جنگجویان طالبان در آن اقامت داشتند. نیروهای طرفدار دولت به جنگجویان طالبان حمله کردند. هدف آنها مسجدی بود که جنگجویان طالبان در آن اقامت داشتند. آنها راکت و بمب دستی به سمت قریه پرتاب کردند، یک راکت به خانه من که فرزندانم و بچه‌های خویشاوندانم در آن بازی می‌کردند، اصابت کرد. چهار طفل پسر (۷، ۸، ۱۰

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			و ۱۲ ساله) جا درجا جان باختند. یکی از آنها پسر من و سه نفر دیگر برادرزاده‌هایم بودند. دختر ۱۳ ساله‌ام و یک مهمان زن زخمی شدند. آنها از ناحیه پا و شکم زخمی شدند. خانه کاملاً ویران شد."
۴۲	محفوظ	محفوظ	"من در نزدیکی یک پوسته اردوی ملی افغانستان زندگی می‌کنم. [مدتی قبل از سقوط حکومت پیشین]، طالبان از طرف شب به زور وارد خانه ما شدند و از آن به عنوان سپر استفاده کردند. من و خانواده‌ام از آنچه می‌توانست برای ما اتفاق بیفتد، بسیار می‌ترسیدیم. روز بعد، یک افسر اردوی ملی افغانستان با من تماس گرفت و به من هشدار داد که اگر طالبان خانه ما را ترک نکنند، هاوان و سایر مهمات سنگین را به سمت آن پرتاب خواهند کرد. او به من هشدار داد که خانواده‌ام را به جای دیگری منتقل کنم. از قوماندان طالبان در منطقه خواستم فوراً خانه‌ام را ترک کند. خانه بزرگی بود که آنها می‌توانستند از آن برای پنهان شدن و ایجاد یک موضع دفاعی مناسب استفاده کنند. اما آنها خانه‌ام را در معرض خطر نابودی قرار دادند. با وجود التماس‌های من به طالبان و توضیح اینکه اردوی ملی خانه‌ام را ویران خواهد کرد، آنها خانه ام را ترک نکردند. ترس من زمانی به حقیقت پیوست که دو طرف جنگ را آغاز کردند. آنها از هاوان و سایر سلاح‌های سنگین استفاده کردند. وقتی جنگ شروع شد، طالبان ابتدا به سمت پوسته اردوی ملی افغانستان فیر کردند. در پاسخ، اردوی ملی افغانستان چندین هاوان فیر کرد. یکی از این هاوان‌ها مستقیماً به خانه من اصابت کرد و باعث حریق آن شد. خانه من کاملاً ویران شد."
۴۳	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ] صبح حوالی ساعت ۵:۳۰، از خواب بیدار شدم و می‌خواستم برای ادای نماز صبح به مسجد بروم. بیست دقیقه بعد صدای انفجار مهیبی را شنیدم و اتاقم پر از گرد و خاک شد. در ابتدا فکر کردم هاوان به خانه‌ام اصابت کرده است، اما بعداً متوجه شدم که یک موتر پر از مواد انفجاری توسط نیروهای طالبان در مقابل [شفاخانه] که در نزدیکی [یک پایگاه نظامی] قرار دارد، منفجر شده است. هدف اصلی انفجار، تخریب دیوار [پایگاه نظامی] برای دسترسی به پایگاه بود. بسیاری از غیرنظامیان دیگر در این انفجار زخمی شدند. در نتیجه انفجار، بر اثر اصابت چره به پیشانی ام مجروح شدم، در حالی که مادرم و پسر ۱۲ ساله‌ام از اثر پارچه‌های شیشه‌ها مجروح شدند. ما را برای مداوی به کلینیک بردند و دو نفر از بستگان ما که جراحات جدی داشتند به شفاخانه منتقل شدند.

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			علاوه بر این، خانه ما تا حدی توسط انفجار قدرتمند تخریب شد. دروازه، کلکین‌ها و شیشه‌های خانه ما از بین رفت.
۴۴	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۴۵	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۴۶	۹ اگست ۲۰۲۱ (تقریبی)	ولایت خوست، ولسوالی موسی خیل، زرا کوت، قریه لمر	"تقریباً ساعت ۴ بعد از ظهر و حدود ۶ روز قبل از فروپاشی رژیم جمهوری بود، و درگیری شدیدی بین دولت و طالبان وجود داشت. ما داخل خانه بودیم و خیلی ترسیده بودیم. پدرم (برات)، خواهرم (نظیفه)، برادرم (عابد) و خواهر عزیزم (سایره) در یک اتاق در خانه بودیم. وقتی انفجار غیرمنتظره‌ای در داخل خانه ما رخ داد، ترس عمیقی را تجربه کردیم. بعداً مشخص شد که انفجار ناشی از گلوله هاوان بوده که توسط یکی از طرفین درگیر فیر شده است. منشأ گلوله هنوز مشخص نیست، اما مستقیماً به خانه ما اصابت کرد. من در مورد اینکه چی کاری کنم متردد بودم. انفجار خسارات زیادی به خانه وارد کرد. درگیری شدیدتر شد. پدر، خواهران و برادرم در خون غلتیده بودند. در آن زمان نتوانستم آنها را به شفاخانه ببرم. متأسفانه، پدرم و یکی از خواهرانم بر اثر جراحات وارده درگذشتند و شهید شدند. خواهر و برادر دیگرم نیز مجروح شدند و در همان شب در یک شفاخانه خصوصی در شهر خوست بستری شدند."
۴۷	محفوظ	محفوظ	"این حادثه حوالی ساعت ۱۴:۴۰ در جاده عمومی رخ داد. در حالی که با سه همکار از [محل] به [محل یگری] سفر می‌کردیم، مورد حمله افراد مسلح ناشناس قرار گرفتیم که بعداً مشخص شد شورشیان طالبان هستند. آنها من و همکارم را اختطاف کردند، و دو نفر دیگر موفق به فرار شدند. من و [همکارم] تقریباً دو نیم ماه در اسارت بسر می‌بردیم. مطمئن هستم که گروگان‌گیران ما جنگجویان طالبان بودند. حوالی ساعت ۱۴:۴۰، هشت مرد مسلح شاهراه را مسدود کردند. آنها به موتر ما نزدیک شدند و از ما خواستند که هر دو پیاده شویم. آنها مرا به زور از شانه چپم کش کردند، به داخل موتر خود بردند و وقتی مقاومت کردم با قنداق تفنگچه به سرم کوبیدند. سرم خونریزی کرد و لباس‌هایم با خون یکسان شد. آنها مرا در چوکی عقب بین دو عضو مسلح طالبان نشانده، چشم‌ها و دستانم را بستند و تمام وسایلم را از نزدم گرفتند. پس از حدود دو ساعت سفر با موتر، آنها مرا مجبور کردند که تقریباً ۱۵ تا ۲۰ دقیقه با چشمان و دستان بسته پیاده راه بروم. در نهایت دستانم را باز کردند و مرا مجبور به دویدن کردند. و چهار ساعت با آنها پیاده‌روی کردیم، که در این مدت از مناطق کوهستانی عبور کردیم. هوا تاریک شده بود و هیچ نیروی ملی دفاعی و امنیتی برای نجات ما نیامد. شب، موتر دیگری رسید و من و همکارم را با چشمان و دستان بسته بردند. پس از سه

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			ساعت سفر با موتر ما را به به خانه‌ای بردند که در آنجا اعضای طالبان ما را در رابطه با سابقه و شغل کاری ما مورد تحقیق و ضرب و شتم قرار دادند. پس از گذراندن سه شب در این خانه، گروه جدیدی از طالبان ما را پس از چهار ساعت سفر با موتر به یک منطقه کوهستانی بردند که با دستان و چشمان بسته پیاده‌روی کردیم. ما را به مدت ۱۸ شب، در حالی که زنجیر و چشمان بسته بودیم، در میان بوی بد فضولات حیوانات، در یک طویله نگه داشتند. طالبان از ما در مورد جزئیات خانوادگی ما تحقیق کردند، ما را لت و کوب کردند، به ما دشنام دادند و ما را به محاکمه تهدید کردند. در شب نوزدهم، آنها بر اساس احکام محکمه خود، ما را به دلیل فعالیت‌های ضد اسلامی متعدد مجرم شناختند و به ما دستور دادند که با خانواده‌های ما تماس بگیریم و حرف‌های آخری خود را به آنها بگوییم. من هیچ شماره تلفنی را به خاطر نمی‌آوردم، اما [همکارم] موفق شد با خانواده‌اش تماس بگیرد. در این لحظه، آنها ما را به یک منطقه باز در کوه‌ها بردند و چند فیر پراکنده کردند تا ما را وادار کنند به خانواده‌های ما بگوییم که اگر خواسته‌هایشان برآورده نشود، به زودی کشته خواهیم شد. صبح روز بعد، ما را به مکان دیگری منتقل کردند که در آنجا به مدت چهار شب در یک خیمه کوچی [ها] نگهداری می‌شدیم که در ترس و هراس بودیم. گروه دیگری از طالبان ما را با چشمان و دستان بسته به مکان‌های مختلف انتقال دادند. یک بار، ما را به خانه‌ای با دیوارهای گوله خورده بردند و دو شب در آنجا ماندیم. از آنجا، ما را در شرایط خفقان‌آور به جایی که فکر می‌کردیم [موقعیت] است منتقل کردند و در آنجا برای مدت ۱۴ شب زندانی شدیم و با ما نسبتاً رفتار خوب صورت گرفت. من دقیقاً مکان‌های دیگری را که ما را بردند به خاطر نمی‌آورم، اما در نهایت ما را به ولایت دیگری انتقال دادند. سپس دوباره ما را منتقل کردند، به مدت دو شب در اتاقی با مدفوع گاو روی دیوارها و بعداً به مدت سه شب در اتاقی در طبقه پایین با حشرات نگهداشتند. عذر کردیم تا ما را در یک مکان بود و باش بهتر ببرد و در نهایت به مکان جدیدی منتقل شدیم که به ما گفته شد روز بعد آزاد خواهیم شد. صبح روز بعد، ما را به [مکان دیگری] بردند، جایی که از ما فلم گرفته شد. اعتراف کردیم که با ما بدرفتاری نشده است. سرانجام، ما را در [مرکز ولایت] پیاده کردند که در آنجا مردم منتظر بودند تا ما را به خانه ببرند."
۴۸	محفوظ	محفوظ	"یک روز که با موتر دور از شهر رفته بودم، به من دفعتاً اطلاع دادند که باید عاجل نزد برادر مجروحم به شفاخانه بروم، زیرا یک مهاجم انتحاری طالبان در نزدیکی [دفتر والی] خود را منفجر کرده بود، من نمی‌دانستم هدف چه بود.

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			برادرم یک شهروند از طبقه متوسط و دارای شغل آزاد است، او در زمان انفجار در آن ساحه بود و در نتیجه، شدیداً مجروح شد."
۴۹	۸ اکتوبر ۲۰۱۶	ولایت نیمروز، ولسوالی دلارام، در بازار حاجی غلام	"یک روز بعد از ظهر، حوالی ساعت ۱۵:۰۰، در ۸ اکتوبر ۲۰۱۶، در ولایت نیمروز، ولسوالی دلارام، در بازار حاجی غلام، جایی که من یک دکان پرچون فروشی داشتم، چند طالب مسلح آمدند و جلوی دکان من ایستادند. آنها توسط پولیس ولسوالی رژیم سابق تعقیب می شدند. اندکی بعد، طالبان پا به فرار گذاشتند و پولیس بدون تفکیک با تفنگ های کلشینکوف و پی کا خود به تیراندازی پرداختند. در نتیجه، گلوله در اثر اصابت گلوله از ناحیه هر دو مچ پا شدیداً مجروح شدم و دکاندار همسایه ام کشته شد. به دلیل خونریزی و درد شدید، بیهوش شدم. مردم محل مرا به نزدیکترین کلینیک شخصی برای دریافت کمک های اولیه منتقل کردند. بعداً، برای انجام عمل جراحی ارتوپیدی به یک شفاخانه شخصی بهتر (مهمند) در قندهار منتقل شدم. مدتی در شفاخانه بستری ماندم. معلوم شد که یکی از پاهایم به دلیل اصابت گلوله فلج شده است."
۵۰	۱ جنوری ۲۰۲۰ (تقریباً)	ولایت زابل، ولسوالی دای چوپان، منطقه سره قلعه	"من به نمایندگی از قربانی که وضعیت صحتی خوبی برای مصاحبه ندارد، صحبت خواهم کرد. طبق معلومات من به عنوان یکی از بستگان قربانی، اگرچه نمی توانم تاریخ دقیق را به خاطر بیاورم، احتمالاً اول جنوری ۲۰۲۰، چهار و نیم سال قبل، ساعت یک بعد از ظهر، در منطقه سره قلعه، ولسوالی دای چوپان (واقع در مجاورت ولسوالی میزان)، ولایت زابل اعضای خانواده خیشنه ام (سه پسر، یک دختر متاهل و فرزند پسر او) و خودش در خانه او بودند. پولیس پوسته [زمان] جمهوری که نزدیک به خانه آنها بود، وارد درگیری مسلحانه با طالبان شد. بلافاصله پس از شروع درگیری، یک مرمی هاوان یا راکت به یکی از اتاق های محل سکونت قربانی و نواسه اش اصابت کرد. در نتیجه، اتاق آسیب دید، یک طفل (پسر) جراحت برداشته و کشته شد. ما هیچ نفهمیدیم که راکت از کجا آمده و چه کسی آن را فیر کرده است، زیرا درگیری زمینی شدید بود و هر دو طرف از تبادل آتش سلاح های سبک و سنگین استفاده میکردند."
۵۱ (دو مصاحبه شونده)	۱۸ جون ۲۰۲۱	ولایت جوزجان، ولسوالی آقچه، منطقه آقچه نمای	[پدر قربانی، غوث الدین]: "صبح وقت روزجمعه، حوالی ساعت ۴:۰۰، مورخ ۱۸ جون ۲۰۲۱، بخاطر ادای نماز صبح به طرف مسجد می رفتم. از آنجایی که تابستان بود و هوا گرم، تمام خانواده ام، از جمله دو پسر کوچکم، مادر بیمارم و خواهر متاهلم که برای عیادت مادر بیمارم آمده بود، همگی در حویلی خانه ما خوابیده بودند. ناگهان، یک راکت از یک پوسته اربکی به خانه ما واقع در منطقه آقچه نمای، شهر آقچه، ولسوالی آقچه، ولایت جوزجان اصابت کرد. وقتی چشمانم را باز کردم، مادر و خواهرم را دیدم که به همراه دو پسر ۶ و ۵ ساله ام، بی حرکت در خون غلتیده بودند. با عجله رفتم تا مادر و خواهرم را بردارم، اما خودم هم به دلیل جراحات وارده،

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			روی زمین افتادم. همسایه‌ها به سرعت به کمک ما آمدند و متوجه شدم که مادر و خواهرم کشته شده‌اند در حالی که دو پسر به شدت مجروح شده‌اند، یکی از ناحیه پا و دیگری از ناحیه شکم، و هر دو معلول شده‌اند. [قربانی، بلال]: "من با آرامش زیر پشه‌خانه خوابیده بودم که ناگهان از یک خواب وحشتناک بیدار شدم. در کمال تعجب، مادرم را دیدم که به آرامی پایم را با پارچه‌ای می‌پیچید. چیزی که بعد از آن به ذهنم رسید این بود که خودم را در شفاخانه یافتم. بعد از گذراندن ده روز در شفاخانه، متوجه شدم که نمی‌توانم پایم را تکان دهم. مثل اینکه روشنائی روز به تاریکی شب تبدیل شده بود. دو عمل جراحی روی پایم انجام شد، اما متأسفانه موفقیت‌آمیز نبودند. از آن زمان بدینسو، به دلیل آسیب شدیدی که به پایم وارد شده بود، نمی‌توانستم بدون چوب‌دستی راه بروم."
۵۲	۳ اکتوبر ۲۰۱۶	ولایت جوزجان، ولسوالی درزاب، منطقه بازار ولسوالی	"صبح روز دوشنبه بود پسری دروازه خانه ما را زد و گفت که انفجار بزرگی در منطقه بازار ولسوالی رخ داده و شوهرم زخمی شده است. تعداد زیادی از مردم آسیب دیده بودند. همه مجروحان، از جمله شوهرم، به شفاخانه ولسوالی درزاب منتقل شده بودند. خسر با عجله به شفاخانه آمد و در همان روز، شوهرم را به شفاخانه ولایتی جوزجان برد. شوهرم به پدرش التماس کرد و گفت که او خواهد مرد و می‌خواهد فرزندان و مرا ببیند، اما به دلیل عدم توان پرداخت کرایه تکی، نتوانستم او را ببینم.. شوهرم در شفاخانه تحت عمل جراحی قرار گرفته بود. باوجود آنهم، روز بعد به دلیل زخم شدیدی که از اثر انفجار برداشته بود، درگذشت."
۵۳	محفوظ	محفوظ	"صبح جمعه حوالی ساعت ۱۰ بود. ما هشت نفر، از جمله خانواده‌ام و خانواده ایورم، خانه را ذریعه [یک موتر] به قصد شرکت در مراسم خاکسپاری برادرزاده ۲۰ ساله‌ام که روز قبل توسط هاوان دولت کشته شده بود، ترک کردیم. اما، در مسیر راه موتر ما با یک ماین فشاری تعبیه شده ضد وسایط/پرسونل برخورد کرد و منفجر شد و شوهرم را کشت و من، دخترم و پسر را زخمی کرد. علاوه بر این، این حادثه چهار نفر از بستگان، از جمله همسر ایورم و دختر دو ساله‌اش، یک مرد بالغ از بستگانم و راننده را کشت. طالبان ماین فشاری را در جاده‌ای در مقابل تانک‌های دولتی کارگذاری کرده بودند و وقتی موتر ما با ماین برخورد کرد، منفجر شد و باعث قتل عام شد. شوهرم حدود چهار ساعت زنده بود و حدود ۲۰ متر از من فاصله داشت، دخترم حدود ۱۰ متر و پسرم حدود ۵ متر از من دورتر افتاده بودند. شوهرم از من خواست که به او کمک کنم و تیلیفون همراهش را از جیبش بیرون آورم تا با کسی برای درخواست کمک تماس بگیرد، اما من پاسخ دادم که نمی‌توانم حرکت کنم چون دو پایم شکسته است. سپس او دستش را به مشکل حرکت داد تا تیلیفون را بگیرد اما نتوانست. به همین ترتیب، همسر ایورم نیز زنده بود. هم شوهرم و هم همسر ایورم قبل از مرگ درخواست کمک کردند. دولت سه بار تلاش کرد تا افراد تلف شده را جمع‌آوری کند، اما هر بار، طالبان از خانه‌ای ویران که در آن پناه گرفته بودند، به آنها حمله کردند. در چهارمین تلاش، دولت حمله بزرگی به مواضع طالبان انجام داد و موفق به جمع‌آوری

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			افراد تلف شده شد. اما متأسفانه، شوهرم و همسر ایورم تا آن زمان جان خود را از دست داده بودند و من و دو فرزندم را نجات دادند."
۵۴	۶ سپتمبر ۲۰۱۶	ولایت جوزجان، شهر شبرغان، قریه افغان تپه، منطقه خواجه برهان	"صبح، حوالی ساعت ۹:۳۰، ۶ سپتمبر ۲۰۱۶ بود که پسری دروازه خانه ما را زد و گفت که انفجاری در چراگاه رخ داده و پسر و برادرزاده تان و یک پسر دیگر را زخمی کرده است. من یک موتر کرایه کردم و به سمت محل حادثه شتافتم و هر سه پسر، از جمله پسر، را دیدم که در خون غلتیده بودند. این حادثه نیم ساعت قبل از رسیدن من به محل حادثه واقع در یک چراگاه در منطقه خواجه برهان، قریه افغان تپه، شهر شبرغان ولایت جوزجان رخ داد و حادثه زمانی رخ داد که یک گوسفند روی یک مری هاوان منفجر نشده پا گذاشت که در نتیجه گوسفند را کشت و سه پسر را زخمی کرد."
۵۵	۲۵ اکتوبر ۲۰۱۵	ولایت جوزجان، ولسوالی خما، قریه اتفاق پایین، منطقه دانه گی	«وقت نماز شام یکشنبه، ۲۵ اکتوبر ۲۰۱۵ بود. من طفل نوزادم را در اتاق نشیمن خانه ما در آغوش گرفته بودم. شوهرم برای ادای نماز شام به مسجد می رفت که ناگهان یک هاوان دولتی جلوی دروازه خانه ما در قریه دانه گی، ولسوالی خما، جوزجان، اصابت کرد و شوهرم را کشت. چهره های آن چهار نفر دیگر از جمله دختر ۱۷ ساله ام، ایور و پسر ۹ ساله اش را که یک روز قبل به دلیل درگیری مسلحانه مداوم از قریه شان فرار کرده و در خانه ما پناه گرفته بودند، و همچنین همسر ایورم که در همسایگی ما زندگی می کرد، شدیداً زخمی کرد. علاوه بر این، خانه ما را تا حدی ویران کرد."
۵۶	۲۵ اکتوبر ۲۰۱۵	ولایت جوزجان، ولسوالی خما، قریه دانه گی	"من و پدرم در خانه کاکایم در قریه دانه گی ولسوالی خما، جوزجان اقامت داشتیم که هنگام نماز شام (حوالی ساعت ۱۶:۳۰، ۲۵ اکتوبر ۲۰۱۵)، هاوانی به خانه شان اصابت کرد و من بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم، متوجه شدم که بسیاری از همسایه ها جمع شده اند، فریاد می زنند و سر و صدا می کنند. متوجه شدم که یکی از چشمانم نابینا شده، کاکایم کشته شده و چهار نفر دیگر، از جمله پدرم، یک دختر کاکا و همسران دو کاکایم، نیز زخمی شده و در خون غلتیده اند. این هاوان دولتی بود که از منطقه بازار خما، در نزدیکی مقام ولسوالی فیر شده بود. علاوه بر این، یکی از بستگان ما شاهد عینی فیر شدن آن هاوان بود و به آنها گفته بود که آن هاوان را انداخت نکنند زیرا طالبی وجود نداشت. طالبان از قریه دیگری به پایگاه دولتی حمله کرده و متعاقباً از منطقه فرار کرده بودند. با این حال، دولت خانه های غیرنظامیان را با راکت ها و هاوان های کور خود هدف قرار می دهد و یکی از هاوان ها به خانه کاکایم اصابت کرد."
۵۷	محفوظ	محفوظ	"شوهرم یک داکتر جوان و با استعداد بود. او هفت سال در رشته طب تحصیل کرد و اخیراً به عنوان داکتر در یک شفاخانه [موقعیت] مقرر شده بود. در [تاریخ]، حدود ساعت ۲۰:۰۰، در حالی که بسوی خانه میرفت بود، افراد مسلح ناشناس او را به ضرب گلوله کشتند."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۵۸	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، ناوقت بعد از ظهر، درگیری شدیدی در [محل] بین طالبان و اردوی ملی افغانستان پس از پرتاب هاوان توسط طالبان به پایگاه نظامی اردوی ملی افغانستان آغاز شد. این نبرد ساعت‌ها ادامه داشت و هر دو طرف به تبادل آتش هاوان و راکت پرداختند. متأسفانه، یکی از هاوان‌ها به خانه ما اصابت کرد و چندین اتاق را ویران کرد و من و پسر [نام] را با چره زخمی کرد. من جراحات سطحی برداشتم، اما پسرم شدیداً مجروح شد. او را به شفاخانه [ولایتی] بردیم، اما به دلیل شدت جراحاتش، به شفاخانه دیگری ارجاع داده شد و پس از هفت روز از آنجا مرخص شد، اما دوامدار به مدت سه ماه، هفته‌ای یک بار به شفاخانه مراجعه می‌کرد."
۵۹	محفوظ	محفوظ	"حدود دو سال قبل حوالی ساعت ۱۳:۰۰، دو پسر کاکایم و دو نفر از رفقای قریه برای خریداری مواد اولیه خانه بطرف [شهر] می‌رفتند. سرک خراب بود، بناء آنها از موتر پایین شدن و پیاده رفتند. یکی از آنها ناآگاهانه بالای یک ماین که در آنجا چاسازی شده بود قدم گذاشت که باعث انفجار شد. از میان سه نفر، پسر کاکایم و یک رفیق قریه او شهید شدند و پسر دیگر کاکایم جراحات های سطحی برداشت. انفجار او را به یک فاصله بسیار دور پرتاب کرد، اما جراحات های سطحی برداشت."
۶۰	۲ اپریل ۲۰۱۸	ولایت کندز، ولسوالی ارجی، قریه لغمانی	"تا جایی که به یاد دارم، اول اپریل ۲۰۱۸، حوالی ساعت ۱۲ ظهر بود. من در مراسم فراغت مدرسه گوجر آخندزاده در قریه لغمانی ولسوالی دشت ارجی ولایت کندز بودم که دو هلیکوپتر کوچک متعلق به اردوی ملی افغانستان رسیدند. مردم مطمئن بودند که هیچ حمله‌ای صورت نخواهد گرفت، زیرا برگزاری مراسم با مقام ولایت کندز و نهادهای امنیتی کندز هماهنگ شده بود. صدها نفر از کندز و برخی ولایات دیگر در این گردهمایی شرکت کردند. چون وقت طعام چاشت بود و غذا (غذای خیرات) آماده بود، ده‌ها تن از دهاقین، کارگران، دیگر مردان فقیر منطقه و اطفال قریه‌های مجاور و همچنین شاگردان دو مکتب در منطقه، برای صرف غذای رایگان به مدرسه آمدند. ناگهان، به این گردهمایی حمله شد. خانه‌های مجاور و ساختمان‌های مکتب در منطقه نیز هدف قرار گرفتند. تقریباً به مدت ۲۰ دقیقه، دو هلیکوپتر راکت پرتاب کردند و این مکان ها را بمبارد کردند. در نتیجه این حمله، ۶۴ غیرنظامی، از جمله مردان و اطفال پسر، کشته شدند و ۲۰۳ غیرنظامی، از جمله مردان و اطفال پسر، زخمی شدند. حدود ۷۰ نفر، از جمله خود من، جراحات بسیار شدیدی برداشتیم."
۶۱	محفوظ	محفوظ	"در [تاریخ]، یک شی منفجر ناشده در یک فضای باز در کنار تپه‌های نزدیک قریه ما منفجر شد. در نتیجه این حادثه، پسر ۸ ساله‌ام فوت کرد و سه طفل پسر از بستگان ما (بین ۹ تا ۱۲ سال) پس از برخورد سنگ به شی انفجار ناشده، مجروح شدند. در زمان حادثه، اطفال در مسجد محل مشغول یادگیری قرآن کریم بودند."
۶۲	۱۹ جولای ۲۰۱۸	ولسوالی کندز، چهاردره	"در ۱۹ جولای ۲۰۱۸، حوالی ساعت ۱۰:۰۰، در ولایت کندز، دو جت جنگنده آمریکایی سه بمب را بر خانه من و دو خانه مجاور بستگانم پرتاب کردند. در نتیجه، سه خانه به طور کامل ویران شد و ۱۴ نفر از خویشاوندان

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			ملکی - و فامیل من (اعضای خانواده‌های دو برادر و یک خواهرم)، از جمله دو مرد، دو طفل پسر، شش طفل دختر و دو زن، کشته شدند. تنها یک طفل پسر از این حمله جان سالم به در برد. پس از حادثه، مردم برای بیرون آوردن اجساد قربانیان از خانه‌های ویران شده آمدند. همه اجساد، به جز دو طفل دختر، پیدا شدند."
۶۳	۱۱ جنوری ۲۰۱۶	ولایت تخار، ولسوالی درقد، قریه نورخیل (قسمت پایین نورخیل)	"در ۱۱ جنوری ۲۰۱۶، در جریان شب، در قریه نورخیل پایان (قسمت پایینی نورخیل) ولسوالی درقد، ولایت تخار، یک مرغی هاوان که توسط اردوی ملی افغانستان از منطقه نورخیل بالا (قسمت بالایی نورخیل) انداخت شده بود، به سقف اتاق نشیمن برادرم، ناظر محمد، که یک غیرنظامی بود، برخورد کرد و او، همسر و دختر ۳ ماهه‌اش را کشت. در اتاقی که هاوان به آن اصابت کرد، چهار فرزند دیگر برادرم (سه پسر و دخترش) نیز بودند. آنها آسیبی ندیدند. در آن زمان، من و خانواده‌ام نیز در همان خانه زندگی می‌کردیم. در زمان حادثه، من آنجا بودم که ناگهان صدای وحشتناکی شنیدم. فوراً متوجه شدم که هاوان به اتاق نشیمن برادرم اصابت کرده است. سپس به اتاق او رفتم و دیدم که برادرم، همسر و نوزاد دختر او کشته شده‌اند. پس از آن، همسایه‌ها به خانه ما رسیدند."
۶۴	محفوظ	محفوظ	"دلیل این حادثه این بود که من و سه نفر دیگر از اهالی قریه برای یافتن جسد ایورم، عضو طالبان، که صبح همان روز توسط شبه‌نظامیان طرفدار دولت و پولیس ملی کشته شده بود، به منطقه رفتیم. وقتی به ساحه رسیدیم، توسط پولیس و شبه نظامیان طرفدار دولت مورد کمین قرار گرفتیم. آنها به طرف من و دیگر اهالی قریه فیر کردند و آنها را زخمی کردند. آنها اجازه ندادند جسد خویشاوند ما را تحویل بگیریم. آنها به جسد او بی‌احترامی کردند، در عقب موتر بستند و در حالی که زنان خانواده متوفی، از جمله مادر و همسرش، از خانه‌هایشان بیرون آمده بودند تا جسد را تحویل بگیرند، در اطراف قریه می‌گردانند. اهالی قریه آمدند و ما را به کلینیک بردند. داکتران شفاخانه زخم‌هایم را پانسمان کردند، اما نتوانستند مرغی را از زانویم بیرون بیاورند."
۶۵	۲۷ نوامبر ۲۰۱۹	ولایت کندز، ولسوالی امام صاحب، قریه قرغان تپه	"در تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹، اعضای چهار خانواده، شامل خانواده من، خانواده پدرم، خانواده خواهرم و خانواده یکی از بستگانم، در مسیر رفتن به مراسم عروسی پسرکاکیم در قریه آیکم‌چال ولسوالی امام صاحب بودیم. در مسیر راه، موتر پیکپ ما با یک ماین فشاری تعبیه شده ضد وسایط/پرسونل طالبان برخورد کرد. در نتیجه، از ۱۶ سرنشین موتر، من، راننده و دخترم جان سالم به در بردیم، اما ۱۳ نفر دیگر، شامل یک مرد، سه زن، سه پسر و دختر، کشته شدند و موتر از بین رفت. شش نفر از قربانیان اعضای خانواده من (همسر، دو پسر و سه دختر) بودند. منطقه‌ای که این حادثه در آن رخ داد تحت کنترل طالبان بود. این حادثه در یک جاده مین‌گذاری شده رخ داد. هیچ نشانه‌ای از خطر یا چیزی که نشان دهد ماین تعبیه شده وجود دارد یا علامت دیگری که مانع رفتن ما به آنجا یا استفاده از آن جاده شود، وجود نداشت. راننده یکی از ساکنان محلی بود که معلومات کافی در مورد زمین‌های مین‌گذاری شده در این ولسوالی داشت. به گفته مردم منطقه، ماین فشاری ضد

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			وسایط/پرسونل اخیراً توسط طالبان برای هدف قرار دادن نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان جاسازی شده بود.
۶۶	م محفوظ	م محفوظ	م محفوظ
۶۷	۸ فبروری ۲۰۲۰	ولایت بلخ، ولسوالی چمتال، قریه قلعه رزاق	"این اتفاق در ساعت ۷:۰۰ صبح ۸ فبروری ۲۰۲۰ در قریه قلعه رزاق (همچنان معروف به جرقله)، ولسوالی چمتال، ولایت بلخ رخ داد که یک طیاره منطقه را بمباران کرد. پسرکاکایم، پسر بزرگش و همچنین دو مرد ملکی دیگر که همه همسایه و دوست او بودند، پس از نماز صبح در مسجد قریه خود نشسته و با هم صحبت می کردند. پسرکاکایم یک دکان خوراکه فروشی داشت که در کنار خانه اش بود و همه آنها با هم نشسته بودند که ناگهان طیاره از بالای سرشان گذشت و به سرعت منطقه را بمباران کرد. این بمباران باعث مرگ دو نفر (یک طفل پسر و یک مرد بزرگسال) و زخمی شدن سه نفر (یک طفل پسر و دو مرد بزرگسال) شد که همه غیرنظامی بودند. تلفات همچنین شامل یک پسر ۱۳ ساله بود که هنگام بازی در حویلی خانه اش زخمی شد. در میان قربانیان، پسرکاکایم، شاه رسول ۴۵ ساله، به شدت زخمی شد و پسرش محمد رسول ۱۸ ساله کشته شد. محمد رسول در اثر جراحات شدیدی که از این حادثه دریافت کرده بود، جا درجا درگذشت. بدنش تکه تکه شده بود و ما به سختی توانستیم جسدش را جمع کنیم و صبح روز بعد دفن کنیم. تمام بدن شاه رسول مورد اصابت چره قرار گرفته بود و ما حتی نمی توانستیم بدنش را با دست لمس کنیم زیرا تمام بدنش زخمی شده بود و خونریزی داشت. علاوه بر این، خانه شاه رسول تا حدی آسیب دیده بود، که دیوارهای، دروازه بیرونی خانه و دروازه خانه اش تا حدی آسیب دیده بودند. در این مورد هیچ تلفاتی از طالبان وجود نداشت و همه غیرنظامیان بودند."
۶۸	۱۸ سپتمبر ۲۰۲۰	ولایت سمنگان، ولسوالی دره صوف پایین، تاجک دهی	"در ۱۸ سپتمبر ۲۰۲۰، حوالی ساعت ۲۳:۳۰، جنگ ویرانگری بین طالبان و دولت درگرفت. ما واقعاً ترسیده بودیم و انتظار نداشتیم که جنگ تا این حد شدت بگیرد. ما شاهد جنگ های زیادی بین طالبان و دولت در دره صوف پایین بودیم. طالبان به منطقه بازار رسیدند و برخی در مسجد جامع، برخی دیگر در بازار و برخی دیگر در نزدیکی خانه ما موضع گرفتند. وقتی جنگ شروع شد، ما به داخل خانه های ما رفتیم و آنجا ماندیم. بعد از تقریباً ۲ ساعت، ساعت ۱:۳۰، یک طیاره اردوی ملی افغانستان شروع به پرواز بر فراز آسمان کرد. فکر می کردم جنگ تمام شده است، اما اشتباه می کردم. طیاره دو راکت به خانه ما انداخت کرد. خانه متعلق به پدرم، حاجی عزیز، است که من و برادرانم با هم در آن زندگی می کنیم. این خانه دو طبقه ای است. وقتی راکت ها به خانه ما اصابت کردند، تا حدی آسیب دید و ۸ نفر از اعضای خانواده ام زخمی شدند. یک پارچه چره به شکم دختر نوجوانم صدیقه، ۱۷ ساله، اصابت کرد و باعث خونریزی شدید و آسیب به روده بزرگ و کوچک او شد. برادرزاده ام فضیله، ۱۶ ساله، از ناحیه پا شدیداً مجروح شد. چهار پسر کوچک از ناحیه

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			چشم، سر و پا آسیب دیدند. دو زن مسن، خشویم، ماه گل، ۸۰ ساله، و مادر خانم برادرم، دردانه، ۸۲ ساله، جراحی سطحی برداشتند."
۶۹	محفوظ	محفوظ	"به [تاریخ]، من در یک امتحان تحریری در [دفتر دولتی] شرکت کردم. به یاد دارم که حوالی ساعت ۱۰ صبح، یک انفجار بسیار قوی رخ داد. [...] طالبان یک موتر بمب گذاری شده را در مقابل ریاست امنیت ملی منفجر کردند که تنها حدود ۱۰ تا ۲۰ متر از محل امتحان ما فاصله داشت. پس از انفجار، برخی از جنگجویان طالبان وارد محوطه ریاست امنیت ملی شدند و شروع به فیر کردند[...]. من از ناحیه چشم و دستم آسیب دیدم. یک پارچه شیشه، به اندازه تقریباً ۱۰ سانتی متر، به چشمم اصابت کرد و یک تکه فلز به دستم اصابت کرد. من برای درمان فوری به شفاخانه ولایتی و سپس برای جراحی به شفاخانه ولایتی منتقل شدم. پس از آن، به قریه خود بازگشتم. اعضای طالبان که قریه من را اشغال کرده بودند، معتقد بودند که من در داخل ریاست امنیت ملی بودم و مرا به جاسوسی برای دولت متهم کردند. با وجود آنهم، اهالی قریه و طالبان به این باور بودند که من در محوطه ریاست امنیت ملی بودم. آنها مرا به محل خود بردند و مرا به اعدام با ضرب گلوله در ملای عام محکوم کردند. خوشبختانه، اعضای خانواده و بزرگان جامعه از دو قبیله بزرگ مداخله کردند و بی گناهی من را تأیید کردند. پس از تسلط طالبان در ماه آگست ۲۰۲۱، آنها دوباره مرا دستگیر کردند و مرا به جاسوسی و مجروح شدن در حمله ریاست امنیت ملی متهم کردند. پس از وساطت بیشتر بزرگان جامعه، سرانجام مرا آزاد کردند. اکنون در منطقه ای دورافتاده، دور از قریه خود زندگی می کنم. اهالی قریه و طالبان مرا مورد توهین تحقیر قرار دادند. در شرایط وخیمی زندگی می کنم. این حادثه به قیمت از دست دادن چشم، معیشت، شغل و حس انسانیت من تمام شده است."
۷۰	محفوظ	محفوظ	"پسرم جان خود را در اثر یک حمله انتحاری از دست داد... حمله کننده انتحاری طالبان یک افسر پولیس را در بازار مورد هدف قرار داد که منجر به کشته شدن پسر من نیز شد."
۷۱	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۷۲	محفوظ	محفوظ	"شوهرم بحیث واکسیناتور در [شفاخانه ولسوالی] کار میکرد... همسایه به ما گفت که او بازداشت شده است. به جستجوی او پرداختیم، ما پیدایش کرده نتوانستیم. بالاخره، او را در یک کوه با دستان و چشمان بسته مرده یافتیم - او با فیر گلوله کشته شده بود."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۷۳	محفوظ	محفوظ	"پدرم بحیث واکسیناتور در شفاخانه ولسوالی کار میکرد... مردم گفتند که او بازداشت شده است. هنگام جستجو خانواده او را با چشمان و دستان بسته یافتند - او با فیر گلوله کشته شده بود."
۷۴	۲۲ سپتمبر ۲۰۱۴	ولایت کنر، شهر اسدآباد، مقابل پارک شهیدان	"زمانیکه دریافتم که شوهرم در اثر حمله انتحاری جان باخته است، فکر کردم همه جا برایم تیره و تاریک شده است. یک روز بسیار بد برایم بود. آن روز برای من پایان دنیا بود. نمیدانستم چگونه زندگی خود را به پیش ببرم. سه اولاد داشتم. کوچکترین طفل پسرم تقریباً یک ماه پس از این حادثه به دنیا آمد."
۷۵	محفوظ	محفوظ	"پسرانم در بازار کراچی و سوپ فروشی داشتند... یک حمله انتحاری در آنجا صورت گرفت. از جمع پنج پسر، سه تن آنها کشته و یک تن دیگر آن یک دست خود را از دست داد... چی فرق میکند که کی این حمله را انجام داد؟ چونکه پسرانم را هرگز به من باز گردانده نمیتواند."
۷۶	۷ اکتوبر ۲۰۱۹	ولایت ننگرهار، شهر جلال آباد، ساحه سپینه مانی	"... من کار تکمیل اسناد برای دوباره پیوستن به پولیس ملی را شروع کردم. بخاطر این کار، من باید به مرکز جلب و جذب جهت تکمیل بعضی از اسناد میرفتم. در هنگام بازگشت ذریعه یک موتر بس با سایر استخدام شوندهگان و افراد ملکی، یک عراده موتر زرنج مملو از مواد انفجاری در ساحه سپین مانی منفجر شد... زمانیکه واسطه نقلیه منفجر شد، بیهوش روی زمین افتادم و وقتی به هوش آمدم، در داخل موتر بودم و دو دوستم که در داخل موتر نشسته بودند، مرده بودند. تا هنوز هم چهره در پای راست و عقب گوش چپم باقی مانده است."
۷۷	۱۲ می ۲۰۲۰	ولایت ننگرهار، ولسوالی کوز کنر، ساحه زرگران	"در مسیر راه از ولسوالی بهسود بسوی ولسوالی کوز کنر بودم تا در مراسم تشیع جنازه شیخ اکرم، قوماندان پولیس محلی شرکت کنم. وقتی به مراسم تشیع جنازه رسیدم، تعداد زیادی از مردم در آنجا حضور داشتند... یک فرد انتحار کننده مواد همراهش را منفجر کرد. در روی زمین افتاده و بیهوش شدم، اجساد دیگری بالای افتاده بودند... مردم برای نجات قربانیان آمدند و فکر کردند که من هم کشته شده ام. اما سپس حرکت کردم و آنها مرا بیرون کردند و از من خواستند که بنشینم و منتظر انتقال باشم. گیج شده بودم، بالای چشمانم بنداز گذاشتم، چونکه خونریزی داشتم. نفهمیدم چقدر وقت گرفت و به چه تعداد از مردم همراهی من انتقال داده شدند. مرا داخل و بیرون میکردند. فهمیدم که مرا به شفاخانه بردند، و برایم یک پیچکاری زرق کردند و بعداً بیهوش شدم. از چندین ناحیه بدن زخمی شده بودم، بنداز در تمام بدنم پیچانده شده بود، و در تمام وقت تقریباً بیهوش بودم. اقارب مرا شناخته نتوانستند، اما پسر مرا از کف دستم شناخت... برای مدت ۱۷ الی ۱۸ روز در شفاخانه عامه بستری ماندم. وقتی از شفاخانه مرخص شدم، چشمانم زیاد درد میکرد. به یک کلینیک شخصی رفتم و برای مدت چهار ماه تحت مداوا قرار داشتم. تا هنوز هم با چشم چپم درست دیده نمیتوانم، فکر میکنم در مقابل چشمم یک پرده است. همیشه در چشمانم احساس درد میکنم. نمیدانم عامل این حمله چه کسانی بودند. به احتمال زیاد عامل حمله کسی بوده که از خارجی ها نفرت دارد."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۷۸	۱۳ می ۲۰۱۸	ولایت ننگرهار، شهر جلال آباد، ناحیه ۴، چهارراهی مستوفیت	"سال ۲۰۱۸ بود که بسوی ریاست معارف ولایت در شهر جلال آباد جایی که کار میکردم روان بودم. حوالی ساعت ۱۰ قبل از ظهر بود. وقتی نزدیک ریاست مالیه ولایت در شهر جلال آباد رسیدم، یک حمله انتحاری صورت گرفت و سپس تیراندازی شروع شد. فکر میکنم که این حمله توسط داعش صورت گرفت، زیرا آنها مسئولیت آنرا در رسانه ها به عهده گرفتند. من از ناحیه مج و پا زخمی شدم. به کلینیک صلیب سرخ که در همان نزدیکی موقعیت داشت، خود را رساندم، اما ادویه و مواد جراحی کافی نداشت. پایم را با بنداز بسته کردند و به شفاخانه صحت عامه ولایت منتقل شدم و تحت عمل جراحی قرار گرفتم و چهره را از مج پایم بیرون کردند."
۷۹	۵ سپتمبر ۲۰۲۰	ولایت کنر، ولسوالی سرکانی، ساحه باروگی شاه	"بتاریخ ۲۰ سپتمبر ۲۰۲۰، در ساحه باروگی شاه ولسوالی سرکانی ولایت کنر، در خانه خود بودیم که درگیری میان طالبان و اردوی ملی افغانستان آغاز شد. آنها بسوی یکدیگر فیر میکردند، اما در جریان این درگیری زمینی یک هاوان اردوی ملی افغانستان به خانه ما اصابت کرد. من، برادرزاده ام و خانم برادرم زخمی شدیم و خانه ما تا حدی آسیب دید و یک تعداد وسایل خانه حریق شدند... دیگر مجروحان زود صحت یاب شدند، اما من از ناحیه روده ها و جگر شدیداً زخمی شده بودم."
۸۰	۲۸ نوامبر ۲۰۱۹	ولایت خوست، ولسوالی علیشر	"ما کوچی بودیم و تعدادی زیادی گوسفند، بز و شتر داشتیم. به همین خاطر ما در یک جا اقامت نمیکردیم. وقتی هوا خوب باشد، باران ببارد و زمین سبز باشد، ما در آنجا اقامت میکنیم... بتاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹، حوالی ساعت ۲۳:۴۵، در ولایت خوست، ولسوالی علیشر، نزدیک نقطه صفری خط دیورند، طیاره بدون سرنشین امریکا اعضای خانواده مرا هنگامی که سوار بر یک موتر کرولا تویوتای سفید بطرف خانه بودند، مورد هدف قرار داد. این حمله منجر به مرگ پدر، مادر، خانم برادر، خواهر و یک هم قریه ما شد. همان شب خانم برادرم یک نوزاد پسر در خانه به دنیا آورد و برای تداوی به کلینیک محل میرفت. حین بازگشت بسوی خانه توسط طیاره بدون سرنشین مورد هدف قرار گرفتند. همه آنها شهید شدند، هیچکس زخمی ای یا شخصی زنده نماند. طفل نوزاد در میان قربانیان نبود، چون او در موتر نبود و در خانه گذاشته شده بود."
۸۱	محفوظ	محفوظ	"برادر بزرگم [نام]، به ضرب مرمی از سوی طالبان کشته شد... او سارنوال دیوان امنیت عامه محکمه استیناف ولایت خوست بود... هنگامی که با موتر راهی دفتر کارش بود، از سوی افراد مسلح طالبان مورد هدف قرار گرفت... هفت مرمی بر شکمش فیر شده بود. او در اثر جراحات در شفاخانه جان باخت. از آنجا، جسد او را دوباره به خانه آوردیم و مراسم تشیع جنازه را انجام دادیم."
۸۲	۲۰۰۵	ولایت قندهار، ولسوالی پنجوایی	"تاریخ دقیق حادثه را نمیدانم، اما این حادثه در سال ۲۰۰۵ اتفاق افتاد... نیروهای امریکایی خانه مرا در ساحه زنگ آباد، ولسوالی پنجوایی، ولایت قندهار بمبارد کردند. آنها اطلاعاتی را مبنی بر حضور طالبان در قریه بدست آورده بودند. پس از حادثه بیهوش شدم، و در نتیجه برای چند روز در حالت کوما بودم. در این حادثه، ده عضو

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
		قریه سیدان، ساحه زنگ آباد	خانواده ام، از جمله پدر، مادر و خواهر و برادر خود را از دست دادم. من همراه برادر و خواهرم جان به سلامت بردیم. همه چیز را از دست دادم. هیچ چیزی برای ما باقی نماند. من همراه با خواهر و برادرم شدیداً زخمی شده بودیم. ضرر این حادثه را تا هنوز احساس میکنم و شاید در تمام زندگیم فراموش نکنم. مردم قریه برایم گفتند که تمام خانه ها از اثر بمبارد تخریب شده اند، صرف خودم همراه با دو خواهر و برادرم و یک طفل دختر در محل حادثه در قریه باقی مانده بودیم. اهالی قریه یا از بین رفته بودند و یا خانه های شانرا قبل از بمبارد ترک کرده بودند."
۸۳	محفوظ	محفوظ	"حدود سه سال قبل، در جریان درگیری میان طالبان و حکومت قبلی، یک فیر هاوان به خانه ما [موقعیت] اصابت کرد. نمیدانم کدام یک از طرف های درگیر مسئول این حادثه بود. یک پسر خود را در این حادثه از دست دادم. خودم، شوهرم، یک دخترم و پسر دیگرم زخمی شدیم."
۸۴	۱۰ می ۲۰۱۹	ولایت فاریاب، ولسوالی دولت آباد، قریه چارشنگو	"پنج سال قبل، بعد از ظهر بود و من از اولاد های خود خواستم رمه را که به چراگاه برده بودن دوباره بیاروند. صدای یک انفجار را شنیدم. وقتی بیرون رفتم، دیدم که یک شی انفجاری منفجر شده بود که چند طفل را کشته و مجروح کرد. یک پسرم جابجا کشته شد و پسر دیگرم شدیداً مجروح شد. پسر مجروحم را توانستم به کمک جمعی همسایه های ما که یک مقدار پول کمک و یا قرضه داده بودند، برای تداوی به پاکستان ببرم. پسر جان به سلامت برد، اما تا امروز از درد شکایت میکند. شی منفجر شده مواد یا ماین منفجرناشده بود، اما نفهمیدیم که به کدام طرف درگیر مشخص تعلق داشت."
۸۵	۱۵ اگست ۲۰۱۸	قریه دو آبه، ساحه چلگزی ولسوالی قیصار ولایت فاریاب	"بتاریخ ۱۵ اگست ۲۰۱۸، در هنگام روز، در جریان درگیری مسلحانه میان طالبان و نیروی های مسلح دولت سابق، اردوی ملی افغانستان منطقه ای بنام کمپ چین در قریه دوآبه، ساحه چلگزی ولسوالی قیصار ولایت فاریاب را بمبارد کرد که در آنجا یک گروهی از افراد ملکی شامل مردان و اطفال در یک کمپ متروک اردوی ملی افغانستان جمع شده بودند. در نتیجه، به تعداد هشت فرد ملکی محل و پنج تن دیگر، بشمول پسر عصمت الله، مجروح شدند... او یک چشم و انگشت خود را از دست داد. اکنون از یک چشم نابینا است."
۸۶	۱۶ جنوری ۲۰۱۸	ولایت فاریاب، مرکز اداری ولسوالی خواجه سبز پوش، ساحه بازار	"شش سال قبل، در جریان درگیری مسلحانه میان طالبان و دولت سابق، یک هاوان پرتاپ شده از سوی طالبان به ساحه بیش از حد مزدحم بازار ولسوالی خواجه سبز پوش اصابت کرد. از اینکه روز بازار ولسوالی بود، صد ها نفر در ساحه بازار آمده بودند. چندین تن کشته و ده ها تن دیگر، بشمول خودم و کاکایم، مجروح شدند. بعضی از دوکان ها و اموال آنها آسیب و یا از بین رفتند. به دلیل اینکه جراحات من سطحی بود، پس از مدتی صحت یاب شدم، اما دو سال پس از حادثه، کاکایم که خسرم نیز میشد، به دلیل جراحات شدید جان به سلامت برده نتوانست."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۸۷	۳۱ دسمبر ۲۰۱۸	ولایت فاریاب، لسوالی شیرین تگاب، ساحه اسلام قلعه، مسیر شاهراه ولسوالی خواجه سبز پوش و شیرین تگاب	"تاریخ را دقیق به یاد ندارم، اما گفته میتوانم که حدود شش سال قبل، در جریان درگیری مسلحانه میان طالبان و دولت سابق، یک راکت به خانه ام، در قریه اسلام قلعه ولسوالی شیرین تگاب، اصابت کرد. در نتیجه، دو دخترم (بین سنین ۱۶ و ۷ سال) کشته شدند. خودم، همسر و یک دختر دیگرم مجروح شدند، و همسر یک طفل را قبل از وقت ولادت به دنیا آورد که او هم فوت کرد... پسر چهارده ساله ام برای تمام عمر معلول و فلج شد. او از ناحیه پایین بدن حرکت کرده نمیتواند."
۸۸	محفوظ	محفوظ	"ما در قریه خود [...] بودیم. به [برادرم] گفته بودم که حیوانات را به جوی نبرد، زیرا درگیری ادامه داشت و در عوض از او خواستم که حیوانات را از چاه پهلوی خانه ما آب بدهد. او قبول کرد. ناگهان، یک فیر هاوان به دیواری که برادرم نزدیک آن ایستاده بود، اصابت کرد. او مجروح شد و یک پای او تکه تکه شد."
۸۹	محفوظ	محفوظ	"من همراهی مادرم برای خریدن چیزی بیرون رفتیم. موقعیکه در داخل دوکان بودیم، درگیری میان طالبان و نیروهای خاص در شهر آغاز شد. [...] ما تازه به خانه رسیده بودیم که یک فیر آر پی جی به خانه ما اصابت کرد. من شوکه و مبهوت شده بودم و خود را تکان داده نمیتوانستم، زیرا پام برای لحظه ای فلج شده بود. شدت درگیری بیشتر میشد. شاهد بودیم که یک تعداد از افراد پولیس با سلاح شان بسوی ما میامدند. دروازه خانه ما را تک تک زدند و از ما خواستند تا خانه را ترک کنیم، زیرا آنها میخواستند خانه ما را سنگر بسازند و از آنجا به درگیری بپردازند. به آنها گفتیم که جایی دیگری به رفتن نداریم. "تضرع کردیم که "پدرم مریض است". باوجود آنها، آنها بالای ما چیغ زدند و اصرار کردن که باید خانه را ترک کنیم. پدرم که قبلاً هم مریض بود، احتمالاً از اثر فشار روحی بسیار زیاد تکان خورده و صدمه شدید دید و روز بعد درگذشت. نیروهای امنیتی بار دیگر به خانه ما آمدند و از ما خواستند تا خانه را ترک کنیم. آنها مادرم را با قنداق تفنگ لت و کوب کردند. ما چاره ای جز ترک کردن خانه خود نداشتیم."
۹۰	محفوظ	محفوظ	"تقریباً نزدیک به تاریکی شام بود و در صحن حویلی با پسرم بودم. او خانه را ترک میکرد. به او گفتم که بیرون نرود و داخل اطاق برود. او در داخل حویلی خانه بود که ناگهان یک هاوان به خانه همسایه ما اصابت کرد. گفته نمی توانستم که کی مورد اصابت هاوان قرار گرفت و هاوان از کدام سمت آمد. متأسفانه، فیر هاوان یک تن را در خانه همسایه ما کشت و پسر را مجروح کرد. پسر از ناحیه یک پا و یک دست جراحت برداشت. اکنون او از ناحیه یک پا معلول است، و دستش به مشکل کار میکند."
۹۱	محفوظ	محفوظ	"هنگامی که در مسیر بازگشت به خانه بودم، متوجه شدم که مردم به عجله میدوند و از ساحه فرار میکنند. از یک شخص پرسیدم که "چی جریان دارد؟" به من گفت که طالبان به ولسوالی حمله کرده بودند و بازار را تصرف کرده اند. وقتی خانه رسیدم، متوجه شدم که یک هاوان به خانه ما اصابت کرده و شوهرم مرده بود. همچنین،

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			چند رأس حیوان بشمول گاو ها و گوسفندان نیز از بین رفته بودند. دو فیر هاوان به خانه من اصابت کرده بود که در اثر آن خسارات فزینی و مالی به خانه من وارد شده بود. پس از به خاکسپاری شوهرم، منطقه را ترک کردیم و به یک موقعیت دیگر نقل مکان کردیم. پس از یک مدتی که به خانه برگشتم، همه چیز چوروچپاول شده بود و هیچ چیزی باقی نمانده بود. شوهرم دوکاندار ولسوالی بود. دوکان او نیز چوروچپاول شده بود.
۹۲	محفوظ	محفوظ	"درگیری میان نیروهای اردوی ملی دفاعی و امنیتی افغانستان و طالبان آغاز شد. یک هاوان به خانه همسایه و یک چره هاوان به شکم شوهرم اصابت کرد. او زخم برداشت و ذریعه کراچی به قریه دیگر منتقل شد. در قریه، کمک های اولیه صحنه را در کلینیک دریافت کرد. سپس ترتیبات انتقال و تداوی او را در شفاخانه ولایتی گرفتم. وضعیت زخم ها روز به روز بدتر میشد. او را به یک شفاخانه دیگر بردیم، اما به علت خونریزی داخلی و التهاب درگذشت."
۹۳	محفوظ	محفوظ	"اردوی ملی یک گلوله آر پی جی را به سمت خانه دخترم که در حال شیر دادن به پسر نوزاد یک ساله اش بود فیر کردند. گلوله به سمت راست قفسه سینه او اصابت کرد و منجر به کشته شدن او شد. برعلاوه، یک فیر گلوله هاوان به خانه همسایه اصابت کرد و منجر به مرگ یک زن و مجروح شدن شدید یک تن دیگر شد. وقتی این حادثه رخ داد، خشوی دخترم به من زنگ زد و خبر داد که دخترم مجروح شده است. باوجود آنهم، به دلیل تبادل آتش سنگین، به گرفتن دخترم رفته نتوانستیم. ما از طریق بلندگو بالای اردوی ملی فریاد زدیم که فیر ها را متوقف کنند تا زنان مجروح بطور عاجل به شفاخانه انتقال داده شوند، اما به ما اجازه ندادند اقدام کنیم. صبح وقت فردای آن روز، وقتی تصمیم گرفتیم تا زخمیان را به شفاخانه انتقال بدهیم، دو تن از آنها، بشمول دخترم به علت خونریزی زیاد جان های شانرا از دست دادند."
۹۴	محفوظ	محفوظ	"هنگامی که همه ای ما در حویلی خانه خود نشسته بودیم، خانه ما مورد بمبارد هوایی قرار گرفت. در نتیجه این حمله، ۹ نفر از اعضای خانواده ما، از جمله چهار طفل پسر، سه دختر بالغ و دو پسر بالغ کشته شدند و شش تن دیگر، بشمول خودم و برادر جوانم شدیداً مجروح شدیم."
۹۵	محفوظ	محفوظ	"ساعات ناوقت شب بود که درگیری میان طالبان و اردوی ملی آغاز شد. خانه های ما در ساحه بود که در آنجا طالبان مستقر شده بودند و اردوی ملی چند فیر هاوان پرتاب کرد که به قریه اصابت کرد. دو فیر هاوان در حویلی کاکا هایم اصابت کرد... من در همسایگی خانه کاکایم زندگی میکردم و به عجله به خانه آنها رفتم و دیدم که چند نفر از خانواده آنها تلفات دیده بودند. هاوان منجر به کشته شدن سه پسر و یک دختر شد. هفت تن از اعضای خانواده کاکا هایم مجروح شدند که شامل دو کاکا، یک زن کاکا، یک پسر و سه دختر آنها بود. سه دختر آنها کاملاً فلج شده اند و هیچگاهی زندگی عادی نخواهند داشت. خانه شدیداً خساره مند شده بود."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۹۶	محفوظ	محفوظ	"وقتی ما در نزدیک پسته امنیتی پولیس محلی سابق زندگی میکردیم... در صبح وقت، درگیری مسلحانه میان جنگجویان طالبان همان وقت و نیروهای سابق ملی دفاعی و امنیتی افغانستان در ساحه به وقوع پیوست. طالبان پوسته پولیس محلی نزدیک خانه ما را با پرتاب راکت و انداخت هاوان از فاصله حدود دو یا سه کیلومتر مورد هدف قرار میدادند... در روز چهارم این درگیری زمینی، چند فیر هاوان به خانه ما اصابت کرد. زمانیکه من داخل خانه و پدرم نزدیک دروازه حویلی ایستاده بود، مورد اصابت چره قرار گرفتیم. او از ناحیه قفس سینه و گردن مجروح شد که منجر به پاره شدن رگ های منتهی به قلب شد. او خونریزی شدید داشت. او را فوراً ذریعه یک موتر کرای به شفاخانه [محلی] انتقال دادیم. او در بخش عاجل شفاخانه بستری شد، اما در اثنای عمل جراحی بنابر جراحات شدید، جان باخت. ما جسد او را دوباره به قریه آوردیم و در حضرة خانوادگی خود به خاک سپردیم."
۹۷	محفوظ	محفوظ	"طالبان در مقابل خانه ما آمدند. به یک کاروان نیروهای نظامی بین المللی/کاروان اردوی ملی حمله کردند و بلافاصله ساحه را ترک کردند. بعد از چند دقیقه، یک طیاره جت به ساحه رسید و خانه ما را بمبارد کرد. این حمله منجر به کشته شدن پدر و برادر سیزده ساله ام شد. من نیز همراه با مادرم [نام]، خواهر یازده ساله ام [نام]، دو خواهرم و هشت برادرم مجروح شدیم."
۹۸	فبروری ۲۰۱۴	ولایت زابل، ولسوالی ارغنداب، ساحه لاغر بابا زیارت	"حادثه در اوایل سال ۲۰۱۴ حوالی ساعت ۱۱:۳۰ اتفاق افتاد. من یک موتر پیک اپ را که ده مسافر دیگر، منجمله پسر کاکایم و برادر بزرگم سوار آن بودند و برادر بزرگم که راننده اصلی بود، اما در آن روز مریض بود، میراندم. ما از ولسوالی دای چوپان بطرف شهر قلات میرفتیم. وقتی از ساحه لاغر بابا زیارت در ولسوالی ارغنداب میگذشتیم، موتر ما با یک مابین جاسازی شده کنار جاده و کنترل از راه دور که توسط طالبان کارگذاری شده بود، برخورد کرد و منفجر شد. من همراه با پسر کاکایم که در سیت پیشروی موتر نشسته بود (و دید یک چشم خود را در اثر این حادثه از دست داد) در مقایسه با دیگران و بشمول برادر بزرگم بیشتر مجروح شدیم. مرا به نزدیکترین پوسته اردوی ملی برای دریافت کمک های اولیه انتقال دادند و سپس مرا به غند ولایتی اردوی ملی که در آنجا نیروهای امریکایی نیز مستقر بودند، انتقال دادند. جراحان امریکایی پای زخمی ام را بدون رضایتم قطع کردند و ناامیدم ساختند... مدت نو ماه را در بر گرفت تا به [کمک پای ساختگی] دوباره ایستاده شوم، اما برای همیشه یک شخص لنگ باقی ماندم."
۹۹	محفوظ	محفوظ	"ما در یک دوکان که نزدیک دروازه خانه ما بود نشسته بودیم که دو فیر هاوان به خانه و دوکان ما اصابت کرد. در نتیجه، سه طفل از خانواده ما جادرجا جان شانرا از دست دادند و چهار نفر دیگر (کاکایم، عمه ام و دو طفل) مجروح شدند... ما میدانیم که عاملین اصلی نیروهای امنیتی افغانستان است، اما هیچ اقدامی صورت نگرفت."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۰۰	محفوظ	محفوظ	"یک گروپ بیست نفری از استادان مربوط به یک پوهنتون به یک [ولایت دیگر] با بس سفر میکردند... یک ماین کنار جاده با هدف قراردادن بس عامل ما منفجر شد. در نتیجه، دو تن (یکی جادرجا و دیگری در شفاخانه) جان شانرا از دست دادند و بیش از ۱۸ تن دیگر مجروح شدند. مردم محل ما را توسط وسایط شخصی شان به شفاخانه انتقال دادند، و دو روز بعد، من همراه با دو همکارم که شدیداً مجروح شده بودیم، به یک شفاخانه [بزرگتر] برای تداوی بیشتر منتقل شدیم.
۱۰۱	۲۰۱۷	ولایت زابل، ولسوالی ارغنداب، ساحة لودینانو چینه	"یک روز حوالی ساعت ۹ صبح، تاریخ دقیق آن را به خاطر ندارم، اما سال ۲۰۱۷ بود، در ساحة لودینانو چینه دَب در ولسوالی ارغنداب، ولایت زابل، من در حال راندن یک تراکتور با بار چوب برای فروش بودم، تراکتور از بالای یک ماین جاسازی شده و کنترل از راه دور در مسیر جاده عبور کرد که سبب انفجار آن شد، انفجار بسیار شدید بود که تراکتورم را بطور کامل تخریب کرد. پاهایم شدیداً زخمی شده بودند. نزدیک ترین عضو نیروی ملی امنیتی و دفاعی افغان خود را به محل حادثه رساند و سعی کردند مرا نجات و از آنجا انتقال دهند. طالبان که در کمین بودند، شروع به تیراندازی کردند، من شدیداً خونریزی داشتم و در میدان جنگ گیر مانده بودم. بعد از چند لحظه‌ای، طالبان عقب رانده شدند و من را به شفاخانه انتقال دادند."
۱۰۲	۳ آگست ۲۰۱۹	ولایت سرپل، ولسوالی گوسفندی، قریة الاغان	صبح روز شنبه، ۳ آگست، ۲۰۱۹ بود، طالبان به پوسته جنگجویان اربکی حمله کردند، و تیراندازی بین شان در گرفت. یک چند دقیقه بعد، اعضای نیروی های ملی امنیتی و دفاعی افغان نیز به قریة ما رسیدند. هر دو طرف بسوی دیکدیگر تیراندازی و حمله می کردند. در جریان جنگ، یک شی انفجاری - که در مورد آن مطمئن نیستم، اما پدرم می گوید که یک راکت پرتاب شده آر پی جی بود - به خانه ما اصابت کرد. راکت در حویلی خانه ما برخورد کرد و منفجر شد. ما خوشبخت بودیم، که هیچ کس بیرون از اتاق ها نبود؛ در غیر آن، ما زنده نمی ماندیم. انفجار خیلی سنگین بود؛ هنوز صدایش را به خاطر دارم. در آن زمان، من یک پسر ۱۶ ساله بودم. چهره های راکت (آرپی جی) همه جا را گرفت، ، کلکین های اتاق هایمان شکستند ، سقف ها ویران شدند و نه نفر از اعضای خانواده ما، به شمول خودم، زخمی شدند. مادرم، خانم کاکایم، دو خواهرزاده هایم، یک برادرزاده ام ، و سه تن از پسرکاکاهایم در نتیجه این رویداد زخمی شدند."
۱۰۳	۱۴ جولای ۲۰۱۲	ولایت سمنگان، شهر ایبک، ساحة تالار عروسی الماس	"حوالی ساعت ۶:۳۰ صبح، در تالار عروسی الماس در شهر ایبک، در جریان مراسم عروسی دختر احمدخان سمنگانی، چندین چهره سیاسی از جمله احمدخان سمنگانی در داخل تالار حضور داشتند. من در کنار دیگر چهره های بلندپایه سیاسی در دروازه ورودی ایستاده بودم و از مهمانان پذیرایی می کردیم. یک گروپ از افراد باهم رسیدند و همه باهم داخل تالار شدیم. ناگهان صدای یک انفجار بسیار مهیب را شنیدم. ضعف کردم، هوشم را از دست دادم و بدنم به شدت سوخته بود. یک سرباز پولیس مرا از داخل تالار عروسی بیرون کشید و بعد امبولانس مرا به شفاخانه ایبک منتقل کرد. اما تداوی من در سمنگان ممکن نبود، به همین خاطر برادرانم مرا به

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			از یکستان انتقال دادند، جایی که داکتران همه تلاش های شانرا انجام دادند. من به مدت یک ماه در حالت کما بودم و سه ماه در شفاخانه بستری بودم و مبلغ ۱۰۰۰۰ دالر صرف تداوی ام شد که و برادرانم آن را پرداخت کردند. وقتی دوباره به هوش آمدم، زمین هایم را فروختم تا قرض آن ها را پس بدهم."
۱۰۴	محفوظ	محفوظ	"جنگجویان محلی طالبان بر برادرزادهام تیراندازی کرده و او را کشتند... طالبان او را به داشتن روابط نزدیک با ریاست عمومی امنیت ملی متهم کرده بودند... او عصر روز [تاریخ] در بازار عمومی، توسط دو موتورسایکل سوار با تفنگچه صدخفه کن کشته شد... طالبان از طریق رادیوی محلی خود مسئولیت این قتل را بر عهده گرفتند او را به عنوان یک جاسوس مشهور امنیت ملی (NDS) معرفی کردند. در زمان رویداد، من داخل هتل خود بودم که ۱.۵ کیلومتر از خانه ما فاصله دارد... در روز ترور، [برادرزادهام] تا عصر در هتل همراه من بود. بیست دقیقه پس از آن که از هتل بیرون شد، از کارمندان هتل شنیدم که او را هدف گلوله قرار داده اند. با گریه بلند دویدم و خودم را به صحنه حادثه رساندم، جایی که [برادرزادهام] را در حالی یافتم که غرق در خون بود، اما هنوز زنده بود. او هفت گلوله در گردن و شکم خورده بود. او را به سرعت به شفاخانه صحت عامه انتقال دادیم، اما به دلیل شدت جراحات، در دروازه شفاخانه جان داد. آن دردناک ترین لحظه زندگی ام بود و دعا می کنم هیچ کس دیگری چنین رنجی را تجربه نکند."
۱۰۵	محفوظ	محفوظ	"طالبان به قریه ما آمدند و به سوی نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان تیراندازی را آغاز کردند و نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان در واکنش به تیراندازی طالبان آتش گشودند. یکی از مرمی ها به صورت تصادفی به برادرزاده ۱۵ ساله ام اصابت کرد. با آن که برادرم خودش هم هدف گلوله قرار گرفته و زخمی شده بود، با شتاب برای انتقال پسر مجروحش اقدام کرد. برادرزادهام در همان لحظه در محل رویداد جان داد و برادرم در شفاخانه فوت کرد."
۱۰۶	محفوظ	محفوظ	"وقتی در هتل بودم، پسرخالم با عجله و صدای لرزان به من زنگ زد و خواست که فوراً به خانه بروم. نگران صحت مادر پیرم بودم. وقتی به خانه رسیدم، دیدم که خاله ام پریشان و آشفته است. فکر کردم شاید مادرم به شدت بیمار شده یا فوت کرده است. فضای خانه بسیار خاموش و پر از تنش بود. شمار زیادی از اقارب ما، از جمله کاکاها، پسرکاکاها و خاله ها در خانه حضور داشتند. پسرخالم با چشمان اشک آلود به من گفت که [پسرم] نزدیک خانه اش توسط پولیس اریکی به ضرب گلوله کشته شده است. وقتی جسد بی جان پسرم را دیدم، بیهوش شدم و بعد از چند دقیقه به کمک خانواده به هوش آورده شدم. آن لحظه برای همه ما ویرانگر بود. بعداً فهمیدم که [پسرم] با پولیس اریکی درگیر گفت و گو شده بود و از آن ها خواسته بود که از بام پوسته شان به سوی خانه او نگاه نکنند، چون داخل خانه زنان بودند و مطابق آموزه های اسلامی و فرهنگ افغانی، دیدن به

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			خانه دیگران از بیرون کار نادرست است [...] . مشاجره بالا گرفت و در نتیجه دو سرباز اربکی چندین گلوله بر سینه و شکم او فیر کردند و او را کشتند."
۱۰۷	محفوظ	محفوظ	"من به [مکتب لیسه‌ام] رفته بودم. هنگامی که همراه خواهرم و دوست مان از مکتب خارج می‌شدیم، موتر اول یا (وسیله نقلیه مملو از مواد انفجاری) در بیرون مکتب انفجار کرد. شدت انفجار ما را به زمین انداخت. در میان هرج و مرج، صدای مردم را می‌شنیدیم که فریاد می‌زدند: محل را ترک کنید. خواهرم و [دوستانم] توانستند بلند شوند و بدوند، اما من نتوانستم. در همان لحظه متوجه نشدم که زخمی شده‌ام، تا این که خواهرم به من نگاه کرد و گفت: زخمی شده‌ای! به پای چپم نگاه کردم و دیدم که خون‌ریزی دارد. در همین حال، موتر دوم مملو از مواد انفجاری در آن سوی سرک، روبه‌روی مکتب، منفجر شد. هوا پر از دود شده بود، زمین با خون رنگین بود و فریادهای دختران وحشت‌زده فضا را پر کرده بود — احساس می‌کردم روز قیامت فرارسیده است. پس از انفجار دوم، از هوش رفتم. . وقتی به هوش آمدم، خود را در [شفابخانه] در [محل] یافتم. بعد از دریافت کمک‌های اولیه و معاینه صبحی، معلوم شد که پای چپم با چهره زخمی شده و داکتران نتوانستند چهره را از پایم بیرون کنند. دو شب در شفابخانه بستری بودم و بعد مرخص شدم."
۱۰۸	محفوظ	محفوظ	"پسرم تازه از مکتب فارغ شده بود و در یک کورس آمادگی برای امتحان کانکور ملی درس می‌خواند تا به دانشگاه راه پیدا کند. بعد از چاشت [تاریخ]، زمانی که او در دروازه مرکز آموزشی ایستاده بود و می‌خواست داخل شود، یک انفجار شدید رخ داد. در یک چشم به هم زدن، ده‌ها شاگرد، از جمله پسرم، کشته و زخمی شدند. پسرم بر اثر چرّه بمب زخمی شده بود؛ چشم‌ها، گوش و دست‌هایش آسیب دیده بود. من در خانه بودم که او را در حالی که تمام بدنش خون‌آلود بود، به خانه آوردند. شوک این صحنه باعث شد فشار خونم بالا برود و بیهوش شوم. از آن زمان به بعد، پای راستم به‌خوبی کار نمی‌کند. آن یک روز بسیار وحشتناک و دردناک بود. [گریه می‌کند]"
۱۰۹	محفوظ	محفوظ	"من از ولسوالی بسوی قریه‌ام می‌رفتم تا وسایلم را جمع‌آوری کنم... در راه قریه بودم که در بالای یک کوه، پانزده عضو طالبان به غیرنظامیان حمله کردند و پنج نفر را کشتند. من در این حمله زخمی شدم. طالبان با مرمی کلاشینکوف به پای چپم فیر کردند. سه نفر بی‌جاشده داخلی که در همان ساحه خیمه زده بودند، مرا از محل حمله به خانه‌ام منتقل کردند و بعد برادرم مرا به یک کلینیک برد... به مدت ۱۴ روز بخاطر جراحت ناشی از مرمی در پای چپم تحت درمان صبحی قرار گرفتم."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۱۰	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۱۱۱	جون ۲۰۲۱	ولایت نیمروز، ولسوالی خاشرود، ۲۴ مارکت بازار غورغوری	"روزی در ماه جون ۲۰۲۱، حوالی ساعت ۴ بعد از ظهر، در «۲۴ مارکیت» بازار غورغوری در ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز، نیروهای طالبان که در حومه‌های ولسوالی مستقر بودند، وارد درگیری شدید با نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان شدند... من در بازار دکاندار بودم. همراه با سایر دکانداران برای نجات جان خود از ساحه جنگ فرار کردیم. ما در شوک و ترس شدید بودیم. من سوار موترسایکل بودم و به دلیل جنگ و تیراندازی از هر دو طرف، موترسایکل واژگون شد که در نتیجه، شانه‌ام شکست و بخش‌های دیگر بدنم نیز زخمی شد. با وجود این زخم‌ها، اقاریم مرا از ساحه رویداد انتقال دادند."
۱۱۲	محفوظ	محفوظ	"جنگ‌های شدیدی میان نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان و طالبان در ساحه جریان داشت. درگیری‌های سنگین قبلی در این منطقه باعث شده بود که بسیاری از خانواده‌ها مجبور به ترک خانه‌هایشان شوند. برادرزاده‌ام قبلاً همراه با خانواده‌اش آن ساحه را ترک کرده بود. در همان شام، برادرزاده‌ام پسر چهارساله‌اش را سوار موترسایکل کرده و به خانه‌اش رفت تا چند جوره لباس ضروری با خود بیاورد. تبادل آتش سنگین میان طالبان و نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان ادامه داشت. یک مرمی به او اصابت کرد و او را زخمی ساخت. پسر کوچک‌اش بعد از زخمی شدن پدرش، از موبایل پدرش استفاده کرد و به پدرکلانش زنگ زد. پدرکلانش بعداً من و سایر اقارب را خبر کرد. ما رفتیم و تلاش کردیم برادرزاده‌ام را انتقال بدهیم... اما او بر اثر شدت جراحات جان باخت. به دلیل درگیری‌های شدید، نتوانستیم او را به یک مرکز صحنی انتقال بدهیم."
۱۱۳	محفوظ	محفوظ	"برادرم در راه برگشت به خانه بود که کلان‌قریه ما او را برای صرف نان شب همان شب دعوت کرد. برادرم دعوت او را پذیرفت. حوالی ساعت ۸:۳۰ شب بود که صدای یک انفجار را شنیدیم و فهمیدیم که محل رویداد خانه کلان‌قریه است. ما با عجله به خانه او رفتیم و آنجا دانستیم که شش نفر در جا کشته شده‌اند و دو نفر دیگر زخمی شده‌اند. برادرم در میان کشته‌شدگان بود و وقتی جنازه‌اش را دیدم، در شوک فرو رفتم و نمی‌دانستم چه کار کنم... انفجار ناشی از حمله طیاره پی‌سرنشین بود که مهمان‌خانه کلان‌قریه را هدف قرار داد. در نتیجه، سه پسرش، یک برادرزاده‌اش، یک خواهرزاده‌اش و برادر من کشته شدند. کسانی که کشته شدند شامل [نام] ۲۲ ساله، [نام] ۶ ساله، [نام] ۲۰ ساله، [نام] ۱۲ ساله، [نام] ۱۵ ساله و [نام] ۵۵ ساله بودند. [کلان‌قریه] و [یکی از مهمان‌هایش] به شدت زخمی شدند. آن‌ها به منظور تداوی، به [ولایت] و سپس به [یک کشور همسایه] منتقل شدند. [مهمان] بر اثر جراحاتش جان باخت. باشندگان قریه به مقامات محلی، از جمله

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			والی ولایت، قوماندان امنیه و رئیس ریاست امنیت ملی مراجعه کردند، اما همه آنها گفتند که در مورد این رویداد معلوماتی ندارند. با این حال، بعداً گفتند که مطابق به معلومات آنها، این حمله توسط طیاره بی سرنشین امریکایی انجام شده بود که یک عضو مشکوک طالبان را هدف قرار داده بود.
۱۱۴	محفوظ	محفوظ	"طالبان بر یک پایگاه پیشین نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان حمله کردند که در نتیجه، درگیری زمینی میان دو طرف رخ داد. من آنجا بودم و مصروف آبیاری مزرعه بودم. یک مری توپ که از سوی نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان به سوی طالبان فیر شده بود، به هدف اصابت نکرد و در ساحه زراعتی متعلق به ما فرود آمد. پارچه‌ای از انفجار آن مرا به شدت زخمی کرد. من بی‌هوش شدم و بعداً در شفاخانه ولایتی [نام ولایت] به هوش آمدم؛ جایی که خانواده و باشندگان قریه مرا انتقال داده بودند. دست چپ و پای چپم بر اثر ت چره به شدت آسیب دید و من در ساحه رویداد خون زیادی از دست دادم."
۱۱۵	محفوظ	محفوظ	"بعد از این که من به قریه رفتم، چند جنگجوی طالبان دوباره به خانه ما آمدند، جای نوشیدند و نان چاشت را خوردند. سپس با وجود اعتراض پسر من که گفته بود در خانه فقط زنان و کودکان هستند، او را به زور با خود بردند. حدود سه کیلومتر دورتر از خانه، آنها چندین مری بر صورتش فیر کردند و در جا او را به قتل رساندند. باشندگان قریه جسدش را به خانه آوردند و برای مراسم جنازه جمع شدند. وقتی من جسد پسر من را دیدم که تمام در خون غرق بود، از شدت شوک بی‌هوش شدم. او پسر بزرگم، بهترین مشاورم و تکیه‌گاه خانواده ما بود. من شش پسر و پنج دختر دیگر دارم، اما هیچ کدام نمی‌توانند جای خالی او را پر کنند. همسر، مادر مقتول، زمانی که جسد او را دید، از شوک و غم، توان سخن گفتن را از دست داد."
۱۱۶	محفوظ	محفوظ	"من در یک [مؤسسه غیردولتی دخیلی] کار می‌کنم... زمانی که بعد از رساندن کمک‌ها به مردم در آن ولسوالی، به سوی شهر برمی‌گشتیم، مورد حمله قرار گرفتیم. چهار نفر از کارمندان در این رویداد دخیل بودند. من و راننده در یک امبولانس بودیم و دو همکار دیگر در امبولانس جداگانه دیگری بودند. افراد مسلح ناشناس بر ما حمله کردند که در نتیجه، من و یکی از همکارانم زخمی شدیم. دست من زخم برداشت و همکارم از ناحیه پا به شدت آسیب دید."
۱۱۷	محفوظ	محفوظ	"ما در حویلی خانه نشسته بودیم که یک حمله هوایی خانه ما را هدف قرار داد. در نتیجه این حمله، من، سه پسر، برادرزاده‌ام و خواهرزاده‌ام زخمی شدیم. ما را برای تداوی به شفاخانه انتقال دادند. ما می‌دانیم که این رویداد بر اثر یک حمله هوایی رخ داده است، اما هیچ اطلاعی نداریم که عاملان آن چه کسانی بودند."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۱۸	م محفوظ	م محفوظ	"من در مراسم عروسی یکی از خویشاوندان هزاره شیعه مان همراه با دو دختر و پسرم شرکت کرده بودم... حوالی ساعت ۱۰:۳۰ شب، یک انفجار بسیار شدید در بخش مردانه هوتل رخ داد. انفجار باعث شکستن شیشه ها شد و گرد و خاک همه جا را فرا گرفت؛ شادی و خوشی مراسم در یک لحظه به فاجعه، فریاد و ترس تبدیل شد. سرمیزی های سفید با خون مهمانان سرخ شده بود. مردم، حتا زخمی ها، به سوی دروازه ها می دویدند و از هوتل بیرون می رفتند. هر کس، داخل و بیرون سالن ها، به دنبال عزیزانش می گشت. من در شوک و وحشت بودم. توانستم دو دخترم را در بخش زنانه پیدا کنم. آن ها بر اثر شیشه های شکسته و چره ها زخمی شده بودند، اما جراحت شان خیلی عمیق نبود. یکی از دخترانم زخم عمیقی در پایش داشت. ما از هوتل بیرون شدیم. در آن لحظات آشفته و پر از ترس، من به کلی فراموش کرده بودم که پسرم هم با ما به عروسی آمده بود و در سالون مردانه بود. تا صبح فهمیدیم که او ناپدید است و هیچ اطلاعی نداشتیم که زنده است، زخمی شده یا کشته شده. بعدتر در همان روز، جسدش را در طب عدلی پیدا کردیم. او را گرفتیم و به خاک سپردیم؛ و با او تمام امیدهای مان را نیز دفن کردیم."
۱۱۹	۱۶ مارچ ۲۰۱۹	ولایت قندهار، شهر قندهار، ناحیه ۷، قریه میربازار، قریه مسجد ملک یار محمد	"در تاریخ ۱۶ مارچ ۲۰۱۹، در نیمه های شب، در ولایت قندهار، شهر قندهار، ناحیه هفتم امنیتی، منطقه میربازار، قریه مسجد ملک یار محمد، حدود بیست نفر از افراد مسلح و یونیفورم پوش وابسته به سازمان اطلاعات مرکزی امریکا — اما زیر نام قطعه صفر-سه ریاست امنیت ملی افغانستان — در جریان یک عملیات تلاشی شبانه به خانه ما یورش بردند. در همان زمان، خانه ما از هر طرف محاصره شده بود. آن ها در جست و جوی برادرم بودند و او را به داشتن رابطه با طالبان متهم می کردند. امین الله [برادرم] همراه با پسرکاکیم بازداشت شد. آنان را با چشمان بسته از خانه به محل نامعلومی انتقال دادند. برادرم تا امروز به خانه برنگشته است."
۱۲۰	م محفوظ	م محفوظ	"من در راه بازگشت از مکتب به خانه بودم که بر اثر چره یک مرمی هاوان، که احتمالاً از سوی نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان انداخت شده بود، زخمی شدم. طالبان در ساحه ای که من آسیب دیدم حضور داشتند و در زمان حادثه، در همان منطقه درگیری فعالی میان نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان و طالبان جریان داشت. هیچ کدام ما دقیق نفهمیدیم عامل اصلی چه کسی بود، اما طالبان در جایی که من هدف قرار گرفتم حضور داشتند و نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان نیز در اطراف بودند؛ هر دو طرف به سوی هم تیر اندازی می کردند و از سلاح های سنگین نیز علیه هم استفاده می نمودند. من قوتم را از دست دادم و بیهوش

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			شدم. بعداً فهمیدم که مردم محل کمکم کردند تا برخیزم و پدرم را از وضعیت من آگاه ساختند. دیدم که بازوی چپم بر اثر چره آسیب دیده است."
۱۲۱	محفوظ	محفوظ	"در یک بازار هفتگی محل، یک مرعی هاوان که از سوی نیروهای امنیتی ملی و دفاعی افغانستان انداخت شده بود فرود آمد. این رویداد حدود سی غیرنظامی را گشته و زخمی کرد؛ من نیز بر اثر برخورد چره در ناحیه سر زخمی شدم. هنگام وقوع حادثه، مصروف خرید چند وسیله مورد نیاز خانه بودم. پس از زخمی شدن بیهوش شدم. در زمان رویداد هیچ گونه درگیری در جریان نبود. نمی دانم چرا نیروهای امنیتی ملی و دفاعی افغانستان از پوسته سیارشان در همان ساحه مرعی هاوان انداخت کردند."
۱۲۲	محفوظ	محفوظ	"درگیری میان طالبان و نیروهای امنیتی ملی و دفاعی افغانستان آغاز شد. هر دو طرف از سلاح های سبک و سلاح های سنگین استفاده می کردند. در نتیجه اصابت چندین سلاح های سنگین، برادرم جان باخت و خانه ما در آتش سوخت. برادرم ۲۲ ساله بود، ازدواج کرده بود و یک فرزند داشت. این وضعیت برای ما بسیار دشوار است. همسر برادرم که با ما زندگی می کند هنوز حال خوبی ندارد و از نظر روانی دچار افسردگی است. ما با مشکلات مالی روبه رو هستیم، زیرا برادرم کارگر روزمزد بود و مخارج خانواده را تأمین می کرد. پس از مرگ او روزهای بسیار سختی را می گذرانیم."
۱۲۳	محفوظ	محفوظ	"وقتی شوهرم ناوقت از کار به خانه برمی گشت، ناگهان قریه ما در وحشت فرو رفت. چرخبال های اردوی ملی افغانستان بر فراز آسمان در حال چرخش بودند و هم زمان یک واحد زمینی در منطقه گشت می زد. بدون کدام هشدار، چرخبال ها شروع به بمباران قریه کردند و واحد زمینی نیز آتش گشود. در این حمله هولناک، شوهرم و دو پسر کاکایش جان باختند. من و دو پسر زخمی شدیم و هنوز هم از درد چره هایی که در بدن مان باقی مانده رنج می بریم."
۱۲۴	محفوظ	محفوظ	"دو مهاجم انتحاری وارد مسجد در [محل] شدند و به سوی نمازگزاران آتش گشودند. آنان ابتدا نگهبانان دروازه را هدف قرار دادند و سپس وارد مسجد شدند. ما تازه نماز جمعه را به پایان رسانده بودیم و ملا امام، همراه با دیگر بزرگان قومی، آماده اعطای تقدیرنامه به یکی از اهالی قریه بود که فرش ها و دیگر وسایل را به [زیارت یا مسجد] اهدا کرده بود. مهاجمان از صف نخست نمازگزاران، جایی که من حضور داشتم، تیراندازی را آغاز کردند. در همان هنگام صدای انفجار کرکننده ای شنیدم و بیهوش افتادم. انفجار ناشی از منفجر کردن واسکت های انتحاری آنان در داخل مسجد بود. در نتیجه، بیش از سی و پنج غیرنظامی بی گناه، شامل بزرگسالان و پسران، شهید شدند و حدود صد تن، از جمله خودم، زخمی گردیدند."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۲۵	محفوظ	محفوظ	"پسرم و پنج تن دیگر از اهالی قریه در اثر یک حادثه ای که باور دارم یک حمله طیاره بی سرنشین بود، کشته شدند. آنان هنگام وقوع حمله هوایی در یک اتاق گرد آمده بودند. همه در همان حمله جان باختند؛ هیچ کس زنده نماند. این حمله توسط امریکایی ها انجام شد؛ کسانی که قرار بود از ما حفاظت کنند اما در عوض شش غیرنظامی، از جمله پسر، را کشتند. در همان شب، نیروهای دولتی نیز به عنوان بخشی از یک عملیات شبانه در ساحه حضور داشتند؛ با این حال، همین حمله هوایی جان پسر و آن پنج غیرنظامی دیگر را گرفت. آن شب دردناک ترین و ویرانگرترین تجربه زندگی ما بود؛ امیدهایمان را درهم شکست و اندوه و افسردگی دایمی را برایمان بر جا گذاشت."
۱۲۶	محفوظ	محفوظ	"یک صبح، رمه ام را برای چرانیدن به سوی کوه بردم... در میان بوته ها یک توتۀ فلز دیدم. آن زمان پسر بچه ای بودم. می خواستم ببینم چیست. دست دراز کردم تا آن را بلند کنم، و بعد بی هوش شدم و نفهمیدم چه بر من گذشت. آن فلز یک بمب بود. بمب بر روی من انفجار کرد. یکی از دستانم در ناحیه مچ دست آسیب دید و در دست دیگرم دو انگشت را از دست دادم. سینه ام کاملاً متلاشی شد. بینایی هر دو چشمم را از دست دادم. دیگر بخش های بدنم نیز از اثر چهره های بمب آسیب دید، اما به لطف خدا زنده ماندم."
۱۲۷	محفوظ	محفوظ	"پسرم که تنها ۱۷ ساله بود، به عنوان پیشخدمت در تالار عروسی کار می کرد. شوهرم نیز در همان جا به عنوان صفا کار مشغول بود. در جریان مراسم عروسی یک خانواده شیعه هزاره، در هوتل انفجاری رخ داد و به گونه دردناک پسر کشته شد. خوشبختانه شوهرم آسیب ندید. هوتل در پی این رویداد برای چندین ماه بسته شد. من نه تنها پسر را از دست دادم، بلکه نان آور اصلی خانواده ام را نیز از دست دادم."
۱۲۸	اکتوبر - نوامبر ۲۰۱۹	ولایت ولسوالی بولدک قندهار، سپین	"برادرم در نقطه مرزی ویش در ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار به عنوان فروشنده موتر کار می کرد. او در راه رفتن از خانه به سوی گذرگاه ویش ناپدید شد. پولیس های وابسته به قوماندان عمومی پولیس سرحدی او را متوقف کرده و به مکان نامعلومی بردند... همان روز، دو پسرکاکیم نیز ناپدید شدند. بسیار تلاش کردم تا آن ها را پیدا کنم، اما نتوانستم... هر کاری از دستم برمی آمد انجام دادم، اما هیچ کس، از جمله تمامی نهادهای امنیتی و مقام های حکومتی در ولایت، نتوانست به من کمک کند. پس از به قدرت رسیدن طالبان، چند ماه بعد، جسد های هر سه قربانی در منطقه ریگ سپین بولدک پیدا شد. آن ها در منطقه ریگ ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار به خاک سپرده شدند."
۱۲۹	۲۳ جون ۲۰۱۶	ولایت قندهار، شهر قندهار	"برادرم در یک دکان فروش ظروف سفالی در قندهار کار می کرد و ماهانه چهار هزار معاش می گرفت. عادت داشت به مردم کمک کند و نمازهایش را به جا آورد... روزی چند سرباز به خانه ما آمدند. از ما پرسش هایی کردند،

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			از جمله این که چند برادر هستیم و چه شغل‌هایی داریم. پس از آن، سربازان برادرم را بازداشت کردند و گفتند قوماندان شان می‌خواهد با او صحبت کند. از آن زمان بدینسو برادرم ناپدید شده و هیچ اطلاعی از او نداریم."
۱۳۰	۲۴ اکتوبر ۲۰۱۶	ولایت قندهار، شهر قندهار، ناحیه ۴	"فکر می‌کنم حدود ده، یازده سال پیش اتفاق افتاد. یکی از اعضای خانواده ما تاریخ دقیق را میداند؛ می‌توانم آن را پیدا کنم. این حادثه در ناحیه چهارم شهر قندهار رخ داد. چندین افسر پولیس تحت رهبری جنرال مرحوم عبدالرازق اچکزی به دکان برادرزاده‌ام، جایی که او کار می‌کرد، آمدند و او را به اتهام عضویت در طالبان بازداشت کردند. از روز وقوع حادثه تا حالا او ناپدید است."
۱۳۱	۲۴ جنوری ۲۰۱۴	ولایت قندهار، شهر قندهار، ناحیه ۱۰، قریه دوراهی، نزدیک بولدک اده	"در تاریخ ۲۴ جنوری ۲۰۱۴، در هنگام شام، در ولایت قندهار، شهر قندهار، حوزه دهم امنیتی، منطقه دوراهی، نزدیک بولدک اده، در یک قصابی، چند تن از منسوبین پولیس ملی افغانستان سوار بر یک موتر شخصی، برادرم را بازداشت کرده و به حوزه پولیس منتقل کردند؛ حوزه‌ای که مربوط به یک افسر بی‌رحم پولیس بود. او به اتهام داشتن ارتباط با طالبان بازداشت شد... ما نتوانستیم هیچ‌گونه معلومات معتبر در مورد سرنوشت و محل نگهداری برادرم به‌دست بیاوریم، با وجود آن‌که پس از سقوط جمهوری، همه توقیف‌خانه‌های خصوصی یا به‌اصطلاح سیاه که توسط جنرال رازق هم در شهر قندهار و هم در ولسوالی اسپین‌بولدک مورد استفاده قرار می‌گرفت، را جستجو کردیم."
۱۳۲	اکتوبر - نوامبر ۲۰۱۸	ولایت قندهار، ولسوالی پنجوایی، منطقه صالحان، قریه معیوبین	"بسم‌الله امام یکی از مساجد در قریه معیوبین صالحان، در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار بود. ما تصور می‌کردیم که او توسط یکی از قوماندانان پولیس محلی (ALP) ربوده شده است. اعضای خانواده قربانی تلاش کرده و به قریه‌های مختلفی که در آن‌جا جسد‌هایی یافت می‌شد، سفر کرده‌اند تا ببینند شاید یکی از آن‌ها متعلق به بسم‌الله باشد. با این حال، جسد بسم‌الله هنوز پیدا نشده و خانواده‌اش هنوز در جست‌وجوی آن است."
۱۳۳	۱۰-۱۱ اگست ۲۰۲۱	ولایت نیمروز، ولسوالی خاشرود، بازار غورغوری	"حوالی ساعت ۸ صبح، در بازار غورغوری، مرکز ولسوالی خاشرود، موتر برادرم میان درگیری زمینی جنگجویان طالبان - که برای تصرف ولسوالی پیشروی می‌کردند - و پولیس ملی جمهوری افغانستان گیر افتاد. در جریان تبادل آتش، یکی از مأموران پلیس که بر فراز برجی مستقر بود به سوی موتر فیر کرد و بنا بر گفته‌ها، سرنشینان را به حرکت دادن موتر متهم کرد، زیرا پولیس قصد داشت از آن موتر غیرنظامی به‌عنوان سپر انسانی در برابر حملات طالبان استفاده کند. برادرم بر اثر اصابت گلوله به سر کشته شد و سایر سرنشینان آسیبی ندیدند. جسد او را همان بعدازظهر به خانه منتقل کردیم."
۱۳۴	۲۸ می ۲۰۱۲	ولایت کندز، شهر کندز، ناحیه ۲	"در جریان یک مراسم تشییع جنازه، دو فرد مسلح شناسایی شده به‌سوی پشتون‌هایی که در مراسم شرکت داشتند آتش گشودند. دو برادرم کشته شدند."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۳۵	۵ جولای ۲۰۲۱	ولایت بدخشان، ولسوالی فیض آباد، ساحه یفتل بالا، قریه تلب زنگ	"سه سال پیش، در ۵ جولای ۲۰۲۱، حوالی ظهر، در قریه تلب زنگ، منطقه یفتل بالا، ولسوالی فیض آباد، ولایت بدخشان، وقتی مشغول صرف غذای چاشت بودیم، صدای طیاره را شنیدم و بعد از آن صدای انفجار آمد. سپس نمی دانم چه شد، چون بیهوش شدم و وقتی چشم باز کردم در شفاخانه فیض آباد بودم. در شفاخانه فهمیدم که طیاره های دولت پیشین، متعلق به اردوی ملی افغانستان، به مواضع طالبان حمله هوایی کرده اند و یکی از بمب هایی که طیاره پرتاب کرده بود به هدف نخورد و بر خانه برادرم فرود آمد. در جریان این حادثه خانه ویران شد و برادرزاده نه ساله ام کشته شد. هشت نفر دیگر نیز، بشمول خودم، پسر، مادر، همسر برادر، سه برادرزاده ام و مردی که در نزدیکی خانه ما با موترش رانندگی می کرد، زخمی شدند."
۱۳۶	۱۰ اکتوبر ۲۰۱۹	ولایت بدخشان، ولسوالی جرم، قریه اسکان	"در تاریخ ۱۰ اکتوبر ۲۰۱۹، در قریه اسکان، ولسوالی جرم، ولایت بدخشان، هنگامی که ما برای ساخت و ساز خانه خود کیسه های ریگ (شن) می آوردیم، یک ماین جاسازی شده در خانه ام منفجر شد. این انفجار سه عضو خانواده ام را به قتل رساند: برادر، پسر خاله ام رحمان و پسر ۹ ساله ام. همچنین سه عضو دیگر خانواده ام، شامل دختر، برادرزاده ام و پسر خاله ام مجروح شدند و این حادثه زمانی رخ داد که اعضای خانواده ام یک پارچه آهن را در میان کیسه های ریگ دیدند. وقتی آن را لمس کردند، منفجر شد."
۱۳۷	۲۸ فبروری ۲۰۱۸	ولایت بدخشان، ولسوالی جرم	"طالبان برادرزاده ام را که ۲۵ ساله بود و یک پسر داشت، به ضرب گلوله کشتند. شب بارانی ای بود و من در ولسوالی جرم بودم. برادرزاده ام همراه با پسرش در اتاق خود خواب بودند... آنها (اعضای طالبان) وارد خانه برادرزاده ام شدند و او را با زور از اتاق بیرون کشیدند... عاملان او را به اتاق دیگری بردند و با فیر گلوله به قتل رساندند."
۱۳۸	۲۱ اکتوبر ۲۰۱۸	ولایت بغلان، ولسوالی دوشی، قریه کیلی	"در تاریخ ۲۱ اکتوبر ۲۰۱۸، حوالی ساعت ۱۲:۳۰ ظهر، در منطقه کیلی، ولسوالی دوشی ولایت بغلان، اردوی ملی افغانستان از پوسته امنیتی شان گلوله های توپ انداخت کردند. یکی از گلوله های توپ به فضای باز قریه ما، عثمان خیل، اصابت کرد؛ جایی که کودکان در آنجا کریکت بازی می کردند. در نتیجه، پنج کودک کشته شدند که دو پسر نیز در میان آنان بودند و دو کودک دیگر زخمی شدند."
۱۳۹	محفوظ	محفوظ	"وقتی همراه پدرم و چند مسافر از بازار به خانه برمی گشتم، دو مرد مسلح با صورت های پوشیده موترم را متوقف کردند. یکی از آنها نزدیک آمد و از پدرم خواست پیاده شود. پدرم پیاده شد و من چند متر دیگر به رانندگی ادامه دادم. دوباره ایستادم و تلاش کردم با آنها صحبت کنم. یکی از آنها سرم فریاد زد و از من خواست که بروم. به خانه رفتم، اما به خانواده ام چیزی نگفتم. برادرزاده ام را برداشتم و تصمیم گرفتم بروم و پدرم را

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			جست‌وجو کنم. هنگام بیرون شدن، یکی از اهالی قریه با موترسایکل رسید و به من گفت که پدرم شهید (کشته) شده است. بعداً دیدم که برخی از مردم محل جسد پدرم را با یک موتر نوع مزدا آورده بودند. کسانی که جسد پدرم را برداشته بودند به من گفتند که افراد مسلح پس از گرفتار کردن او، پدرم را حدود ده متر دورتر برده، به صورتش فیر کردند و او را کشتند. به دلیل آسیب شدید به صورتش، تشخیص او برای مردم محل دشوار بود. پدرم از بزرگان/متنفذان محل بود. او به هیچ حزب دولتی یا گروه نظامی وابسته نبود."
۱۴۰	۲۲ آگست ۲۰۱۰	ولایت بغلان، ولسوالی تاله و برفک، منطقه تیرگران، دهانه تایک	"روز یک‌شنبه، ۲۲ آگست ۲۰۱۰، نیروهای مسلح نیوزیلند همراه با نیروهای مسلح دولتی یک حمله شبانه‌ای بر قریه ما، دهانه تیک، در ساحه تیرگران ولسوالی تاله و برفک انجام دادند. نیمه‌شب بود. خواب بودم که پدرم مرا بیدار کرد. بیدار شدم و دیدم چرخبال‌ها هستند و نیروهای مسلح نیوزیلند از قبل ما را محاصره کرده‌اند. آن‌ها نام مرا و نام کاکایم را صدا زدند. کاکایم در خانه نبود؛ او در قریه دیگری بود. اعضای دیگر گروه ما سلاح‌هایشان را در خانه ما گذاشته بودند. ما تلاش کردیم آن سلاح‌ها را از خانه بیرون کنیم. کوشیدیم آن سلاح‌ها را از خانه بیرون کنیم. پدرم و برادرم چند قبضه سلاح برداشتند تا آن‌ها را دور کنند. من از راه دیگری فرار کردم. پدرم، برادرم و مادرم تلاش کردند از راه اصلی قریه از خانه بیرون بروند. هنگامی که حرکت می‌کردند، مادرم ناآگاهانه برای دیدن مسیر از چراغ استفاده کرد. وقتی نیروها آن نور را دیدند، آن‌ها را هدف قرار دادند. چرخبال‌ها با راکت و سلاح‌های دیگر آن‌ها را هدف گرفتند. پدرم و برادرم کشته شدند و مادرم زخمی شد."
۱۴۱	۹ می ۲۰۲۰	ولایت بدخشان، ولسوالی جرم، قریه آب راغک	"در تاریخ ۹ می ۲۰۲۰، ساعت ۹ صبح، در قریه آب راغک ولسوالی جرم بدخشان، پسر ۱۲ ساله‌ام، زمانی که میخواست گاو ما را از قریه آب راغک به قریه سوچ بیاورد، بر اثر انفجار یک مهمات منفجرشده کشته شد. قریه ما زیر کنترل طالبان بود و میان نیروهای امنیتی و دفاعی ملی افغانستان و طالبان درگیری مسلحانه جریان داشت. این رویداد نزدیک خط نبرد رخ داد؛ درست زمانی که وسایط نیروهای نظامی دولت پیشین از آن ساحه عبور می‌کردند. در همان لحظه، یک مهمات منفجرشده، منفجر شد و به پسر جراحات شدیدی وارد کرد که منجر به مرگ او شد."
۱۴۲	محفوظ	محفوظ	"بعد از چاشت بود که من و کاکایم در مزرعه خود مصروف ساختن یک دیوارگی بودیم که یک ماین جاسازی شد منفجر شد و من و کاکایم را زخمی کرد. کاکایم جراحات سطحی برداشته بود و زود خوب شد، اما من چشم راست خود را از دست دادم و چشم چپم نیز آسیب دید و از همان زمان تا حال بینایی‌ام را کاملاً از دست داده‌ام."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			این ماین جاسازی شده احتمالاً از سوی طالبان کارگذاری شده بود تا افرادی را که گاه‌گاهی به این قریه رفت‌وآمد می‌کردند، هدف قرار دهد."
۱۴۳	محفوظ	محفوظ	"در راه بازگشت به خانه بودم که روی یک ماین جاسازی شده قدم گذاشتم؛ ماینی که در جریان درگیری‌ها میان طالبان و نیروهای امنیتی و دفاعی ملی افغانستان کارگذاری شده بود. خویشاوندانم مرا به شفاخانه ولایتی انتقال دادند که در آن‌جا پای راستم قطع شد و دو انگشت دست راستم نیز قطع گردید. بقیه انگشتان همان دست کارآیی خود را از دست داده‌اند و هنوز هم درست کار نمی‌کنند."
۱۴۴	محفوظ	محفوظ	"سه برادرزاده‌ام یک مهمات منفجرنشده را نزدیک خانه ما پیدا کردند. کودکان هنگام بازی با آن مهمات بودند که ناگهان منفجر شد و دو تن آن‌ها جابجا کشته شدند و کودک سومی زخمی گردید. این مهمات از زمان درگیری‌های میان طالبان و نیروهای امنیتی و دفاعی ملی افغانستان در آن‌جا باقی مانده بود."
۱۴۵	۲۰ اکتوبر ۲۰۱۸	ولایت قندهار، شهر قندهار	"در تاریخ ۷ سنبله ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، مطابق با ۲۹ آگست ۲۰۱۸، حوالی ساعت ۱۲:۴۵ ظهر، یک فرمانده به نام زرگی را دیدیم که همراه با برادرش و ده تن افراد مسلح دیگر که یونیفورم ریاست عمومی امنیت ملی را به تن داشتند، به خانه ما آمدند. آن‌ها ما را به بیرون خانه بردند و [پسرم] فدا محمد را بازداشت کرده، سوار موتر نمودند. [پسر دیگر] خان محمد می‌خواست او را نجات بدهد، اما او را نیز سوار همان موتر کرده با خود بردند. سپس آن‌ها با رنج‌های‌شان از آن‌جا رفتند. من تا مسافت زیادی دنبال‌شان دویدم، اما در نهایت ناامید شدم و برگشتم. وقتی به حوزه پنجم پولیس رفتم، برای‌شان گفتم که پسرانم را با خود برده‌اند. آن‌ها گفتند که کسی را بازداشت نکرده‌اند و موضوع ربطی به آن‌ها ندارد. شماره تماس خود را به من دادند و گفتند در تماس باشم. آن‌ها گفتند که در مورد این رویداد تحقیق خواهند کرد و بعداً به ما خبر می‌دهند، اما ما هیچ‌گونه معلومات یا خبر تازه‌ای از آن‌ها دریافت نکردیم. قربانیان تا هنوز ناپدید هستند."
۱۴۶	فبروری ۲۰۱۹	ولایت قندهار، شهر قندهار	"شوهرم احمد مسعود به‌عنوان افسر پولیس در حکومت جمهوری وظیفه انجام می‌داد. زمانی که طالبان در اوایل سال ۲۰۱۹ برای تصرف قندهار حملات‌شان را آغاز کردند، جنگ‌های زیادی رخ داد. او از خانه بیرون شد تا دکانش را محافظت کند، اما آخرین بار در منطقه‌ای به نام «حاجی لالا کلا» دیده شد؛ جایی که جنگ‌های شدید در آن جریان داشت. آن منطقه میان طالبان و نیروهای دولت تقسیم شده بود. در همان زمان، مردم را بازداشت می‌کردند و ناپدید می‌ساختند و شوهرم از همان وقت تا حالا ناپدید است. من هیچ معلومات موثق و قابل اعتمادی در مورد این که با شوهرم چه کردند، ندارم. حالا بیش از سه سال می‌شود که از او هیچ خبری نداریم. وضعیت اقتصادی ما بسیار خراب شده، چون او تنها نان‌آور خانواده بود. وقتی شوهرم ناپدید شد و گمان رفت

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			که کشته شده، ما با فقر شدید روبه‌رو شدیم. حتی مجبور شدم دختر کوچکم را بفروشم، اما هیچ‌کس حاضر نشد او را بخرد."
۱۴۷	محفوظ	محفوظ	"شوهر و پسر من را از دست دادم. پسر من حدود ۱۸ سال عمر داشت. او تنها سه روز قبل از رویداد، از صنف دوازدهم فارغ شده بود. در جریان روز، آن‌ها در راه باغ بودند تا در باغ کار کنند. آن‌ها روی یک ماین کارگذاری شده پا گذاشتند و هر دو جان باختند. بعد از این حادثه، روزهای بسیار سختی را پشت سر گذاشتیم و وضعیت اقتصادی ما نیز خوب نبود."
۱۴۸	۱۸ اگست ۲۰۱۹	ولایت بلخ، ولسوالی دولت آباد، قریه حیاتان، نهر قرشک	"این یک ماین کنار جاده‌ای نوع «بلیتی/فشاری» بود که تنها یک شب قبل از رویداد، توسط جنگجویان طالبان که بر قریه ما تسلط داشتند، علیه نیروهای امنیتی و دفاعی پیشین در آن‌جا جاسازی شده بود. اما صبح وقت، حدود ساعت ۷، یک موتر تکسی نوع تیوتا بدون آن‌که آگاهی داشته باشد، از روی همان پل و ماین جاسازی شده عبور کرد و سبب یک انفجار بسیار مهیب شد... در نتیجه، ۱۳ غیرنظامی، شامل هفت مرد، یک زن و پنج دختر، کشته شدند. موتر تاکسی به‌طور کامل از بین رفت. همه قربانیانی که در این حادثه کشته شدند، باشند قریه ما و افراد کاملاً غیرنظامی بودند. آن‌ها در آن زمان هیچ دخالتی در جنگ و درگیری نداشتند. آن‌ها فقط در آن روز برای کارها و امور عادی زنده‌گی‌شان سفر می‌کردند. هیچ‌کس از این انفجار نجات نیافت؛ ما پاره‌های جسد‌هایشان را از هر طرف اطراف محل گردآوری می‌کردیم. صحنه وحشتناک بود و ما به‌شدت در شوک بودیم و گریه می‌کردیم. ما اجساد را از هم تفکیک کرده نمی‌توانستیم، چون همه تکه‌تکه شده بودند. ما پاهای، سرها، دست‌ها را جمع کردیم و همه را در چهار بوجی بزرگ گذاشتیم. همه ای آنها خون آلود بود."
۱۴۹	محفوظ	محفوظ	"حدود [شماره محفوظ شده] سال قبل، طالبان با استفاده از یک موتر بمب‌گذاری شده (موتر مملو از مواد انفجاری) بر قوماندانی/حوزه پولیس [نام محل] حمله کردند. در این رویداد، تلفات بسیار زیاد بود. در همین حادثه، شوهر من که یک کراچی داشت و بسکیت و چپس فروشی می‌کرد، زخمی شد. در نتیجه این رویداد، او فلج شد و دیگر توانایی حرکت دادن دست‌ها و پاهایش را نداشت. او تنها نان‌آور خانواده ما بود. بعد از زخمی شدن او، من مجبور شدم کار کنم تا برای فامیل نان پیدا کنم و همچنان مصارف تداوی او را بپردازم. اما تداوی او پول زیادی را ایجاب می‌کرد... داکتر گفت که او باید برای معالجه بیشتر به پاکستان یا ایران انتقال داده شود، اما هیچ‌یکی از ما توانایی پرداخت این هزینه را نداشتیم. در نهایت، پس از تحمل مشکلات و رنج‌های فراوان، او زندگی‌اش را از دست داد."
۱۵۰	محفوظ	محفوظ	محفوظ

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۵۱	۶ سپتمبر ۲۰۱۸	ولایت لغمان، ولسوالی بادپخ، قریه گاروچ	"در تاریخ ۶ سپتمبر ۲۰۱۸، در ولایت لغمان، ولسوالی بادپخ، ساحه جاروچ، نیروی امنیتی و دفاعی - ۰۲ همراه با حمایت هوایی نیروهای بین‌المللی نظامی، عملیات تلاشی شبانه را در قریه ما انجام دادند که از ساعت ۱۱ شب شروع شد و تا ساعت ۳ بامداد ادامه یافت. حدود ۶۰ نفر از نیروهای نظامی افغان و امریکایی در این حمله شرکت داشتند. حدوداً ساعت ۱ شب، آن‌ها به دروازه خانه ما آمدند و دروازه را کوبیدند. وقتی من دروازه را باز کردم، بالایم فیر کردند و سه مری به دهن و کمرم اصابت کرد... من به زمین افتادم. مادرم آمد و مرا از زمین بلند کرد. سربازان هنوز هم مصروف تلاشی خانه بودند و دوباره فیر کردند. آن‌ها به داخل اتاق فیر نمودند؛ خوشبختانه این بار کسی زخمی نشد. بعد از آن، آن‌ها از خانه ما بیرون شده و به طرف خانه پدرکلانم رفتند. پدرکلانم حدود ۸۰ سال عمر داشت، اما آن‌ها او را به ضرب گلوله کشتند. پس از آن، پسر ۴۷ ساله‌اش را دستگیر کرده، دست‌هایش را از پشت بستند و به همسرش گفتند که او به زودی رها خواهد شد. اما او را حدود ۱۰ متر دورتر برده و نیروهای امنیتی او را به ضرب گلوله کشتند. سپس به خانه کاکیم داخل شدند. او ۷۵ سال عمر داشت. او را از ناحیه سر هدف قرار داده و کشتند. در جریان همین عملیات تلاشی شبانه، در مجموع ۱۰ مرد کشته شدند که در میان آن‌ها سه راننده و یک کارگر روزمزد بودند، و چهار مرد دیگر زخم برداشتند. تا اکنون یک مری در کمرم باقی مانده است؛ داکتران به من گفتند که کشیدن آن بسیار خطرناک است."
۱۵۲	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۱۵۳	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۱۵۴	۲۳ می ۲۰۲۰	ولایت لغمان، ولسوالی علیشنگ، ساحه سالو	"آن شب، شب عید سعید فطر بود و من مصروف بستن حنا به دست‌های دخترانم بودم که ناگهان صدای وحشتناکی را شنیدیم. کسی بالای خانه ما بمب دستی پرتاب کرده بود. همه اعضای خانواده‌ام زخمی شدند. شوهرم، دو دخترم، یک پسر و یکی از دخترهای برادرشوهرم به دلیل زخم‌های شدید در شفاخانه جان باختند. سایر اعضای فامیل شوهرم و خودم نیز در این رویداد زخمی شدیم."
۱۵۵	۲۳ می ۲۰۲۰	ولایت لغمان، ولسوالی علیشنگ، قریه سالو	"چهار سال قبل، به تاریخ ۲۳ می ۲۰۲۰، حوالی ساعت ۹ شب، در قریه ملاو ولسوالی علی‌شنگ، ما در خانه بودیم که بین طالبان و نیروهای مسلح ملی رژیم قبلی جنگ جریان داشت. یک مری هاوان اردوی ملی افغانستان به خانه ما اصابت کرد. من، خانم و خانم برادرم زخمی شدیم، دختر سه‌ساله‌ام و برادر کلانم شهید شدند، و خانه ما تخریب شد و برخی از وسایل و اثاثیه خانه نیز سوخت. بعد از حادثه، برادرم که زخمی نشده بود، ما را به

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			کلینیک ولسوالی انتقال داد. پس از دریافت کمک‌های اولیه، توسط امبولانس کلینیک به شفاخانه ولایتی منتقل شدیم. دیگر مجروحان زودتر بهبود یافتند، اما من به‌طور شدید زخمی شده بودم."
۱۵۶	محفوظ	محفوظ	"طالبان به خانه ما آمدند و پسر را در مقابل دروازه خانه کشتند. پسر ۲۳ ساله عمر داشت و طالبان او را بدون هیچ دلیلی به قتل رساندند. او نه جرمی انجام داده بود و نه هم کارمند دولت بود. در آن زمان او یک دختر خردسال شش‌ماهه داشت. همچنان، من چهار فرزندم را در نتیجه انفجار مهمات منفجرناشده از دست دادم. کودکانم یک مری هاوان پیدا کرده بودند و آن را در حویلی خانه بالای آتش گذاشتند. انفجار، دو دخترم به سنین ۲۱ و ۸ ساله و دو پسر به سنین ۱۵ و ۳ ساله را به از بین برد."
۱۵۷	محفوظ	محفوظ	"من در حال راندن یک موتر باربری حامل خشت بودم، و به یک محل تلاشی رسیدم. در میانه درگیری میان نیروهای امنیت ملی و طالبان گیر افتادم؛ من دقیقاً در منطقه بین دو طرف درگیر قرار داشتم. چند گلوله و چند چره هاوان به بدنم اصابت کرد. گلوله‌ها و چره های سرگلوله به پای چیم، شکم و شانه چیم خورد. به‌شدت مجروح شدم. تلفات زیادی هم بود و من هم جزو مجروحان بودم. مرا به بیمارستان منتقل کردند و حدود چهار روز و چهار شب آنجا بستری بودم. پام هنوز آسیب‌دیده است و درست کار نمی‌کند. دکتر به من گفت اگر همین‌طور ادامه پیدا کند، پام را قطع خواهند کرد."
۱۵۸	محفوظ	محفوظ	"درگیری میان نیروهای امنیت ملی افغانستان و طالبان در قریه ما آغاز شد. ما پنج نفر در خانه بودیم: پدرم، مادرم، دو برادر من (۵ و ۷ ساله) و خودم. به‌دلیل درگیری، پدرم گفت: بیایید به قریه دیگری برویم؛ جایی که کاکایم زندگی می‌کرد. چون درگیری کم‌کم شدیدتر می‌شد، پدرم گفت ممکن است در اثر تیراندازی متقابل آسیب ببینیم. تازه از خانه بیرون آمده بودیم و دروازه اصلی را بسته بودیم که سه نفر از طالبان رسیدند و از پدرم پرسیدند شما کی هستید و چه می‌کنید. پدرم با احترام پاسخ داد (و توضیح داد که چه کسی است. آن‌ها به پدرم گفتند تو جاسوس هستی و برای دولت کار می‌کنی و می‌خواهی جای ما را به آن‌ها اطلاع بدهی. پدرم گفت: نه، من این‌طور نیستم؛ فقط می‌خواهم بچه‌ها و خانواده‌ام را به جای امنی ببرم. دو نفر دیگر از اعضای طالبان به زبان پشتو به آن یک نفر گفتند: به آن‌ها فیر کن. آن‌ها شروع به تیراندازی کردند و یکی از گلوله‌ها به سینه پدرم اصابت کرد و او همان‌جا در محل حادثه جان باخت. مادرم گلوله‌ای به پای راستش خورد و من هم در ناحیه شکم دچار جراحت سطحی شدم. طالبان محل را ترک کردند و پس از صدای تیراندازی، همسایه‌ها به سمت ما آمدند. اهالی قریه ما را به شفاخانه محلی سپس به شفاخانه ولایتی منتقل کردند. من پنج روز در شفاخانه بستری بودم و مادرم ده روز بستری ماند."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۵۹	محفوظ	محفوظ	"می‌خواستم برای شرکت در مراسم عروسی به قریه دیگری بروم. کمی از خانه‌ام دور شده بودم که دو موتور سایلک سوار رسیدند و به سمت یک موتور نیروهای امنیت ملی افغانستان تیراندازی کردند. یک گلوله به بازوی راستم اصابت کرد و من به زمین افتاده و بیهوش شدم. حدود نیمه‌شب دوباره به هوش آمدم. دیدم در (شفاخانه ولایتی) هستم. حدود شش روز و شش شب آنجا بستری بودم."
۱۶۰	محفوظ	محفوظ	"طالبان به قریه ما آمدند و همه خانه‌ها و محصولات برداشت‌شده قریه را آتش زدند. همه اهالی قریه به کوه‌ها کوچ کردند و خیمه برپا کردند. ناگهان نیروهای نظامی طالبان نزدیک شدند، خیمه‌ها را آتش زدند و شروع به کشتن غیرنظامیان در آن منطقه کردند. شوهرم و خسرم کشته شدند."
۱۶۱	محفوظ	محفوظ	"نیروهای نظامی طالبان حمله کردند، چندین غیرنظامی را کشتند و خانه‌ها را به آتش کشیدند. خانه من توسط نیروهای نظامی طالبان سوزانده شد و همه وسایل و اموال ما و همچنین دام‌هایمان را دزدیدند. ما سه ماه در کوه‌ها زندگی کردیم تا این که شبه‌نظامیان و نیروهای نظامی طالبان به کوه‌ها آمدند و پدرم را که یک فرد غیرنظامی بود کشتند. پس از کشته شدن پدرم، در مشکلات بزرگی گرفتار شدیم. همه برادرانم و خواهرم خیلی کوچک بودند. من بزرگ‌ترین فرزند خانواده بودم و همراه با مادرم مسئولیت خانواده را به عهده گرفتم."
۱۶۲	محفوظ	محفوظ	"پدرم وقتی در (قریه ما) برای سوخت هیزم بوته‌ای جمع می‌کرد، به دست (یک قوماندان محلی) کشته شد. آن زمان من دو ساله بودم و کاکایم مسئولیت و سرپرستی‌ام را بر عهده گرفت. پدرم هنگام کشته شدن ۲۸ ساله بود. من یک خواهر بزرگ‌تر دارم. ما از خانواده‌ای بسیار فقیر بودیم و زمین کافی برای کشت و کار نداشتیم. به همین دلیل پدرم همیشه به‌عنوان کارگر مزرعه در زمین‌های دیگران در قریه مان کار می‌کرد."
۱۶۳	محفوظ	محفوظ	"پدرم در زمین کار می‌کرد... او هنگام برداشت محصول، مشغول جمع‌آوری گندم بود که جنگی میان دو فرمانده محلی درگرفت... در جریان این جنگ پدرم از سوی [یکی از طرف‌ها] هدف قرار گرفت و کشته شد. من هفت ساله بودم."
۱۶۴	۱۶ فروری ۲۰۲۰	ولایت قندهار، ولسوالی شاه ولی کوت	"پنج سال از زمانی می‌گذرد که شوهرم در جریان حمله شبانه در ولسوالی شاه‌ولی کوت ولایت قندهار، به دست نیروهای پیشین امنیتی و دفاعی ملی افغانستان کشته شد. این رویداد حدوداً در ۱۶ فروری ۲۰۲۰ رخ داد. خانه شخصی ما نزدیک محل تلاشی طالبان بود. شوهرم و برادرم بیرون از خانه بودند که نیروهای پیشین امنیتی و دفاعی ملی افغانستان عملیات نظامی را علیه طالبان آغاز کردند و تیراندازی شروع شد... در نتیجه، برادرم و شوهرم هدف گلوله قرار گرفتند. شوهرم کشته شد و برادرم زخمی شد."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۶۵	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۱۶۶	محفوظ	محفوظ	"هنگامی که شوهرم از کوه برگشت تا برای ما آرد بیاورد توسط نظامی های طالبان بازداشت شد ... دست هایش را با لنگی از پشت بستند. او را با فیر کلاشینکوف کشتند. به دهانش فیر کردند. پس از سه روز مردم جسدش را بردند و دفن کردند. ما جسدش را ندیدیم. یکی از پسرانم [نام]، وقتی توسط طالبان بازداشت شد ۱۴ ساله بود... طالبان به طرف او فیر کردند. خوشبختانه زنده ماند. ما برای او به دوا یا مراقبت شفاخانه ای مناسب دسترسی نداشتیم. او را به یک کلینیک بسیار کوچک در [ولسوالی] منتقل کردیم."
۱۶۷	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۱۶۸	۲۵ فبروری ۲۰۱۴	ولایت ننگرهار، ولسوالی لعل پور، ناحیه چکنور، قریه خویزو	"حدود ۱۱ سال پیش بود. در مرز تورخم درگیری ای رخ داد که در آن شوهرم کشته شد. او راننده بود و وقتی در آن منطقه موترش را می راند، در میان تبادل آتش گیر ماند. نمی دانم دقیقاً میان چه کسانی جنگ بود و چه اتفاقی افتاد. من در خانه بودم، غذا می پختم و از دختران دوقلوی نوزادم مراقبت می کردم. آن ها نه ماهه بودند. که از برادرشوهرم تیلیفون آمد. او گفت شوهرم از ناحیه سینه تیر خورده و به شفاخانه انتقال داده شده، اما هنگام رسیدن به شفاخانه جان باخت."
۱۶۹	محفوظ	محفوظ	"شوهرم در بخش ساختمان سازی در [محل] کار می کرد. او از کار به خانه برمی گشت که طیاره پی سرنشین موتوری را که در آن سوار بود مورد هدف قرار داد. فکر کردند که او عضوی از طالبان است و حمله هوایی انجام دادند و او جان باخت."
۱۷۰	محفوظ	محفوظ	"شوهرم در [محل] یک استدیوی عکاسی داشت. در مقابل دفتر پولیس [محل] یک حمله انتحاری رخ داد و شوهرم زخمی شد. یک دست و پایش را از دست داد و فلج شد. اکنون او در ویلچر است."
۱۷۱	محفوظ	محفوظ	"در روز اول ماه رمضان بود. شوهرم از خانه بیرون شد تا مواد خوراکی بخرد. وقتی از مقابل محل تلاشی پولیس در [محل] عبور می کرد، یک ماین ضد وسایط انفجار کرد و او کشته شد."
۱۷۲	محفوظ	محفوظ	"مادرم از کار به خانه برمی گشت که در بسی که در آن سفر می کرد انفجار شد. پدرم معلول است و نمی تواند کار کند. مادرم کسی بود که برای خانواده ما پول پیدا می کرد. من در آن زمان حامله بودم. بارها به مادرم زنگ زدم. بالاخره او را در شفاخانه پیدا کردم؛ او کشته شده بود."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۷۳	محفوظ	محفوظ	" شوهرم و خسرم در بازار سبزی فروشی می کردند. انفجاری رخ داد و هر دوی آنها را کشت."
۱۷۴	محفوظ	محفوظ	" شوهرم برای دروگندم رفته بود تا کمی پول پیدا کند. در مزرعه انفجار یک ماین جاسازی شده رخ داد. او به گما رفت و جان به سلامت نبرد. کارگران دیگر هم از ناحیه دست ها و پاهای شان زخمی شدند."
۱۷۵	محفوظ	محفوظ	" کاکایم ما را برای مراسم عروسی به [قریه دیگر] دعوت کرده بود. حادثه در راه همان جا رخ داد - هنگام رفتن، انفجاری موتر ما را هدف قرار داد. ما تقریباً بیست متر پشت سر تانک های نیروهای نظامی بین المللی در حرکت بودیم و به جای این که آنها را هدف بگیرد، انفجار موتر ما را هدف قرار داد... هفت تن از اعضای خانواده ام، به شمول شوهرم، در این رویداد کشته شدند. [نام] که هفده ساله است، زخمی شد. پسر کاکایم، [نام]، که چهل تا چهل و یک ساله است، نیز بر اثر چره های مواد انفجاری در سر، چشم ها و دستانش زخمی شد. او همچنان مادرش [نام] را و دو فرزندش را: [نام] که دو ساله بود و [نام] که یازده ساله بود نیز از دست داد."
۱۷۶	محفوظ	محفوظ	" به تاریخ [تاریخ]، زمانی که من متأهل و سی ساله بودم، پس از آن که نیروهای نظامی طالبان قوای نظامی حزب متحد را شکست دادند، طالبان بلافاصله در [قریه] شروع به تلاشی خانه ها و جست و جوی مردان کردند و همه مردان را بازداشت نموده و به کوه ها بردند. طالبان همچنان همه باشندگان قریه ما را به [قریه دیگر] انتقال دادند. طالبان تمام مردان [قریه سوم] را نیز بازداشت کرده و به کوه ها بردند. شوهرم یکی از بازداشت شدگانی بود که توسط طالبان در کوه ها اعدام شد. طالبان هشتاد تن از مردان [قریه ما] را کشتند. در این مدت، من شاهد اعدام مردان زیادی توسط طالبان بودم. این یک جنگ نبود؛ اعدام بود. همه ما، زنان و کودکان، از [قریه] به سوی کوه ها فرار کردیم. تعدادی از باشندگان قریه - به ویژه پیرمردان، پیرزنان و کودکان خردسال - بر اثر سردی هوا جان دادند و در برف سنگین از بین رفتند. ما هیچ نوع امکانات و تجهیزات لازم برای زنده ماندن در فضای باز نداشتیم. پس از گذشت ۱۵ روز، نیروهای طالبان آتش بس اعلام کردند و زنان و کودکان دوباره به قریه های خود برگشتند. زمانی که به خانه های خود برگشتند، دیدند که نیروهای طالبان تمام خانه ها را غارت کرده و به آتش کشیده اند. برخی از خانه ها کاملاً سوخته و بعضی دیگر به طور جزئی بر اثر آتش سوزی ویران شده بودند."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			تمام زنان به کوه‌ها رفتند تا اجساد مردان را پیدا کنند و دریافتند که همه آن‌ها اعدام شده‌اند. نیروهای طالبان دست‌های آنان را از پشت بسته بودند و غالباً به صورت‌های‌شان فیر کرده بودند، به گونه‌ای که شناسایی خویشاوندان ما بسیار دشوار شده بود. در نهایت، من جسد شوهرم را پیدا کردم"
۱۷۷	محفوظ	محفوظ	"به تاریخ [تاریخ]، نیروهای نظامی طالبان تحت قوماندانی [نام قوماندان]، و همچنان [نام]، [نام] و [نام]، شهر [شهر] را اشغال کردند. آن‌ها بلافاصله شروع به تلاشی خانه‌ها و جست و جوی افراد هزاره در [شهر]، به ویژه در [قریه]، کردند. پدرم ۴۰ ساله بود که در خانه اش در [قریه] توسط طالبان دستگیر شد. او را به بیرون بردند و همراه با ۶۹ تن دیگر از باشندگان قریه در منطقه [شهر]، در نزدیکی کوه‌ها، اعدام کردند. مادرم نیز در همان زمان توسط طالبان اعدام شد، زیرا او با فریاد به طالبان گفت: لطفاً شوهرم را نکشید، و آن‌ها هر دو را کشتند... آن‌ها در برابر چشم‌های من، سه برادرم و پنج خواهرم را کشته شدند. من در آن زمان فقط یک طفل هفت ساله بودم. وقتی جسد پدرم را دیدیم، همه ما خودمان را روی جسد او انداختیم و او را در آغوش گرفتیم. طالبان بعداً به قریه ما برگشتند و تلاشی خانه به خانه را از سر گرفتند. یکی از برادرانم که ۱۵ ساله بود و توسط نیروهای طالبان با کلاشینکوف آن قدر به شدت لت و کوب شد تا بی‌هوش شد. ما در خانه مان با صدای بلند فریاد می‌زدیم تا طالبان را وادار کنیم دست از لت و کوب برادرم بردارند. یادم است که من و خواهر و برادرانم فریاد می‌زدیم. دیدیم که نیروهای طالبان یک موتر بزرگ آوردند و کمپل‌ها، لحاف‌ها، بستره‌ها و دیگر وسایل خانه را از داخل خانه مان دزدیدند. هوا در آن زمان بسیار سرد بود. بعد از آن که نیروهای طالبان تمام دارایی ما را غارت کردند، خانه ما و خانه‌های دیگر در قریه ما را به آتش کشیدند. تمام زنان و کودکان قریه ما پیاده و در میان برف سنگین به سوی [کوه‌ها] فرار کردند. در طول راه، بسیاری از نوزادان و زنان سالخورده در طول شب، بر روی کوه و برف، به دلیل سردی هوا و قرار گرفتن در معرض سرمای شدید جان باختند."
۱۷۸	محفوظ	محفوظ	"من از پیش داکتر به سوی خانه در راه بودم. برادرم همراه من بود و پیاده می‌رفتیم. وقتی از [محل] می‌گذشتیم، روی یک ماین منفجر نشده قدم گذاشتم. آن بیابان منطقه‌ای آلوده است و مواد منفجره منفجر نشده در همه‌جا پراکنده است. من نمی‌توانم کسی را سرزنش کنم؛ هر کسی می‌توانست آن را آن‌جا گذاشته باشد. [...] هر دو پام را از دست دادم. [...] من هیچ‌گاهی برای هیچ حزب سیاسی یا هیچ یک از طرف‌های درگیر کار نکرده‌ام. من یک فرد بی‌طرف هستم."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۷۹	محفوظ	محفوظ	"موتر من در حویلی خانه من ایستاده بود. [...] آنها بمب را در زیر موتر من جاسازی کردند. این کار را طالبان کردند. [...] من هردو پایم را از دست دادم."
۱۸۰	محفوظ	محفوظ	"آنروز، حدود پنج سال قبل، برای گرفتن غذا رفته بودم. ما را طالبان متوقف کردند و به‌سوی ما شروع به فیر کردند. چهار مری به من اصابت کرد؛ به پاها و دستم مری خورد. من سوار بر موترسایکل بودم؛ مردی که پشت سرم نشسته بود هدف قرار گرفت و افتاد. من حدود یک ساعت به رانندگی ادامه دادم تا از آن‌جا دور شوم. در یک قبرستان توقف کردم و به همکارانم زنگ زدم؛ آن‌ها مرا به [شفاخانه] بردند."
۱۸۱	۲۲ سپتامبر ۲۰۱۹	ولایت هلمند، ولسوالی موسی قلا، قریه شب و روز	"روزی، تقریباً شش سال پیش، ما به یک مراسم عروسی در موسی قلعه ولایت هلمند می‌رفتیم. این همان مراسمی است که ما حنا را به خانواده عروس می‌بریم. ما با چندین موتر از دریا عبور می‌کردیم تا به آنجا برویم، که ناگهان حمله صورت گرفت. نیروهای امنیتی افغان بودند و وقتی ما آن‌ها را دیدیم، توقف کردیم. آن‌ها به‌سوی ما فیر کردند. راننده ما به آن‌ها گفت که فیر نکنند و گفت: «با ما زنان و کودکان هستند»، اما آن‌ها گوش ندادند. در این رویداد من خواهرم را که یک سال از من بزرگ‌تر بود، و همچنین برادرزاده‌ام را از دست دادم. بسیاری از خویشاوندان ما در همان رودخانه کشته شدند. من نمی‌دانم چه کسی مسئول بود، اما فکر می‌کنم نیروهای افغان و نیروهای بین‌المللی بودند. آن‌ها چند هلیکوپتر داشتند که از بالا به سوی ما فیر می‌کردند. وضعیت مانند یک بمباران بود. هلیکوپترها کسانی را که از سوی افراد روی زمین هدف قرار نگرفته بودند، هدف قرار می‌دادند. من در یک لحظه بیهوش شدم. ما تمام شب همان‌جا افتاده بودیم تا این‌که صبح شد. هیچ یک از نیروهای امنیتی برای بررسی وضعیت ما نیامدند. یکی از موترها بر اثر فیرها انفجار کرد. من از ناحیه پا هدف قرار گرفته بودم و همچنین از انفجار موتر نیز زخمی شدم. در مجموع، بیش از ۱۴ تن از خویشاوندانم کشته شدند: پسرخاله‌ام، خواهرم، برادرزاده‌ام، پنج نواسه خاله‌ام، پسر خاله‌ام، نواسه‌های کاکایم، دو تن از خویشاوندان دیگر خاله‌ام، دختر خاله‌ام، و هنرمند/موسیقی‌نوازی که برای مراسم با ما آمده بود. بیش از هفت نفر زخمی شدند، علاوه بر خودم. دخترکاکایم دستش را از دست داد. دختر کاکای خاله‌ام و پسرش اعضای بدن خود را از دست دادند. عروس خاله‌ام پایش را از دست داد. عروس دیگرش زخمی شد. نواسه خاله‌ام دستش آسیب دید، و راننده ما نیز زخمی شد."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
۱۸۲ (دو مصاحبه)	م محفوظ	م محفوظ	"[سال] بود. ما به دلیل جنگ به [ولسوالی] پی جا شده بودیم و پس از توقف درگیری‌ها دوباره به [شهر] برگشتیم. اما جنگ دوباره آغاز شد. حدود چهار تا پنج ماه جنگ شدید در آنجا جریان داشت. [...] وقتی برگشتیم، به خانه [همسایه ما] رفتیم و من روی یک ماین قدم گذاشتم که منفجر شد. من مطمئن هستم که عاملان طالبان بودند. آن‌ها در جریان جنگ از خانه‌های ما استفاده می‌کردند و برای حفاظت از خود، مواد انفجاری دست‌ساز کار گذاشته بودند. من پای راست و ساق پایم را از دست دادم."
۱۸۳	م محفوظ	م محفوظ	"من در راه بازگشت از بازار به خانه بودم. من در یک موتر تکسی بودم. از یک پوسته امنیتی پولیس گذشتیم و آن‌ها گفتند که بروید. اما وقتی به [ولسوالی] رسیدیم، در میان درگیری بین طالبان و نیروهای حکومت پیشین گیر ماندیم. کسانی که در طرف دیگر موتر نشسته بودند توانستند به صورت امن از موتر بیرون شوند؛ اما در طرفی که من بودم، فیر صورت می‌گرفت و مجبور شدم دور موتر را بگردم تا به سمت دیگر برسم. سه مری به پای چپم اصابت کرد. مری‌هایی که به من خورد از جانب پولیس شلیک شده بود. همان پولیس‌هایی که در آنجا بودند مرا به کلینیک صحت عامه انتقال دادند. مری‌ها از پایم عبور کرده بودند[...]. پنج یا شش ماه بعد، یک رویداد دیگر رخ داد. دوباره در راه بازگشت از بازار به خانه بودم. این بار هم در همان ولسوالی بود. مادرم از من خواسته بود به یک بازار مشخص بروم تا برای مهمانان‌ها غذا بخرم. در حالی که پیاده به خانه برمی‌گشتم، درگیری میان طالبان و نیروهای حکومت پیشین آغاز شد. با اصابت اولین مری، به زمین افتادم. مری‌ها یکی پس از دیگری به من برخورد می‌کردند. در آغاز هنوز به هوش بودم و دستمال را که روی سر داشتم گرفتم و روی زخم‌های که خون‌ریز داشت فشار دادم. اما بعد از آن مری‌های بیشتری به من اصابت و دیگر نمی‌توانستم روی همه زخم‌ها فشار بیاورم. روی زمین خون‌ریزی می‌کردم و منتظر بودم کسی به کمکم برسد."
۱۸۴	م محفوظ	م محفوظ	"این رویداد در مسجد اتفاق افتاد. من در مسجد مؤذن بودم و اعلان‌ها را انجام می‌دادم. دقیقاً بعد از نماز جمعه، یکی از بزرگان ما برای جماعت سخنرانی کوتاهی کرد. ناگهان صدای فیر اسلحه شنیدیم. در ولسوالی ما، فیر اسلحه در مراسم عروسی و دیگر جشن‌ها ممنوع بود. به نظر می‌رسید فیر از سمت دروازه مسجد می‌آید. آن فرد که سخنرانی میکرد هم متوجه شد. ناگهان مردی داخل مسجد شد. به خاطر آمد که شنیده بودم در چنین مواقعی باید روی زمین دراز کشید، پس همان کار را کردم. آن مرد واسکت انتحاری‌اش را انفجار داد. من متوجه نشدم، اما قطعه تیز به پشت سرم اصابت کرده بود."

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			سپس فرد دومی وارد مسجد شد و فیر می کرد. من به پشت مسجد، جایی که بلندگوها را نگه می داشتیم، فرار کردم. در آنجا بود که فهمیدم خونریزی دارم. چند محافظ امنیتی در مسجد بودند. وقتی آن‌ها تلاش کردند در برابر مهاجم دوم مداخله کنند، او نیز واسکت انتحاری اش را انفجار داد. پس از این انفجار دوم، همه جا ساکت و آرام شد. از جای مخفی بیرون آمدم، اما در وضعیت خوبی نبودم."
۱۸۵	محفوظ	محفوظ	"میان طالبان و نیروهای حکومت پیشین جنگ جریان داشت. آن روز، من در دروازه خانه ایستاده بودم تا ببینم چه می گذرد. در همین هنگام یک مری به من اصابت کرد. مری از سمت چپ قفسه سینه ام داخل شد و از شانه راستم بیرون رفت. نمی توانم بگویم که مری از کدام طرف شلیک شده بود. وقتی زخمی شدم، اعضای منطقه رسیدند و مرا به [شفاخانه] انتقال دادند."
۱۸۶	۹ مارچ ۲۰۱۱	ولایت پکتیا، شهر گردیز، سپین بازار	"حدود ساعت ۷ صبح، به تاریخ ۹ مارچ ۲۰۱۱، در ولایت پکتیا، شهر گردیز، در اسپین بازار بود. من در بازار مصروف فروش سبزیجات بودم که انفجاری رخ داد. سرم، پای چپم و بطنم بر اثر چره مواد منفجره آسیب دید. برادر خوردرتم نیز همراه من بود. او کمی دورتر ایستاده بود و آسیب ندید، اما یادم است که گریه و فریاد می کرد. پس از انفجار، مردم که در بازار و پولیس مرا به شفاخانه عامه انتقال دادند. فوراً به شفاخانه ایمرجنسی کابل راجع شدم. دو ماه آنجا بستری بودم. سپس مرا به کمیته بین المللی صلیب سرخ راجع کردند. حدود چهار تا پنج ماه آنجا بودم و فیزیوتراپی می گرفتم. به خاطر تقویت پایم یک بریس [وسیله تقویت کننده پا] به پایم بسته بودند. هیچ کسی مسئولیت انفجار را نپذیرفت. ما در مورد هدف یا انگیزه این رویداد هیچ اطلاعی نداریم."
۱۸۷	محفوظ	محفوظ	"یک ماین دست ساز، موتر رنجر پولیس را هدف قرار داده. این ماین توسط طالبان جاسازی شده بود و چره های ماین به قفسه سینه ام و معده ام آسیب رساند. دو نفر دیگر نیز زخمی شدند؛ یکی از آن‌ها راننده همان موتر بود. این یک حمله کوچک بود."
۱۸۸	۲۳ می ۲۰۲۰	ولایت لوگر، ولسوالی بره کی برک، قریه پادخواب روغنی	"این رویداد حدود پنج سال پیش در عید فطر اتفاق افتاد. من در راه بازگشت از کار رنگمالي خانه بودم؛ یک کار در یک خانه تمام شده بود و به خانه دیگری می رفتم. این حادثه در لوگر، ولسوالی بره کی برک، قریه پادخواب روغنی، نزدیک خانه ما رخ داد. حدود ساعت ۱۰ شب بود. سوار بر موترسایکل بودم. با نیروهای ریاست امنیت ملی روبه رو شدم که یک عملیات شبانه انجام می دادند. آن‌ها سه مری بالای من شلیک کردند و من به زمین افتادم. نیروهای امنیت ملی بالایم آمدند و من به آن‌ها حرف های تندی زدم و پرسیدم: "چرا بالایم فیر کردید؟"

شماره مصاحبه	تاریخ	محل	توضیحات قربانی
			آن‌ها گفتند فکر کرده بودند من طالب هستم. سپس سه مری دیگر به دست و قلبم شلیک کردند و مرا همان‌جا رها کردند. پس از فیر کردن، مردم صدا را شنیدند و بیرون آمدند. من خودم را معرفی کردم و اقراریم آمدند و مرا به شفاخانه ایمرجنسی لوگر انتقال دادند. وضعیت من بسیار وخیم بود و نزدیک بود قلبم از کار بیفتد. همان شب به شفاخانه ایمرجنسی کابل انتقال یافتم و نه شب در آن‌جا بستری بودم و سه عمل جراحی انجام دادم. داکتر شفاخانه ایمرجنسی توصیه کرد که شش ماه در خانه استراحت کنم، اما به دلیل مشکلات اقتصادی، پس از چهار ماه دوباره سر کار رفتم. پس از این رویداد هنوز هم درد دارم؛ تا امروز در هوای سرد، انگشتان پای چپم درد می‌گیرند."
۱۸۹	محفوظ	محفوظ	"من چهار بار زخمی شده‌ام. [سه بار توسط ماین‌های دست‌ساز؛ یک بار هم زندانی شدم توسط طالبان، قبل از تسلط آنان.] من فرد نظامی نبودم، اما ارتباطات و دوستانی داشتم که نظامی بودند. یکی از دوستانم در نیروهای خاص نیروهای بین‌المللی وظیفه داشت. گاهی از طریق آن‌ها سلاح و وسایط نظامی در اختیار داشتم. [...] در تمام بدنم زخم دارم: پاها، کمر، سینه. در اولین حادثه، از ناحیه شانه و کمر زخمی شدم. همچنین توسط طالبان به شدت لت‌وکوب شدم. [...] جنگ بدبختی است. من از وضعیت خود بسیار غمگین و پشیمان هستم. یک‌بار، برادرم بزرگ‌ترم [توسط طالبان بندی شده بود] به خاطر من. [آن‌ها] به من زنگ می‌زدند و می‌پرسیدند: چه نوع شکنجه‌ای را برای برادرت می‌خواهی؟ پلاستیک روی سرش بگذاریم یا او را در آب غوطه‌ور [نوعی شکنجه که در آن دستمالی روی صورت فرد گذاشته می‌شود و از بالا آب بر روی او ریخته می‌شود تا نفس کشیدن برایش ناممکن گردد] کنیم؟"
۱۹۰	محفوظ	محفوظ	محفوظ
۱۹۱ (سه مصاحبه)	۲۰۱۶	ولایت لوگر، ولسوالی بره‌کی برک	اواخر سال ۲۰۱۶ بود. ما در خانه یکی از اقاربمان در بره‌کی برک بودیم. میان طالبان و نیروهای امنیت ملی افغانستان جنگ جریان داشت. یک مری هاوان بر خانه اصابت کرد و دو پسر - شهیر احمد و وحید الرحمن - زخمی شدند. برادر بزرگ‌تر شهیر احمد کشته شد. وحید الرحمن از ناحیه کمر و شانه زخمی شد. پای راست شهیر احمد از زیر زانو قطع گردید.